وپس ا زدوسه روزوبعدا زبین بردن عما ل رژیم وبدست آ مد ن سلاح ومهما ت ولسوا لی را ترک مینمودند .
به ا ینصورت مردم مسلما ن ومجا هدا فغا نستا ن کــه در ا ول مبا رزه شا ن را علیه رژیم با بیل ،کلنگ ، تبروکا ردشــروع نموده بودند .کنون که با بدست آ وردن سلاحها ی قشــون یکصدوبیست هزا رنفری نظا میا ن ،قوا ی ا منیتی وا عضــا ی خا درژیم وخلع سلاح نمودن چندین مرتبه ولسـوا لی هــا ی مربوطه وتخلیه سلاح کوت ها ومخا زن نظا می قشله ها ی فتــح شده وبه غنیمت گرفتن سلاحها ی که توسط کا روا نها ی دولتـی وا ردمملکت میگردیدویا ذریعه عما ل رژیم ا زیک ولسوا لــی به ولسوا لی دیگرحمل وا نتقال می شدودربین را ه توســط قوا ی جها دی به تصرف درآ ورده می شدبا لک ها میل سلاح جدید وعصری تا دندا ن مسلح شده ا ندبا زهم رژیم وبا دا ران روســی شا ن تبلیغ می نما یندکه مجا هدین را دولت ها ی غـــرب ومرتجعین پا کستا ن وا یرا ن مسلح کرده میفرستندتا زندگی صلح آ میزمردم ما را برهم بزنند .
درحا لیکه تا پیش ا زحمله مستقیم شوروی ومدا خله نظا می علنی شا ن دول غربی وممالک ا سلامی جرئ ت کرده نمیتوا نستندکه حتی کمک ها ی موا دغذا ئی وطبی که به مجا هدین می نمودند نیزا فشا ء کنند .مجا هدین ا سلام به قوت ا یما ن وسلاح هــا ی بدست آ مده ا زغنیمت روسها وقدرت نظا می قوا ی یکصدوبیست هزا رنفری رژیم جنگیدندوقوا ی عسکری ا منیتی ،وخا درژیم را بزا نودرآ وردند .مگربا زهم با همه ا ین حقا یق وعلنیت ها رژیم وبا دا را ن روسی شا ن تبلیغ مینما یندکه ا زطرف فلان دولت ا مپریا لیستی وفلان دولت مرتجع بــــرا ی دزدا ن رهزنا ن را نده شده ا زا فغا نستا ن سلاح دا ده میشودوآ نهـا را

مسلح ساخته برای قتل مردم افغانستان به مملکت صادر می‌نمایند.
این تبلیغات رژیم ورهبران کرملین با عملیات که همه روزه درداخل ساحه عملیات ودرنظر مردم صورت میگرفت و خود مردم مجاهدافغانستان عملا" درآن شرکت کرده با اعطای کمک های مادی ومعنوی خودحمایه وپشتیبانی می نمایند مخالف بوده که اندازه کذب وفریبکاری روسها وعمال مزدور شان را روزتا روزرسوا وافشاء ساخته میرفت. که بربی اعتباری وضعف اندیشه های فاسدشان بمثابه اهداف ضد اسلامی وسیاست نژادی واجتماعی رژیم می افزود.
گرچه روسها خوب می دانستندکه چقدرسلاح ومهمات نظامی را به قوای رژیم تحویل داده اندوباحصائیه دست داشته می فهمیدندکه این سلاحها ومهمات نظامی وافرقوای نظامی رژیم که ازیکصدوبیست هزارنفربه کمترازسی هزارنفررسیده بکجا رفته اندوبذریعه چه کسانی برعلیه قوائ باقیمانده رژیم مورداستفاده قرارداده میشودولی بفکراینکه جهانیان وبالخاصه مردم افغانستان را فریب میدهندوتاحدممکن قوائ مقاومت ومجاهدین اسلام راازکمک های علنی وانسانی ممالک اسلامی خواهدترسانندومحروم خواهدساخت دست به چنین تبلیغات بیشرمانه ومسخره می زدتااگربتوانندبه اثر چنین تبلیغات محیلانه را ه را برای موجه جلوه دادن کمکهای بیدریغ کرملین بررژیم بست نشانده وبالاخره جهت موجه جلوه دادن مداخله مستقیم روسها وپیاده کردن قوای نظامی شان زمینه را مساعدنمایند. وراه را برای استعمارجدیدروسیه وبسوی آب های گرم بحرهندوخلیج فارس بازنمایند. درغیر آن نزدروسها ثابت بودکه اینهمه سلاحهائی که مجاهدین

اسلام از عمال رژیم و قوای مزدور شان بدست آورده اند دیگر احتیاجی به سلاح وکمک از خارج ندارند و در صورت دوام جنگ میتوانند طبق گذشته و با سلاحهای دست داشته مدت طولانی به جنگ ادامه بدهند و با زهم سلاح مورد نیاز شان را از قوای رژیم و در صورت مداخله مستقیم روسها از قوای روسی سلاح بیشتری بدست آورند. وجهادشان را الی هائی که ملا فغانستان علیه اشغالگران و مزدوران شان و تسلیم شدن بلاقید و شرط متجاوزین کرملین وحصول غرامات جنگی ادامه بدهند.

علاوتا" هرگاه روسها حق داشته باشند که خود با پیلدهٔ کردن قوای نظامی شان در امور مملکت آزاد و بیطرف مستقیما " مداخله نماید، مردم مسلمان و مجاهد افغانستان هم حق دارند که از ممالک اسلامی و آزاد جهان سلاحها و مهمات نظامی ضرورت شان را بدست آورند، فرضا" اگر از جانب ممالک اسلامی سلاحهای دفاعی تانک وطیاره که فرضیت جهاد اسلامی به آنها حکم میکند بدسترس مردم مجاهد افغانستان قرار داده شود تا ذریعه آن بتوانند در مقابل رژیم ملحد و بیخدای کرملین و دست نشانده گان شان که ملیونها نفر انسانهای شریف و بیگناه مملکت ما را به قتل رسانیده اند و یا آواره ساخته اند دفاع و محافظت نمایند البته وظیفه اسلامی و بشری خود را اداء می نمایند.

اگر متجاوزین روسی از جانب سازمان ملل متحد و یا ملل مسلمان، ظالم، قاتل شناخته نمیشود، اقلا" مردم مجاهد افغانستان که عضو خانواده بشری میباشد در برابر محافظت خاک و خانه و وطن شان حق خواهد داشت سلاح و مهمات مورد ضرورت شان را از کجا که لازم بدانند تهیه نمایند. این کتله انسانها که عضو خانواده بشریت اند نیز حق آزادی و زندگی دارند.

درصورت که رژیم دست شانده روسها نه تنها توسط کمک های نظامی مادی ومعنوی کرملین حمایه میشوند بلکه توسط تمام دول شامل پکت ورشوا زقبیل : چکملواکیه ، بلغاریه ،پولیند آلمان شرقی ،کوریا ، کیوبا ، وویتنام معاونت میگردند.
وقت که با تجاوز آلمان هتلری علیه روسیه ،آلمان از جانب سازمان ملل محکوم گردیدو با اخذ غرامات جنگی از ملت ونسل موجوده آلمان که غیرنظامی وهیچ گناهی ندارند محکوم بپرداخت خساره جنگی میشوندکه تا امروزپس از مدت ۴۳ سال هنوزغرامت می پردازندوزهبران وقت آلمان نازی ذریعه ملل متحدمحاکمه ومحکوم میگردند آیا تلفات امروز مردم افغانستان به تناسب جمعیت آن با جمعیت روسیه کمتر از روسیه میباشدوکمترخساره مادی دیده اند؟ چطوراین ملل آزادیخواه واعضای ملل متحددرمقابل اشغال افغانستان بحیث یک مملکت آزادوبیطرف وقتل عام مردم وویرانی خانه وزنده گی شان خاموش نشسته اندودم نمیزنند؟
آیا مملکت افغانستان سمت عضویت ملل متحدرا ندارد؟ ویا این ابرقدرت ها اندکه از تشکیل ملل متحدنفع می بردند وحاکمیت شان از آنجا بالای ملل فقیرتحمیل میگردد؟ مردم مظلوم ومسلمان افغانستان ذریعه توریدلک ها تن مهمات حربی ودها هزارتانک وهزارها طیاره توسط رژیم بیخداء واشغال گریه ویرانه تبدیل میگرددوحتی اطفال معصوم شان که مطابق منشورملل متحد ،قوانین بین المللی وحقوق بشر حق زنده گی دارندزیرخرلبه خانه ها مدفون میشوند وملیون ها نفرازخانه ومسکن شان بکوهها پناهنده میگردند حق ندارندبرای دفاع ازخودسلاح موردنیازشان راازملل مسلمان بدست آورند؟ اینست حقوق بشرشامل منشورملل متحد؟واینست سازمان خانواده بشری ملل متحد؟

دیکتا تورا ن کرملین برخلاف تما م موا زین بین ا لمللی وحقوق بشربرا ی برسرقدرت ما ندن چندنفرمزدورشا ن ملیون ها نفرمردم ا فغا نستا ن را بقتل رسا نیدویا ا زخا نه وزندگی شا ن آوا ره سا خت ،ذریعه توپ طیا ره به قتل رسا نید ،مردم بیگنا ه غیرنظا می را بمبا ردنمودوقتل عا م کردوبا همه ا ین وحشی گری ها ی بیرحما نه با زهم درسا زما ن ملل گستا خا نه خودراحا می بشریت ومردم ا فغا نستا ن می گویدوحق مشروع میدا ند .ولی با توریدسلاح ها ی خفیفه خا رج ا زسرحدا ت ا فغا نستا ن ذریعه مردم مجا هدما مدا خله خا رجی میگوید وپنا رهندگا ن ا ین مردم مظلوم را مرتجع ،ا مپریا لیزم وغیره خطا ب مینما ید ،آیا ا ین ا عما ل وگفتا ررهبرا ن کرملین دربرا برسا زما ن ملل متحدزورگوئی وقدرت نما ئی درمقابل همه ملل جها ن نمیبا شد ؟وهمه سیا سیون وعلما ی جها ن را با زیچه سیا ست خودتصور مینما یند .

بهرصورت ا ین ا برقدرت فا شیست سوسیا ل ا مپریا لیزم که یک مشت ا نسا نها ی فا سدودزدا ن ما ل وجا ن ونا موس ا فغا ن ها را با ا عطا ی لک ها میل سلاح وبحما یه طیا ره وهزا رها عرا ده تا نک وتوپ وحما یه ما دی ومعنوی ملیونها ا فغا ن را توسط آ ن بقتل رسا نیده ویا ا زخا نه وآ شیا نه شا ن آوا ره ساخته ا ندووطن شا ن را به ویرا نه مبدل نموده ا ند ،نا م ا ین آ دمکشا ن را شریف وحما یه شا نرا خدمت وکمک به بشریت میگذا رندولی آ نسا نها ی که درمقا بل ا ین آ دمکشا ن ا زخود دفا ع مینما یندبنا م ا شرا ر ،دزدوقطا ع ا لطریق میگویند ونوکرا مپریا لیزم وخا ئن خطا ب میکنندعمل دورا زوجدا ن ا نسا نیت وضدبشری نیست ؟ ا گرچنین ا ست هردولت قوی میتوا ندبه بها نه ها ی مختلف ملل ضعیف را بخا ک وخون

بکشانند آیا درین عصراتم وقرن تمدن بشریت قانون حیوانی وجنگل را درقرن بیست تائید نمیکنند؟ پس آلمان نازی که برای حمایه آلمانی های ساکن سرزمین شوروی برروسیه حمله نموده ودرحدود بیست ملیون جمعیت اتحاد شوروی را به قتل رسانید حق بجانب بود وکشتار بیرحمانه یهودیان ساکن پولیند را هم به اثر تقاضای یهودیان ساکن آلمان براه انداخته بودند درست وعادلانه بوده پس چرا امروز یهودیان اسرائیلی درتمام جهان وتوسط ذره بین عقب نازی های آلمانی که مسول مظالم یهودیان آلمان وپولیند اند درتمام کره زمین تعقیب می نمایند واز هرگوشه وکنار آنها را از پناهگاه های شان خارج کرده وبه قدرت ملل جهان به میز محاکمه می کشانند. اگر امروز صدای مردم افغانستان را جهانیان نمیخواهند بشنوند فردا روزی خواهد رسید که مردم جهان اند افغان یک یک مجرمین جنگ تحمیل شده وقاتلین ملیونها نفر مردم مسلمان افغانستان را حتی از قبرها کشیده به میز محاکم وعدالت حاضر نمایند ودربرابر دیده جهانیان بسوزانند.

تره کی رهبر حزب وابسته اعضای حزب را بوهدایت دیکتاتوران کرملین دعوت نمود تا هرکسی که مانع سر راه رسیدن شان به هدف کمونست سازی جامعه افغان گردد به قتل برسانند حتی گفت پوستش کنید ونابودش کنید. آنها را معلم، افسر وانجنیر ودا کتر جامعه خوانند، درحالیکه همه اعضای حزب بی سواد، جبون، بداخلاق وتردشده از جامعه بودند از همین جهت بود که رژیم هزاران نفر قاتل، دزد وآدمکش را از محابس رها کرده با شمولیت آنها درسازمان های حزبی وبعداً " با شمولیت شان درکدر رهبری حزب خلای جبن خودرا پرساختند

وهم‌تره‌کی ودیگررهبران رژیم میگفتندکه طبقه فیودال سرمایه‌دار،روحانیون وشخصیت های ملی وقومی (صاحب رسوخان جامعه)دشمنان واقعی حزب اندکه رژیم باآنها آشتی ناپذیراست بایدباآنها طوربی امان مبارزه‌کرد والی محوکامل این طبقات انقلاب رژیم تکمیل شده نمیتواندمخصوصا "علماء وروحانیون جامعه‌راافیون جامعه می نمامید.

بااینصورت اعضای مسلط شده‌سلاح بدست حزب باچنین مفکوره‌تزریق شده‌ازجانب حزب ودیکتاتوران کرملین وبنام پاکسازی جامعه‌افغانی درقدمه‌اول ،شخصیت های ملی ،روشنفکران ،علماء حیددین وروحانیون ،سرمایه داران مامورین ،نظامیان ،دهقانان وکارگران منور وروشنفکرراکه‌تعدادشان به‌هزاران نفرمیرسید،ذریعه‌عمال حزب دست نشانده‌درمرکزوولایات افغانستان وولسوالی ها دستگیروبشهادت رسانیدندتاازسرراه‌کمونست سازی جامعه‌وازنظررهبران کرملین دورساخته‌شوند.

درین جمله‌بعدا"درحدودیکهزارنفرازاعضای حزب پرچم شامل بودند.که‌بااثربرطرفی رهبران شان ازنمایندگی های سیاسی وتمردازحاضرشدن به‌کابل‌علیه‌رژیم‌خلقی برسرقدرت تمردوتخریبکاری نموده‌بودند.درسپردن اعضای حزب پرچم به‌جلادخانه‌قصابان روسی ورسانیدن شان بدم‌ساتوران مین هدف روسها این بودتاهرموقع که‌بخواهندبین دوجناح خلق وپرچم‌ازهمین آله‌برنده‌استفاده‌کرده‌آتش دشمنی شان رادامن بزنند،یعنی به‌اصطلاح شعارهای استعماری تفرقه اندازوحکومت کن رابه‌حیث آله‌استعماری کهن درمجری سیاست استعماری شان مورداستفاده‌قراردهند.

رژیم‌بعداً" دررا ه‌پاکسازی جامعه‌جای خالی محبوسین جانی را بذریعه مردم‌بیگناه پرکرده‌حتی تهکاوی های اکثر دوائردولتی ،شفاخانه ها وحتی تونل های معادن را توسط مردم‌مسلمان افغانستان مملونمودندکه‌با وصف قتل های دستجمعی نوبت‌اعدام‌همه‌شان نمی رسیدمجبوراً صدها نفر را با دست وپای بسته‌به‌طیاره‌ها بارکرده‌ازفضا به دریا ها ودرکوه‌ها رها میکردندوخودرا ازتکلیف نگهداری ،مصرف وتغذیه‌شان وآنها را ازتکلیف وعذاب شکنجه‌جلادان روسی راحت مینمودند.

به‌اثرچنین اعمال وحشیانه‌رژیم‌که‌بدون سبب دست به‌قتل پدران ،مادران واطفال معصوم‌مردم‌افغانستان می زدند افرادقوای نظامی ،امنیتی وغیره‌صفوف قوای رژیم را رها کرده‌به‌صفوف مجاهدین افغان می پیوستند که‌صفوف‌قوای رژیم‌روزتا روزضعیف شده‌وصفوف مجاهدین تقویه‌شده‌رفت.

رژیم‌به‌امرباداران روسی شان وبه‌ایجادوحشت وبرای خفه نمودن نهضت انقلاب اسلامی نیزجدی ترشده رفت و جهت شکستاندن نهضت مقاومت ملی واسلامی شروع نمودند به‌بمباردمان قریه‌جات ،قصبات وولسوالی ها وقتل عام مردم‌غیرنظامی .مردم‌مسلمان با فرستادن فرزندان شان برای سهم‌گیری درصفوف جهاداسلامی وکمک نمودن مادی ومعنوی شان سنگرجهادومقاومت را تقویه‌می نمودند.

اکثراً قوای نظامی رژیم‌که‌افرادآن بیرحمی های رژیم‌را دراثربمباردمان مناطق غیرنظامی وبقتل رسانیدن زنان اطفال وموی سفیدان منطقه‌مشاهده مینمودند،با قتل افسران شان جوقه‌جوقه‌با سازوبرگ نظامی وسلاح‌دستداشته به‌مجاهدین می پیوستندکه‌عمال رژیم‌با ازدست دادن سلاح

وقوای انسانی روزتا روزدرتشویش فرورفته‌احساس خطر مینمودند .به‌اینصورت مجبورشدندتا باقبول هرگونه‌شرایط دراموا بستگی شان برروسها اتکا نموده‌وخودراتا دم‌مرگ به‌آنها متکی سازند .وبرای بقای خودمبارزه‌نمایند دراثرشدت بمباردمان روسها اکثرقصبات وقریه‌ها ویران واهالی آن زیرخاک مدفون شدندمگرمجاهدین افغان هم‌با حملات بی امان وقربانی توانستندااکثرولسوالی ها رااز کنترول رژیم‌آزاد نمایند ،اکثرمحابس رابروی زندانیان مجاهدباز نمایند ،غنائم وسلاحهای زیادتری بچنگ آورند .اما ازهمه‌مهمترانیکه‌اکثراعضای محلی حزب مزدورکه‌درولسوالی ها بحیث جاسوس رژیم‌کارمیکردند بدست آمده‌پس ازمحاکمه‌محکوم‌وبجزاء رسانیده‌شدندکه قصبات وولسوالی ها ازوجودعمال ملحدپاکسازی گردید .
چون هدف ما ازتفصیل واکثراً تکرارموضوعات درین بحث اینست که‌هموطنان عزیزونسل آینده‌وحتی علاقمندان ودوستان مردم‌افغانستان وبشریت بدانندکه‌درعمق اعمال ولفکار این دیواستعمار روسیال امپریالیزم‌چه‌خدعه‌ها وفریبکاری ها موجوداست ودرراه‌رسیدن به‌اهداف استعماری شان به‌هیچ نوع ارزش های معنوی واخلاقی پابندی ندارندوواضح شودکه‌چطورمردم‌افغانستان‌را ذریعهٔ امکانات مادی شان قتل عام‌نموده‌وطن شان راذریعه‌خودمردم افغانستان وتحت چه‌نامها حاضرنمودندتا بویرانه‌تبدل نمایندوبعداً که‌دانستندبه‌اشرقساوت های بی حدممکن است عمال شان که‌آنهم‌افغان اندبیشترحاضربه‌کشار بی رحمانه‌قوم‌ومردم‌خودنشوندآنها راتحت چه‌احساسی وتخویف ازانتقام‌جوئی مردمانش به‌مبارزه‌مرگ وزندگی کشانیدند تا هردوطرف برای نجات‌ازمرگ الی سرحدمحوکامل

مردم خود جهت پیشبرد اهداف استعماری شان تلاش و خدمت نمایند.
بهرصورت مجاهدین قهرمان با عشق و علاقه و جسارت توانستند الی ماه جوزای ۱۳۵۸ اکثر ولسوالی ها و قریه جات را از کنترول قوای رژیم آزاد نمایند و بساز ولایات نیز از وجود ملحدین و حامیان شان پاک گردید و ضع جنگ از صورت دفاعی خارج شده به صورت جبهئی داخل گردید.
ازجانب دیگر درپشاور و لیران تنظیم های جهادی تشکل یافت و رهبریت جهادی ما ازگروپ های جهادی داخل افغانستان بشکل سازمان یافته منظم و رهبری نموده احتیاجات ولوازم ضروریه توسط کمک های داخلی و خارجی جمع آوری شده مستقیماً" به جبهات مربوطه تأمین گردید، کمک های اولیه صحی به مصدومین و مجروحین جنگ واهالی تاحدی مشکلات جهادرا رفع نمود که با این سهولت ها وتدارکات سهم برادران ملت و دولت اسلامی پاکستان ایران، عربستان سعودی ومصر غیرقابل فراموشی است.
با تشکل تنظیم های محترم جهادی و کمک های غذائی و صحی وضع جهاد اسلامی علیه اشغالگران و ملحدین دست نشانده گان، بهتر شد و با صدای رسای الله اکبر جهاد عمومی اعلان گردید که از جانب همه مردم مسلمان در شهرها و مراکز ولایات نیز لبیک گفته شد، در شهر ولایت هرات بروز ۲۴ حوت (۱۳۵۷) توسط مردم مسلمان و پاک دل که از ولسوالی های مربوطه براه افتیده بودند در شهر جمع شده با مردم شهرهرات همراه شدند، با اشغال بعضی ادارات دولتی رژیم توسط بیل کلند، تبر، کارد و چوب بالای قشله عسکری رژیم حمله نمودند که با همکاری صاحب منصبان مسلمان قشله استقبال

(۱۳۵۲) الی سال (۱۳۵۷) روسها وهندی ها از همین حربه بحیث آله فشار وماده فساد وتبلیغ مسلح شدن قوای نظامی حکومت جمهوری ومسلمان پاکستان استفاده نموده با تیره کردن روابط این دو ملت را در سه مرحله به جنگ خانمانسوز وویران کن برادرکشی تقابل نمودند ومیخواستند رژیم مغرور وخودخواه محمدداود خان را وادر جنگ نموده وبنام حمایه از آن رژیم قوای خودرا مستقیماً وارد خاک افغانستان کرده ماهی بیگیرند. البته هدف شان بی ثبات ساختن دول منطقه ورا ه یافتن به بحر هند وخلیج فارس بود. چون دول مسلمان منطقه برا هداف روسیه شوروی مطلع بودند ودولت امریکا هم تا حدی از خواب غفلت بیدار شده حمایه اش را با کمک نظامی واقتصادی از دولت برادر ومسلمان پاکستان اعلام نمود. روسها هم با تشویش از درگیری مستقیم در جنگ علی العجاله رژیم محمدداود خان را بنام عدم آمادگی نظامی بدام فروش سلاحها ی فرسوده ، قرض و کمک های اقتصادی وبرای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک متعهد نمودند ودها هزار نفر جاسوسان شان را وارد مملکت افغانستان کرد که مجدداً محمدداود خان نتوانست از خط مشی سیاسی روسها بیرون نماید. وبهمین نام کمک های نظامی واقتصادی وبرای پیشبرد اهداف ایدئولوژی اش عمال وجاسوسان (ک ، ج ، ب) را وارد عمل نموده بنام مشاورین نظامی ، اقتصادی ، تخنیکی وپروژه سازی برتمام دستگاه های دولت مسلط نمودوهم حزب وابسته را تشکیل وپرورش داده تقویه نمودند.

زمانیکه آقای نکسن معاون رئیس جمهوری امریکا درماه قوس (۱۳۳۲) وارد کابل گردید ، از جانب مردم افغانستان

گردید ،اعضای حزب مزدوردرقطعات نظامی ومشاورین روسی که مجال فرارنیافتند از بین برده شدند وحتی دونفر از مشاورین درحال گریز درسرک بین قشله وشهر درحصه قریه جکان توسط مردم مسلمان به قتل رسانیده شدند.
درین فتح وتصرف قشلۀ عسکری بیش از ۱۳ هزار میل سلاح ومقدار زیادی مرمی ومهمات نظامی بدست مجاهدین قهرمان به غنیمت گرفته شد ومدت ۲ روز قشله مذکور کاملا" درتصرف مجاهدین بود تا اینکه تانک های روسی مستقردرقندهار وطیاره های روسی مستقردرکشکی شوروی واردمیدان شدند حزبیان مخفی شده مانند موش ازسوراخ ها برآمده بحمایه تانکهای روسی وطیاره ها که از کشکی به پرواز درمی آمدند وافغانها که دافع تانک وطیاره نداشتند شهرهرات وقشله عسکری دوباره به تصرف قوای روسی ورژیم ملحد درآمد ،درین جنگ که برای اعاده کنترول رژیم برشهرهرات بین قوای ملحدین ومجاهدین اسلام مدت دوروز دوام داشت درحدود بیش از بیست هزار نفر اهالی بیدفاع وغیرنظامی شهرهرات بشهادت رسید .طوریکه گفته می شد یکنفرخیاط بچه عضوحزب مزدورپس از تصرف شهرهرات گفته بود که با همین دست خود بیش از پنجصدنفر مسلمان را بشهادت رسانیده ودرمحضر همکاران حزب دست های خودرا می بوسید وافتخارا" بدیگر حزبیان نشان می داد.
پس از تصرف شهرهرات عمال رژیم مشاورین روسی شان در ظرف ده روز تعداد بیش از هشت هزار نفر ازشخصیت های ملی، علماء ، روحانیون وتاجران مسلمان ووطن دوست را بنام اشتراک درانقلاب اسلامی هرات ازخانه ها ،سرکار ،سرکها ومزارع شان گرفتار نموده وبعدا مرعبدالحی یتیم آن جانی

وجلادامین بدون تحقیق محکوم به مرگ ساختند که یا در پولیگون زلمی کوت مدفون شدند ویا با دست وپای بسته از طیاره دردریا وکوهای مربوط ولایت رها شدندوازبین رفتند گفته شدکه یکنفرحزبی خون آشام درحضوریتیم بی پدربرچه خودرا تا دسته درشکم یکی ازین قربانیان فروبرده خونش را با زبان خودپاک کرده بودکه عبدالحی یتیم اورا نوازش نموده گفته بود: پیرورهبرکبیرکمونست های جهان باید چنین باشد".

همچنین درماه حوت ۱۳۵۷ صدای جهادعمومی درپنجشیر وتوسط مردم مسلمان آنجا برهبری انجنیرمسعود مجاهد قهرمان آنجا بلندشدکه تاامروزبهمان قدرت وشدت اولیه حماسه ها آفریده اند

درماه جوزای ۱۳۵۸ مردم مسلمان ومجاهدنورستان قدعلم کرده وبه اشرف عالیت های جانبازانه شان توانستندقدرت را بدست بگیرند.

وهم درهمین ماه حوت مردم مسلمان فراه به قیادت مجاهد محترم محمدانورخان پیلوت قیام نمودند.

درماه ثورمردم مسلمان غورات دست به جهادعمومی زدند.

مردم مسلمان ومجاهدین قهرمان ولایت لوگردرماه ثور ۱۳۵۸ برهبری عالم جیدحاجی عبدالاحمدخان ومولوی خوشحال خان توانستندبراشریک حمله برق آسا ولسوالی های برکی برک، محمدآغه، علاقداری چرخ ومرکزولایت لوگررا فتح کرده مقدارزیاداسلحه ومهمات نظامی را به غنیمت بگیرندودر حدودبیش از شصت نفرازملحدین حزبی شامل ولسوالی ها ومرکزولایت لوگررا بشمول مدیرتعلیم وتربیه، مامورین ومعلمین رژیم را به جزای اعمال شان برسانند، دفاترژیم

را آتش زدندوبعداً عمارت ولسوالی محمدآغه ،برکی برک وعلاقداری چرخ را ویران وازاستفاده آینده رژیم خارج سازندکه بعداز چندروزرژیم بااستفاده از تانک ،توپ وطیاره توانست صرف مرکزولایت راکه درموقعیت استراتژیکی شاهراه بین کابل وگردیزواقع بود ،فعال نماید ولی مرکز مذکورهم جزهمان ساحه عمارات شهرودواثرمربوطه بردیگر مناطق کنترول ندارد .ولسوالی برکی برک ومحمدآغه وعلاقداری چرخ تاامروزدرتصرف مجاهدین منطقه قراردارد.

بهمین صورت فرقه عسکری حسین کوت ،قشله عسکری ولایت فراه ،قطعه عسکری زابل ،قشله عسکری فاریاب ،قشله عسکری اسمار ،قشله ؤاندارمه زرنج ، وهم ولایت باذغیس ،تیرین وقشله ژاندرمه بدخشان وقشله ژاندرمه سپین بولدک بدست مجاهدین قهرمان فتح گردیدکه چون مجاهدین سلاح دافع هوائی ودافع تانک نداشتندواپس به تصرف قوای رژیم ملحد درآمد .

درشهرکابل ازروزسه حوت ۱۳۵۷ باصدای الله اکبرجهاد اسلامی آغازگردیدکه با مارش عمومی ازجانب مردم مسلمان درمساجدوسرک ها ،مراکزتجمع تشکل شدولی درنتیجه باسلاحهای گرم قوای رژیم بدرقه گردید .مخصوصاً" این رستاخیز درماه سرطان ۱۳۵۸ بهاوج خودرسیددرمکاتب دخترانه و پسرانه منجمله مکتب عایشه درانی ، رابعه بلخی ومکتب شوریا که مظاهرهٔ صلح آمیزشان را با قلم کاغذوکتاب آغازنموده بودندبا فیرکلاشینکوف وآتش تانکها مواجه گردیدکه چندین نفرکشته وزخمی بجای گذاشت ،روح شان شادونام شان زیب صفحات زرین تاریخ آینده وطن شان خواهدبود .

همچنان باتظاهرات مسالمت آمیزمردم مسلمان خیرخانه کوته سنگی ،سیدنورمحمدشاه مینه که جانب شهرروان بودند

درمقابله با تانکهای رژیم مواجه شدند که صدها نفر شهید گردیدند. مخصوصاً" دراثر تظاهرات مردم مسلمان ومجاهد چنداول که منجر به فتح ماموریت باغ علیمردان وماموریت پولیس جاده میوند گردید، بعداً" به اثر مداخله قوای نظامی باعث قتل وگرفتاری هزارها نفر هموطنان مسلمان مسلمان گردید، که روح شان شادباد شد، دراثر حرکت مردم مسلمان کوته سنگی، خیرخانه ونورمحمدشاه مینه عده زیادی ازمردم مسلمان مناطق مذکورجان های عزیزشان را ازدست دادند که نام شان درتاریخ آینده وطن عزیزما ثبت است.

به این صورت ودراثر حمله مردم مسلمان درقیام عمومی مردم افغانستان رهبران کرملین که ضعف وناتوانی خلقی ها را دربرابر مردم مجاهدومسلمان افغانستان مشاهده نمودند دچار تشویش شدند ودرصدد برآمدند تا به اثر اتحاد بین دوجناح خلق وپرچم قدرت مقاومت ملی واسلامی مردم افغانستان را درهم بکوبند وازجانب دیگر با ایجاد طرح های مانند ریفورم وتطبیق اصلاحات ارضی وغیره مسائل که میتوانست از نگاه رژیم ورهبران کرملین دهقانان بی زمین واهالی شهرودهات را به گرد رژیم جمع نماید وهم وسیله تفرقه ونفاق گردد درمدت چندماه هشت قطعه فرمان صادر نمودند که مهمترین آن طرح مقرره اصلاحات ارضی ورفع سود بود.

هدف ازطرح اصلاحات ارضی (باوصف که ایدئولوژی کمونیزم خلاف ملکیت شخصی واصالت فرد است) اولا" خواستند اشخاص بی زمین وکم زمین را درپهلوی رژیم وعلیه مردم مجاهدومسلمان افغانستان متحد بسازند، زیرا این اشخاص دردهات وقصبات برای مجاهدین اسلام نان وجای شب باشی تهیه می نمودند وبا اخذ تعهد وشمولیت آنها به حزب پیوستگی

آنها با رژیم کمک موثری شده می توانست .و آنها را با توزیع اسناد تصرفی زمین (نه سند ملکیت زمین)دل خوش بسازند وفریب دهند .

دوم اینکه قبلاً" مردم بی زمین درپهلوی ملاک منطقه که از قوم ویا همسایه ملاک محسوب می شدند ودریک منطقه تحت فرمان ملاک زندگی میکردند ،رسوخیت ملاک را مانع همکاری شان با دولت می دانستند ،با دادن زمین مجانی به دهقانان (تفکر رژیم)بین شان اختلاف بروز نموده مجبور میشدند که با دولت همکاری نمایند .ثالثاً" اینکه اکثراشخاص بی زمین ازیک منطقه به منطقه ناشناس دیگری برای استفاده از زمین نقل مکان مینمایند که آنها می توانند بحیث جواسیس خلاف اعضای حزب که درولسوالی ها وقصبات پاکسازی شده از بین برده شده بود پر خواهند نمود وذریعه آنها رژیم از حرکت وانتقالات مجاهدین برای عملیات مطلع واستفاده خواهند نمود .رابعاً" ممکن است چنین اشخاص که زمین ملاک اصلی را تصرف میشوند از خوف جان خود وبرای محافظت از زمین وحاصلش از دولت سلاح بگیرند که به این صورت دولت درهرقریه دهها نفر در مقابل حملات مجاهدین پشتیبان وحامی پیدا کرده ومردم دردهات با هم مخالف شده از حمایت مجاهدین وامر جها د دست بردار خواهند شد .

وقتی رژیم با این هدف شیطانی وبسرعت درظرف چند ماه به تطبیق نا منهاد اصلاحات ارضی وبا صدور فرمان عمل نمود مردم مسلمان که خواندن نماز را درزمین غصبی مجاز نمی دانند زمین توزیع شده را تصرف نشده ویا اگرسند تصرفی را گرفتند آنرا درپیشروی ملاک پاره نمودند ویا با همان سند تصرفی زمین که درجیب شان بود بمقابل دولت به امر جهاد

دوا مدا دندکه بعضا" اشخاص مذکور درحالیکه اسنادزمین از جیب شان ظاهرشده درمقابل قحوای رژیم وقتی بشهادت رسیدند بدست آمده. وبعضا" درهمان زمان توزیع از هیئت موظف سند را نگرفته وگفتند که اگردولت غم مردم بی زمین را میخورد بهتراست از زمین های دولتی توزیع نماید. بعضا" که سند را گرفتند وزمین را تصرف شدند، نسبت اینکه موضوع رسانیدن آب وگرفتن حاصل از آن مستلزم سرمایه کافی بمنظور تهیه خانه یا لای زمین، تهیه تخم بذری وکود، تهیه قلبه ودیگر وسائل زراعتی بود دشوار مینمود وهم حاصل هشت جریب زمین داخل نصاب که از اراضی دشتی وکم آب وآنهم بطور نوبتی بدست می آمد کمتر از حاصل کارد ردیگر وظایف شناخته می شد وعملا" نمیتوانست ما حصل آن وپس از زحمت کشی یکساله دهقان زندگی فامیل اش را تکافو نماید از سکونت با لای زمین وتصرف آن خودداری نمودند که دولت هم برای چنین اشخاص از رهگذر تهیه وسائل عاجز بود. در حالیکه ملاک فرضا" از پنجصد جریب زمین نوبتی دست داشته دریک گوشه زمین به اندازه صد جریب آنرا درسال زرع مینمود وآب زمین را از یک دهنه وبدون پارچه کردن به زمین میرساند وبرای زرع زمین قبلا" خانه، تراکتور، تخم، کود وغیره وسائل زراعتی را آماده کرده بود به اینصورت از حاصل یکصد جریب مصارف زراعتی از قبیل جوی کشی، تراکتور تخم کود وغیره را تأمین نموده مصرف ملاک وفامیل اش را نیز تکافو می نمود ومی توانست همه ساله صد صد جریب زمین را طور نوبتی زرع نماید.

چون اعضای حزب مزدورخاص برای ایجاد تفرقه ونفاق وهمکارساختن طبقه دهقان دست به چنین عملی زدند که زمین

توزیع شده بعدا شرچنین اصلاحات ازرزع وحاصل دهی با زمانه وبناء" اراضی که بعدا شرزحمت کشی ومصرف لک ها افغانی از جیب ملاک به حاصل آمده بودمجدداً" بعدا راضی با ئروریگ زار تبدیل گردیدوبند ،کاریزومنبع آب زمین منهدم گردیدکه برای آبادنمودن چنین اراضی مملکت درآینده با زهم مدتها زحمت کشی ،کاروسرمایه ملی را ضایع خواهدساخت .درقسمت رفع گیروی وسودکه هدف کرملین ورژیم برای ایجادتفرقه ونفاق بین مردم شهرودهات ویک توطئه فریبکارانه بود . درطرح این پلان هدف این بودکه چون اکثرمردم دهات اولاد های خودرا برای کسب وپیشه وکاردرشهرها پس ازتحصیل مسکون می نمودند که درامورمعلمی ،کارگری ،دوکانداری وغیره مصروف زحمت کشی وپیدا کردن لقمه نانی بودندآز مدرک کاروزحمت کشی ومعاش که میگرفتندبا صرفه نمودن ازمعاش بخورونمیرماهوارشان وکاستن ازلباس وغذای شکم خودواولادخودسالانه مقداری جزئی پول ذخیره نموده آنرا دردهات محل سکونت بالای زمین باغ وغیره به گیروی انداخته بودندتاحاصل سالانه آن بامعاش که میگیرندکمک شده زنده گی خودوفامیل را بهتربسازند .رژیم ملحداین پول جزئی گیروی معلم وکارگررا به ملاک بخشیدومامور ،کارگر ،ومعلم بیچاره را به زعم خودشان ازبدست آوردن آن پول گیروی محروم نمود تا بعدا شرایجادچنین عملی بین مامور ،معلم وکارگرکه درشهر زندگی مینمایدوملاک که درقریه است اختلاف ونفاق بوجود آمده پای ماموروملعم ازرفتن به دهات قطع گرددوازآنها رژیم بتواند علیه مردم دهات وهموطنانشان استفاده نماید وهم آنهارا ازکمک به مجاهدین ورفتن بدهات محروم نماید . وازجانب دیگراین عمل شان را با تظاهربه احترام قوانین اسلام جلوه دهند .درحالیکه گیروی شایدعمل خلاف قواعداسلام

نبا شدکه علما ی جیدما درآ ن موردتا ا مروزکدا م مما نعتی ننموده‌ا ند .ولی مردم‌مسلما ن دها ت‌ا ین عمل شیطا نی رژیم‌ورهبرا ن کرملین را درک کرده میگفتندکه‌ا گروا قعا دولت مسلما ن ا ست بهترا ست سودوگیروی را ا زبا نک ها وشعبا ت دولت رفع نما ید .
رژیم‌ورهبرا ن کرملین ازین حیله‌ها ی شیطا نی نیز ا ستفا ده‌نتوا نستند ،رژیم‌ملحدوا بسته‌به‌رهبری کرملین برا ی ا یجا دوحشت وفشا ربرمردم‌مسلما ن با قتل عام توسط بمبا ری هوا ئی وزمینی ،تخریب قریه‌جا ت ،سیستم آ ببا ری وکا ریزها وحریق جنگلات ،مکا تب ومسا جدوغیره ذریعه‌جلادا ن رژیم‌چونا مین ،سروری ،ا سدا للـه‌ا مین،عبدالـه ا مین ،سیدعبدا لـه‌آ مرمحبس پلچرخی ،عبدا لحی یتیم سیدمکرم‌تـرون،طوفا ن ، سنگر ،آ فت وا مثا ل آ ن به‌جان ومال ومسکن مردم‌مسلما ن ا فغا نستا ن ا فتیدندتا توا نستند دست ها ی شا ن را به‌خون دها هزا رنفرمردم‌غیرنظا می‌وبیگنا م آ لوده‌نموده‌وبویرا ن نمودن قریه‌جا ت وا زبین بردن وسا ئل زندگی مردم‌پردا ختند .طورمثا ل درقریه‌کرا له مربوط ولایت کنرها که‌قبلا" درحدودچندصدفا میل زندگی مینمودندبه‌ا شربمبارد‌ما ن رژیم‌کا ملا"ویرا ن شده‌ومردم آ ن یا به‌قتل رسیده‌ویا فرا رنموده‌ا ندکه‌صرف ۹ نفر زن در آ نجا با قیما نده‌درخرا به‌ها ی قریه‌زندگی مینما یندوروزها با لای حضیره‌ٔ شهدا ی شا ن آ مده‌نا له‌وگریه‌مینما یند .
چون ا ین دسیسه‌ها ی رژیم‌برا ی تولیدنفا ق ا زهمبستگی مردم‌ا فغا نستا ن نکا ست بلکه‌هم‌بستگی مردم‌را زیا دتر وبیشتربسوی موفقیت ا نقلاب ا سلامی رهنمونی نمودوروسها با تزئیدبمبا ردما ن قصبا ت ودها ت که‌درکنترول مجا هدین

بودنیزموفقیتی بدست آورده نتوانستندچنانچه با تسلیم دادن لک ها تن بم ومین وگلوله وارسال صدها طیاره وتانک جدیدهنوزتسلط رژیم برشهرهای عمده آنهم ازطرف روزموجود است .طوریکه بعداً" معلوم گردیدیکی از جنرالان روسی که موظف حمل وانتقال سلاح های روسی به رژیم بود با عصبانیت برای عبدالقادروزیردفاع رژیم گفته بود :ما نمیدانیم که شما اینقدرسلاح را که تاحال بشما تحویل داده ایم چه میکنید .درحالیکه درجنگ عمومی دوم دولت ما اینقدرسلاح را مصرف ننموده درصورتیکه شما هنوزنتوانسته اید چندنفراشرار وبی سروسامان وبی سلاح را ازشهربرانید؟ اظهارشک وتردیدنموده بودکه سلاح های ارسال شده درست استعمال شده باشد .لهذا با اینقدرسلاح استعمال شده فهمیده میشودکه این رهبران خون آشام ومزدورکرملین وقصابان روسی که عملاً" درتمام عملیات نظامی بحیث تطبیق کننده ،پلان های عملیات اشتراک مستقیم داشتندچه برسر مردم ما آوردند .اکثراً" دهات بویرانه مبدل گشت ،درحدود بیش ازیک ملیون نفرتاحال بشهادت رسیدندودرحدود چارملیون نفربه ممالک همسایه ومسلمان وممالک عربی خلیج آواره ومهاجرشده اندکه درشرایط نامطلوب بسرمیبرند اماقوای نظامی رژیم به حمایه تانکها وطیاره های رژیم ملحدکرملین یک قدم به جلونرفته اند .درحالیکه دردهات وولسوالی ها کنترول بدست مجاهدین وسربازان اسلام قرار داشت وازطرف شب هم کنترول شهرها بدست مجاهدین بودکه باغافل گیرنمودن عمال رژیم ومعلمین روسی شان آنها را اختطاف ویا ازبین می بردندکه خواب را بچشم شان حرام نموده شب وروزدراندیشه بسرمی بردند .

با این فداکاری مردم مجاهدومسلمان افغانستان که درهر

گوشه وکنار مملکت حماسه ها آفریدند یکبار دیگر تاریخ قرن ۱۹ وجنگ میهنی با قوای استعماری انگلیس را تازه نمودند دیکتاتوران کرملین که مقاومت دلیرانه مردم مجاهد ومسلمان افغانستان را ملاحظه نمودند ،درپی اندیشه ء یافتن طریقه مسالمت آمیزکه فعلا" ازکمونست سازی جامعه دست بردارند وهمدراینجا داتفاق ووحدت بین دوجناح خلق وپرچم برتقویه کارببرد رژیم بیفزایند باترکی کسه برای اشتراک درجلسه سران ممالک غیرمنسلک عازم هاوانا بود درمسکو دیدن نمودند ،باوی درقسمت آشتی باکارمل که آنهم درمسکو بسرمی بردوطرح پلان شان را برای ازبین بردن حفیظ الله امین مذاکره کردندوپس ازآشتی کارمل وترهکی تطبیق پلان را ذریعه مشاورین نظامی روسیه وصاحب منصبان عالیرتبه خوبی ،بشمول سفیرشوروی صحه گذاشتندکه دروقت بازگشت ترکی ازهوانا به افغانستان باید حفیظ الله امین توسط افراد قطعه تشریفات ودرمیدان هوائی ترورمیگردید تا پس ازبین بردن حفیظ الله امین جناح پرچم که نسبت قتل عده زیادی پرچمی ها واتهام دزدی وبرطرفی کارمل ودیگر رهبران پرچم ازامین آزرده بودندمخصوصا" باحبس کشتمند ،رفیع وشکنجه وعذاب شان درمحبس واجرای بی ناموسی درحق شان خوشنودوراضی بهمکاری گردند .وبتوانند با همکاری تمام اعضای پرچم که دراروپا بسرمی بردند مانند کارمل ،وکیل ،نوراحمدنور ،نجیب ،اناهیتا وامثال آن امنیت را درافغانستان تاءمین وقوای مقاومت را درهم شکنند .

چون ترون درسفرماسکووهوانا بحیث یاورترکی باوی همراه بودقبل ازحرکتش جانب هوانا ازموضوع برای حفیظ الله

طوریکه سابقاً استقبال گردید. عقیدهٔ روشن فکران افغانستان براین بود که رهبران جهان سرمایه داری غرب از خواب غفلت بیدار شده با درک موقعیت استراتیژیک افغانستان و فهم براهداف دیرینه و درازمدت رهبران کرملین و با الخاصه درک ایدئولوژی روسیه و فقر و بیچارگی مردم مسلمان افغانستان و تب و تلاش روسها در زمینه توسعه نفوذ شان درین مملکت ممکن است با فرستادن معاونین ریاست جمهوری و اعطای کمک اقتصادی و تخنیکی احتیاج روزافزون ملل حوزه را برآورده ساخته این ملت فقیر را نیز از دام جنایات غول کمونیزم و دیکتاتوران کمونیزم نجات بدهند، ولی از جانب امریکا و متحدان غربی اش درین مورد توجهی بعمل نیامد. طوریکه معلوم شد معاون ریاست جمهوری امریکا در بازگشت بوطن اظهار نموده بود که افغانستان ارزش کمک مزیدرا ندارد، صرف مقداری مواد غذائی برای شان کمک شود.

شاید آقای نکسن فکر میکرد، هرگاه کمک های که به افغانستان داده میشود اگر برارتفاعات قصرهای شان در امریکا، لبنان وایران بمصرف برسد سیل کمونیزم نخواهد توانست برفراز ارتفاعات قصرهای مرتفع شان نفوذ نموده مانع آسایش شان گردد. بااینصورت با زهم جهان غرب فراموش کردند که موءسیسین و تیوریسن های ایدئولوژی کمونیزم با پخش تبلیغات زهرآگین و دررا ه جهانگیری واهداف استعماری شان، طبقه فقیر و بیمار اقتصادی و سیاسی جوامع بشری را با بیل و کلند، داس و چکش دعوت و بسیج نموده اند تا قصر های مرتفع وبزرگ فیودالان و بورژوا زخانوادهٔ بشری را ویران و چرخ های صنایع عظیم شان را درهم شکنند مبارزات شان را الی محو کامل طبقه فیودال و سرمایه دار

امین وپلان طرح شده رهبران کرملین اطلاع داد ،امین که درغیاب ترکی کفیل اوبودفقط درساعت وصول طیاره خامل ترکی به میدان هوائی افرادگارد تشریفات را تبدیل وتعویض نمودکه با تعویض شان پلان ترورامین خنثی گردید وپلانیکه درروز ۲۴ سنبله ۱۳۵۸علیه امین بایدعملی می شد بناکامی مواجه شد .چون سفیرشوروی ومشاورین روسی مامور تطبیق پلان بودندمجبوراً باید پلان راعملی می نمودند با ترکی درتماس شده دستوردادندتاامین راکه به مقر ریاست جمهوری حاضرنمیگردیدمطالبه واورابنام مشوره در موردکارضرووی دستورکرملین احضارنمایدودروقت داخل شدن به مقرریاست جمهوری ذریعه افرادمحافظ گاردازبین برده شود .ترکی فردای روزدیگربه امرسفیرشوروی پیام کرملین رادوسه مرتبه به امین ابلاغ نمودتابه ارگ جمهوری جهت مشوره حاضرشودولی امین که نسبت خنثی نمودن پلان کمرملین درمیدان هوائی کابل کینه توزی رهبرانکرملین راخوب می دانست به ارگ حاضرنمی شدتااینکه ترون ذریعه سفیرشوروی وترکی برای حاضرنمودن امین موظف گردید وبرای احضارامین به مقرصدارت عظمی رفته اوراازاطمینان دادکه جانش حفظ میشود .به مجردورودامین به ارگ درنزدیک دروازه قصرذریعه اشخاص موظف برامین فیروحمله صورت گرفت که امین درقسمت شانه زخم برداشت ولی باپروت وغلط زدن خودرابه موترسواری اش رسانیده ازارگ فرارنمود مگرترون که بین امین وافرادحمله کننده قرارگرفته بود به قتل رسیدوافرادنظامی داخل ارگ که تحت قوماندهٔ ترون بودندیک عده افرادنظامی مخالف شامل گاردجمهوری را باحمله کنندگان به قتل رسانیدندوترکی رابه امرامین که

ا زمقرصدا رت عظمی دستورمی دا دگرفتا رومخبوس سا ختند کەبعدا" توسط ا فرا دا مین وپس ا زا خذا ستعفا نا مەتږکی نسبت عذرمریضی با گذا شتن با لشت بردها نش ا ورا خفەوبە قتل رسا نیدەا زطرف شب درقل آ بچکا ن دفن نمودند .تومار نا بغەخودسا ختەروسها ذریعەنوکرا ن روسها نیزبرچیدەشد وما نندخدمت گا را ن دیگرکرملین قربا نی ا هدا ف روسیە گردید .

درظرف دوسەروزا زحا ل تږکی کسیخبرندا شت .روز۲۶سنبلە ا مین ا عضا ی شورا ی ا نقلابی را با کا بینەدعوت نمود وا ستعفی تږکی را نسبت نقا هت مریضی بەشورا ی ا نقلابی پیش کردەتصویب ومنظوری خودرا بحیث منشی حزب ورئیس جمهورا زشورا یا نقلابی بدست آ وردا زجملەکا بینەتږکی یک تعدا دشا ن کەدرتوطئەعلیەا مین با تږکی وسفیرشوروی همدست وشا مل بودندما نندسروری ،وطنجا روگلاب زوی در مفا رت شوروی پنا ەگرفتندوا لی زما ن بەقدرت رسا نیدە شدن کا رمل درآ نجا مستحصن بودند .

ا مین کەدرا ول قدرت تږکی بحیث وزیرخا رجەومعا ونتږکی درا مورصدا رت عظمی ودرا وا خرآ ن بحیث وزیرخا رجەصدرا عظم ومعا ون ریا ست جمهوری تږکی ومعا ون منشی حزب ا یفا ی وظیفەمی نمود .درحقیقت تږکی بحیث آ لەدردست ا مین آ ن شا گردوفا دا رش می چرخیدبا دورنمودن تږکی و دیگررقیبا ن پرچمی ا ش رسما" یکەتا زمیدا ن قدرت گردیدەبود .ا زرهبران کرملین خوا ست تا پوزا نف سفیربا قدرت شوروی را کەتما م عملیا ت کودتا ی روسی را علیەدا ودخا ن وپلان ترورا مین توسط ا وعملی می شدبنا مشخص نا مطلوب بەمسکوفرا خوا نند دیکتا تورا ن کرملین همچون دیدندا مین شخص جسورا ست

وحا لاقدرت را بدست گرفته هرگاه طورمسا لمت شرا ورا که از
توطئه کرملین درموردخودش مطلع است وبرآ شفته میبا شد،
کوتاه نکنند ممکن است برای شان دردسرا یجاد نماید ،لذا
پوزانف را به مسکوخوا ستندوچون درمقا بل کا را نجا مشده
قرا رگرفته بودندبه حما یه امین علی العجا له موا فقه نمودند
ودربرا برسفیرخودکه دومرتبه درپلان عملیا تی علیه امین
نا کا مشده بودبرآ شفته شدندوشا یددیگر بوجودآن درکا بل
ضرورتی احساس نمی نمودندعوض آنرا درنظرگرفته بکا بل
فرستا دند .
امین زمانیکه از شررقبای خودخودرا خلاص وپلان های کرملین
را بنا کا می موا جه ساخت خوا سته ها یش را با کرملین درمیان
گذاشت تا ظا هرا" بتوا ندبا حما یه از طرف کرملین موقعیت
خودرا مستحکم نما یدوهم ضرورت دا شت تا با کرملین جهت جلب
اعتما دشا ن قدری نرمش نشا ن دهدتا روسها از موضوع فراموشی
توطئه شا ن اطمینا ن خوا طرپیدا کنندوتصورنکنندکه موضوع
را فرا موش نکرده است .ولی درحقیقت هم امین وهم روسها
کا ملا" بی اعتما دشده بودندوامین هرآن گوش بخطردا شت
که درا واخردوره کا رخود مخصوصا" از حمله هوا ئی برکابل
توسط را دیوبه مردم ابلاغ مینمودتا مردم چطوردرصورت حمله
نا گهانی درپناگاهها ازخودمحافظت نما یند .چرا غخانه ها را
را درموقع که زنگ خطرنواخته میشودخا موش سا زند .با هم با
روسها تعهدنمودکه با تمام قدرت درا زبین بردن مقاومت
انقلاب اسلامی خوا هدکوشیدواطمینا ن میدادکه بزودی آرامش
را تاءمین ومقا ومت را ختم خوا هدکرد .
ازجانب دیگرامین شا یدبه تشویق روسها مقرریا ست جمهوری
راازارگ به دارلامان وقصرتپه تاج بیگ انتقال نمودکه
با انتقال دفاتر ریا ست جمهوری مرتکب بزرگترین جنایت

ملی گردیدکه درطول قرون ماضی دیگری مرتکب چنین عملی نشده بودو آن کشیدن آثار تاریخی ازموزیم کابل وعمارتیکه برای همین امرتعمیروملیونها افغانی برای حفظ بهتر آثار مذکوربمصرف رسیده بود. کارکنان امین اولاً عده ازآثار قیمت بهاء وبی نظیررا ازبین آثار مذکوربسرقت بردندکه معلوم نیست فعلاً زینت بخش کدام موزیم ممالک جهان خواهد بودوعوض آن به نمونه آن تهیه نمودندکه مودل های جعلی مذکورارزش ندارد وقرارتشویش مورخین وکارکنان موزیم که مجدداً اظهارنمودند ازجمله بهترین وپرارزش ترین آثار به سرقت رفته . باقیمانده آثاررامانندخاک وسنگ دربین بوجی ها وکارتن های کاغذی وچوبی ازمحل اصلی به تهکاوی های مرطوب کدام عمارت روی هم انباشته شده بودکه پس از انتقال مقرریاست جمهوری وختم کاردوره امین سفاک به ارک وخالی شدن جای اصل موزیم انتقال گردید آنوقت فهمیده شدکه اکثرآثارمذکوریا شکسته ویا درنم ورطوبت تهکاوی های مذکورخراب شده صدمه برداشته که اصالت آن فهمیده نمیشود .

باینصورت گنجینه ثروت ملی که پرارزش ترین آثارنسبت به گنجینه جواهرات وآثارموزیم سلطنتی محسوب میگردید بذریعه عمال روسها یا ازبین رفت ویا به موزیم های رهبران کرملین نقل مکان نمودکه آینده به بازارهای جهانی غرب مانندالماس کوه نورکشانیده خواهدشد .

امین درنتیجه تعهدخودبه کرملین درکاروگفتارش بیش از پیش وفاداری نشان داد ، درراه خدمت به کرملین وحصول اعتماد شان ، حیثیت یک نفرسفاک وگرگ خون خوار را بخود گرفت . برادرش اسدالله امین را رئیس اداره اکساء وناظر برامورقوای مسلح رژیم خودمقررنمود ، برادرش عبدالله امین را به ریاست خودمختاروتنظیمه تمام سمت ولایات شمال ولایات که درشمال هندوکش

واقع اندمقررنمود ،درمرکزکابل واکثرولایات اعضای حزب وعمال اکساء واشخاص طرف اعتمادش را موءظف نمود . مانندعالمیارئیس ترانسپورت عمومی بحیث رهبروادارهٔ دزدان وبرای راهگیری گروپ های بی عاطفه را بوجود آوردندتاکه می توانند درراه دستگیری اشخاص مخالف روسها ورژیم اقدام به قتل وغارت اموال مردم بپردازند. وبا این دزدان رژیم دزدان که قبلاً از محابس دررژیم ترهٔکی رهاشده بودندافزوده شدکه دراکثرولایات وشاهراها وحتی درکابل راهها راگرفته موترهای حامل اموال دولتی وتاجران رادربین راه شمالی ،راه قندهار ،وهرات ،راه سالنگ وچاردهی غوربندوراه اسلام قلعه هرات ،داره دزدان راگماشتند .صدها موتراموال تجارتی واشخاص رادربین راه وبه فاصله چندمتری پُسته های امنیتی تخلیه کرده درچاردهی غوربند ،خنجان ،سرکندوبا وشورابه اموال بدست آمده راافرادپوسته امنیتی ،دزدان وولسوال مربوطه به قیمت ناچیزی لیلام وپول بدست آمده رابین خودتقسیم میکردند عالمیاربا ست دزدان کابل رابعهده داشت که شبانه بخانه ها وبنا متلاشی داخل می شدند .تمام اموال ودارائی نقدی را میربودندوبسا اشخاص رادرهمان جای بقتل میرسانیدند تادستبردشان افشاء نشودواکثراً بنا مخائن ومخالف رژیم وعدم موجودیت اسنادروانه داره اکساء نموده درآنجا برادرزاده اسدالله امین بنام تحقیق وپس ازشکنجه وعذاب وبرای اینکه شعاررژیم (کور ،کالی ،دودی)راباکمترنمودن جمعیت تحقق بخشیده باشندبافامیل های شان تباه وازبین می بردند ،اکثردوکانهای ولایت کابل ودیگرولایات ذریعه همین داره های دزدان غارت شدند .

عبدالله امین نیز درهرولایت وولسوالی عمال خودرا بجان ومال مردم انداخته بود ومیگفت سرمخالفین رژیم از دولت ومال ،زن واولادشان از شما باشد ،به اینصورت عمال او روزانه صدها نفررا پس از غارت نمودن مال ودارائی شان وتصاحب زن ودخترشان به دستگاه جلادی سیدعبدالله آمر محبس پلچرخی تحویل می دادند ویا با دست وپای بسته ذریعه طیاره بدریای آمو می انداختند تا بادارا ن روسی شان درمسیردریا اجساد این مردم مسلمان وخداپرست را دیده مطمئن شوندکه امین درراه پاکسازی جامعه از عناصرمخالف کمونیزم وکرملین دست چنگیزرا هم از پشت بسته است .از بس ماهی های دریای آمو ،دریای پنجشیروچاردهی غوربند گوشت آدم تغذیه نموده بودنددرمناطق مذکورکسانیکه از گوشت ماهی استفاده نموده بودندیک نوع مریضی برایشان پیش شده بودکه بعداً مردم منطقه ازخوردن گوشت ماهی کاملاً ابا ء نمودند .ومردم دیگررا منع مینمودند .

امین درراه خدمت به اهداف کرملین ازطریق تولیدنفاق وایجاددشمنی عمل شیطانی دیگری را مورداستفاده قرارداد به اینصورت که بنام جرگه قومی درحدوددوسه هزارنفررا از اهالی پغمان وارغندی را دردعوتی که بنام مشوره ترتیب نموده بوددرپغمان حاضروجمع نمود ،بهرکدام آنها که اورا قوم خودمی دانستندووطن دارمیگفتنددعوتنامه فرستاد .

دردعوت مذکوربا وصف تعجب مردم ازالطاف خاص امین عده زیادی حاضرشده بودند .پس ازصرف نان والطاف مزید بیانیه خودرا ایراد کرداز کمک وهمکاری هموطنان پیش از پیش اظهارسپاس وقدردانی نموده گفت که بایدوطندارا ن من امروزکه قدرت بدست ما است درراه تاءمین امنیت

وسرکوبی مخالفین ،همکاری ومعاونت کنند .
بعداً "ازجمله مدعیون درحدودیکهزار نفر را انتخاب و درموترها ئیکه قبلاً "جهت انتقال شان حاضرگردیده بودند مستقیماً" به با میان انتقال نمودودرآنجا ذریعه قطعه قوای نظامی برای شان لباس نظامی واسلحه توزیع گردیدوآنها را پیشاپیش قوای نظامی به جبهه جنگ علیه مجاهدین ومردم شریف هزاره سوق نموده گفتندکه مطابق به هدایت سرمردم هزاره ازدولت ،مال ،زن ودختران شان ازشما است ،بکشیدواسیر نمائید .با این نیرنگ امین ورهبران کرملین خواستند دشمنی مردم مسلمان وبرادرهزاره را علیه مردم پغمان برانگیزندتا بعداً" آنها را برعلیه مردم پغمان سوق کرده باشند .وبا تولید دشمنی آنهم بسویه قتل وناموس درپیشبرد اهداف استعماری کرملین قرار دهند . مگرچون مجاهدین قهرمان به این توطئه های شیطانی امین مردم وطن دوست با میان را متوجه ساختندکدام اقدام مبخواسته رژیم امین انجام نگردید .
عبدالله امین نیزدرزمان ریاست تنظمیه خودعده ازمردم تخار ،کندوز ،وگلبهار را مسلح نمودبرای مقابله وجنگ علیه مردم مسلمان دره صوف ،سمنگان وپنجشیربکار انداخت تا دشمنی دائمی را بین اقوام مختلف محل ایجاد نماید وازین طریق درشکستاندن صفوف جهاد انقلاب اسلامی نقش خودرا درتحقق بخشیدن اهداف کوملین بازی نمایدکه در آنجا هم مجاهدین سربکف این توطئه امین ها را به ناکامی مواجه نمودند .
طورخلاصه میتوان گفت که امین درمدت سه ماه زمامداری اش به اشتراین سفاکی ها دها هزار نفر مردم بیگناه افغانستان را درمرکزولایات ذریعه عمال خودبدون موجب وصرف بنام

اینکه دربین مردم نسبتاً از وجهه ملی برخوردار بودند گرفتار نمود. دردوره کارترۀکی همکار وبنام رئیس دولت محسوب می شد وامین که برایش نابغه واستاد خطاب میکرد بهمان تملق وگزاف گوئی اکتفاء داشت فکرمیکرد امین براستی برایش حقوق استادی ونبوغ قائل است درحالیکه تمام قدرت واقعی پس ازمشاورین ونمایندگان کرملین بدست امین بود، بسا مردم وانسان های باشخصیت را به قتل رسانیده ویا درمحبس پلچرخی فرسوده نمود. گویا ترۀکی هم در تمام دوره (۱۸) هژده ماهه کارش بحیث آله دراراده واختیار امین قرارداشت وامین برای تحقق اهداف کرملین بحیث درنده خون آشام وسفاک هرچه درتوان داشت برای قتل عام مردم افغانستان کوشید ودرین راه کوتاهی ننمود، بسا قریه ها ازین وحشی گری های امین کاملاً ویران وازساکنین آن تخلیه شدند ومردم آن به ممالک همسایه ومسلمان وممالک خلیج پناهنده شدند، لک ها نفر درمرکز وولایات گرفتار ودر محابس وتهکاوی های دوائر وخانه های ضبط شده اشخاص که که درحال ترک وطن مالکان شان ازطرف رژیم ضبط شده بود جای داده می شدند که به اینصورت صدها خانه به محبس رژیم تبدیل گردیده بود، اکثراشخاص دستگیرشده الی زمانیکه قدرت امین برچیده شد وکارمل به قدرت رسانیده شدند نزد فامیل های شان لادرک بودند وهیچ کس ازسرنوشت عضو فامیل خود مطلع ساخته نمی شد بلکه ازسرراه، اداره، دوکان ربوده می شدند، عندالمراجعه فامیل های شان تا مدتها دوائر مربوط ازسرنوشت شان معلومات نمی داد، به اینصورت الی زمانیکه کارمل دروازه های محابس را به اطلاع خودش باز ننموده این هزاران نفر لادرک ازطرف فامیل ها محبوس پلچرخی وزنده فکرمی شد. درحالیکه اکثراً قبلاً اعدام شده

وا زبین رفته بودند ولی درهرپا نزده روزلک ها نفر برای
بردن لباس وضروریات عزیزان شان مراجعه نموده وصرف به
اشریک جواب اشخاص موظف که میگفتند دراینجا نیست
مأیوسانه برمیگشتند وبحالت خوف ورجاء بسرمی بردند تا
اینکه پس ازبه قدرت رسانیده شدن کارمل وبنام عفو عمومی
دها هزارفامیل که بدروازه های محابس مرکز وولایات وبه
امید دیدار روزهائی عضو فامیل شان صف بسته بودند ،چون
دربین رها شدگان عضو فامیل های خودرا نیافتند دانستند
که عضو مذکور فامیل ذریعه عمال امین ورژیم منحوس درجلاد
خانه امین درپلچرخی وبدست قصابان روسی توسط ساتور
امین بشهادت رسیده اند .
چون امین هم نتوانست با همه قصاوت ها پیرحمانه وتلاشهایش
امنیت دولت را حتی درشهرها ومطابق خواسته دیکتاتوران
کرملین تاءمین نماید وقدرت مقاومت انقلاب اسلامی
افغانستان را درهم بکوبد .ازجانب دیگردرحال بی اعتمادی
جانبین امین وروسها ازیکطرف ،امین ورهبران جناح پرچم
ازدیگرطرف همکاری شان ممکن نبود وازجانبی همکاری کارمل
وهمکارانش درمسکو با دستگاه برژنیف تماس گرفته روسها را
ازخدمتگذاری خودوقدرت نفوذ ومبارزه همکارانش درجناح
پرچم که نسبتا" شهری ودرسیاست ومردمداری فریبکاری وخدعه
استاذکل وبرترازخلقی ها معرفی وازکمیت وکیفیت حزب
پرچم گزاف گوئی میکردوهم عده ازهمکاران حزب که با بقدرت
رسیدن امین درسفارت شوروی پناهنده شده بودند ازطریق
سفارت به خط متکاری خودودرصورت به قدرت رسیدن کارمل
وازبین رفتن امین تعهداتی سپردند .دراین مدت سه ماه
کارامین هم درصدد تهیه وطرح پلان کودتا علیه امین ومداخله

نظا می مستقیم‌وا شغا ل ا فغا نستا ن بودند .که‌ا زین پـــلان
تنها برژنیف ،گرومیکوووزیردفا ع شوروی مطلع ودرتصویب
آ ن ا شترا ک دا شتند .درتصمیم‌گیری کرملین چنین بود
که‌درکدررهبری ا فغا نستا ن بذریعه‌مدا خله‌مستقیم‌نظا مـی
تغیری وا ردشود .وکا رمل با ا تحا دهردوجنا ح خلق وپرچم
ذریعه‌ا عزا م‌قوا ی مجهزوعظیم‌شوروی که‌ا زمنا طق آسیـا ی
میا نه‌تدا رک شده‌بودا فغا نستا ن پس ا زقتل ا مین ا شغـا ل
گردد. .عملیه‌کودتا وقتل ا مین به‌یکنفرجنرا ل ورزیده‌قـوای
زرهی شوروی بنا م‌پا پا نتا ن سپرده‌شودتا با رویگرا یـــن
پلان توسط ا مین به‌نا کا می نه‌انجا مدوعقیده‌دا شتندکـــه
با ا زبین بردن ا مین که‌بحیث یک جا نی وسفا ک خطـرنا ک
نزدمردم‌ا فغا نستا ن معرفی شده‌ا ست تا ا ندا زه‌رضا ئیـت
مردم‌ا فغا نستا ن هم‌حا صل خوا هدشدوضمنا" با رویکا رنمـودن
سیا ست نرمش ومسا لمت که‌توسط کا رمل وبحیث یک شا رلاتا ن
حیله‌گربکا ربرده‌میشودوبا قدری عقب‌گرا ئی وگذشت رژیم
نسبت دوره‌ء ا مین با حما یه‌قوا ی نظا می ومجهزروسیه‌ممکـن
ا ست بزودی قدرت مقا ومت ا نقلاب ا سلامی را درا فغا نستا ن
خا تمه‌دهندوکا رمل هم‌با خدعه‌وفریبکا ری ،رها ئی محبوسین
سیا سی گذشته‌وقتل ا مین وهمکا را ن سفا کش طوریکه‌وعـده
دا ده‌ا ست درا مرختم‌نمودن قدرت مقا ومت موء ثرخوا هدبود .
لهذا با تکرا رپلان شوم‌ا ستعما ری قرن ۱۹ ا ستعما ریـــون
ا نگلیس ،روسها خوا ستندبا به‌قدرت رسا نیدن کا رمل لعیـن
وتحت ا لحما یه‌یک وطن فروش دیگرقرن ۲۰ ا فغا نستا ن‌عزیز
را تحت ا شغا ل خوددرآ ورده‌بحیث یک جمهوریت دیگری‌ضمیمه
قلمروا تحا دشوروی وا مپرا طوری کمونیزم‌کرملین نما یند .

ادامه دهند تا به جامعه بدون طبقات وکمونیزم جهانی متوصل گردند .

رهبران جهان خوار ودیکتاتوران کرملین امروز علنا" به جنگ سرمایه داری پرداخته ساحهء نفوذ شان را درامریکا آسیا ،افریقاء واروپا بلا انقطاع توسعه داده میروند .لهذا این تجاوز علنی وعریان اتحاد شوروی به افغانستان تنها فاجعه برای مردم افغانستان نیست بلکه بایدشروع فاجعه جهانی پنداشته شود .

رهبران کرملین قسمکه سرحدات امپراطوری خودرا درغرب با تسلط برپولیند ،لتونیا ،لتوانیا ،استونیا ،چکسلواکیه بلغاریه وآلمان شرق دراروپا توسعه دادند درجنوب نیز با اشغال سرزمین های ملل آزاد قزاق ،ترکمن ،تاجیک ازبک ،قرغز ،قفقازوآذربائیجان درقارهء آسیا توسعه بخشیدند .کنون با اشغال افغانستان خودرا بسرحدات پاکستان وملل حوزه خلیج فارس یک قدم دیگر نزدیک نموده است .

بعلاوه با هسته گذاری شان بنام حزب توده در ایران ،حزب عوامی درپاکستان وحزب کمونست درهندوستان وبنگله دیش ساحه نفوذشان را درین ملل طوردلخواه ووسیع پخش نمودندکه میتوانندفردا دروازه های این ملل را نیزبکوبند وبا دست یافتن به خلیج فارس وقطع ماده حیاتی صنایع غرب میتوانند ابرقدرت های بخواب رفته سرمایه دار غرب را بزانو درآورند .

درشرق دورذریعه ویتنام ،کوریا ،کامبوج ،درامریکا ذریعه کیوبا ،نیکاراگوا ودرشرق میانه ذریعه یمن ودرافریقا ذریعه اتیوپی روسها هسته کمونیزم جهانی را با الاثر

ما لکم لاتقاتلون فی سبیل الله والمستضعفون من
الرجال والنساء والولدان الذین یقولون
ربنا اخرجنا من هذا القریة الظالم اهلها
واجعل لنا من لدنک ولیا" واجعل لنا من لدنک
نصیرا". والذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله
والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت
فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان
ضعیفا.

فصل پنجم

صحنه‌های تراژیدی اشغال افغانستان توسط ابرقدرت سوسیال امپریالیزم اتحاد شوروی

اگرچه روسها قبلا "وپیشتر؛ ترهکی ونسبتا اعتمادی که بکارمل داشتندوا را به سمت رهبری حزب ورژیم کابل درنظر گرفته بودندولی چون کودتای روسی علیه محمدداودخان طوریکه قبلا "توضیح شدروی مسائل وعواملکه تذکر رفت پیش از وقت صورت گرفت ،ضرورت بودتا برای استحکام رژیم از هردوجناح خلق وپرچم استفاده نماید ،همان بودکه نظر به کبرسن وملاحظه قدرت افغانهای اطرافی که در آن خلقی ها زیادتر اعضای فعال داشتندعلی العجاله از جناح خلق بیشتر رعایت بعمل آمد .وبه این صورت ترهکی را بحیث

منشی حزب ، رئیس هیئت رئیسه وصدراعظم تعیین وچوکی های معاونیت به کارمل سپرده شد .
درپلان طرح شده وبرای مداخله مستقیم روسها از بین بردن امین جسور ومتمرد روسها مجبورشدند که از نفر طرف اعتمادشان درمرحله اول بحیث روی کش قدرت افغانی استفاده نمایند .تا به اشتراک جناح خلق بشترکا" ومتحدانه کارکنند ،شاید بتوانند روی حیله ها ،فریبکاری ودسایس که از طرف روسها دیکته میشود آرامش مملکت را اعاده نمایند.
درصورت که نتیجه گرفته نشود آنوقت از قوای نظامی که روسها پیاده می نمایند با مداخله مستقیم نظامی ارتش سرخ این امر تعمیل خواهد شد .
وقتی که روسها تمرد امین را از اشتراک جناح پرچم مشاهده نمودند ودرنتیجه خنثی ساختن دو پلان روسها بی اعتمادی بین روسها وامین به منتها ی شدت رسید .طوریکه قبلا" متذکر شدیم حتی امین درا واخردوره کارش مردم کابل را از خطرات احتمالی هوائی برحضرمی داشت وروسها که قبلا" اختلافات دوجناح را دامن می زدند درین موقع احساس ضرورت می نمودند تا مجددا" اتحادشان را نسبت فشار انقلاب اسلامی مردم غیور افغان حتی با مرگ امین آن خدمتگار صادق شان که همیشه از دوستی وکمک های مزید روسیه ستایش مینمود تامین نمایند .
علت این تلاش روسها فقط وفقط فشار حملات مردم مجاهد افغانستان بردستگاه های دولتی حتی درداخل شهرهای بزرگ بود که پلان روسها را درراه کمونست سازی جامعه به شکست قطعی مواجه ساخته بود ،امین هم از پلان روسها وعزل خودش بی اطلاع نبود .

درست سه روز قبل از سرنگونی امین صدای غرش طیاره های غول پیکر شوروی وخلاف تعامل برفراز آسمان کابل ومیدان هوائی بگرام شروع شدکه گواهی حادثه غیرمترقبه را میداد .
صبح روز ۶ جدی ۱۳۵۸، خط سیرمیدان هوائی وکوتل خیرخانه قطارهای تانک وماشین های محاربوی بسرنشینی افرادنظامی روس دورنمای استعمارجدیدرا درافغانستان ارائه مینمود ،صدای فیرها درساعت یک بعدازظهرشنیده شد که خطرسرنوشت استعماربرفضای کابل سایه افگنده بود ،هر انسان متفکرافغانستان نسبت به سرنوشت وطنش دراندیشه ومنتظرعواقب آینده این بازی سیاسی وجنایتکارانه حزب خلق وپرچم بودندودست روس جنایتکار را درعقب این پرده سیاه موضوع مشاهده مینمودندومی دیدندکه درزمان حکومت وبعداً درزمان جمهوری محمدداودخان وبعداً درزمان تره‌کی وبعداً امین دست جنایتکاردیو استعمارشرق چه توطئه ها وفریبکاری ها ذریعه مردم افغانستان برعلیه خودمردم افغانستان وبرای پیشبرد اهداف استعماری اش بکاربرده دراندیشه بودندکه نیرنگ وخدعه آینده آن چه خواهد بود . منتظرحوادث جدیدبودند .
درحدود ساعت ۵ بعدازظهرروز ۶ جدی ۱۳۵۸ برای اولین دفعه ماشین های محاربوی بسرنشینی افرادنظامی شوروی دیده شدندکه ازطریق پل سوخته وپل آرتل جانب قصردارالامان وچهل ستون درحرکت بودند .یک ساعت بعدصدای فیرتانک بلندشدوشعله های آتش برفراز قصردارالامان وقصرتاجبیگ مقرریاست جمهوری رژیم بلندگردیدتبادله آتش بین قصر دارالامان ،مهتاب قلعه وچهل ستون شروع گردیدکه دودوآتش فضای چاردهی وکابل را فراگرفت ولی هنوزحقیقت بکسی

معلوم‌نبود. اکثر مردم کابل از شنیدن فیر، توپ و تانـــک متردد بودند و آنرا شروع جنگ بین دو جناح خلق و پرچـــم وبعضاً قیام کودتای نظامی وجنگ داخلی تصور می‌نمودنـــد ولی کسانیکه ورود طیاره‌های بزرگ تانک بردار شوروی را در فضای کابل، طور مسلسل وبی سابقه مشاهده نموده بودنـــد و ناظر حمل وانتقال تانکهای زرهی ثقیله و برای اولیـــن دفعه ماشین های محاربوی را به دریوری تانکیست هـــای روسی مشاهده نموده بودند که از جانب کوته سنگی وپل آرتـــل جانب دارلامان در حرکت بودند، بیاد آوری از خاطرهٔ تلخ دورهٔ استعمار انگلیس که در قرن ۱۹ با هجوم شان از طریـــق تورخم وبولان برعلیه افغانستان صورت گرفته بود قلب شـــان را تکرار آن تکان میداد و نمیتوانستند از تاثرات خـــود خودداری نمایند.

صدای فیر و آتش سوزی الی ساعت ۱۲ شب در فراز قصر دارلامان ادامه داشت ولی جز کسانیکه صدای منحوس کارمل را از طریق رادیو دوشنبه شنیده بودند، دیگران از حقیقت موضـــوع نمیدانستند. فردا با شنیدن مارش نظامی رادیو کابل وبعداً از زبان کسانیکه صدای کارمل را از رادیوی بیگانه شنیـــده بودند قضیه تا حدی نزد شان روشن شد. مردم دانستند که کارمل لعین در پیشاپیش لشکر عظیم ارتش سرخ شوروی وبا تکـــرار تاریخ عوض شاه شجاع قرن ۱۹ این مرتبه بحیث کارمل قـــرن ۲۰ قد علم نموده، منتها عوض پیشروی قوای امپراطـــوری استعمار انگلیس این مرتبه قوای ارتش سرخ وهمسایه با قدرت افغانستان را رهنما شده تا در راه اهداف استعماری روسهـــا بحیث آله دست استعمارگر دیگری باشد. وروسها اینمرتبـــه با روی کش نمودن کارمل ودر ظاهر با به قدرت رسانیـــدن آن ولی در باطن جهت پیشروی در راه هدف استعماری. و در از

مدت خودقدمهای اساسی برداشته باشد.
اکثر مردم کابل وولایات به این اندیشه بودندوفکر میکردند که اگراین افواهتها جمروسها ومداخله نظامی ومستقیمشان به خاک افغانستان حقیقت داشته باشد وضع افغانستان امروزبا وضع افغانستان درقرن ۱۹ چه خواهدبود. کسی جواب دادفرق این خواهدبودکه درکلاس های درسی تاریخ آینده فرزندان مان همردیف شاهشجاع ناموطن فروش دیگری بنام کارمل لعین ونام استعمارگرروسیه شوروی را درمقابل نام استعمار انگلیس وعوض قرن ۱۹قرن بیست را خواهندخواندوبرقهرمانی وقربانی های پدران خودها درامرجهاد اسلامی افتخارخواهندکردکه درسی وبدترازدرسی که به انگلیسها ی استعمارگرداده بودند، به استعمارگران روس نیزداده اند.
عده گفتندکه خیرعصروزمان فرق میکند، افکار، علم وتخنیک ووسائل ارتباط جمعی تکامل یافته، جهان امروزی با علم وتخنیک نسبت به دنیای قرن ۱۹ تکامل نموده امپراطوری انگلیس که آفتاب درسرزمین وقلمروآن غروب نمی نمودبه امرجهانگیری واستعمارگری اش وروی اشتباهات سابقه خودراتداوی نمودوازعقل سالم کارگرفت وکنون چطورممکن است که روسیه شوروی با همه لاف انسان دوستی حقوق بشرخواهی اش وشعارهای زیست باهمی وهمسایه گی نیک درانظارجهانیان افاده فروشی مینمودوافغانستان را به همسایگی روسیه مثال می آورد، خودرادرانظارملل اسلامی وملل غیرمنسلک وعقب مانده امریکای لاتین افریقا وآسیا حامی بشریت وملل ضعیف معرفی مینمود، با همه این ملل دست دوستی درازکرده کمک های اقتصادی وتخنیکی پیشکش مینمودوملل ضعیف رابدوستی دعوت

مینمود وهمکاری شان را درین را ه جلب مینمود ، چنین اشتباهی را مرتکب می شوند .؟
بعضی ها اعمال گذشته روسها را در جمهوریت های آسیای میانه وملل اروپائی تحت استعمار شان مثال آورده میگفتند که در قرن ۱۹ مانند وزیر محمد اکبر خان ، میر بچه خان ، محمد جان خان وملامشک علم خان ونائب امین الله خان شخصیتهای ملی داشتیم که مردم مسلمان افغانستان در اطراف شان جمع شده متحدانه می جنگیدند تا دشمن استعمارگر برطانیه را از وطن خود خارج نمودند . برعلاوه انگلستان از افغانستان هزاران میل مسافه داشت . با الخاصه موجودیت نهضت های آزادیخواهی هندوستان با سیصد ملیون نفر جمعیت آنوقت آن اجازه نمیداد تا انگلستان با چهل هزار نفر قشون نظامی شان مستقر در هندوستان فراغت حاصل نماید که در افغانستان قشون اصلی انگلستان را وارد عمل نماید . وبرای قشون بومی هند از نگاه همسایگی وسوابق ارتباطات تاریخی ومعنوی شان با مردم افغانستان اعتماد کرده نمیتوانستند علاوتا" در قرن ۱۹ تمام مردم افغانستان زیر یک لواء وشعار الله اکبر متحدانه در مقابل انگلیسها جنگ وجهاد می نمودند ولی امروز با موجودیت سلاحهای مدرن ، تانک ، توپ وطیاره وقشون مجهز بسلاحهای عسکری ارتش سرخ ، مجاهدین ، فقیر تهی دست وپای برهنه ما که در تنظیمهای متعدد وراه های مختلف ضد ونقیض مشغول جهاد اند که روسها می توانند با استفاده از روشهای استعماری با انداختن تفرقه ونفاق بین مجاهدین شامل تنظیمهای مختلف نهضت انقلاب اسلامی وملی ما را خدا نخواسته به ناکامی بکشانند . دوست دیگری با علو همت فریاد زده گفت : ندیدید که همین مجاهدین غیور وسربکف بدون سلاح وصرف به قوت ایمان وا سلحه الله اکبر

وبه اتکای خداوند سلاحهای قوای دشمن را از خودشان گرفته علیه خودشان بکار انداختند. درگذشته مقابل شان فرزندان افغان بودند که می جنگیدند کنون که مردم مجاهد افغانستان با آمدن قوای نظامی شوروی قوای کفر بیگانه را که برای اشغال وطن شان آمده اند می بینند نه تنها جهاد برای مسلمانان افغانستان فرض میگردد بلکه برهمه ئی بیش از یک ملیارد مردم مسلمان جهان فرض میشود و با بشارت بشهادت دربرابر روسها وبحیث دزد، متجاوز، قاتل، وغاصب، جهاد ومبارزه خواهند کرد. هرگاه تا امروز بنام های جداگانه وروی عقاید سیاسی مختلف مجاهدین سربکف در گروپ ها وتنظیم های علیحده مبارزه می نمودند در آینده جهت اینکه بمقابل قدرت بزرگ وفریبکار، دغا باز بی مسلک قرار دارند تحت یک شعار اسلامی وآنهم کلمه مبارکه الله واکبر ومحبت به ناموس وطن متحدانه خواهند جنگید. شعار شان جهاد فی سبیل الله خواهد بود نه به مقصد بدست آمدن چوکی، قدرت وکسب ثروت ومال.

درقرن ۱۹ هم در اول رهبران متحد نبودند واز خواص افغانها است که هرکدام خود را برتر وبلندتر از دیگران می دانند. اما وقتی که مسائل مهم ملی واسلامی درمقابل شان قرار میگیرد. تضادهای داخلی را به اصطلاح شان سنگ گذشته زیر یک لواء وبرهبری یک نفر موی سفید قومی وشخصیت ملی وجهت کوبیدن دشمن مشترک جمع ومتحد میشوند. بهرصورت در اخیر شب ۶ جدی که صداهای مهیب فیرتوپ وتانک، دود وآتش درفضای چاردهی ودارلامان فرونشست ورادیو کابل نیز با پخش مارش ملی ونظامی خبر سرنگونی رژیم امین را اعلان نمود وهم مردمیکه صدای پرطمطراق وبیانیه کارمل را شنیده

بودندکه در آن از شروع مرحله تکاملی انقلاب ثور، اعمال انحرافی عمال امپریالیزم سخن گفته اضافه نمود که هرگاه حزب و دولت به کمک قوای محدود دولت دوست اتحاد شوروی بموقع عمل نمیکرد، افغانستان عزیز از نقشه جهان محو میگردید و وعده داد که عنقریب دروازه های محابس باز و کسانیکه از دم ساتور امین جلاد جان سالم بدر برده باشند بدون تبعیض رها خواهند شد، اصلاحات عمیق بنیادی در مسائل اجتماعی و اقتصادی در مملکت بوجود خواهد آمد. منسوبین انحرافی از خط مشی حزب مانند امین و باندش مجازات خواهند شد. درقسمت تاء مین آرامش هموطنان که متاء سفانه درزمان غیابتش مردم افغانستان تلفات زیادی داده و شکنجه و عذاب کشیده اند جراحات شان التیام خواهد شد، با سهمگیری تمام اقشار جامعه در تشکیل جبهه ملی پدر وطن عمل خواهد گردید. که تمام مردم رنجدیده درین جبهه بر سرنوشت وطن و مسائل مهم ملی و میهنی سهیم باشند، با ابتکاراتی که تحت اجراء قرار خواهد گرفت وعده داد که بعد از این حتی یک مرمی هم فیر نخواهد شد، قوای محدود دولت دوست اتحاد شوروی در مدت کمی به وطن صلح دوست شان عودت خواهند کرد.

به اثر این بیانیه کارمل فکر می شد که قوای شوروی محدود و صرف برای از بین بردن خطر امین و باندش آمده بودند و پس از به قدرت رسانیدن کارمل بزودی رفع زحمت خواهند کرد. متاء سفانه در روزهای بعد و نظر به گفتن شاهدان عینی ثابت گردید که پس از سرنگونی رژیم امین قوای ارتش سرخ با زهم از طریق هوا و زمین سیل آسا و به پیمانه کفایت اشغال دائمی افغانستان در ظرف پانزده روز به مملکت ما سرازیر شدند که از نظر شاهدان درین حمل و انتقالات نظامی بدون وقفه روسها در حدود ده هزار عراده تانک و وسائط نقلیه و در

حدود یکصد و پنجاه هزار نفر قشون شان را وارد مملکت نمودند این قوای عظیم می توانست برای اشغال دائمی مملکت ضروری باشد نه برای سرکوبی باندامین ومحدود.
لهذا مردم افغانستان که غرور ملی واسلامی شان اجازه نمیداد قبول نمایند وطن شان دراشغال بیگانه باشد و بر سرنوشت شان اشخاص بیگانه بازی نمایند چه جائیکه آن دشمن بیگانه کافر و ملحد باشد که خطر آینده آن در عقاید اسلامی عنعنات و سنن ملی شان درتضاد و موء ثر باشد.
اکثر مردم که با قلب پرخون وچشمهای پراز اشک و با نگاه پرازکینه ،خشم وتنفر بر علیه روسهای که بوطن شان تجاوز نموده بودند دیده با ارتعاش ،روح وطپش قلب اظهار تاسف وتاءثر نمودند که مشاهده آن منظره ء در کوچه و بازار و مخصوصا" مردمیکه شاهد سپرکار روان ارتش سرخ جانب اطراف کابل وقلب افغانستان بودند قابل توجیه نیست .هر بیننده مرد زن ،طفل ،جوان وکلان سال افغان که احساس وطن دوستی شان زنده بود و مخصوصا" اینکه بعضا" با شنیدن تبلیغات اغراق آمیز نسبت قدرت ،شجاعت وجنگجوئی وشکست ناپذیری ارتش سرخ ذریعه رسانه های خبری بلوک شرق ومشاهده اطراق قوای پرزرق وبرق مجهز روس درنزدیک خیرخانه مشاهده گردید بعضا"طوفان عظمی در قلب ومغز وروح شان احساس می نمودند که افغانستان عزیز ووطن محبوب شان چطور از چنگ این خرسان پرقدرت وحشی خارج ساخته خواهد شد و آینده تاریکی را درنظر خود مجسم می نمودند که آن حالت تراژیدی درسیمای ،زنان واطفال را نمی شود توصیف نمود مردم براعفال این وطن فروشان نفرین ولعنت میکردند.
هرکس سوال مینمود ،این وطن فروشان چه میگفتند وچه کردند؟ وظیفه ما دربرابر حفظ وطن وناموس بعقیده اسلامي وملی ما

چیست؟ آیا این تانکها ،طیاره‌ها وقوای یکصدوپنجاه‌هزار نفری را برای قتل امین آورده‌اندویا برای قتل عام مردم‌فقیر ،مسلمان وبیگناه افغانستان ؟ آیا با این قوای عظیم‌ووسائط شان خانه‌وآشیانه‌ملت غریب ما را میخواهند ویرانه‌ترکنند؟ ببرک بسرکرده‌گی این قوای عظیم‌بیگانه آمده‌تا مانندشاه‌شجاع باغها ،ابنیه‌تاریخی وزیبای ننگرهار ،بالاحصار ،استالف ،چنداول ،جبل السراج ،غزنه هرات ،قندهار ،ومزارشریف وطن ما را به‌آتش بکشد؟ آیا میخواهدناموس وطن را به‌این خرسان وحشی بسپاردوما را قتل عام‌نماید؟

عده‌ٔ زیادی ازجوانان ما قبلا"ذریعه‌رژیم‌منحوس امین به قتل رسیده‌اندوعده‌هم‌به‌ممالک همجوارومسلمان مهاجرشده اند آیا چه‌کسی بمقابل این خرسان قطبی مقابله‌خواهدکرد؟ نه‌امریکا ونه‌هم‌انگلیس ،نه‌مصری ونه‌هم‌پاکستانی بلکه این مردم‌خودافغانستان اندکه‌برای حفظ وطن وناموس شان وعقیده‌اسلامی با ملحدین ووطن فروشان می جنگیدند، آنهم‌با بیل ،کلند ،کاردوتبرکه‌بهیچ وجه‌با قوای رژیم که‌با سلاح های عصری وتانک ،توپ روسی که‌ازبادارانشان بدست می آوردندبرابری کرده‌نمیتوانستند ،اگرروسها پلان اشغال دائمی افغانستان را درنظرنداشتندچه‌ضرورتی به حمله‌مستقیم‌وفرستادن آنقدرقوای عظیم‌بود .معلوم‌میشود که‌روسها با استفاده‌ازنام‌به‌قدرت رسانیدن کارمل مزدور دیگرش خیال اشغال دائمی افغانستان را داردتا خودرا تحت این‌نام‌یک قدم‌دیگربه‌آب های گرم‌بحرهندوخلیج‌فارس نزدیک کندوبعدا" این مزدورش را هم‌مانندامین بزباله دان تاریخ بسپارد.

با این اندیشه‌بسیاری ازمردم‌افغانستان که‌قبلا"درفکر

ا غفا ل جها ن غرب وسرما یه‌دا رگذا شتندا گرا مروزنوبت
ا فغا نستا ن ا ست فردا توسط هسته‌ها ی که‌درتما مقا ره‌ها ی
کره‌زمین گذا شته‌ا ندجها ن بشریت را به‌فنا جعه‌خوا هندکشانید
وبا را ه‌یا فتن ا ین غول وحشی که‌مسلح به‌قدرت عظیم‌سلاح
ها ی ا تمی شده‌ا ست دربحرهندوخلیج فا رس سرا زیرخوا هد
شدوآ نوقت با درنظرگرفتن وا بستگی جها ن صنعتی غرب
به‌نفت خلیج فا رس وملاحظه‌سیا ست‌ا ستعما ری وا یدئولوژی
کمونیزم‌برهبری کرملین بشریت مجبورخوا هدشدبسرتسلیم
به‌قیا دت دیکتا تورا ن کرملین خم‌نما یدوبا لقمه‌نا ن
بخورونمیرجزئی که‌بدست توده‌ها ی عظیم‌وا کثریت جا معه
بشری تولیدمیشودوتوسط ا ین ا نسها نها وحشی سلاح بدست
مفتخوا ربنا م‌ا عضا ی حزب کمونست وا قلیت خا نوا ده‌ٔ بشری
توزیع خوا هدشدقنا عت نما یند ،درغیرآ ن مجبورا ندبا ا سلحه
ا تمی نا بودکننده‌زندگی درکره‌ٔ زمین ومقبول که‌خدا وند
برا ی ا ولادآ دم‌بحیث نعمتی ا عطا ء نموده‌صرف بوا سطه‌حرص
جها نخوا ری چندنفرمفتخوا ربنا م‌ا عضا ی حزب کمونست
بنا بودی وویرا نی بکشا نند .
چنا نچه‌با ملاحظهٔ وضع سا ختما نی کمونیزم‌برهبری کرملین
با ا لخا صه‌جا معه‌کمونستی موجودهٔ ا تحا دشوروی که‌قدرت
سیا سی بنا م‌وکیلان نا خوا نده‌وروی کش طبقه‌کا رگردردست
۱۲ ملیون کمونست ها ی ا تحا دشوروی ا ست وبرا کثریت
۲۸۰ ملیون مردم‌غیرحزبی ولی زحمت کش وکا رگرجا معه
شوروی حکمرا نی کرده‌جیرهٔ بخورونمیری ا زنعما ت تولید
شده‌که‌بدست کا رگرا ن زحمت کش آ ن جا معه‌تولیدمیشود
توزیع میگرددمگردرمقا بل کدررهبری حزب وغیره‌ا عضا ی
حزب وا عضا ی جا سوسی آ ن یعنی (کا ،ج ،ب)که‌ا قلیت

مهاجرت نبودند تصمیم گرفتند تا با فامیل های شان به ایران و پاکستان دو ملت مسلمان پناهنده شوند، زنان و اطفال خود را در آنجا، محفوظ نموده با یک قیام عمومی علیه اشغالگران ملحد و قدرتمند الی آخرین قطرهٔ خون خود بجنگند و جهاد فی سبیل الله نمایند. گرچه کارمل وعده داده بود که اشخاص را که از زندان های پلچرخی و آن سلسله به اعدام محکوم گردیده بود، رها سازد. بعداً معلوم گردید که از جمله دهها هزار نفر از زندانیان سیاسی، شریف، زحمت کش و مسلمان که در رژیم امین، ترکی محبوس و زنده پنداشته می شدند عده محدودی از زندان ها بس زنده برآمدند ولی مردم با آمدن قوای اشغالگر به افغانستان عملاً عزای عمومی سرتاسری را اعلام نموده بودند که هیچ افغان نمیتوانست با دیدن هموطن دیگرش در آن مورد حرف نزنند و اشک نریزد و بی تفاوت باشد.

از جانب دیگر نظر به وعده کارمل در قسمت رهائی محبوسین که گفته بود آنانیکه از دستور امین جان سالم برده اند بدون تبعیض رها خواهند شد، بعداً معلوم گردید که فردای روز کودتا علیه امین تمام زندانیان پرچمی و حزبی رها شدند ولی زندانیان سیاسی مسلمان چند روز بعدتر و با مطالعهٔ اوضاع و احوال شان بعضاً رها شدند که درین عمل شان بین محبوسین سیاسی مسلمان و حزبی ها تبعیض آشکار را دیده شد، بعداً اینکه لک ها افغان امیدوار بودند که دهها هزار نفر محبوسین از اعضای فامیل ها که در زمان ترکی نابغه روسها و امین جلاد محبوس فکر می شدند و از زمان ترکی و امین مرده و زنده شان لادرک و عقیده بر این بود که نظر بوعده کارمل رها خواهند شد و به این امیدواری پدران در عالم خیال فرزند گمشده اش را بوسه زده در آغوش میگرفت، برادری برادر گمشده اش را در عالم روئیا می بوسید، و مادری روی فرزند رها شده اش را بوسه

می زد ودرآغوش می گرفت واشک دیده بدرقه می نمود همسری شوهرمحبوسش را دست وپای می بوسیدوروحاً از وی استقبال میکردوبرجراحات شکنجه وآزارش مرهم می نهاد وغرق بوسه میکرد، با اندک صدای دروازه خانه همه اعضای فامیل یکجا برای باز نمودن آن ودرآغوش گرفتن عضو فامیل شان ازجای می پریدندومسابقه می دادند.
اما وقتی که روزموعودفرارسید ازساعت ۵ روز ۱۴ جدی یعنی ده روزبعدازرهائی محبوسین حزبی لک ها افغان که عزیزان شان رادرمحبس وزنده گمان میکردند، به امید اینکه اوشان رازودترازدیگران بآغوش بگیرندقسم مسابقه ازخانه ها برآمده ازشهرکابل الی محبس پلچرخی صف کشیدندکه دراین مسافه طولانی حتی جای برای صف کشیدن دیگرفامیل ها دیده نمی شد. زیراهیچ فامیلی نبودکه یک ویا اضافه ترازآن ازعزیزان شان رادرمحبس نداشتند، همه اینها امیدوار بودندکه اعضای فامیل شان رازنده درآغوش خواهندگرفت.
متاءسفانه وقتی دروازه محبس بازشدصرف درحدوددوهزار وهفتصدنفرازجمله دهها هزارنفریکه ازجانب فامیل ها زنده درمحبس فکرمی شدازمحبس خارج شدندوبقیه هیچ، اغلب گمان مردم این بودکه اکثرعزیزان شان وآنانیکه ازدم ساتور امین جان سالم بدربرده بودندپس ازبه قدرت رسیدن کارمل ودرظرف همین ده روزتوسط همان ساتورامین درجلادخانه (کا،ج،ب)درپلچرخی بعداً بشهادت رسانیده شده اند، بازهم عده امیدوار بودندکه ممکن محبوسین فامیل های شان نسبت ازدحام مردم دررا ه بنظرنرسیده به خانه رسیده باشند، دوان دوان خودرا بخانه رسانیدند چون درخانه هم آنها را نیافتند بایک فغان وگریان جگرگوشه گان شان را تلف شده قبول

نمودندبا گریه ولعن بررهبرا ن حزب وبا دا را ن روسی شا ن بسا ط عزاء فا تحه وما تم عمومی بپا ی کردند .

بدا ینصورت ودریک وقت ویک دم فضا ی کا بل وولایات ،ا فغا نستا ن را ا ندوه ،غم ،ما تم وعزاء فرا گرفت .وا حسرتا چه ما تم وچه عزا ئی ! که در عین زما ن ودریک وقت درلک ها فا میل ا فغا ن ومسلما ن ،ملیون نفرا نسا ن شریف مسلما ن وبیگناه بسا ط عزا ی عمومی بپا ی گردید صحنه ها ی کا ملا" ترا ژیدی وغم که درتا ریخ بشریت بی سا بقه بودفضا ی مملکت را درنظرهمه مردم تا ریک مینمود ،ا نسا ن نمیدا نست که در کدا م مسجدوکدا م خا نه برا ی عرض تسلیت وفا تحه ا ولتربرود ، وتا روزختم نشده مرا تب همدردی را تقدیم نما یدولوخودش هم عزا دا ربود .

با دیدن چنین منظره حس تنفرو ا نزجا رعمومی ملت ا فغا ن ا زکمونیزم ،روسها ی جنا یت کا رونوکرا ن دا خلی کرملین بلندگردیدکه غیرقا بل فرا موشی ا ست .

وجدا ن بشریت نمیتوا نست با دیدن چنین منظره ا ندوه وسردا دن ا شک دیده که درحین عزاء وفا تحه درتما م مسا جد شهرودها ت مشا هده میگردیدا زتا ء ثروریختن ا شک خودا ری نما ید .

رهبرا ن کرملین ونوکرا ن حلقه بگوش شا ن شا یدگفته با شند که ا گرحزب ودولت وا بسته وکمک بموقع برا درا ن روسی شا ن نمی بوددرا فغا نستا ن کسی با قی نمی ما ندکه ا ین منظره ترا ژیدی را ببیندوکسی با قی نمی ما ندکه برما تم عزیزا ن شا ن ا شک بریزدوبسا ط عزاء برپا ی کند ،بلکه ا ین ا حسا ن کرملین ا ست ا شخا صی را با قی گذا شته که ا ین منظرهء ما تم وعزا ی عمومی را می بینندوبدیگرا ن ونسل آ ینده ا فغا ن خوا هندگفت . :

کارمل لعین برای اینکه تظاهر به اسلام و دوستی هموطنان کرده باشد و همدردی خود را نشان داده باشد طور عوام فریبانه در یکی دو مسجد شهر در مراسم عزا داری مردم اشتراک نمود و اشک تمساح ریخت و تسلیت گفت که مسلمانان موجود در مسجد با مشاهدهٔ او بیشتر در درو رنج بردند و لعنت کردند بر بی‌حیائی کمونست های لعین و پرروئی نوکران پروردهٔ خاین دیکتاتوران کرملین .

کارمل در خطابه اش توضیح نموده بود که با شروع مرحله تکاملی انقلاب ثور افغانستان از یک خطر حتمی نجات یافت ،هرگاه کمک بموقع دولت دوست اتحاد شوروی واقدام رژیم نمی بود افغانستان از صفحه دنیاء محو و نابود شده بود البته کارمل از مردم افغانستان انتظار داشت تا در برابر اشغال نظامی وطن شان از دربار کرملین اظهار سپاس وشکران نمایند .عجب بی‌حیائی وعجب پرروئی که مردم وطن اش را چنین رهبری می نماید تا در برابر اشغال نظامی وطن شان و کشتار بی رحمانه لک ها انسان بیگناه در مقابل چنین خوکان متجاوز سر تعظیم خم نمایند و شکرگذاری کنند .

اگر خود این انسانهای شریف و وطن دوست کشته میشوند ویا به بردگی وغلامی فروخته میشوند با زهم نسبت که وطن شان محو نشده سپاس بگویند و سجده شکرادا ء کنند .

آقای کارمل از افشای حقیقت که چطور افغانستان از نقشه دنیا محو میگردید و از نظر چه کسانی ناپدید می شد ،خودداری مینماید .این سوال اکثر اذهان را بخود مشغول می نماید ممکن افغانستان در جوف زمین فرو میرفت ،ولی از احسان وکمک بموقع رهبران کرملین ساحه زمین افغانستان به کمک ماشین عظمی که مانند جرثقیل ساخته اند ،به قدرت رهبران کرملین و رهنمائی رژیم بی‌خدای کمونیست

کارملف دفعتاً بکار انداخته شده بوسیله آن ساحه زمین شامل افغانستان از خطر نابودی نجات یافته باشد. و یا اینکه آقای کارملف شخصاً و پس از آستان بوسی پای دیوار کرملین وسجده نمودن دربرابر جسد لنین جد ملعونش دعا نموده که با وصول کارملف بسرحدات افغانستان در پیشاپیش قوای نظامی ارتش سرخ با تانکها وطیاره های بی حساب برای اشغال افغانستان به نفع دیکتاتوران کرملین برزمین امر کوده باشد تا ساحه زمین افغانستان را از فرو بردن باز دارد. که زمین مذکور از خوف نعرهٔ کارملف و از طریق رادیوی دوشنبه ترسیده و ساحه زمین افغانستان را محو ونابود نکرده است. آفرین به این هیئت ومرحبا به آن کرامت وصداء.

نه خیر یکی از اینها درست نیست بلکه حقیقت اینست که کارملف با جنایاتی که درافغانستان کرده بود وهم درخارج افغانستان بحیث انسان فاسد، بی دانش وبی مسلک شناخته شده بودکه در مسکو هم زنده گی کرده نمیتوانست، عقیده براین است که با اطلاع از حمله نظامی ومداخله مستقیم روسها غرض آستان بوسی خودرا با تقدیم خدماتش درراه وطن فروشی، عوام فریبی وتعهد از قتل وکشتار بیشتر مردم درراه کمونست سازی جامعه افغانی بمقامات کرملین رسانیده وروسها هم که منافع شان بخطر افتیده بود وکارمل را که توانسته بود خود وهمکاران خون خوار رژیمش را نزد دیکتاتوران کرملین بنام فریب کارترین، غدارترین، وحیل ترین، شخصیت معرفی نماید. روسها اورا بحیث قربانی آینده قبول نمودند چون فکر میکردند که اگر زیر تحت حمایه قوای نظامی شوروی به افغانستان بیاید هموطنانش نخواهند توانست اورا بجرم خیانت هائی که دربرابر ملت افغانستان مرتکب شده وسلامت ذره

زره کوروه معدوم بلاید ولهذا منطقه زمین افغانستان از نظر او
محو و نابود میگردید به اغتنام فرصت درین موقع حساس که روسها
طرح پلان اشغال نظامی افغانستان را میخواستند تطبیق
نمایند، او هم بموقع عمل کرده خود را بدربار کرملین
رسانیده وخدمات وطن فروشی را بموقع اشعرضه داشته وروسها
هم به کمک او در تحت الحمایه قرار دادنش خوبت بموقع برایش
اینجا مدداده اند ودرجمله خدمتگاران موءقتی خود او را قبول
نمودند تا زمان قربانی اش برسد. بهاینصورت قطعه زمین
افغانستان وبازنده ماندنش از نظر خود ونا پدید نشده است.
لهذا کارمل به کمک قوای نظامی روسیه دوباره به افغانستان
آمده توانست وروسها درظاهر برای بقدرت رسانیدن او
وکشتن امین قوای نظامی اش را به افغانستان پیاده نمود
ولی در باطن برای اشغال نظامی ودائمی افغانستان
وداخل نمودن آن درجمله اقمار خود وبرای رسیدن به اهداف
استعماری شان از کارمل، مانند ترکی، محمد داود وخان
وامین بحیث آله استفاده کردند. بلی این یک حقیقت
واضح است، چه از روزیکه کارمل به افغانستان ظاهراً
بقدرت رسانیده شده دربین چندین اطاق محدود محصور
واسیر است تا مردم افغانستان او را بدست نیاورده بجرم
قتل ما در وطن نابود ننمایند.
اینکه کارمل در بیانیه اش گفته بود با بتکار آتش در آینده
حتی یک فیر هم شنیده نخواهد شد بلی آن یک حقیقت بود ولی
برای خودش زیرا از روزیکه او را روسها به افغانستان آورده
اند طوریکه توضیح شد در تهکاوی های ارگ دربین محاصره
ارتش سرخ است که حتی آفتاب کابل را ندیده با شد ممکن
است خودش با این محافظین ومراقبتی که از وی بعمل میآید
صدای فیر توپ، تانک وانفجارات که در گرد ونواحی ارگ

جمهوری شب وروزدرجریا ن ا ست دردرون سورا خ ها ی ا رگکه
ا زوی دردا خل چندین خا نه‌درون بدرون نگا هدا ری میشود
صدا ها ی مذکوررانشنیده‌با شد ،ورنه‌همه‌روزه‌هزا را ن نفرمردم
بیگنا ه‌کا بل درا طرا ف ا رگ با فیرمرمی ها ،را کت ها ،تا نک
ها ،توپ ها وا نفجا را ت مین بشها دت میرسندکه‌صدا ی فغا ن
ونا له‌شا ن ا زمسا فه‌ها ی خیلی دورشنیده‌میشود .بلی‌درهما ن
روزها ی ا ول به‌قدرت رسا نیدن کا رمل مردم‌بیگنا ه‌خیرخا نه
قلعه‌چه ،دشت برچی ،نورمحمدشا ه‌مینه‌ودورا هی پغما ن،
ذریعه‌طیا ره‌ها ی ا رتش سرخ بمبا ردما ن شدوذریعه‌تا نکها ی
سوغا تی کا رملف گلوله‌با را ن شدندکه‌با ا زدست دا دن نسا ن
ها ی بیگنا ه‌منا طق مذکور ،عزیزا ن شا ن به‌ما تم‌نشستند
وبا یدبه‌دعا گوئی رهبرملحدا ن کا رملف مشغول شده‌با شند
که‌ا ین سوغا ت ها ی مرحمتی شا ن یک عده‌مردم‌بیگنا ه‌ولی
نا نخورخا نوا ده‌ها را برا ی رسیدن به‌هدف شعا رکمونیست ها
(کور ،کبا لی ،دودی)ا زسرخا نوا ده‌ها کم‌کردتا بدیگرا ن نا ن
ا هدا ئی سیلورسیده‌وا صل شعا رتۆکی تحقق یا فته‌بتوا نند .
وقتی قوا ی دا خلی رژیم‌ا زهم‌پا شیده‌بودکه‌هیچگونه‌ا مید
وا ری کرملین درقسمت به‌قدرت ما ندن رژیم‌دست نشا نده
شا ن با قی نما نده‌بودرهبرا ن کرملین تصمیم‌گرفتندتا
برا ی بقا ء وحما یه‌رژیم‌وا بسته‌ا زهردوجنا ح خلق وپرچم
متحدا نه‌دربرا برحملات مجا هدین کا ربگیرندوهم‌حما یه
شا ن را با ا رسا ل قوا ی عظیم‌خویش مستقیما" تا ء مین نما یند
ولی با آ مدن قوا ی نظا می شوروی وضع نسبت به‌گذشته‌ا ز
حیث که‌مردم‌مسلما ن مدا خله‌مستقیم‌وحما یه‌روسها را درخا ک
ووطن آ بائی شا ن تحمل کرده‌نمیتوا نستندوحکومت کردن
روسها را درا فغا نستا ن مسلما ن یک عمل ا ستعما رگرا نه
وغیرا سلامی می شمردند ،خرا ب ترشده رفت وشکل یک قیا م

عمومی انقلاب اسلامی وملی را بخودگرفت مجاهدین قهرمان مخصوصاً درکابل واطراف آن مانندتره‌خیل، خیرخانه پاشاه‌صاحب‌پای منار، شیوکی، پغمان، قلعچه‌وارغندی‌جای گرفتند. بدین‌صورت حلقه محاصره‌کابل را تنگ ترساختند وباحملات شان شب وروزبرقوای امنیتی رژیم، تأسیسات دولتی مخصوصاً پوسته‌های ثارندوی داخل نبردشدند.

درولایات نیزهیچ شهری باقی نماندکه‌درمحاصرهٔ مجاهدین وقوای ملی قرارنگرفته‌باشد. لهذا قوای یکصدوپنجاه‌هزار نفری روسها مجبورشدندپس ازیکی دوهفته‌درجنگ علیه مجاهدین ملی داخل پیکارشوند.

بدین‌صورت قوای سرخ جانب کنر، پنجشیر، میدان، لوگر غوربند، حتی بدخشان، بغلان وتخار ازاردوی مستقردرکابل فرستاده‌شدند، ولایات فراه، بادغیس، قندهار، غزنی نیز ذریعه‌قوای مستقردرهرات مقابل قوای مردم‌مجاهداسلام داخل پیکارگردیدند. که‌حملات شان باقوای هوائی حمایه وازتوپ‌های دورزن وتانک‌های زرهی ثقیله‌استفاده‌بردند چون ارتش سرخ باهمه‌تسهیلات نظامی وعصری ومدرن شان درمراحل اولیه‌تصادمات درمقابل قوای ملی مجاهدین اسلام‌که‌باقوهٔ ایمان وبشارت شهادت مبارزه‌میکردندمجبور به‌عقب‌نشینی می‌شدند، مجاهدین مسلمان درک نمودندکه ارتش سرخ روی تبلیغات دروغین بلوک شرق شهرت یافته اندوربه‌درجنگ قدرت مقاومت راندارد ومخصوصاً بدون تانک قوای نظامی شوروی درجنگ افرادپیاده‌ابداً درمقابل مجاهدین افغان مقاومت کرده‌نمیتوانند، لهذا بدین شرر کوشش وتلاش حملات قوای تانک شوروی راباکارگذاشتن مین های مختلف درسرراه‌عبورشان دفع نموده‌توانستند. بدین صورت وقتی که‌دریک قطارزرهی ذریعه‌مجاهدین

با کارگذاشتن مین ومنفجرنمودن تانک اولی مسیر راه عبورتانکها را مسدودمینمودند ،روسها مجبورمی شدندتا از قوای شان بصورت پیاده استفاده کنند ،که درین حالت مجاهدین از پناهگاهای شان خارج شده برقوای پیاده ارتش سرخ حمله کرده تلفات جانی ومالی زیادی را برروسها تحمیل مینمودند ؛عراده جات ،تسلیحات ومهمات نظامی را به غنیمت میگرفتندوخود، را با سلاح های جدیدکه تاآنوقت به دسترس قوای رژیم گذاشته نشده بودمجهزمی نمودندکه با این تاکتیک مجاهدین ، روسها درهمه جبهات با دادن تلفات کلی مجبوربه عقب نشینی میگردیدند .اما چون مجاهدین ازسلاح دافع تانک ودافع هوائی محروم بودند درمقابل مناطق مسکونی وقریه جات اطراف حادثه را بمباردمان نموده خانه ها را ویران واشخاص بیگناه غیر نظامی را قتل عام مینمودند ،با قتل این اشخاص بیگناه را دیوهای روسی وبلوک شرق ورادیوهای رژیم کابل تبلیغ مینمودندکه درفلان منطقه اینقدراشرار وقطاع الطریق درپناهگاه شان سرکوب شدنددرصورتیکه ازمجاهدین ،جوانان قریه وآنانیکه قدرت وتوانائی جسمی داشتندکسی تلف نمی شد ،زیراآنها وقتا" منطقه را ترک کرده بجای های مصون میرفتند .

این عملیات روسها صرف برای خراب نمودن قریه های مسکونی بودکه پناهگاه مجاهدین ومحل شب باش قوای ملی بحساب می آمد .

قتل عام مردم بیگناه غیرنظامی وقتی زیادتربوجودمی آمد که پس ازبمباردمان مناطق مسکونی درمحاصرهٔ قوای زرهی روسها قرارمیگرفت ،درین وقت جوانان وبعضا" مجاهدین فداکار را سلام گیرآمده صدها نفراهالی قریه را

بنا ما ینکه با اشرار همکاری میکنند، اکثرا" موی سفیدان قریه را روی بدیوار قلعه قرار داده بصورت دستجمعی تیرباران می نمودند وحتی بالای زنها واطفال نیز رحم نمی نمودند شواهدی موجود است که اطفال شیرخواره را با نوک برچه در حضور والدین شان سوراخ نموده اند برای اینکه در بین مردم برای عدم همکاری اهالی با مجاهدین اسلام ترس وخوف ایجاد کرده باشند بعضا" در بین خانه تمام اهل خانه را جمع کرده لباس وکالای خانه را بربالای آنها انداخته با خالی نمودن پیپ پطرول خانه وفامیل را آتش زدند ودروازه خانه را مسدود نموده اند که این جنایات ضد بشری خیلی عذاب دهنده تر از کوره های آدم سوزی آلمان هتلری است ولی با هم تلفات مجاهدین درین جنگ ها بمقابل قوای سرخ خیلی کم ونا چیز بوده زمانی مجاهدین تلفات می دادند که درچنین محاصره ها گرفتار میگردیدند. اما تلفات روسها که غافل گیر می شدند نهایت زیاد می بود. لهذا از زمانیکه روسها برافغانستان حمله نموده اند تلفات انسانی ارتش سرخ وقوای رژیم کابل جمعا" بالغ بر بیش از یکصد هزار نفر کشته ومعیوب تخمین شده است، درحالیکه تلفات مجاهدین درهمین مدت به سه هزار نفر نمی رسید ولی تلفات انسانی افراد ملکی وبیگناه غیرنظامی، شامل زنان، اطفال موی سفیدان مسکونی، قریه جات وولسوالی ها درحدود بیش از یک نیم ملیون نفر کشته، معیوب وزخمی تخمین گردیده است همچنان درین مدت قوای نظامی شوروی ورژیم ملحد کابل درین جنگ ها بیش از سه هزار عراده تانک ودیگر وسائط نظامی وبیش از پنجصد فروند طیاره را از دست داده اند که در مقابل تلفات مجاهدین این مدرک صفر است، زیرا فرضا" اگر کدام

مفتخوار جامعه شوروی را تشکیل می دهند از تمام نعمات تولیدشده ملی برخوردار اند. افغانستان نیز با تسلط یک تعداد کوچک و اقلیت حزبی سلاح بدست خلقی و پرچمی که به پشتیبانی و قوهٔ یکصد و پنجاه هزار نفری قشون مجهز ارتش سرخ اتحاد شوروی به قدرت مانده اند میخواهند بالای یک اکثریت عظیم مردم مسلمان افغانستان ایدئولوژی ورژیم بی خدائی خلاف مذهب و عنعنات و سنن ملی شان را با براه انداختن قتل عام، فجایع، بی ناموسی، تحمیل شکنجه و فشار بقبولانند تا از جیرهٔ بخور و نمیر نعمات تولید شده بدست این طبقه زحمت کش و اکثریت هجده ملیونی کارگر و دهقان جامعه تولید میشود استفاده بتوانند در غیر آن باید بمیرند و بس.

اینست ماهیت اصلی رژیم کمونستی که بنام خدمت طبقه کارگر و دهقان زحمت کش افغان یک مشت عناصر مفتخوار وفاسد بحیث وکیل نا خوانده طبقه زحمت کش قدرت و سلاح بدست گرفته و از منافع استعماری دیووحشی کمونیزم و دیکتاتوران کرملین و توسط سلاح قدرت نظامی ارتش سرخ از آن حراست مینمایند.

خوب است کارگران جهان از آزادی طبقه فقیر و کارگر جامعه افغانی دیدند که رهبران کرملین و دیگر رهبران کمونستی مسلط شده که همیشه روی تظاهر و محیلانه برآبله دست کارگران اشک تمساح میریختند چطور از خواسته های عادی و انسانی ۱۴ ملیون کارگران و دهقانان شامل اتحادیه زحمت کشان لهستان با اراده آنها را مانند خواسته طلاب طالبان چکسلواکیا ذریعه بیش از هفتاد دلشکر زرهی روسیه و پکت ورشو تهدید کردند تا از خواسته های معقول

وقت مجاهدی درمحاصره گرفته می شد . ویا درجنگ بشهادت میرسیدند ،مجاهدین صرف همان سلاح راکه از روسها ورژیم بدست آورده بودند از دست می دادند .نه تانک دارندونه طیاره ،نه توپ دارندونه وسیله نقلیه ولی خسارات ملکی با تخریب خانه ها تلف شدن اموال وحیوانات زراعتی که در حقیقت پناهگاه مجاهدین وسرمایه ملی است خیلی زیاد میباشد که روسها عمداً وبرای ایجاد وحشت وخوف مردم قریه ومحروم نمودن مجاهدین از حمایه مردم قریه در کل بکار می برندتا مجاهدین را از دسترسی به غذا وجای شب باش وکمک مردمدهات محروم گردانند .روسها به همین واسطه اموال وداراثی خانه ها را چورنموده ،ذخیره مواد غذائی وحیوانات فامیل های دهقانان را به آتش میکشندواغلباً دربین کندوهای مواد غذائی مردم قریه درحین تلاشی مین گذاری نموده ویا با مواد کیمیاوی مسموم مینمایندتا ذریعه آن انسانهای بیگناه زیادتری را بشهادت برسانندکه مردم قریه نسبت کمبودمواد غذائی به رژیم وابسته متکی ومراجعه نمایند .روسها اکثراً دست به دزدی زده زیورات قیمتی را از خانه ها می ربایند .علاوه برا ینکه روسها به قتل مردم بیگناه می پردازندبناموس مردم دست اندازی می نمایدحتی ذخایرغذائی حیوانات زراعتی را حریق میکنندوبا قدرت سلاح دست داشته از هیچ گونه اعمال غیرانسانی وضدبشری دریغ نمی نمایند .طورمثال چون درتمام شهرهای بزرگ که فعلاً "درکنترول قوای شوروی است قیودشبگردی نافذاست باالخاصهٔ درشهرکابل که امنیت وگزمه شب بدست روسها است وقوای روسی مسوء ل امنیت شهرمیباشند ،دوکانهای مردم مسلمان شهررا این ملحدین روسی با زکرده اموال ودارائی

نقدی آنرا سرقت کرده وبعداً دوکانها را به آتش میکشند وکسی هم از آنها پرسان کرده نمیتوانند .چنانچه دریک شب تمام اموال قیمتی وپول نقدبیش ازیکصددوکان مارکیت جمهوریت واقع نزدیک فروشگاه بزرگ افغان را ربودند وبعداً هم مارکیت را آتش زدند .

همچنان روسها تجارتخانه های عمده داخل پشتون مارکیت مقابل مسجدپل خشتی را همین دزدان روسی از طرف شب باز کرده از داخل صندوق های سیف تجارتخانه های داخل مارکیت مذکوربیش از هفتاد ودوملیون افغانی پول نقد داخل تجارتخانه ها را ربودنددرحالیکه هیچ افغان درشهر کابل سلاح نداشته وهم از طرف شب افغان ها حق برآمدن از خانه را نداشتندوپس از ساعت ده شب کسی از خانه های شان برآمده نمیتوانست .

شواهدی دردست است که قوای روسی حین محاصره قریه ها وبه بهانه پیداء کردن سلاح ومجاهدین از خانه های مردم ساعت ،لباس ،رادیو ،پول نقدوزیورهای قیمتی زنانه را حتی از جیب ،گوش وگردن زنها خارج کرده وبرآمده اندو روسها درخط سیرشان گوسفندان اهالی قریه را دربین تانکها انداخته برده اند ،درصورت مخالفت اهالی با مسلسل بقتل رسانیده شده اند .بعداً این دزدان روسی اموال المسروقه را دربرابر بردیده افسران خودقسم مارکیت آزاد بالای اهالی دیگرمناطق بفروش رسانیده اندکه کسی هم از آنها نپرسیده است .

درقسمت ویرانی قریه ها وشهرها توسط ارتش سرخ توضیح میشودکه طورنمونه قسمت اعظم بازارخان آباد ،عمارات دولتی وشخصی شهربغلان ،ویرانی وخرابی خانه های شخصی درقریه های آزادان ،اسوالولید ،وساوه ولایت هرات ،قسمت

عمده‌شهروبا زارها ی قندها ر ،خرا بی وویرا نی قسمتی از شهروبعضی قریه‌ها ی برکی برک ولایت لوگروبعضی قریه‌ها چکِ وردگ ،شیوکی ،تره‌خیل ،پا دشا ه‌صا حب پا ی منا رقریه‌ها وبعضی قسمت ها ی شهرمزا رشریف وقسمت عمده‌شهرغوریا ن وا مثا ل نتیجه‌بمبا ردما ن تا زه‌قوا ی مها جم‌روسی ا ست .که برا ی ا عا دهٔ ا منیت وآ را مش مردم‌ا فغا نستا ن ا زجا نب دیکتا تورا ن کرملین فرستا ده‌شده‌ا ند .ا ها لی ا ین منا طق یا ا کثرا" زیرآ وا رخا نه‌ها مدفون شده‌ا ندکه‌تا حدممکن توسط مردم‌ومجا هدین ا ززیرآ وا رکشیده‌شده‌درحضیره‌عمومی‌منا طق مذکوردفن شده‌ا ندکه‌منظرهٔ برا فرا شته‌شدن پرچم‌ها بالا ی حضیره‌عمومی منا طق مذکورنما ینده‌گی ا زکسرت شهدا ء وقربا نیا ن ا هدا ف کرملین ا ست‌که‌توسط همین قوا ی محدود شوروی که‌به‌گفته‌کا رملف به‌کمک آ ن ا فغا نستا ن عزیزا ز صفحه‌نقشه‌دنیا محونشده‌ا ست می نما ید .

مگربا وصف ا ینهمه‌قتل ها ،تخریبا ت وآ تش سوزی ها ووحشت آ فرینی ها با زهم‌قوا ی ا رتش سرخ ونظا می شوروی درظرف بیست ما ه‌که‌به‌مملکت ما تجا وزنموده‌ا ندوذریعه‌هزا را ن‌تانک وصدها توپ وطیا ره‌حما یه‌میشوندنتوا نسته‌ا ندتا هنوز کنترول خودرا حتی درشهرها ی بزرگ ا فغا نستا ن محکم نما یند ،درپنجشیر ،با میا ن ،غوربند ،تگا ب ،لوگر، وودک غزنی ،قندها ر ،هرا ت ،لغما ن ،کنر ،زا بل ،غورا ت ،فرا ه هلمندتما ما" ولسوا لی وحتی دربعضی شهرها کنترول تما ما" بدست مجا هدین وقوا ی مقا ومت ملی میبا شد .درشهرها ی مذکورهم‌کا ملا"کنترول ا زطرف شب بدست مردم‌مجا هدافغانستان ا ست .کها کثرا" ا فرا دگزمه‌روسی حتی درشهرکا بل نیز در ا ثنا ی شب دربعضی منا طق سیروگردش کرده‌نمیتوا نند مجا هدین غیوربه‌ا ین منا سبت قوا ی روسی وعما ل رژیم‌را

سخت به اندیشه وتشویش انداخته اند .لهذا باید قبول کنیم که حتی روسها درقشله های مربوطه شان از شرحملات ناگهانی مجاهدین قهرمان درامان نیستندودرحال دفاعی قرارگرفته اند .درکابل هم از طرف روزمارشال روسی برشهرحکومت میکنندنه رژیم ملحدکارملف .

کارمل دربیانیه اش از بتکاراتی یادکرده بودکه به قول اوآرامش رادرافغانستان تضمین مینمودکه حتی یک فیرهم بعدازآن نخواهدشد .ولی حقیقت اینست که از نگاه رهبران کرملین با درنظربودن شرایط مذهبی مردم افغانستان وعدم نفوذ حزب درجامعه افغانی وعدم معلومات عمال روسی از عرف ،عادات وسنن مذهبی وملی افغانها وهم برغلط نشان دادن کمیت وکیفیت اعضای حزب توسط کارمل تره کی وسفیرپوزانف با براه انداختن کودتای ۷ ثورتوافق کرده وپیش از وقت بهآن اقدام کردند .وبا زهم فکرمیکردندکه با به قدرت رسانیدن حزب امرکمونست سازی جامعه افغانستان از بالابه پائین (خلاف پرنسیپ های اصلی ایدئولوژی مارکسیست لنینست)درمدت کوتاهی حتی درظرف یکی دوسالی موفق خواهندشد . (درحالیکه اینک درمدت بیش از شصت سال هنوز خودروسها نتوانسته اند درطریق کمونست سازی جامعه خود روسیه قدم های اولیه را بردارند)که این دروغگوئی رهبران رژیم وحزب وابسته وسفیرپوزانف برای به قدرت رسانیدن حزب روسها را به مقابل عمل انجام شده قرارداده مجبورساخت تا بعدا" با پیاده کردن قوای یکصدوپنجاه هزارنفری نظامی شان مستقیما" با افغانهای وطن دوست درگیرجنگ شودواین همه تلفات انسانی وخسارات مالی را متحمل گردد .

بعقیده روسهای چون انقلاب خام وخلاف تیوری لنینست

ما رکسیست (که درآ ن ا نقلاب کا رگری را با توسعه وهمبستگی کا رگرا ن جا معه)تا ئیدمینما ید .ولی آ قا ی برژنیف یک تز دیگربرآ ن ا فزودکه ا حزا ب کمونستی میتوا نندبنا مکا رگرا ن جا معه ونیا بت شا ن قدرت سیا سی را با کودتا بدست آ ورده بوکا لت نا خوا نده شا ن برخودکا رگرا ن تیوری کمونستی را تطبیق کننده ا ینصورت وبا ملاحظه نا کا می رژیم درحفظ قدرت روسها مجبوربه مدا خله مستقیم گردیدندکه آ ن مدا خله مستقیم شا ن هم اکنون با ا لاثرقهرما نی ها ی ا فغا نها یوطن دوست ومسلما ن ا فغا نستا ن بنا کا می منجرگردید ،لهذا روسها مجبوراً وعلی ا لعجا له ا زمسله کمونست سا زی جا معه ا فغا نی وخلاف شعا رها ی همیشه گی ا عضا ی حزب وا بسته وبا دا را ن روسی شا ن که درآ ن ا نقلاب شوروا هدا ف تیوری کمونستی ا فغا نستا ن را برگشت نا پذیر میگفتند .بردین وعقا یدمذهبی مردم وسنن وعنعنا ت جا معه ما توهین وتمسخر مینمودند ،علما ی دینی وروحا نیون را مرتجع وقا بل نا بودی می شمردندکه ا زجا نب عما ل شا ن درمدت بیست ما ه حکومت تره کی ا مین با ا زبین بردن عدهٔ زیا دی ا زعلما ی جیدوروحا نیون خدا پرست وشخصیت ها ی ملی ما عملاً ا نجا م دا دند .

ولی کنون با ملاحظه نا کا می شا ن با همه ا ین قصا وت ها وبرا ی حصول موفقیت شا ن وکسب پشتیبا نی ا ین طبقه زحمت کش ولی مسلما ن ا فغا نستا ن را حا صل کردهٔ توا نستند مجدداً با ا تحا دوهمکا رسا ختن حزب خلق وپرچم وبا پشتیبا نی قوهٔ مجهزویکصدوپنجا ه هزا رنفری شوروی که بحما یه تا نکها ی عصری وطیا ره ها ی جنگی بدرقه میگردندبا زهم برا ی بقدرت نگا ه دا شتن نوکرا ن وا بسته شا ن نا کا می مطلق را مشا هده مینما یندمجبوراً ا زا مرکمونست سا زی جا معه ومفهوم ا نقلاب

کمونستی عقب نشینی کرده هدایت دادند تا رژیم بغرض جلب همکاری وفریب مردم مسلمان ابتکاراتی را عملی سازند از جمله ابتکارات کارمل تبدیل بیرق ملی افغانستان تشکیل جبهه ملی پدروطن ،تظاهر به اسلام وتظاهر به حمایه تاجران بنام سرمایه داران ملی را میتوان نام برد.
کارمل درقسمت تغیر رنگ بیرق ملی افغانستان که درزمان تره کی با پیروی از اتحاد شوروی برنگ سرخ وداس وچکش درآورده بود برای رضائیت مردم همان سه رنگ سنتی سیاه ،سرخ وسبز را که دررژیم گذشته داشت تعدیل کرد ولی عوض علامات محراب ومنبر بیرق سابقه نشان کارگری را نصب نمود ،درقسمت تشکیل جبهه ملی پدروطن ،کارمل کوشید وهمان نوکران وابسته را بنام موی سفیدان قومی دراطراف حزب جمع کرد تا ادعا گویان خریداری شده را زیاد ترکنند ،تا نظریات واقدامات حزب ورژیم را همیشه تائید نموده باشند.
درموردتشکیل جبهه علماء وروحانیون بجای علمای دینی وروحانیون با دیانت وموردا حترام مردم یک مشت عناصر حزبی فاسد استخفا ده جوی طماع را بنام علماء وروحانیون با قبول مصارف ومعاش زیاد درتشکیل بنام ریاست علماء وروحانیون دراطراف حزب ورژیم جمع کرده آنها را بنام امام وخطیب درمساجدتوظیف نمود .که مردم مسلمان افغانستان وشان را بنام مزدوران وعمال خاد شناخته اکثراً ازرفتن به مساجدواداى نمازدرجماعت که سنت مسلمین است صرفنظر کردند .اگرچه دراوا خردوره تره کی هم به تظاهر به اسلام مجبور گردانیده شدندکه بعضاً درمسجدارگ جمهوری به اداى نماز مبادرت میکردولی بی وضو.
مگرکارمل نظربه توصیه هدایت وامررهبران کرملین مجبور شدخطابه هایش را با بسم الله الرحمن الرحیم شروع نماید

ودرختم گفتار ش به گفتن کلمه من الله التوفیق تظاهر به اسلام نماید. ولی هیچوقت نگفت که خودش مسلمان است بلکه میگفت حزب ودولت از اسلام حمایت میکند.

کارمل با این ابتکارات ش وا ینکه از سرمایه داران ملی حمایت مینماید (برخلاف عقیدهٔ کمونیزم) که مخالف حق ملکیت شخصی وسرمایه داری است با تعدیل مقرره اصلاحات ارضی وشناختن حق ملکیت شخصی اضافه از نصاب مقرره وضع شده برای علماء روحانیون وبازماندگان کسانیکه درراه جنگ علیه مجاهدین اسلام جان شان را از دست داده اند دقبول واعلان نمود. فکر میکرد مردم مسلمان افغانستان را با این ابتکاراتش فریب داده عدهٔ مردم استفاده جوی را دور حزب ورژیم جمع کرده خواهد توانست وبه این وسیله آرامش نسبی را در افغانستان برقرار خواهد کرد وهم رضائیت رهبران کرملین موجب بقدرت ماندن بیشتر او خواهد شد تا رهبران کرملین بیایند به فراغت خاطر به چپاول ثروت ملی افغانستان پرداخته وبر طریق اهداف دراز مدت ودیرینه شان درقسمت پیشروی بسوی بحر هند وخلیج فارس قدمهای دیگری بردارند. مگر مردم مسلمان افغانستان که آن محیل را می شناختند واز جنایات واهداف دراز مدت روسها ودیکتاتوران کرملین مطلع بودند. دیگر فریب حیله های شیطانی رهبران کرملین وعمال رژیم را نخواهند خورد.

از ین عقب نشینی های کارملیان برداشت وطن دوستان وروشنفکران تظاهرفریبکاری وحیله های کارملیان ورهبران کرملین شناخته شد. که برعزم شان برای دفاع بیشتر ومقاومت جدی تر الی سرحد محو کامل آثار کمونیزم وتحصیل استقلال وآزادی کامل وطن شان افزود. وهمه این ابتکارات وعقب

نشینی ها را حمل برضعف قوای نظامی ارتش سرخ وضعف رژیم کردند .که هیچ تاءثیری برای بقدرت ماندن رژیم کمونستی دروطن افغانها وبرای فریب مردم مسلمان افغانستان وارد ننمود .بلکه روزتا روز روحیه مردم افغانستان در جهت همبستگی شان درراه جهاد ملی واسلامی الی سرحد پیروزی کامل فشرده ترگردید .

کارمل که دربیانیه اش نسبت خروج قوای محدود شوروی درمدت کمی وعده داده بود اینک پس از مدت نیست ماه دیده میشودکه درکابل ودیگر ایالات افغانستان روسها به اعمار قشله های عسکری آغاز نموده اند که این عمل شان حاکی برادامت دائمی ارتش سرخ است که خیره سری درمقابل فیصله های ملل متحد ،فیصله سران ممالک اسلامی وفیصله کنفرانس سران ممالک غیرمنسلک وفیصله جرگه لجا معه اروپائی بی اعتنائی وقدرت نمائی می نمایندوبدان سبب افکار جهانیان را نیزعلیه خودتحریک نموده اندکه آن را جهانیان حمل برپیشروی روسها جانب بحرهندوبه سلسله اهداف دراز مدت پلان کرملین تلقی مینمایند .

آقای کارتررئیس جمهورامریکا ودیگررهبران جهان غرب دربرابر این عمل متهورانه وشوم روسها که مخالف به منشور ملل متحدویک تجاوزعریان وآشکارا برعلیه مملکت بیطرف آزادوعضوسازمان ملل بودعکس العمل جدی نشان ندادند . بلکه صرف به تحریم شرکت تیم های سپورتی شان درالمپیای مسکوپرداخته وصدورجواری را بروسیه منع نمودندکه آنهم بعدا" توسط ریگن رئیس جمهورجدیدامریکا رفع گردیدولی ارتباط تجارتی مسکووا شنگتن بحال عادی باقی ماندکه این عمل امریکا عمل تشویق کننده وعقب نشینی دربرابر

قدرت نمائی وزورگوئی روسها شناخته میشود .
این ضعف ملل متحدوجهان صنعتی غرب دربرابر اعمال تجاوزکارانه روسها راه را برای جهانی ساختن ایدئولوژی کمونیستی وآنهم درکمپ رهبریت کرملین وسیع وبازتر خواهد ساخت چنانچه با اندک نشان دادن ضعف دولتهای دیموکرات امریکا ،روسها توانستند درپهلوی امریکا کیوبای کمونست را با قدرت راکت های قوی بوجودبیاورند.
بهرصورت افغانها با ملاحظه این ضعف امریکا وجهان غرب که درمسله کیوبا وویتنام واخیراً ترورسفیرامریکا درکابل، دربرابر روسها نشان دادند نمیتوانستند درموردسرنوشت وطن شان ازدول غربی ومخصوصاً" دولتهای امریکا که جز ء به منافع آنی مادی شان نمی اندیشیدند انتظاری داشته باشدوهم مردم افغانستان ازموءسسات ملل متحدکه جزآله دست ابرقدرتها دیگرکاری ازآن ساخته نیست توقعی نداشتند .معلوم است که ممالک غیرمنسلک وملل مسلمان جهان نیزهرکدام شان به نحوی دربرابر برتوطئه های ممالک قدرتمند گرفتاری های داردویا فعلاً "تحت بهره کشی واستعمارشان قرارداشتند ررا ه جهادمردم افغانستان علیه یک ابرقدرت جهانی چیزی کرده نمیتوانستند .
لهذا این مردم مسلمان وبا ایمان افغانستان اندکه باید خودبرای حصول آزادی وتعیین سرنوشت مملکت شان تصمیم میگرفتندوحاضربه قربانی می شدندبا یک انقلاب ملی واسلامی بقیام عمومی می پرداختندتا خودرا ازپنجه دیواستعمار نجات دهند .که با این عزم آهنین به قیام عمومی برخواسته اندوبجهان بشریت اعلام نمودندکه درصورتیکه خودابرقدرت ها یعنی بانیان موءسسه جهانی ملل متحدپابندی شانرا

به منشور ملل متحدوسا زما ن ها ی مربوطه نشا ن ندهندوبه پذیرفتن فیصله ها ومقررا ت مکلف نمی دا نند ، موجودیت چنین موء سسه بی نتیجه خوا هدبودوبهترخوا هدبودا ولتر ا ز همه جها ن بشریت خودرا ا زمصرف چنین موء سسا ت دستپا ک ا برقدرت ها برها نندکه جزبرا ی برآ وردن ا میا ل وخوا سته ها ی قدرتمندا ن مفهوم وقوه ندا رد .وخودشا ن خودرا به قدرت وقربا نی مردم شا ن ما نندمردم ا فغا نستا ن متکی گردا نند وبس .

مردم ا فغا نستا ن می دا نندچطورا ین هیولای وحشی لگا م گسیخته کمونیزم را که ا زطریق تعهدا ت بین ا لمللی نتوانستند لگا م بزنندبا تجربه ا زلگا م زدن دیوا ستعما رغرب درقرن ۱۹ لگا م خوا هدزدوپوزه ا ش را بخا ک خوا هدما لید .ا فغا نها می توا نندبا قدرت ا یما ن وتکیه به خدا وندا ین دیوا ستعطر را که درظا هرتظا هربدوستی تمدن وبشردوستی می نما ید ولی درباطن وحشی ترا زخون خوا را ن ا ستعما رقرن ۱۹ می با شندبا ا ستفا ده ا زتجربه گذشته درس ا نسا نیت وزیستیلهمی بدهد .

ممکن ا ست ا فغا نها با تکرا رتا ریخ تلفا ت ما دی وا نسا نی زیا دی را متحمل شوندا ما جها نیا ن وبا ا لخا صه ملل مظلوم که تحت ا ستعما ردیوکمونیزم شوروی بسرمی برندخوا هند آ موخت که چطورمیتوا نندبا تصمیم وقربا نی خودرا ا زچنگ دیوکمونیزم کرملین برها نندوهیچ قدرتی نمیتوا ندبزور سرنیزه وا سلحه ولوهرقدرقدرتمندبا شدبرخلق ها ی جها ن حکومت کند .همچنا ن مردم ا فغا نستا ن ا میدوا رند روزی برسدکه درنتیجه ا ین تجا وزسوسیا ل ا مپریا لیزم کر ملین ا زمردم مجا هدا فغا نستا ن جوا ب دندا ن شکنی دریا فت نماید که نهضت آ زا دیخوا هی موجوده درملل تحت سلطه کرملین

شا ن صرفنظر نما یندهرگا ه مطا بق تبلیغا ت کمونیزم جها نــی هدفشا ن بقدرت رسا نید ن طبقه کا رگرمی بود چطور د رمقا بل خوا سته ها ی ا تحا دیه کا رگرا ن لـهستا ن قوا ی نظا می پکت ورشوآ مـا ده ء کوبید ن میگردید ،طبیعی ا ست که ا ین عمل وتبلیغـــــــات رهبرا ن کرملین محض بها نه وفریب ا ست برا ی حکومت کرد ن برطبقه زحمت کش که شیا دا نه بدا م کمونیزم گرفتا ر سا خته شد ه ا ند .ومزورا نه نا م حکومت کا رگری ودیکتا توری پرولتا ریا برآ ن نها د ه میشود .تا خودا ین دیکتا تورا ن بتوا ننــــــــد با ا ستفا ده ا زنا م دیکتا توری پرولیتا ریا ،دیکتا تــــــوری خودکا مگی ا ستعما ری وجها ن گیری شا نرا تا ء میـن نـما یند نه ا یدئولوژی ا ست ونه م دوکتورین قا بل تطبیق برجهـــا ن بشــــــریت .

مانند ،لهستان وملل شامل جمهوریت های آسیای میانه چکسلواکیه ،بلغاریه شروع گردیده در دیگر ملل تحت سلطه دیکتاتوران کرملین نیز نفوذ کرده آزادی شان را با پاره کردن زنجیرهای ساختگی بنام ایدئولوژی لنینست مارکسیست یاد ماستعمار کرملین را از تهداب منهدم وجهان بشریت را برای ابد از خودکامگی دیکتاتوران کرملین پیرهانند ودیوخیالی وبت پرنقش ونگار تخیلی وفریبکارانه را برای ابد محکوم به نابودی سازند.

ملت مسلمان ووطن دوست افغانستان مفتخرخواهد بود که با ریختن خون خود وقربانی بی شمارش برای ملل دیگر در راه انهدام این بت خیالی خودساخته بنام ایدئولوژی کمونیزم که جزء دامی برای مردم فقیر ملل جهان وبهره کشی چیزی نیست پیشقدم باشد وهم ملت قهرمان افغانستان مصمم است ملل آزاد جهان را با قربانی مردم خود وازدست دادن ملیون ها شهید برای همیشه از شر تجاوز مدعیان صلح وخیرخواه بشریت زحمت کش وکارگر که وکالت شان را نخواسته دیکتاتوران کرملین بصورت فریبکارانه بدوش خود میگیرند خلاص نماید.

بهرصورت طوریکه درفوق توضیح گردید با تجاوز صریح وعریان رژیم ودیکتاتوران کرملین برسرزمین افغانستان جهاد مردم وطن دوست ومسلمان افغانستان درهرات برهبری برادران مجاهد تورن اسماعیل خان وبرادر محترم ومجاهد قهرمان صفی الله خان درولایت کابل برهبری مجاهدین قهرمان وفداکار مولوی شفیع الله خان ومولوی صدیق الله خان درغزنی برهبری مجاهد قهرمان کاکا تاج محمد ،درپکتیا برهبری مجاهد عالیقدر مولوی جلال الدین حقانی ،درلوگر برهبری مجاهدین فداکار حاجی عبدالاحمد خان ومولوی خوشحال خان

وبرادرگی هیرا مای بالا در پنجشیر برهبری مجاهد قهرمان برادر مسعود، درمزار شریف برهبری برادر مجاهد ذبیح الله خان ودرهزاره جات برهبری برادر مجاهد محمد آصف محسنی، در ولایت فراه برهبری برادر محمد انورخان پیلوت ودرقندهار برهبری برادر مجاهد محمد نسیم خان آخندزاده شروع گردیده بود برشدت حملات شان برقوای متجاوز افزودند، مخصوصاً" زمانیکه مردم آزادی منش افغانستان با شروع اموراساختمان قشله های نظامی روسها فهمیدند که قوای متجاوز برای بود و باش دائمی قوای نظامی شان میخواهند قشله ها بسازند، تحرک قوای جهادی وپیوستن مردم مسلمان به قوای جهاد سریع تر گردید. وواقعاً" به جهاد مرگ و زندگی پرداختند. قسمیکه در اول با تبر وکارد بجنگ می پرداختند در مقابل روسها بادر دست داشتن سلاح های خفیفه بدست آمده از قوای رژیم در مقابل سلاح های عصری ومدرن قوای شوروی بمقابله ومبارزه آغاز نمودند عمال وابسته به قوای نظامی روسها را درهرکجا که تنها بجنگ می آوردند محو می نمودند وسلاحهای عصری تری را تصاحب شده خودها را به سلاح های جدید مسلح می نمودند که با این قسم عملیات های متهورانه در مدت کوتاهی از منهدم نمودن تانکهای جدید روسی وبازکردن توپ ها ودهشکه های آن تا اندازهٔ با سلاح ضد تانک وبدست آوردن توپ های دورزن ووسیله نقلیه زرهی مانند بردیم قوای مقاومت قادرگردید که با روسها به جنگ جبهه ای بپردازند از طرف دیگر برادران مسلمان ووطن دوست که شامل قطعات نظامی بودند از حمل وانتقالات قوای ملحد روسی به مجاهدین قهرمان که درتماس بودند وقتاً" اطلاع می دادند در حین مقابله ویا قبلاً" با ازبین بردن صاحب

منصبان حزبی رژیم ،خودها را با افراد قطعه مربوطه و سلاح های دست داشته به مجاهدین قهرمان پیوسته صفوف برادران مجاهدشان را تقویه مینمودند .
درین قسمت نمونه های را می توان توضیح نمود که تعداد این قوماندان های مسلمان وفداکار زیاد است که با بقدرت رسیدن رژیم منحوس وابسته وبعداً" با پیاده نمودن قوای نظامی شوروی ومداخله مستقیمشان وجدان وعقیده اسلامی شان اجازه نمی داد که شاهد قتل عام مردم بیگناه وهموطنان شان ذریعه بمباردمان بیرحمانه قوای ملحد رژیم وقوای نظامی دیکتاتوران کرملین باشند وصرف ناظر صحنه گردند لهذا با قتل وکشتار صاحب منصبان حزبی رژیم وپیدا کردن فرصت مناسب با سلاح وافراد قطعه مربوطه یکجا به برادران مجاهدشان ملحق شده اند م
طورمثال دراسمار دگروال عبدالروف خان قوماندان قوای نظامی اسمار ودرقوای فرقه هرات صاحب منصبان مسلمان مانند دگروال محمدانورخان وردگ ،جگرن عزیزاللـه خان تورن نورمحمدخان ودیگرصاحب منصبان که متاسفانه نامهای شان بخاطرنمانده است وباهزاران میل سلاح به برادران مجاهدشان تسلیم شدند دندازجمله چنین برادران مسلمان ووطن دوست ما می باشند که قابل یادآوری وخدمات شان غیرقابل فراموشی است .وهکذا محمدهاشم سنانیکزائی قوماندان تولی درقوای عسکری پکتیاء که پس ازقتل چندنفرصاحب منصب حزبی قطعه مربوطه با بیش ازهفتصدمیل سلاح های دست داشته وافرادتحت قوماندانی به مجاهدین قهرمان پیوسته وفعلاً "درزمرهء مجاهدین سربکف درتنظیم حرکت انقلاب اسلامی درپشاور درراه جهاد ملی واسلامی ایفای خدمت مینمایند قابل تشویق اند.

لهذا وقتی مردم مسلمان افغانستان متیقن شدند که این قشون فرستاده شده کرملین دربرابر مردم مسلمان وبرادران بیگناه شان از هیچ گونه اعمال ضدانسانی وعاطفه بشری دریغ نمی نمایند برمبارزات وجهاد برحق شان شدت بخشیدند ودربرابر توطئه های قوای ملحد تاکتیک های جدید بکار بردند.

طورمثال مجاهدین قهرمان پنجشیر اطلاع یافتند که قوای مشترک دشمن عازم پنجشیر اند مجاهدین فعال پنجشیر برهبری برادر مسعود که قبلاً "با قوای نظامی درتماس بودبا درنظر گرفتن تعداد نفر، اندازه ونوع سلاح وتانک، اندازه قوای معاونه شان ازسه جهت راه های راکه امکان حمله برمجاهدین منطقه متصور بودبا مین گزاری ونصب دا هشکه درارتفاعات وایجاد خس پوشک درسرک وحفرزمین ترتیب لازم اتخاذ نمودند وقتی قوای مشترک ارتش سرخ ازسه جهت داخل دره پنجشیر گردیده ومطمئن شدند که کدام خطرومقاومتی مقابل پیشروی شان نیست وپس ازمسافه زیادی که قوای مهاجم را مطمئن میساخت به پیشروی شان ادامه دادند. مجاهدین قهرمان پنجشیر خطوط عقبی قشون سرخ را با انفجار مین های تعبیه شده منفجر نمودند که توسط آن لک ها تن سنگ ازکوه ها فروریخته شده بود که قطع شدن خطوط عقبی مانع عقب نشینی قوای ارتش سرخ فراهم گردید.

درپیشروی تانکهای روسی جانب عمق دره پنجشیر به اشتر افتیدن وحریق چندعراده تانک درین خس پوشک ها مانع ایجاد شد که تانک ها وافرادنظامی قشون روسها درمحاصره مجاهدین قرار گرفت. افراد روسی با پیاده ازتانکها خارج شده رفع موانع نمایند که مجاهدین قهرمان پنجشیر ازپناه گاههای خویش افرادیرا که برای رفع موانع ازتانک ها

خارج می شدندهدف قرارداده از بین می بردند .طیاره های روسی به نسبت نصب داهشکه درفراز کوه های اطراف دره طورلازم فعالیت کرده نمیتوانست به این صورت والی رسیدن قوای کمکی ومعاونه تلفات انسانی وخساره مهمات روسها وقوای رژیم مزدورخیلی زیاد وبالغ برصدهانفرودهها تانک رسید .وقتی روسها با قوای معاونه وطیاره های توپ دار برای نجات داخل عملیات شدندبحیث اخذ انتقام همان قریه جات نزدیک حادثه را بمباردمان وویران نمودند ،عده زیادی از ساکنین محل را به شهادت رسانیدند .
روسها درین عملیات شان سه فروندطیاره ویکصدوسی عراده تانک ودیگروسائط شان را با حدودسیصد نفرارتشیان قوای خویش را با عده زیادی از قوای رژیم وابسته از دست دادند .
همچنان درنتیجه تصادم که بین قوای ارتش سرخ ومردم مجاهد وقهرمان درحصه کلکان (۲۵ کیلومتری کابل)درگرفت تعدادسی نفرافرادقشون سرخ بقتل رسیدوبیست ودوعراده تانک ووسایط نقلیه شان به آتش کشیده شدولی روسها به انتقام تلفات نظامی شان قریه مذکوررا تحت بمباردمان هوائی وزمینی گرفته بیش از ۴۵ خانه مسکونی اهالی بیگناه را با لای اشخاص غیرنظامی منطقه ویران وعده از آن مردم بیگناه را بشهادت رسانیدند .
درعملیات که درمنطقه غوربندرخ داد ،مجاهدین قهرمان با اطلاع قبلی ازحرکت قوای نظامی روس ها واخذترتیبات درپلان مطروحه تعدادبیش از دوصد عراده تانک ووسائط نقلیه شان را درمحاصره گرفته منجمله آن نودعراده تانک ووسائط نقلیه قوای روسی را با تعداددوصدنفرسرنشین آن از بین بردند .ودوفروندطیاره جنگی روسی را سقوط دادند .

همچنان در اثر تصادمات که بین قوای مقاومت ملی و انقلاب اسلامی افغانستان و قوای نظامی ارتش سرخ در منطقه تگاب ونجراب رخ داد تعدادی از تانکهای ارتش سرخ محاصره شدند که منجمله هجده تانک و وسیله نقلیه شان به آتش کشیده شد. اما عکس العمل انتقامی قوای نظامی روسها علیه مردم بیگناه غیرنظامی مناطق مذکور باعث قتل یکعده اطفال زنان بیگناه و غیرنظامی گردید ولی شهرصنعتی ونساجی گلبهار بدست مجاهدین ملی آزاد گردید که مدت چندروز در تصرف قوای مقاومت ملی و اسلامی ما بود.

در اثر تصادمات بین قوای مقاومت ملی و قوای نظامی شوروی که در ولایت هرات رخ داد، درقصبات آزادان، ابوالولید پاوه، و باغدشت بیش از یکصدوپنجاه تانک در سه مرحله تخریب و به آتش کشیده شد و سرنشینان آن از بین رفت ولی درنتیجه عملیات انتقامی روسها و بمباردمان زمینی و هوائی قوای نظامی روس ها قریه های متذکره ویران و عده مردم بیگناه شامل زنان و اطفال بشهادت رسیدند. بقیه اهالی مناطق مذکوربدیگرمناطق ولایت هرات و یا بخارج از مملکت مهاجرت نمودند.

بعین صورت ودرنتیجه تصادمات بین قوای مجاهدین سربکف وقوای نظامی وحشی روس که درولسوالی خان آباد، شهر بغلان وکندز رخ داد عده زیادی از ارتشیان روسی به قتل رسیده و تعدادی تانکها و وسایط نقلیه شان به آتش کشیده شد که احصائیه درستی از آن دردست نیست. مگرمحبس کندوز بروی محبوسین سیاسی باز گردید و بیش از سیصد نفر مجاهدین که درآنجا محبوس بودند آزاد گردیدند ولی بعداً وبه اثر حمله انتقامی قوای نظامی شوروی وبمباردهوائی وزمینی شان تعداد زیاد دوکان وقسمت عمده شهرخان آباد و بازار آن

با عمارات زیبای شهرکندوز وبغلان را تخریب نموده ویا به آتش کشیدند .ودرین عملیات های انتقامی روسها عده زیادی ازمردم بیگناه غیرنظامیان مناطق مذکورجام شهادت نوشیدندکه باعث مهاجرت عده زیادی ازمردم محل به مناطق دیگر مملکت ویا بخارج گردید .
قوای متجاوزنظامی روسی درولسوالی جغتوتوسط مجاهدین اسلام محاصره گردیدکه درنتیجه تعدادسی عراده تانک وعده وسائط نقلیه شان به آتش کشیده شدوبیش از سیصد نفراز ارتشیان قوای روسی ونظامیان رژیم وابسته به قتل رسیدوعده هم اسیرشدندودراثرحمله دیگرشان برمیدان هوائی بگرام ومخزن سلاح عمده شان درزیرکوه قرغ کابل ومخزن بزرگ موادنفتی روسها منفجرگردید ،درنتیجه هزاران تن اسلحه دیپوی تسلیحات روسها وصدهاتن موادنفتی طعمه حریق گردید ،مدت سه روزصدای انفجار ،دودوآتش ازین مخازن شان بلندمی شدکه مقدار اعظم اسلحه ومهمات روسها که در ظرف دوسال بکابل رسانیده وذخیره نموده بودنداز بین رفته درمیدان هوائی بگرام تعدادی از طیاره های روسی بوسیله آتش قوای مقاومت منهدم گردیدوهم ذخیره نفت برق حرارتی یکه توت توسط مجاهدین طعمه حریق شد ،درحمله دیگرقوای مقاومت ملی مردم مجاهدافغانستان دربین راه گردیز چمکنی تعدادنودعراده تانکهای زرهی روسها ازبین رفت که قوماندان عمومی قوای مذکوربسویه جنرال روسی درحین دستگیری تانک حامل خودرا آتش زدکه دربین تانک خاکستر شدوازبین رفت .
دردره اسمار رودره پیچ بااثرچندحمله قوای مقاومت مردم مجاهدغیوربیش ازدوهزارنفرازقوای مشترک روسی ورژیم بابیش ازیکصدعراده تانک کمونیست ها تلف شده تعدادی

نفرکشته وتعدادی هم مجروح واسیر بجای گذاشتند .مگردراثر حمله انتقامی روسها بالای قریه های مذکوروغیرنظامیان عده ازخانه های مسکونی اطراف آن ویران وعده ازمردم بیگناه غیرنظامی بشهادت رسانیده شدندمنجمله قریه کراله که قبلا"درآنجا بیش ازسیصد فامیل زنده گی مینمودند فعلا"صرف ۹ نفرزن بین مخروبه های قریه زنده گی مینمایند باقی مانده یا کشته شدند ویا مهاجرت نموده اند ،جنگل عظیم دره ٔ پیچ ذریعه بم های ناپالم طعمه حریق گردید .

درباد غیس وولسوالی کشک کهنه دراثرحمله قوای مقاومت ملی مجاهدین ومبارزه قوای مقاومت ملی ومردم وطن دوست ولایت فاریاب عده بیشماری ازقوای نظامی روسها وقوای رژیم ملحدوابسته به قتل رسانیده شدوعده ازتانکها ووسائط شان طعمه حریق گردیدکه احصائیه تلفات بدست نیامد .

درولایت لوگردرنتیجه عملیات موفقانه قوه مقاومت ملی در حصه دهنوتعدادسی عراده تانکهای پطرول رسانی قوای روسی محترق گردیدودرحمله دیگرشان درمنطقه بینی شیرافکان بیش ازدوازده عراده تانکهای زرهی قوای نظامی روس به آتش کشیده شدوباز هم درحمله دیگرمجاهدین اسلام بهاثرحمله غافلگیرانه تعداد ۱۴ عراده تانک های زرهی قوای روسی راازبین بردند .

درولسوالی کلنگارولایت لوگرتعدادسی عراده تانک ودیگر وسائط قوای نظامی روسها منهدم وباسرنشینانش ازبین رفت .ولی دراثرحمله انتقامی وبمباردمان هوائی وزمینی روسها بالای اهالی منطقه ومردم بیگناه آن تمام دوکانهای کلنگاروقسمت زیادی ازخانه های مسکونی تخریب وعده مردم بیگناه منطقه بشهادت رسانیده شدندوبه اثرپرتاب کردن بم های بشکل بازیچه اطفال وانداختن آنها درسین

جنگلات منطقه عده اطفال معصوم وبیگناه دست ها ویا پای های خودرا ازدست دادند.
این مبارزات قهرمانانه قوای مقاومت ملی وجهاد اسلامی مردم افغانستان بمقابل قوای نظامی ارتش سرخ نمونه از صدها جنگ جبهه ای است که بین قوای مقاومت ملی وقوای اشغالگر روسی صورت پذیرفته ونمونه از تلفات قوای سرخ است.
دراکثر این مبارزات وجنگ ها برادران مجاهد شامل قوای نظامی رژیم با قوای مقاومت ملی واسلامی شامل بودند بدینصورت که درزمان حرکت قوای روسی برای عملیات جنگی توسط همین برادران ارتباطی قوای مقاومت شامل قطعات نظامی مطلع میگردیدند که وسیله اطلاع از چگونگی قوای نظامی روسها برای مجاهدین همین افسران وافراد نظامی داخل قطعات نظامی رژیم میگردید. ومجاهدین قهرمان با رسیدن اطلاع شان بیش از پیش از تمام پلان حمله روسها مطلع میبودندواقدام میکردندعلاوتاً تمام اهالی قریه ها علاوه از دادن نان وجای شب باش درمورد حملات وانتقالات قوای نظامی روسی معلومات لازمه وکمک انسانی را با قوای مقاومت می نمودند. این است که همه مردم مسلمان افغانستان با تجاوزعلنی شوروی ها اظهار مخالفت نموده علیه آنها وعمال شان بصورت یک قیام عمومی بجهاد برحق شان برخواسته اندتا از ناموس وطن شان محافظت کرده قوای متجاوز روسی وعمال مزدوررا ازوطن شان خارج ننمایند از پای ننشینند. درمقابل تاکتیک های جنگی روسها که با صرف ملیون ها دالردرین جنگ ها بکار می برندمجاهدین قهرمان ما هرروزتاکتیک های جنگی شان را بشرایط بهتری عیار می نمایند.

طورنمونه دراسمار که یک چهونی مستحکم جنگی داردوقوای مقاومت ملی قدرت نداشتند با سلاحهای خفیفه حصار آنرا بکوبند وبرنظامیان قشله حطه نمایند، لهذا دراثنای شب تاریک تعدادی بزباچراغ ارکین تهیه نمودندوچراغها را بگردن بزها آویختندوآنها را مقابل چهونی وپیشروی قوای نظامی شوروی در فراز تپه ئی رها نمودندوخودشان دربین جوی آب مشرف برتپه مذکورموضع گرفتند. ارتشیان روسی برای ازبین بردن بزها ازقشله خودوبه گمان اینکه مجاهدین میخواهندبراوشان حمله نمایندبرآمدندواطراف بزهای مذکوررا محاصره وبه فیرنمودن علیه بزها شروع نمودند. درین وقت مجاهدین غیورازپناهگاههای شان دربین جوی آب برآمده قوای روسی ورژیم وابسته را به آتش مسلسل وراکت بستندکه بیش ازچارصدنفرقوای روسی ورژیم کابل بقتل رسیدوعده هم مجروح شدند، به اثرچنین تاکتیک های حربی قوای مقاومت که توانستندموفقانه انجام دهند تلفات عمده برارتشیان نظامی شوروی وقوای رژیم کابل وارد گردید.

درعملیات منفرده وترور شخصیت های روسی ورژیم در داخل شهرها نیزقوای مقاومت ملی حماسه ها آفریدندکه طورنمونه یادآورمیشویم.

درداخل شهرهرات طفل مجاهدپانزده ساله دریکی ازکوچه شهرعسکررژیم را با سلاح می بیند، این مجاهدخوردسال که پتوئی دربرداردازعقب عسکررژیم روانه می شودودرموضع معینه با نوک چوبی که بدست داردوبشکل تفنگچه ئی درحال نیرودرزیرپتوجلوه مینمایدبه عسکر رژیم نشان داده امر میکندکه به کوچه دیگربپیچد، وقتی عسکررژیم ازخوف فیر

(مکرومکراً ومکرنا مکراً وهم‌لایشعرون)
(فانظرکیف کان عاقبت مکرهم انـا)
(دمرنا هم‌وقومهم اجمعین)

فصـل دوم

شروع بحران موجوده افغانستان ،مردم افغانستان ونتیجه‌کمک های اتحادشوروی یادامی برنگ دانه :
برای اینکه‌باوصف تنفرمردم‌مسلمان افغانستان از رژیم‌بلشویکی وبعداً"رژیم‌بی‌خدای‌کمونیستی‌روسیه‌وبااطلاع ازمظالم‌وحشیانه‌شان برعلیه‌مردم‌خداپرست ومسلمان بخارا وخیوه‌حاضربه‌اخذکمک ازروسها گردیدندخوبترتوضیح شده‌باشدبایدقدری به‌عقب برگردیم‌تاعوامليکه‌باعث بازشدن راه‌برای نفوذکمونیست ها برهبری کرملین‌بعداً موجب اشغال افغانستان درپیشبرداهداف درازمدت روسها بسوی آبهای گرم‌بحرهندشددرست بررسی شده‌بتوانند.
درسال ۱۲۹۷ هـ زمانیکه‌امیرحبیب الله‌خان درکله‌گوش ولایت ننگرهار‌بشهادت رسیدواعلیحضرت امان الله‌خان به قدرت رسیدا کثرمردم‌عمال امان الله‌خان‌را مسبب قتل شاه‌موصوف میدانستندوبابرخواستن عم‌امان الله‌خان نزدیک بودخانه‌جنگی درافغانستان براه‌بیافتد. ولی به اثررهنمائی وفعالیت محمودطرزی که‌دراعلامیه‌امان الله

تفنگچه درحال فیرمثل هده میگرددبه کوچه دیگردورمیخوردکه درآنجا ترددافراددولتی نیست ،این مجاهدخوردسال امر میکندکه تفنگش را بزمین بگذاردوبرودعسکررژیم چنان زیر تاثیرآمده بودکه تفنگ را بزمین گذاشته میرودومجاهد خوردسال سلاح اوراگرفته روانه میشود .
طورمثال ونمونه ازشاهکاری های قهرمانان قوای مقاومت ملی اینست که درزمان که مجاهدین قهرمان مزارشریف مطلع میگردندعده ٔ ازمهمانان عالیرتبه روسی وارد بندر حیرتان شده عازم مزارشریف اندترتیبات اتخاذمی نمایند حین که مهمانان شوروی باعده ازمهماندارا ن روسی ومشاورین مربوطه ذریعه موترها وبسها واردشهرمزارشریف میگردند .درسردوراهی سرکی که راه شهروتخنیکم راجدا ء می نماید دونفرمجاهدبلباس ترافیک ایستاده وبرایشان اشاره می دهدکه عوض سرک تخنیکم به سرک خامه مقابل دورکنند روسها بفکراینکه راه تخنیکم به اثرموانع ایجادشده مسدود است مطابق به اشاره ترافیک سرک مقابل را تعقیب مینمایند وقتی که خوب دورمی شونددرحالیکه هنوزسواد شهردیده می شودچندنفرمحدودمجاهدمسلح موضع گرفته درحدودتعداد بیست وهفت نفرروسهای مهمان باتعدادی مهماندار به گروگان گرفته میشودکه ازجمله شخصیت های مهم روسها شمرده می شدند ،روسها عده زیادی ازمجاهدین محبوس را دربدل آنها معاوضه مینمودندوپول زیادی هم می پرداختندولی قوای مقاومت حاضربه رهائی شان نمی گردید .نمونه چنین عملیات ها خیلی زیاداست که ذکرتمام آن خارج بحث ماست روسها میگویندکه اشخاص فرارشده ازخاک ووطن شان شامل عده محدودفیودالان میباشندکه چون منافع شان بخطرمواجه

بودفرا رنموده‌اند وروز دیگر میگویند که هزاران نفر از کارگران ودهقانان زحمت کش که بنا ء بر دهشت افگنی رژیم امین خاک ووطن شان را ترک گفته بودند کنون پس از حصول اطمینان از دولت ورژیم مردمی شان به وطن عودت نموده‌اند این تبلیغات ضد و نقیض که مردم مجاهد و مهاجر مسلمان ما روزی فیودال میشود وفرار میکنند وروز دیگر از جمله کارگران ودهقانان زحمت کش وطن محسوب میگردند عوض اینکه این تناقض گوئی روسها برا عتبار شان بیافزاید از جانب مردم مجاهد افغانستان بحیث هزیان گوئی تب مرگ وضعف شان محسوب گردید.

عجب تراینکه رهبران بی حیای کرملین با قوه ٔ یکصدوپنجاه هزار نفری شان افغانستان را اشغال نموده‌اند وتمام مردم جهان اوضاع بوجود آمده داخل افغانستان را بچشم خود می بینند وذریعه رسانه‌های خبری واز قول منابع دیپلوماتیک شان تعقیب ونشر می نمایند که مردم افغانستان از پیر وجوان طفل و زن ،کارگرودهقان همه بصورت یک قیام مسلحانه عمومی در تمام مناطق مملکت با قوای عظیم نظامی شوروی می جنگند ودرحال نبرد ،مرگ وزنده‌گی قرار دارند دیکتاتورا کرملین این همه مردم مبارز ومجاهد وطن دوست را که علیه قوای نظامی روس می جنگند دزد ،قطاع الطریق ،خرابکار واشرار خطاب میکنند ولی کشتار ،دزدی ،قتل عام مردم بیگناه غیرنظامی که برای حفظ وطن شان در برابر حمله استعمارگرانه دفاع مینمایند وتوسط قوای یکصدوپنجاه هزار نفری شان انجام میشود عمل پسندیده وحمایه از مردم افغانستان می نامند چنین است بی حیائی رهبران کرملین که برچشم بیش از چهار ملیارد مردم جهان خاک می زنند تا نه بینند ونگویند .اینست دزدی که بکف چراغ دارد.

آقای برژنیف این قوم وطن دوست و خدا پرست با ایمان را دزد شریر و نوکر بیگانه می نامد ولی چند نفر دزد خود فروخته، فاسد و مفتخور جامعه را که نیم فیصد جمعیت افغانی را هم احتوا نمی نماید و برده وار در جلو قشون دزدان متمدن عصر استم و برای چپاول و غارت نمودن اموال و ثروت ملت غریب و قتل عامشان می رقصند شریف و وطن پرست بی آزار مینامند و با وجود موجود بودن پیمان عدم تعرض و مداخله در امور یکدیگر قوای نظامی خون خوارشان را میفرستد و عمل انسانی و دوستانه نامیده و اسم این قوای خون خوارش را قوای صلح و خدمتگار به مردم افغانستان میگذارد آیا این عمل دیکتاتوران کرملین یک خطای بزرگ تاریخی نیست ؟
زیرا نامگذاری مردم آزادمنش و وطن دوست افغانستان بحیث دزد، رهزن و قطاع الطریق به منزله آن خواهد بود که برژنیف متجاوز از ۴۵ ملیون نفر قربانیان وطن پرست جنگ جهانی دوم را که به اثر تجاوز آلمان نازی جان های خود از دست داده اند و در راه دفاع از وطن و میهن شان قربانی داده اند که از جمله در حدود ۲۰ ملیون نفر از وطن پرستان خود اتحاد شوروی میباشد با دزد گفتن و شریر گفتن توهین و تحقیر نکرده است ؟ و حمله قوای نظامی هتلر را برسرزمین ملل اروپائی از جمله ملت روسیه را قوای صلح و قوای حق علیه باطل نشناخته است ؟ چون چنین است پس آقای برژنیف که آن سرباز ان وطن پرست یعنی پدران نسل موجوده ملل اروپائی از قبیل پولیندیها، چک ها، فرانسوی ها و انگلیسی ها و ملل سرزمین کنونی روسیه میباشند توهین نکرده و حق ناشناسی نیست ؟ و آیا در برابر نسل موجوده اتحاد شوروی که پدران شان با آنهمه قربانی در راه میهن شان از

جانب برژنیف دزدوقطاع الطریق خوانده شده چه جوابی خواهند داشت ؟
اینک که قوای شوروی دربرابر مبارزه وجهاد مردم مسلمان افغانستان با به کاربردن چنان تاکتیک های یادشده تلفات بزرگ انسانی ومالی را درولسوالی ها وقریه ها متحمل شدند .کنون ترجیح داده اندکه صرف به محافظت شهرهای بزرگ اکتفاء نموده راه های بزرگ تدارکاتی شان را توسط پرواز طیاره وآنهم درحین عبورومرورقطارهای تدارکاتی ومهمات رسانی شان تحت کنترول بگیرندوبس.
با زهم انقلابیون وقوه مقاومت ملی همه روزه وبلاانقطاع درمراکزاین شهرها نفوذنموده با حملات بی امان شان برمراکزکارعمال روس ،مراکزخاروندوی وسازمانهای حزبی رژیم به قتل عمال وابسته ومتجاوزین وغنیمت گرفتن سلاح ومهمات نظامی شان وقتل مشاورین روس وصاحبمنصبان ارتش سرخ می پردازندکه خواب را بچشم عمال رژیم وقوای متجاوزحرام نموده اند .
طورنمونه توضیح میشودکه یکنفرجنرال روسها ومربوط سازمان امنیتی شان وقتی که باموترسواری اش درمقابل فابریکه حجاری ونجاری شهرکابل روان بودوارومجاهدین سربکف درروزروشن ترورنموده به قتل رسانید .
همچنان معاون ریاست خادبا چندنفرافرادمحافظش وچند نفرافرادمحافظ سفارت شوروی درمقابل سفارت مذکور ذریعه قوای مقاومت ملی بقتل رسانیده شدند ،تروروچندنفر مشاورین روسی درحصه مکروریان کابل وقتل یکنفرجنرال متقاعدعضوحزب وابسته بروسها درمنطقه قلعه شاده درروزروشن ازهمین سلسله فعالیت های قوای مقاومت ملی واسلامی مجاهدین اسلام است .که خواب را بچشم دیکتاتوران کرملین

ورزیم‌کارملف حرام‌نموده است ودرچاردیوار رگ ودا خــــل
شهرکابل درحالت دفاعی نیزآرام ندارندوحتی امنیــت
ارگ را نمیتوانندتامین نمایند .درصورت که‌وضع امنیــت
شــهرکابل چنین است وضع امنیت دیگرشــهرهای اطـــراف
وولایات که‌ازین هم‌بدترمیباشدعقیده‌براینست که‌قـــوای
نظامی شوروی هم‌به‌سلسله‌دیگرفریبکاریها وخدعه‌هایشان
به‌شکست قطعی مواجه است .
ارتشیان سرخ به‌فکراینکه‌اقلا"شهرکابل راازوجودقـــوای
مقاومت ومجاهدین سربکف پاکسازی نمایند .وقتا'فوقتـــا"
به‌تلاشی ومحاصره‌نواحی شهرمی پردازند ،مانندزدان ودر
تاریکی شب به‌خانه‌ها داخل شده‌اعضای فامیل ها راازقبیل
اطفال ،زنان ،مریضان وموی سفیدان ازخواب کشیده‌بنام
تلاشی افرادواجدشرایط عسکری ولی درحقیقت برای‌دستگیری
مجاهدین وبدست آوردن سلاح تمام‌خانه‌ها را تلاشی می‌نمایند
حتی کارد ،چاقو ،تفنگ شکاری وشمشیرهای قدیمی رابنـــام
اسلحه‌مجاهدین جمع نموده‌درضمن بدستبردمطاع قیمتـــــی
زیورات زنانه‌وپول نقدخانه‌می پردازند .هفته‌ها وسائـــط
نقلیه‌رادرچندنقطه‌شهرتلاشی نمودندتاشایدراه‌ورودوذخیره
سلاح‌مجاهدین قوای مقاومت رابکابل مسدودنمایند .باالندک
اشتباه‌وعدم‌موجودیت تذکره‌اشخاص بیگناه‌رابنام‌مجاهـــد
دستگیروتوقیف نمودندکه‌ازاثرآن زندانهای کابل مجددا
مملوازمحبوسین بیگناه‌شده‌است بعدا" بنام‌عفوبرگنـــــاه
ناکرده‌وبرای‌پیداکردن جای خالی جهت محبوسین جدیدرهـــا
شـــده‌انـــد .
مگرشدت حملات مجاهدین حتی دربین قشله‌های نظامی روسها
روزبروزبادشدتااینکه‌روسها برای استحکام‌قرارگاههـــای

شان وامنیت خودشان از حملات مجاهدین اطراف قشله های خیرخانه ودارلامان را بذریعه مین گذاری وسیع بحال محاصره درآوردندکه صرف یکراه وورودی درآن ها باقی گذاشته اندکه باموءظف نمودن افراد مسلح وتانکها فقط خودرا محافظت مینمایدولی بازهم مصوءن نیستند.

روسها ازاول میدانستندکه مردم مسلمان افغانستان در برابر عقیده ،دیانت اسلامی وناموس شان نهایت تعصب دارندوبدان سبب بودکه برای شکستاندن غروروتعصب شان درمراحل اولیه رژیم تره کی امین تمام قدرت خودرا متوجه شیوع نمودن شراب مفت اهدائی روسها وذریعه موءسسه افغان کارت که به قیمت نازل توزیع میگردیدوگرفتار نمودن وتشویق فحاشی ،بی اعتنائی درمقابل روحانیون ودین باگرفتار نمودن متدئنین وبکار انداختن قتل وشکنجه توجه عمیق نمودندبه اینصورت تره کی امین ازهمان بدو قدرت گرفتن درواز ه شراب فروشی ها را بازکرده وملیون ها بوتل شراب را ذریعه افغان کارت ازروسیه واردنمودند ، در محافل رسمی دعوت ها ذریعه اعضای حزب مزدوربالای اشخاص ودخترها شراب می نوشیدند.رقص زنان درمحافل وبعدا" بنا ماینکه هنررا به خدمت خلق قرار داده اند درروزهای معین وذرپارکها درمعرض عام گلاسهای شراب را تبادله کرده خوانندههای زن ومردمی سرودندومی رقصیدندحتی درروز های که ازجانب رژیم برای دشنام زدن ونفرین کردن برامپریالیزم وفیودالان ،حکومت پاکستان وایران مظاهره براه می انداختنددرپیشروی جمعیت تظاهرکننده که همان اعضای فاسدحزب بودند.عده ماموریـن وکارگران راکه بزور ازدوائروفابریکه ها می کشیدنددختران بلباس نیمه عریان

برقص پای کوبی وآوازخوانی می پرداختند ،جرائدرسمی رژیم با نمایش ونشرصحنه های مذکورمردم مسلمان را بخیال خودبرای بی دینی وپذیرفتن ایدئولوژی منحط کمونیزم آماده می نمودند .باانددک مخالفت شفاهی اشخاص که شاهد این صحنه ها بودندبنا بودی خودوفامیل شان منجرمیگردید اعضای کام ، (کا ،ج ،ب)درهمان صحنه ویا ازخانه های شان با چپاول نمودن دارائی ،بی حرمتی بناموس شان وپس از شکنجه اغلبا"بدم ساتورامین سپرده می شدندونابودمیگردند کهاغلب این شکنجه ها وقتل های دستجمعی فامیل ها برای تولیدارعاب وخوف دربین مردم وجهت سرکوبی مخالفت ومتدنین وبرای تمکین مردم بخاطرقبول ایدئولوژی کمونیستی بودوبس .

ازنمونه این بی ناموسی های رژیم توضیح میشودکه اعضای حزب مزدوروره‌برا ن شان مانندروسها به اشتراکیت زن متعهدشده بودند .واقعه کلوپ عسکری را همه مردم مسلمان ازطریق رادیوهای غربی وجرائدشان مطلع شده اندآنواقعه چنان است : درمحفلی که درکلوپ عسکری محل رهایش مشاورین نظامی روسها ساخته شده بوددرجریان شب ودرمحفل عروسی یکی ازافسران عالیرتبه که درسالون کلوپ منعقدشده بود یکی ازافسران روسی با نوشیدن شراب کاملا"مدهوش ومست شده بود .برای گرفتن هوا ازعمارت کلوپ خارج شده میخواسته ازمحوطه کلوپ هم خارج گرددکه درآن حال محافظ دروازه مسول امنیت آنها خطررا متوجه افسرنا مبرده دیده مانع خروج اومی شود ،برای اینکه افسرروسی را به اطاق خوابش رهنمائی کرده باشد ،اورا به اطاقش میرسانند . در بازگشت ازاطاق مذکورچون دروازه سالون بازبوده محافظ افغانی دربین سالون دهها زن افغان اعضای حزب مزدورا

می بیندکه بحالت نیمه عریان با افسران روسی درحال رقص ومعاشقه میباشندبا مشاهده این وضع غیرت افغانی واسلامی مذکوربجوش آمده خودداری نتوانسته مسلسل دستداشته اش را بنامجاهداسلامی بالای هموطنان بی دین وبی غیرت حزبی هموطنش جاری مینماید وباکشیدن ماشه مسلسل ننگ وغیرت افغانی واسلامی را با ریختن خون شش نفرافسر عالیرتبه روسی وچارنفرافسرعالیرتبه افغانی وهفت نفر زن های افغانی مربوط اعضای حزب وملحدپاک میکند .مگر خودآن غازی نیزبه اثرفیرتفنگچه افسرروسی بشهادت میرسد که روحش شادباشد .

همچنان درواقعه کارته پروان که شبانه روسها مسوءل امنیت شهربودندازهمین محافظین وقوای امنیتی شهرکابل پنج نفرروسی محافظ وافرادگزمه شهر ،بخانه یکی ازافغانهای مسلمان داخل شده شخص صاحب خانه را با مسلسل تهدید مینمایدکه برایش زن حاضرکرده شود ،ولی این هموطن مسلمان که مرگ را بربی ناموسی ترجیح داده بودبامسالمت کوشش نمودخودرا ازشراین دزدان سلاح بدست نجات بدهد درا ثرفرصت مسلسل یکی ازین روسها را بدست آورده باکشیدن ماشه آن سه نفرازروسها را بقتل رسانیدومتاءسفانه خودش باخانم ودوطفل ذریعه دونفرباقیمانده بشهادت میرسند .

بعداً" دونفرمذکوراز خانه محل حادثه فرارمینمایندکه از جانب همسایه ها ئیکه با شنیدن صدای فیرمسلسل برآمده بودندگرفتارشده وبه پولیس امنیتی رژیم ملحدتحویل داده میشوندوسرنوشت شان طبعاً" سپردن بقوای نظامی روس ورهائی است .

نمونه این واقعات بی ناموسی روسها ورژیم ملحدخیلی زیاد است که لازم نیست همه توضیح گردد .

اما برای اینکه مردم مسلمان افغان از خبث باطنی روسها وعمال تحت فرمان شان بهتر مطلع شوند یادآوری مینمائیم که درمرحله اول بقدرت رسیدن تره کی امین همه بخاطر داریم که تنها درکابل بیش از سیزده هزار نفر قطاع الطریقان وقاتلان حرفوی مشهور را ازمحابس رها ودوسیه های شان را رژیم وابسته (تره کی وامین) به مشوره مشاورین روسی درحصه دهمزنگ ودرمحضرعام به آتش انداختند. تعداد این قسم دزدان حرفوی درولایات هم زیاد بود. رژیم ملحد با گرفتن تعهدات حزبی آنها را شامل حزب کرده دربوجود آوردن ترور وحشت وقتل وسرقه وتشکل دارهءدزدان برای سرقت اموال خانه ها، دوکانها مردم عمال رژیم توانستند از آنها کار گرفتند. از این دارهءدزدان درکابل بسرکرده گی عالمیار رئیس ترانسپورت رژیم امین، که مقر آن درخود دفتر ترانسپورت عمومی بود، شب ها عملاً به دزدی خانه ها ودوکان های پرداختند واموال مسروقه را تقسیم میکردند، عبدالقادر وزیردفاع دارهءدیگر دزدان را اداره مینمود وبذریعه خوشدل نام دزدان مذکور را درمنطقه ولسوالی زنده جان سررا ه اسلام قلعه، هرات برای غارت اموال مردم که با غریبی ومزدوری درایران مقداری پول واموال برای رفع مشکلات فامیل خود به مملکت می آوردند بکار انداخته بود. درقسمت ولسوالی دوشی دستهءدیگر دزدان بنام پوستهءامنیتی وبه رهبری ولسوال مربوط موترهای حامل اموال تاجران را تخلیه کرده رسیدآنرا از طرف مجاهدین وبه مهر جعلی می دادند وتحت نام مجاهدست به چورکردن اموال مردم مسلمان می زدند وبعداً این اموال را درمنطقه مذکور ویا درمنطقه غوربند وشیبر به نیم قیمت فروخته بین ولسوال خنجان، دوشی وغوربند وپوسته روسها مشترکاً قسمت میگردید

عده دیگر این دزدان در موضع بنام خوشک آبه بین سرک قندهار هرات موظف بودند موترهای حامل اموال تجارتی را تخلیه کرده آنان را که با اموال مسروقه بدست می آمد بین پوسته روسها و اعضای حزب و دزدان حرفوی قسمت مینمودند.

مجاهدین قهرمان و قوای مقاومت ملی افغانستان مجبور شدند که در سه جبهه مبارزه و جهاد نمایند. جبهه روسها، جبهه اعضای حزب و رژیم، جبهه دزدان و داره های مذکور.

به این صورت قوای مقاومت ملی و رزمندگان اسلام در مدت طولانی توانستند عده زیادی از این دزدان را در اکثر مناطق مملکت از قبیل، لوگر، وردک، دوشی، قره باغ و بین سروبی و ننگرهار دستگیر و بجزای اعمال شان برسانند و لی عده دیگر در کابل، پلخمری، هرات و فراه هنوز مستقرا ند و فعلاً" در حمایه قوای روسی میباشند، تا هنوز هم چنان فعال اند و داره تحت رهبری عالمیار با از بین رفتن عالمیار وامین به اطراف پراگنده شدند که امید است بزودی ذریعه قوای مقاومت ملی گرفتار و بجزای اعمال شان برسند.

با همه این توطئه ها، دسائس، فریبکاری ها و تفرقه اندازیها که منجانب دیکتاتوران کرملین و عمال شان و قوای نظامی روسها بکار انداخته شد و تبلیغات پکت ورشو و بلوک شرق با کمک های مادی و معنوی همه اعضای پکت ورشو به رژیم وابسته و قوای نظامی روسها بعمل آمده و مخصوصاً" تبلیغات رسانه های خبری روسها و پکت ورشو که قوای نظامی ارتش سرخ را شکست ناپذیر میگفتند و انقلاب کمونیستی شوروی را برگشت ناپذیر تبلیغ مینمودند و با همین غرور شان ذریعه قوای یکصد و پنجاه هزار نفری ارتش سرخ در مدت تخمین دو سال نبرد و با نابرابری واضح قدرت تسلیحاتی افغان و شوروی که با لاثر فروریختن ملیون ها تن بم و مواد کیمیاوی و قدرت

خان ،به‌نشررسانیده‌شدودرآن ازتزئیدمعاش عسکری ومخصوصاً " مسأله‌حصول استقلال افغانستان اززیرسلطه انگلیسها تعهدشده‌بود .اما ن الله‌خان ازدرگیری درجنگ خانه‌گی رهائی یافت .دربن وقت بودکه‌درسنه۱۹۱۷م لنین آن شیادعصررژیم‌بلشویکی رادرروسیه‌سرنگون کرده‌انقلاب کمونستی اکتوبررا بثمررسانید ،امان الله‌خان که‌نظربه وعده‌اش تحت فشارمردم‌بودبااعلان جنگ علیه‌انگلیسها ازسه‌طریق برعلیه‌هندبرطانوی حمله‌کرده‌استقلال افغانستان رادرسال سوم‌به‌قدرت رسیدنش حاصل کرده‌بود ضرورت داشت تا رژیم‌خودرا ذریعه‌دول جهان برسمیت بشناسأندواز حمله‌آینده‌وعهدشکنی انگلیسها ازیکطرف واز قوت‌گرفتن مخالفین فامیل ازجانب دیگرخودرا نجات بدهد .لهذا پس ازفرستادن هیئت حسن نیت بدربار لنین رژیم‌کمونستی روسیه‌را برسمیت شناخت وروسیه‌کمونستی وملحدنیزمقابلتاً " رژیم‌امان الله‌خان را برسمیت شناخت وبه‌این اساس لنین بهترین موقع رابرای بدست گرفتن شاه‌جوان وتوسط اوبرای پیشبرداهداف سیاسی اش در راه رسیدن به‌بحرهندبچنگ آورد .
موقع که‌امان الله‌خان رژیم‌کمونستی روسیه‌را برسمیت شناخت درماه دسمبر۱۹۱۹م سفیرشوروی واردکابل گردید مردم‌افغانستان ازنزدیکی امان الله‌خان بروسهااظهار تشویش نمودند .بالخاصه‌ازبی‌اعتمادی که‌روسها درزمان سلطنت امیرشیرعلی خان نشان داده‌بودندکه‌امیرموصوف را بافرستادن هیئت عالیرتبه‌وباصلاحیت شان واظهار دوستی ووعده‌کمک موردخشم‌انگلیسها قرارداده‌اندامازمانیکه انگلیسها با بیش ازشصت هزارنفرقشون مجهزشان بر

هوائی وتانکهای زمینی باعث قتل بیش از یک ملیون مردم مسلمان افغانستان وغیرنظامیان بیگناه شدوملیون ها نفررا به خارج مملکت ویا دردا خل افغانستان آواره نموده اند قوای نظامی شوروی هنوزنتوانسته اند حتی یک قدم به جلوبروند بلکه بسا ازمناطق که قبلا" درکنترول رژیم دست نشانده بودا کنون درکنترول قوای مقاومت ملی قرار دارد چون جهاد مردم مسلمان افغانستان برحق وبه قدرت ایمان واحساسات ملی استوار بوده برپایه مادی گری ونابودی بشریت ازآنجا ئیکه کلمه توحید ومحبت بوطن هدف قوای مقاومت ملی افغانستان درحفظ آزادی بوداز روزشروع نبرد حق وباطل تاکنون کوچک ترین ضعفی درصفوف قوای جهاد ملی واسلامی مردم مجاهدافغانستان رونما ء نشده است وجهادامروزی ملت افغانستان شکل قیام عمومی رابخود گرفته که همه موانع سرراه رسیدن شان به استقلال ملی وآزادی افغانستان مانندخس وخاشاک پیشروی سیل بجلوراننده میشود ،رژیم منحوس وباداران روسی شان که تادیروزدست به کشتاربیرحمانه مردم غیرنظامی می زدند ،مساجد را تخریب علماء وروحانیون را قتل عام میکردند ،دروازه های شراب فروشی ها وفحاشی را بازکرده بودند ،امروزعلماء را احترام مینمایندومعاش میدهند ،مساجدرا رنگ میکنند ، فاحشه ها را محبوس می نمایدوقوایش را ازتعرض برکنار ساخته درچارديوارقشله ها درمحاصره مین گذاری ها بحال دفاعی قرارداده اندکه این ها تماما" حاکی ازشکست وعقب نشینی رژیم وبادارن شان است وقدرت نظامی روسیه که قبلا" شکست ناپذیرشناخته می شدامروزبه برکت جهادن برحق وقلب های باایمان مردم مسلمان وسربکف افغانستان به شکست قطعی درآمده صرف ازخوددفاع مینمایدوبس .

قوای روسی عملاً" مرووزبزا نودرآ مده‌صرف با منیت وحفاظت
قشله‌های شان متوجه‌اندوکنترول راههای ارتباطی بین
حیرتان ،کابل ،وتورغندی ،هرات را همدرحین عبورومرور
وسایط اکمالاتی شان ذریعه‌هیلی کوپتروازطریق هــوا
تاءمین مینماید.

وقل جاء الحق وذهق الباطل
ان الباطل كان ذهوقا

فصل ششم

ظهور علائم نابودی و مرگ ایدئولوژی کمونیزم درافغانستان

هرگاه تاریخ ملت روسیه بدقت مطالعه شود معلوم میگردد که روی تلقینات رهبران تزاری روسیه، مانند: نژادپرستان آلمان نازی با مفکورهٔ برتریت نژاد دسلاو پرورش یافته اند، چنانچه در تاریخ دولت روسیه واضح میگردد، هرزمانیکه دولت های روسی تحت فشار ملل دیگر اروپائی قرار گرفته اند دست بدامان این وسیله زده به کمک آن خودرا از مهلکه نجات داده اند و حتی برقسمتی از سرزمین های ملل دیگر قبضه نموده اند. مفکوره پان اسلاویزم تحت رهبری تزارها مولود خدعه دیرینه روسها است. تزارهای روسی برای تسلط بر اروپای شرقی و ملل آسیای میانه که منجر به تشکیل امپراطوری بزرگ روسیه امروزی گردیده. برای توسعه هرچه بیشتر امپراطوری شان الی تسلط برتمام قارهٔ آسیاء، افریقاء و اروپا و بالخاصه درقدم اول با دست یافتن بر نیم قارهٔ هندوبسوی آبهای گرم بحر هند و منابع

نفتی خلیج فارس است که با دسیسه وخدعه دردولت های افغانستان وایران نتوانستند میرشیرعلی خان را بنام حمایه از خواسته های شان در برابر تجاوزات امپراطوری برطانیه الی سرحدات آسیای میانه خود بکشانند، و پارچه های مهم استراتیژیک خاک افغانستان را تصاحب کنند. ولی در برابر تجاوزتهاجم برطانیه کوچکترین کمکی ننمودند. واز خاک ایران هم قسمت های مهم نفت خیز ایران و منطقه آذربائیجان ایران را استیلاء نمایند.

پس از جنگ جهانی اول وجنگ دوم وسوم افغان وانگلیس وبعداز به قدرت رسیدن امیرامان الله خان وکسب استقلال افغانستان، بازهم روسها برهبری لنین وبرای برانگیختن احساسات رقیب استعماری خودیعنی دولت برطانیه، امان الله خان را برای سفر رسمی بروسیه دعوت نمودند صرف برای اینکه رژیم ودولت اورا بی ثبات نمایند. اورا بدون هیچگونه کمکی موردتیردسایس استعمارگرانه برطانیه رها نمودند که باعث سرنگونی آن شاه جوان وبی تجربه گردید به این هدف شان نیز رسیدند. شاه جوان وبی تجربه اندکی پس از رسیدن به وطن اش در اثر توطئه استعمارگرانه برطانیه از سلطنت خلع وبه ایطالیا پناهنده شد درمدت یکسال آتش جنگ های داخلی که از جانب این دوابرقدرت استعمارگر رقیب که در مملکت ما افروختند، باعث تلفات وخسارات زیادی برملت تازه از یوغ استعمار برآمده تحمیل گردیدوبعد از آنهم الی (۱،۴۲۰) با رویکار نمودن توطئه ها وتحریک قبائل واقوام دارای مذاهب، لسان وعنعنات مختلف دست استعمار دوابرقدرت از مملکت ومردم افغانستان به اندازه کافی بهره گرفتند. واهداف سیاسی شان را برملت افغانستان

تحمیل نمودندکه بالاخره با درگیری جنگ جهانی دوم که هردو دولت استعمارگر روس وانگلیس درجنگ صدمه دیده خسته شده بودند ملت افغانستان توانست چندسالی نفس آرام بکشد وبر مشکلات اقتصادی ،اجتماعی وسیاسی اش تا اندازهٔ مسلط گردد.

ملت روسیه که به اثر حرص جهانخواری ومفکوره نژاد پرستی نیکلاهای روسی برای دست یافتن بر ملل اروپائی وآسیای میانه وجنگ های فرسایشی خودشان به فقر بیماری وگرسنگی مبتلا بودودر اثر جنگ های قدرت طلبانه نیکولاها ملیون ها نفراز فرزندانش را ازدست داده بودندراه نجات می جستند ،درین وقت بودکه لنین آن شیادودیکتاتور عصربا تیوری بی مفهوم ومملواز تناقضات لفظی وعملی به میدان آمدوچندنفرازمردم عاطل ومترودجامعه را به قوهٔ بیان جادوئی اش گردخودجمع کردوبا فلسفهٔ دیالتیک مارکس که از شرش بنام کاپیتال نقل واقتباس شده بود نظریاتی علاوه کرده بنام ایدئولوژی مارکسیزم ،لیننیزم فلسفهٔ ماتریالیستی را برای مردم فقیروبجان رسیده روسیه ارائه نمودکه به آنها ظاهرا" بهشت جاودانی را بهارمغان داشت .لهذا ملت روس نه ازجهتی که به این تیوری عقیده مند باشندبلکه به سبب اینکه ازجنگ مظالم بلشویکان تزاری وخون خوارمستبدوخودکامه ،خودرا رها نماینده به اصطلاح دوستی دشمن را انتخاب نمودندوانقلاب کمونیستی را که در۱۹۱۷م بر هبری لنین به ثمر رسیده بودپذیرفتند و بدبختی ملت روسیه بحالت بدتری نسبت گذشته تبارزنمود .

ملت روسیه که درزمان تزارها تحت مفکوره برتری نژاد سلاو ودرجنگ های قدرت طلبانه دیکتاتوران وبرای توسعه قلمرو

دیکتاتوران خودمجبوربودندجان ،مال ودارائی خود را
قربان کنندوخودحتی نان خوردن نداشته باشندتا دیکتاتوران
پطرسبورگ وفامیل های شان درقصرهای مجلل ونازونعمت
درعیاشی بسربرند .درتحت تسلط رژیم کمونیستی ،لنینیست
مارکسیست اهدائی لنین برای پیاده کردن تیوری
خیالی بایدبنا م قدرت پرولتاریا سالها تسلط وکیلان
ناخوانده پرولتاریا را با ازدست دادن تمام حقوق انسانی
آزادی بیان ،وعقیده ،آزادی دین ،عمل ،آزادی حفظ
کلتورولسان ،انتخاب مشغل ومسلک وحتی حفظ ناموس
بپذیرند ،برعلاوه به اشتراکیت زن ،زروز مین را کرفتند
دیکتاتوران تزاری ازنگاه عنعنه ملی غیرقابل پذیرش
بودنیز بایدتن دردهند. یعنی نه تنها اینکه رژیم کمونیستی
زمین ،دارائی ونان شان را گرفت ،بلکه بنام اشتراکیت
همه آزادی های عنعنوی شان را به اضافه حق حفظ ناموس
خودرا هم ازدست دادند .پس ازتحکیم پایه های رژیم کمونستی
برهبری کرملین ،ملت فقیرروسیه که صرف برای رهائی
ازمظالم دیکتاتوران تزاری دورتیوریسن های کمونست
برهبری لنین جمع شده بودند ،مواجه به قدرت بیخدائی
رژیمی گردیدندکه برهمه شئون زندگی شان داخل پیکان
بودند ،ملت روسیه وملل اروپائی تحت سلطه وهم ملل مسلمان
آسیای میانه که دارای مذهب وعقایدخدا پرستی بودند .
دربرابرحفظ عقیده آزادی بیان ودارائی شخصی ،مسکن
وحفظ ناموس ازجانب دیکتاتوران کمونیست محکوم به مرگ
دستجمعی ،شکنجه وتبعیدقرارگرفتند .ملیون ها نفرازملت
خودروسیه ،ملل اروپائی وملل آسیای میانه تحت استعمار
آن درزمان لنین وجانشین آن استالین(بیش از (۱۸)

ملیون نفرانسانهای آن ملل) اعدام ومحکوم به مرگ گردیدند وبعداً هم درزمان پودگورنی ،بولگانین وخرشچف ومالنیکف واخیراً درزمان برژنیف که همه شان ازجمله اعضای پولیت بوروو کدررهبری رژیم کمونیستی ،یعنی ازجمله گردانندگان انقلاب اکتوبر محسوب می شدند برای حفظ قدرت شان ملیون ها نفرانسانهای دیگررا به قتل رسانیدند وحتی برای حفظ قدرت اعضای کدررهبری یکدیگرخودراازبین بردند ولی هیچگاه نخواستند ونخواهدخواست که قدرت بدست طبقه کارگر (پرولتاریا) که خودبوکالت شان برخواسته اند وبنام وکالت کارگران با شکم گرسنه شب وروزبرای ازدیاد تجمل وعیاشی رهبران ووکیلان ناخواسته واعضای حزب کمونیست که بیش از ۱۶ ملیون نمی باشندبحیث نوکروغلام کارمیکنند وبا درمیدان جنگ های قدرت طلبانه رژیم میمیرندداده شود. رژیم تحمیل شده برملت روسیه وملل تحت سلطه آن درزمان لنین وبعداً درزمان ،زمامداری استالین آن جلادخون خوار عصردرحالت سیاست دروازه های بسته با تمام قدرت وبزور سرنیزه اساسات اشتراکی را برملت روسیه تحمیل وتطبیق نمودند .اینکه واقعاً چه تعداد از مردم سرزمین های مذکور به قتل رسانیده شدوچه اندازه آن به اردوگاههای کار اجباری به سایبریا تبعیدشده اندودرآنجا به اشرکار طاقت فرسا مرده اند حقیقت روشن نیست .

رژیم کمونیست اتحادشوروی ازسال ۱۹۱۷م الی ۱۹۳۹م یعنی شروع جنگ دوم جهانی با تمام قدرت ،قصاوت وبی رحمی ممکن تمام ملکیت های خصوصی ودارائی های شخصی ومواشی مردم سرزمین روسیه وملل تحت استعمار را ملی نمودوبنام اشتراکیت درکلخوزها وسلخوزها (اتحادیه ها وکوپراتیف ها) تنظیم نموده درخدمت قرارداد ندکه درحقیقت تمام ثروت

ملی وخصوصی را برای تحکیم قدرت دیکتاتوری وتوسعه قلمرورهبران کرملین که همان عده محدودکودتاچی بنام وکیلان ناخوانده کارگران وزحمت کشان بودندقراردادند شعار ازهرکس به قدرتوان وبهرکس به اندازه احتیاج را عملاً به شعار ازهرکس به اندازه توان ، برای رهبران همه چیز وبرای دیگران هیچ تبدیل نمودند ،یعنی یکتعداد کودتاچی بنام رهبروعضوپولیت بورو آنها هم فقط وفقط نوکران لنین وبعداً نوکران ستالین واخیراً نوکربرژنیف هستند مالک همه دارائی وثروت ملی روسیه وملل تحت سلطه آن میباشند ،باقی اتباع شوروی ، کارگران ،زحمت کشان دهقانان وچوپانان رژیم بودندکه با معاش بقدرکفاف جیره بخورونمیرومسکن سرپناه عادی بدولت ورژیم کارمیکردند وزندگی می نمودند .رژیم با همه کشتار بیرحمانه که برای کمونیست سازی جامعه نمودوبعضاً این قتل های درزمان دروازه های بسته که مدت ۲۱ سال را دربرگرفت ،بیش از بیست ملیون تخمین مینماید ،تمام قدرت وعوایدملی را رژیم درخدمت تسلیحات روسیه وبرای تسلط برجهان بمصرف رسانیدولی مردم شوروی که درتحت شکنجه درحالت فقر ، بیماری وبیچارگی قراردارندشامل اسکلیت های بیروح وبی وطن بودندکه زمین وخانه شان هم مربوط ومتعلق به رژیم بودحتی خودشان وزن واولادشان فاقدحق انتخاب شغل ،مسلک وفاقدصلاحیت انتخاب نوع غذا ولباس شدند . حق ندارندبا زن واولادخوددریک منطقه ومحل زندگی نمایند چه اکثراً خودمردفامیل دریک ولایت مثلاً درکالخوززراعتی که رژیم تعین مینماید کارمیکند ،زنش درفابریکه ولایت دیگروبه انتخاب رژیم مصروف کاراست واطفال شان درمکتب ویاکودکستان ولایت دیگرودرمسلکی که دولت تعین کرده

مصروف تحصیل میگردد. که اکثرا"بیش از یکسال وآنهم در زمان رخصتی قانونی ودرصورت که از معاش ماهوار ه جزئی مصرف وکرایه سفرش را ذخیره توانسته با شند از دیدار یکدیگر محروم اند.

مردم شوروی درزمان کمونیست سازی اتحاد شوروی، آن بهشت موعودراکه درزمان انقلاب لنین تخیل مینمودند بخاطرداړندولی آنچه درین شصت سال دیدند. از رژیم کمونیستی کاملا"متنفرودرحال اشتعال قرارداشتند. اما قدرت نظامی وخفیه پولیس (کا، ج، ب) رژیم آنقدرقوی ومسلط بودکه برایشان امکان مخالفت وجودنداشت چنانچه دیدیدیم درشروع جنگ جهانی دوم یعنی (۱۹۳۹م) آلمان نازی وقتی برخاک اتحاد شوروی حمله نمود، چون رژیم از ملت جدا بودوپایه مردمی نداشت وهم خلق اتحاد شوروی، از ظلم خدعه وشکنجه رژیم بجا ن آمده بودندکه حتی رژیم وروسیه را وطن خودشان نمیدانستندواز رژیم حمایه نمیکردند (چه همه ثروت ملی مربوط برهبران ودراختیار رژیم بودودیگرمردم شوروی حتی مالک سرپناه نبودندکه به آن دل بسته بمانند) درهرمحا وعسکررژیم که همان مردم عادی اتحاد شوروی بودند فرقه فرقه یا تسلیم می شدندویا دربرابرقوای نظامی هیتلرعقب نشینی میکردندکه بنابراین عدم علاقه مردم وعدم حمایه از رژیم اکثرسرزمین روسیه به تصرف آلمان نازی درآمدحتی شهرهای بزرگ مانندلنین گراد، ستالین گراد بشمول سرزمین های اروپائی ملل تحت استعمارشوروی را اشغال وقوای هتلرحتی مسکورا درمحاصره درآوردند خوف آن بودکه با تصرف وقبضه برذخائرنفت قفقاز امپراطوری بزرگ استعمارگرروسیه کمونیستی تجزیه گردید که استالین با ملاحظه عدم همکاری قوای نظامی وملت

شوروی ،خواص صباعت ودرندگی را بخودگرفت ،حتی قسول اردوهای که از جبههٔ عقب نشینی مینمودندجوقه ،جوقه محکوم به اعدام می نمود ،نزدیک بودآلمان نازی تمام سرزمین اتحادشوروی را اشغال ومردم آن سرزمین وملل تحت استعمار روسیه را از شر مظالم کمونیست های اتحادشوروی وبی خدائی کرملین برای ابدنجات دهد .با زهم همین ابرقدرت های سرمایه داری بودندکه با اعطای کمک های نظامی واقتصادی شان از یکطرف روسها را تقویه نمودند واز جانب دیگر با بازکردن جبههٔ نورماندی از جناح غرب وپیاده کردن قوای عظیم نظامی شان که مجهز به عصری ترین سلاح های وقت بود برقلب آلمان ضربه کاری وارد نمودند که آلمان به اثر آن مجبور شد ،قوایش را از جبهه شرق به عقب نشینی دستور دهد وروسیه شوروی را از اضمحلال وشکست قطعی نجات دادند. آلمان هتلری تحت این دوفشار نظامی شرق وغرب وفشار قوای نهضت مقاومت ملی دیگر ملل اروپائی تحت اشغال آلمان از قبیل فرانسه ، یوگوسلاویا ،چکسلواکیه ،پولیندوغیره به تسلیم بلاشرط مجبوروباشغال خاک آن توسط قوای شوروی وملل غربی منجرگردید .

بلی این دول صنعتی غربی بودندکه با کمک های اقتصادی وتسلیحاتی شان قوای چتری را با حمله مستقیم درجبهه نورماندی شکست دادندوبرای دیکتاتوران روسیه افتخار لقب فاتح و برای ارتش سرخ افتخار لقب شکست ناپذیری دادند وارتش سرخ را درنظرجهانیان هیولای قدرت وظفر معرفی نمودند .چنانچه خوداین دول فاتح غرب درموردقدرت ارتش سرخ وشکست ناپذیری شان تبلیغ کردندکه حتی خوددول غرب

افغانستان حمله کردند، امیر موصوف را با همه وعده های که کرده بودند به عقب خود تا بلخ کشانیدند، بدون اینکه کوچک ترین کمکی مطابق وعده های شان در برابر تجاوز انگلیسها بنمایند و امیر موصوف نسبت عدم وفاداری روسها و با اطلاع از اشغال کابل توسط قشون برطانیه در ولایت بلخ وفات نمود و آرزوی دوستی روسها را با خود بخاک برد.
امان الله خان نیز مانند امیر شیرعلی خان فریب دسیسه های روسها را خورد که با وصف معاهدهٔ عدم تعرض به قلمرو، یکدیگر که در سال ۱۳۰۵ بین مملکتین به امضاء رسانیده شده بود که در آن معاهده علاقه مندی افغانستان به آزادی سرزمین های بخارا و خیوه توضیح گردیده بود و هم وعده شده بود که روسها منطقه کشک، پنجده و جزیره درقد را به افغانستان اعاده خواهند کرد. مگرچندی بعد از امضای این معاهده روسها با نشان دادن عدم پابندی شان به تعهدات سرزمین بخارا و خیوه را بزور سرنیزه تصرف شدند و پادشاه بخارا به کابل مهاجرت نمود. نهضت های چریکی را نیز پس از چندسال خاموش و خفه ساختند و از اعاده مناطق پنجده، کشک و درقد نیز خبری نشد. با وصف این عهدشکنی ها باز هم امان الله خان در حین سفریکه با ملکه ثریا به اروپا نمود نظر به دعوت لنین دیداری هم از روسیه بعمل آورد که در ظاهر از شاه و ملکه استقبال شایانی نمودند. که آنهم برای افغانستان جزء برانگیختن احساسات کینه توزی و خشم انگلیس ها ثمری نداشت زیرا که شاه هنوز از سفر روسیه عودت ننموده بود که انگلیسها با ارتباط پرقابت های استعماری اش با روسها پلان سرنگونی او را طرح و برای اجرای پلان مذکور بودجه معادل پنجصد هزار کلدار از طریق وائسرای هند منظور نمودند که ذریعه عمال شان در

نیز زیر تاء ثیر تبلیغات خودشان چنان قرار گرفته بودند که خود نتوانستند حق خودارا دیت و تعیین سرنوشت ملل اروپائی را که توسط قوای نظامی شوروی و شکست آلمان اشغال شده بود و بموجب موافقتنامه های کنفرانس پوتسدام و یالتا که بین متفقین بشمول اتحاد شوروی موافقه گردیده بود بر دولت روسیه بقبولانند و تحمیل نمایند چنانچه ملل مذکور اروپای شرقی تا امروز نیز تحت استعمار و استثمار دولت و دیکتاتوران کرملین قرار دارد و در اشغال نظامی روسیه شوروی بسر می برند و هنوز در سلطه کمونیزم برهبری کرملین دست و پای می زنند، حتی دول غرب با این کمک های شان بر روسیه استعمار گرا متیاز توسعه قلمرو اتحاد شوروی را با اشغال خاک آلمان شرقی بخشیدند.

پس از پایان جنگ و ختم دیکتاتوری ستالین جای نشینان آن که همان اعضای کدر پولیت بوروی زمان لنین و ستالین بودند برای تحمیل رژیم و دوام قدرت دیکتاتوری شان به فریب و اغوای جهانیان و مردم شوروی بجای سیاست دروازه های بسته سیاست دیگری را در پیش گرفتند و دست دوستی را به ممالک کم رشد و ممالک اسلامی دراز نمودند، کمک های نظامی و اقتصادی پیش کش نمودند و بنا مروابط با جهان آزاد پایه های جاسوسی و لانه های فساد و تبلیغات را در اکثر ممالک بنام موءسسات تجارتی و اقتصادی، موسسات فرهنگی، حمل و نقل هوائی و قنسلگری را گشودند و توسط این لانه های فساد و جاسوسی هسته های حزب کمونیستی را کاشتند و طبق عادت در هر ملت از مردم فقیر، فاسد و راندهشده جامعه را با نشان دادن بهشت موعود مردمانی را فریب داده در ین حلقه های حزبی کشانیدند و بمصرف سفارتخانه ها

وموء سسا ت دیگرشا ن فعا ل نمودند .ا زجا نب دیگرتحت شعا ر همکا ری ،همزیستی مسا لمت آ میزوبا ا را ئه کمک ها ی تخنیکی وا قتصا دی مخصوصاً به مما لک کم رشد ومما لک ا سلامی دا مها ی برنگ دا نه عرضه نمودندکه بدا شربی ا عتنا ئی جهـــــا ن سرما یه دا ری غرب بعضاً ملل فقیربرا ی ا نکشا ف وترقـــی وطن شا ن وبلندبردن سویه زندگی مردم شا ن بدا ستفـــا ده از آ ن علاقمندگردیدند .لهذا دولت ها ی وقت ا فغا نستـــا ن هم تما یل نمودندتا صرفنظرا زجنبه ها ی فسا د.ا خلاقی ودینی شا ن که مردم ا فغا نستا ن ا لحمدلله با ا یما ن قوی که دا رنـد وبه آ ن آ لوده نمیشوندومربوط خودمردم شوروی ا ســـــت ا ستفا ده ا زکمک ها ی ا قتصا دی وتخنیکی دولت که همسا یـه ما ا ست وبیغرضا نه پیشکش مینما یندتما یل نمودند ،چنا نچه بعضاً مما لک ا سلامی ما نندمصر ،سوریه ،ا لجزیره ،ا یــرا ن پا کستا ن ،عرا ق ،لیبیا وغیره فعلاً ا زآ ن ا ستفا ده مینمایند بعقیده ا ینکه ا فغا نستا ن نیزخوا هدتوا نست ا زهمکـــا ری تخنیکی ،ا قتصا دی وتجا رتی شا ن ا ستفا ده نما یدبه آ ن رجوع وتما یل نمود .

روی همین عقیده ومنظوربودکه دولت ها ی ا فغا نستا ن بفکر همزیستی مسا لمت آ میزوهمکا ری با رژیم هـــا ی دا را ی ا یدئولوژی ها ی مختلف با پیشکش نمودن کمک ها ی تخنیکـــی و ا قتصا دی که توضیح گردیدموا فقت نا مه ها ی را با دولـــت شوروی ا مضاء نمودکه با شروع کا روفعا لیت ا مورسا ختما نـی پروژه ها هزا را ن نفرا فسرا ن نظا می وجا سوسا ن روســـی تحت نا م متخصص ومشا وروغیره به ا فغا نستا ن سرا زیرشدنـــد وبا ورودآ نها هسته حزب خلق وپرچم که قبلاً توضیح گردیـــد گذا شته شد .

همه مردم جها ن می دا نندودیدندکه رهبرا ن ددمنش سوسیا ل

امپریالیزم شوروی درعقب پرده چنین شعارهای کمک اقتصادی وتخنیکی به مملکت های فقیرچه خدعه ها وفریبکاری های نهفته داشتند، مصروسوریه را ذریعه همین دانه ودام گرفتارکردندولی درمقابل حمله اسرائیل حمایه نکردند که بالاخره مصربادرک اهداف استعماری رهبران کرملین وباجلب کمک جهان غرب توانست خودرا ازیوغ استعمار وبهره کشی رهبران کرملین خارج نمایدوسرزمین ازدست رفته صحرای سینا را مجددا"بدست آوردولی سوریه تاکنون تحت بهره کشی غول استعماری روس قرارداردکه بصورت یکجانبه زیرا هداف روسها باقی مانده وسرزمین واقع تپه های جولان هنوزدرتصرف اسرائیل است .

درمملکت اسلامی یمن ذریعه حزب وابسته دولت یمن را به تجزیه وجنگ برادرکشی کشانیدند .درا تیوپی دولت کمونیستی را ذریعه همین هسته های که گذاشته بودندباپیاده کردن قوای استعمارگرکمونیستی کیوبا چندسال است رژیم کمونیستی را به قدرت نگاهداشتندکه ملیون ها انسان درجنگ برادرکشی وقحطی موادغذائی به قتل رسیدند . در ایران هسته حزب توده وابسته باعث بی ثباتی دولت شهنشاهی ایران گردیدکه بالاخره باانقلاب اسلامی ایران تغییررژیم یافت وتاکنون هم فعالیت های علنی ومخفی آن موجب پریشانی دول منطقه است درکشوراسلامی پاکستان احزاب دست چپی همیشه باعث ناآرامی وبی ثباتی منطقه بوده ازکاخ کرملین رهبری وتمویل میشود.

همچنان حزب کمونیستی درویتنام بزورکمک های نظامی ومداخله مستقیم روسها به قدرت رسید .فعلا"هم به کمک های نظامی وتسلیحاتی شوروی دولت مستقل کامبوچ را تحت

اشغال دارد. دولت کوریا را همین هسته‌گذاری روسها بدو دولت شمالی وجنوبی تجزیه نمود، درکیوبا ذریعه‌هسته‌که گذاشته‌بودنددرزیرریش امریکاء دولت کمونیستی را بقدرت رسانیدندوبالاخره‌درافغانستان هم‌درزمان حکومت وریاست جمهوری دیموکرات های امریکا دولت کمونیستی افغانستان را به‌اشرمداخله‌مستقیم‌نظامی بوجودآوردند که‌باعث قتل سفیردولت امریکا گردید.
باز هم‌دولت امریکاء ودیگردول صنعتی وسرمایه‌داری آزادجهان رژیم‌کمونیستی افغانستان را برسمیت شناختند اخیراً" چون رژیم‌کمونیستی وابسته‌شوروی ازجانب مردم. مجاهدافغانستان به‌شکست قطعی مواجه‌گردیدحالابه دادن کمک های علنی شان شروع واعتراف نمودبند. درحالیکه این دول سرمایه‌داری غرب میدانستندکه‌رژیم‌کمونیستی کابل طورعلنی وآشکارا به‌اشرتوطئه‌کرملین توسط اشتراک مستقیم‌مشاورین روسی وحمایه‌طیاره‌های روسی که‌ازتاشکندپروازنموده‌بودندبه‌قدرت رسانیده‌شده‌بود.
بعداً" هم‌با مسموم‌نمودن حفیظ الله‌امین توسط افراد محافظ گاردوآشپزروسی اش ازبین بردا شته‌شدکه‌طبق پلان طرح شده‌درمسکوبا پیاده‌کردن بیش ازیکصدوپنجاه‌هزار نفرقوای نظامی ومجهزشان بروکشی ببرک کارمل قدرت نظامی وسیاسی افغانستان را مستقیماً"بدست گرفتند.
باز هم‌دول غربی با خوف وترسی که‌ازدرگیری مستقیم با روسها داشتندوبه‌اشرتبلیغ‌خودشان ازشکست ناپذیری قوای سرخ روسی که‌خودبرای شان تلقین نموده‌بودنددر اوائل جنگ مستقیم‌افغان شوروی حاضرنشدندا قلاً"بنام بشردوستی ازداعیه‌افغانستان جانبداری کرده‌وکمک های

اقتصادی بی شائبه شان را به مردم مظلوم افغانی ومهاجرین داخل کمپ های پاکستان وایران عرضه نمایند چه جای کمک نظامی وبرای دفاع ازآزادی وحقوق انسانی برای مجاهدین ومبارزین اسلام. هرگاه کمکی هم برای مهاجرین ویادراواخربرای مجاهدین افغانستان مینمودندآنهم طورخفیه وازطریق دولت جمهوری اسلامی پاکستان بود.

ازین سبب تازمانیکه مردم افغانستان باقدرت ایمان وبدون سلاح ومهمات نظامی با مقاومت سرسختانه پوزه این دیووحشی را بخاک مالیدندوباظهورآثارشکست نظامی قوای ارتش سرخ روسها طلسم جادوئی که جهان غرب دول فاتح جنگ جهانی دوم خودشان برای شکست ناپذیری ارتش سرخ هیولای قدرت ساخته بودندنشکستاندندهیچ کدام ازین ابرقدرت ها جرئت اعطای کمک را به مردم افغانستان وبه احتمال درگیری مستقیم نظامی با قدرت نظامی روسیه را بخودنمیدادند. بلکه ازدادن کمک های بشری وانسانی به مهاجرین افغانستان هم خودداری میکردند.

بلی این مردم افغانستان بودندکه با شکستاندن بت پرنقش ونگار افسانوی روسیه برطلسم قدرت کمونیستی خط بطلان کشیدند ودرمدت دوسال جنگ نابرابر با رسانیدن تلفات انسانی ومالی زیادی قوای نظامی یکصدوپنجاه هزارنفری روسها راازجائیکه به حمله آغاز نموده بودنددرهمان جای میخکوب نمودندکه حتی یک قدم هم به جلو نرفتند. این مقاومت دلیرانه افغان های قهرمان بودکه بعداً" ممالک غربی را جرئت دادکه ازداعیه مردم افغانستان درملل متحد، کنفرانس سران ممالک غیرمنسلک وممالک اسلامی

جانب داری نمایند. وبا عطای کمک های اقتصادی ونظامی علنی مبادرت نمایند. ودرموء سسه ملل متحدوسیله صدور فیصله نامه گردد که درآن حمله نظامی اتحادشوروی برافغانستان، بیطرف ومستقل وبدون انگیزه وعمل تحریک آمیز صریحا" خلاف مقررات ومنشورملل متحدشناخته تقبیح شود وخروج بلاقیدوشرط قوای نظامی شوروی ازخاک افغانستان تقاضا گردد.
بدینصورت همین مقاومت وفتح نظامی مردم قهرمان افغانستان بودکه وسیله شکست سیاسی ابرقدرت متجاوز روسیه را فراهم نمودوآن دولت مغرورخودخواه را درسطح جهانی بدانزوای کامل بین المللی قرارداد.
دول غربی ومخصوصا" دولت امریکا دراین وقت هم برای پیشبرداهداف سیاسی اش دربرابرروسیه صرف آنقدرسلاح وکمک نظامی را عرضه مینمایندتا روسها را درجنگ افغانستان برای مدت طولانی درگیرساخته باشندتا از روسها انتقام جنگ های ویتنام را بگیرندوبس. باوصف آن مردم مجاهدافغانستان توانستنددراین مدت دوسال مداخله مستقیم نظامی روسیه دهها هزارنفرتلفات انسانی وهزارها ملیون روبل خسارات مالی را به قوای نظامی متجاوزارتش سرخ وارد نموده قوای نظامی شان را درشهرها به محاصره بکشنند وهشتادفیصد خاک افغانستان را ازکنترول روسها خارج نمایند. ازجانب دیگرهرگونه نیرنگ وفریبکاری محیلانه رهبران کرملین مبنی برعقب نشینی شان ازداعیه کمونست سازی افغانستان، عدم مداخله درامورمذهبی، رسومات وعنعنات ملی شان آزادی تجارت وملکیت را بهمان قسم سابق عملا" تائیدنموده، کارمل بیخدا را مجبورنمودندکه

تظا هربه‌ا سلام‌نما یدوبیرق ملی را بهما ن رنگ سا بق وسنتی با کمی تعدیل تبدیل نمودندوبرا ی جلب علماء وروحا نیون ا دا ره‌شورا ی علماء وروحا نیون را با قبول مصا رف گـزا ف معا ش وکوپو ن بوجودآ وردند .ا دا ره‌جبهه‌ملی پدروطـن را با شمول عده‌ٔا زموی سفیدا ن فریب خورده‌تا ٔ سیس کردنـد ، ا تحا دیه‌ها ی زرا عتی را با سرما یه‌جهت ا نکشا ف ا مـور زرا عتی ملکیت ها ی شخصی تشکیل دا دندکه همه‌نمونـه‌ٔ از شکست سیا سی ونظا می رژیم‌ملحدروسها ا ست .که‌با نهـا یـت عجزوبیچا رگی وبرا ی جلب مردم‌وبرخلاف گذشته‌که‌سیا سـت کمونیستی رژیم‌را برگشت نا پذیر میگفتندعملا" ا مکا ن پذیر شد ،روسها‌ورژیم‌وابسته‌که حا ضرنبودنددرمسا ئل ا فغا نستلن مذا کره‌نما یندویا چیزی بشنوند ،کنون روسها خودمسلـه ا فغا نستا ن را دردسـردا نستـه رژیم‌را وا دا رمینما یدکه درمذا کرا ت ژنیوشرکت کندورا ه‌حلی برا ی مسله‌ا فغا نستا ن بیا بندوحتی ا زدولت ا مریکا وا نگلستا ن برا ی‌حل مسلـه ا فغا نستا ن کمک میخوا هد .روسها دیدندکه‌مردم‌مسلمـا ن ا فغا نستا ن بهیچ یک ا زتوطئه‌ها ی شا ن هم‌ما نندتا کتیـک ها ی نظا می شا ن فریب نخوردند ،حتی مشا هده‌نمودندکـه ا تحا دیه‌ها ی زرا عتی را که‌تا ٔ سیس نموده‌بودندعمـلا" در خدمت جها دا نقلاب ا سلامی قرا رگرفت ،بعلاوه‌مردم‌مسلـما ن ومجا هدا فغا نستا ن با مردم‌مسلما ن آ سیا ی میا نه‌تحـت ا ستعما را تحا دشوروی ذریعه‌مجا هدین دا خـل قوا ی نظا مـی شا ن که‌ا غلبا" ا زا ها لی آ سیا ی میا نه‌بودندتما س گرفتـه با توزیع کا رت ها ی عضویت نهضت ا نقلاب ا سلامـی‌ا فغانستان وبا توزیع‌کتب مقدس ا سلامی ودیگرا ورا ق ،مردم‌مسلـمـا ن آ سیا ی میا نه‌را که‌عقا یدا سلامی درتا روپودوجودشا ن ما نند

آتش زیرخاکستر نهفته بود روشن نموده درا کثرمناطق آسیای میانه اتحاد شوروی نهضت اسلامی وآزادی راکه موجب تظاهرات علنی درمقابل کاخ های استبدادی بی خدای اتحاد شوروی گردید متشکل وفعال ساختند، عساکروافسران مسلمان شامل قوای نظامی شوروی عملاً ازپلان های قوای نظامی روسها بموقع برای مجاهدین قهرمان افغانستان اطلاع میدهند. وهم روسها ملاحظه نمودند که افراد قوای نظامی شان درزمان حمله گروپ گروپ با قتل افسران روسی خود به مجاهدین پناهنده شده درجنگ های بعدی دوشادوش مجاهدین درمقابل قوای رژیم ملحد وقوای نظامی روسها به جهاد عملی می پردازند که نشانه وثبات همبستگی شان با انقلاب اسلامی افغانستان است، که درجهاد اسلامی ارزش قابل ستایش داشته ودارند. همین عساکرقوای کفرزمانیکه به صف قوای اسلامی می پیوستند زمینه خوبی برای افشای ستمگری های قوای سرخ وپلان های رهبران کرملین فراهم نمود که منعکس شدن آن با اسناد موثق وسیله آگاهی جهانیان از وحشی گری دیکتاتوران کرملین وجهاد ملی واسلامی برحق مردم مسلمان افغانستان گردید.

مجاهدین ومردم مسلمان افغانستان توانستند بذریعه همین مسلمان های ارتباطی صدای حقوق آزادی را در دیگر ملل اروپائی تحت استعمار دیکتاتوران کرملین برسانند واوراق تبلیغاتی وعضویت را بلسان های ،روسی وازبکی توزیع نمایند واحساسات وطن پرستی وآزادی خواهی را در بین اکثر ملل تحت استعمار روسیه وحتی درقسمت بی کفایتی رژیم وایدئولوژی کمونیستی درراه خوشبختی وسعادت جامعهٔ مردم روسیه توسط نظامیان روسی که خود را درجبهات

جنگ تسلیم مینمودند وبعداً" توسط موء سسه صلیب سرخ به غرب پناهنده شدند داورا ق مستندی درمورد اینکه جوانان روسی بچه مقصد وبرای نفع چه رژیمی درجنگ های افغانستان به قتل میرسندودرگذشته روی چه هدفی سیاست اختناق برزندگی آنها تحمیل شده بودوازتحمیل رژیم کمونیستی درزندگی شان چه بهبودی حاصل شده پخش وتوزیع نمودند . مجاهدین قهرمان ذریعه اوراق تبلیغاتی وتنویری به مردم روسیه یادآورشدندکه مهمترین موضوع مادی که رژیم کمونیستی شوروی مقابل رژیم های غیرکمونیستی، مردم فقیرجهان را به آن دلخوش وبه اطراف شان جمع می نمود مسله توزیع عادلانه تولید محسوب میگردید .کنون دیده میشودکه رژیم های کمونیستی برهبری کرملین قادر نیستندا ین مسله را حل کنند .اماطوریکه دیده میشودوتجربه گذشته عملاً" ثابت نموده دررژیم های کمونیستی تمام مواحد های تولیدی مواد استهلاکی ذریعه طبقه کارگروا کثریت جامعه تولید میشودامامان طبقهء اکثریت دهقان وکارگر برای بدست آوردن چنددانه کچالوبایدساعت ها درقطار ایستاده باشندوقادربه تهیه آن نگردندوهکذاکاریگریکه خودتکه تولیدمینمایدویا وسیله الکتریکی می آفریند ساعت هاوروزها وقت خودرا برای بدست آوردن آن ضایع مینماید ولی قادرنمیشودلباس ویاسامان موردضرورت خود را بدست آورد ولی عضومفتخوار حزب ویا عضو (کا ،ج ،ب) که جلاد طبقه کارگروزحمت کش است همه چیزرا دراختیار دارددرحالیکه موضوع تولیدوتوزیع درجوامع غیرکمونیستی وقتاً" حل شده درهریک ازممالک غیرکمونیستی ،هرکس به اندازه استعداد دش کارمیکند ،حجم تولیدبواسطه کارهمگانی که مشوق آن بدست آوردن پول است بلندرفته واموال استهلاکی به اندازه

تقاضای جامعه‌تولید وعرضه میگردد .درمغازه‌ها آنقدر اموال استهلاکی عرضه میشودکه موجب‌برای انتظار ماندن باقی نمی ماند .هرکس کارزیاد میکندحاصل کارش زیاد است .باپول زیاد میتواندحتی‌بلندترازسویه‌رئیس دولت زندگی نماید .طبعا"انسانهای استعداد وتنبل بیکاره باردوش جامعه‌شده‌نتوانسته‌ونمیشودکه این مسله‌خودمشوق افرادجامعه‌برای توسعه معلومات وانکشاف زیادت استعداد وزیادت‌کار ووسیله‌فراوانی مواداستهلاکی میشوذ .
مجاهدین قهرمان با آگاه‌ساختن مردم شوروی ازعدم کفایت ایدئولوژی کمونیستی که‌بمنظورتعمیل آن ملیون ها جوان شوروی‌را ،به‌جبهات جنگ میفرستند واینک دهها هزار نفرازهمین جوانان درجنگ بدون انگیزه‌درافغانستان به‌نابودی کشانیده‌شدند ،ولک ها نفرازانسانهای شریف همسایه‌بدون ضررشان نیزبهمین منظوربشهادت رسیدند درداخل شوروی نیزنهضت آزادی خواهی رابراه انداخته اندکه‌اینها همه‌موجب تشویش رهبران کرملین گردیده‌است هدف ما ازطوالت کلام مروروی بودبه‌حالات وواقعات که قبلا"رژیم‌کمونیست وسیاست دیکتاتوران کرملین رادرنظر جهان یک هیولای قدرت‌ساخته‌بودوبدون جهت رژیم دیکتاتوری کمونیست رایک ابرقدرت‌شکست ناپذیرمعرفی نموده‌بودبدان جهت‌تمام‌سیاستمداران جهان واابرقدرت ها باتجربه‌گذشته‌ازاعمال استعماری روسها که‌درآن هر منطقهٔ ازجهان وملل دیگرراشغال نظامی نمودندوازآن خارج نشده‌اند .اشغال افغانستان رانیزدائمی وبروی عمل گذشته‌اتحادشوروی یک‌کارانجام‌شده‌وبرگشت ناپذیر می دانستند ،درحالیکه‌بامطالعه‌گزارش صفحات قبلی حادثات وشرایط وقت وزمان ومسایل جغرافیائی عادات

افغانستان اغتشاشات قومی را درجنوبی، مشرقی، وشمالی
افغانستان برعلیه او وبرای انداختن امان الله خان را بنام
لاتی، کافر، بلشویک معرفی کردند. آن پادشاه جوان که
آرزوی پیشرفت وترقی را برای هموطنان ومملکت داشت
ودردیدارش از اروپا، چیزی آموخته بود میخواست افغانستان
را یک شبه بسویه ترقی اروپا برساند.
دروقت بازگشت از اروپا حین مواصلت به اسلام قلعه مرز
افغانستان وایران پرده را از چهرهٔ ملکه ثریا برداشت
وبدون حجاب اورا بمقابل مردم افغانستان مسلمان ظاهر
نمود واز پیشرفت های اروپا درمحضر مردم که به استقبالش
آمده بودند اظهاراتی نمود. وقتیکه بکابل آمد مردم
افغانستان را برخلاف عادات وعنعنات ملی شان امر به
پوشیدن کلاه شاپو ودریشی نموده عوض روزجمعه روزشنبه را
رخصتی اعلان کرد. که اینها هم وسیله تائید دسایس
وتبلیغات انگلیسها مبنی برانحراف عقیده امان الله خان
باعث تشدید اغتشاش گردید.
ولی روسها دوستی شان تا سرحد بی ثبات نمودن رژیم بود
که امان الله خان را طرف خشم وتیر دسایس انگلیسها قرار
دهد، اگرهم بذریعه غلام نبی خان چرخی بعداً بنام بقای
امان الله خان کمکی نمود نوشدارو ئی پس از مرگ وآنهم
برای تامین نفوذش با ارسال یکعده جاسوسان بنام افراد
نظامی از عمال ازبک وترکمن بود که پس از سقوط رژیم
امان الله خان وعقب نشینی غلام نبی خان چرخی عدهٔ از این
جاسوسان درصفحات شمال مملکت بین مردم همرنگ وهمزبان
شان باقیماندند ونا پدید شدند.
پس از امان الله خان حبیب الله خان کلکانی که یک سپاهی

بسم الله الرحمن الرحیم

لایتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون
المؤمنین ومن یفعل ذالک فلیس من الله
فی شئ الی ان تتقو منهم تقئة ویحذرکم
الله نفسه والی الله المصیره.

فصل اول

اهداف درازمدت رهبران کرملین ریشه بحران موجوده افغانستان است:

هرگاه بتاریخ وموقعیت استراتیژیک افغانستان نظر افگنیم ریشه اصلی بحران موجودهٔ افغانستان را میتوانیم در اوائل قرن ۱۹ دریابیم.

درین وقت است که دولت تزاری روسیه سیاست توسعه جویانه واستعماری اش را در آسیای میانه آغاز نموده از طریق توسعهٔ مرزهایش جانب افغانستان متوجه گردید تا ازین طریق نفوذ شان را در نیم قاره هند گسترش داده خود را به بحر آزاد هند برسانند. زیرا امپراطوری مذکور از طرف شمال محصور بود به بحر منجمد شمالی که بیش از شش ماه در سال نسبت یخبندان، بحر قابل کشتی رانی نبود. جانب غرب روسیه را بحیرهٔ مانش احاطه داشت که قوای عظیم بحری برطانیه رقیب سرسخت استعماری اش آنرا میتوانست همیشه

عقا یدوسنن ملی وهمسیا ست وشرا یط بین ا لمللی فــر ق
مینما یددرچنین مسا یل نمیشودموضوعا ت جها نی را یکسا ن
پیش بینی وتحلیل نمود .ا ولا"شرا یط ا جتما عی ،سیا ســی
مدنی ومذهبی مردما فغا نستا ن با شرا یط دیگرملل فــرق
کلی دا رد .ثا نیا" وضع مدنی،سیا سیوا قتصا دی جا معــه
شوروی وملل تحت بهره‌کشی آ ن با ا ندوخته‌ا زا عمــا ل
دیکتا تورا ن کرملین تفا وت نموده‌وثا لثا"تجربه‌که ملـــل
جها ن ا زسیا ست ا ستعما ری روسها بدست آ ورده از برخورد
شا ن با مسا یل جها نی کسب نموده‌ا ندوا نکشا ف علـــم
وتکنا لوژی تحولات بشری را برق آ سا ء بجلوبرده‌که‌قا فلـه
جا معه‌کمونیستی ا تحا دشوروی با نظردیدسا ختما ن ا قتصا دی
کهنه‌آ ن ا وشا ن را سا لها ا زکا روا ن تکنا لوژی جها نی وبه
نسبت علاقه‌مندی که‌ا وشا ن را دودسته‌بریسما ن کهنـــه
ا یدئولوژی منحط وسیا ست قرون وسطی ئی ا ستعما ر سنتی
بند نموده‌بودخیلی دورسا خته‌ا ست ،که‌ا زهمه‌ا ولترا تحا د
شوروی با یدبه‌کمبودی ها ی عمده‌جا معه‌خودبرسد .
بهرصورت ا زملاحظه‌ومرورتحولات یا دشده‌چنین نتیجه‌میگیریم
که‌دولت ا ستعما ری روسیه‌شوروی درسیا ست ا ستعمـــا ر ی
وا شغا لگرا نه‌شا ن درا فغا نستا ن وجها ن شکست خورد ودر
ا فغا نستا ن ا زنگا ه‌نظا می ا قتصا دی وسیا سی مغلـــوب
گردیده‌که‌ا ین شکست ا ودرا فغا نستا ن موجبا ت شکســت
ونا بودی سیا ست وا یدئولوژی کمونیزم‌را بسویه‌جها نـــی
فرا هم‌نموده‌ا ست دلائل شکست ونا بودی ا یدئولوژی کمونیزم
ا تحا دشوروی ذیلا"خلاصه‌وتوضیح میشود : .
۱ـ بوجودآ مدن حس تنفروا نزجا رکا مل ا زرژیـــم
کمونستی برهبری کرملین درخودشوروی وملل تحـــت

استعمار آن. بهاینصورت که پس از جنگ عمومی دوم جوانان شوروی وارتش سرخ درکدام جنگ داخلی ویا خارجی مستقیماً اشتراک ننموده بودواینهم معلوم است که هرفامیل روسی، روی عوامل اقتصادی نمی توانند بیش از یکی دوفرزند نگهداری نمایند، چون درجنگ بدون انگیزه درافغانستان تنها قوای نظامی شوروی اشتراک نموده که درین جنگ تا کنون بیش از یک صدهزار نفرکشته ومعیوب ببار آمدکه این افراد وابسته به ارتش سرخ اقلاً با یدبیک ملیون فامیل روسی ارتباط داشته باشد. لهذا به اثر این جنگ که از جانب روسها جنگ بین روسیه وامریکا تبلیغ شده بودوژونالیست ها وخود این افرادنظامی درجنگ تحمیلی کدام امریکائی را درجنگ ودربرابر خودندیدندوبه اثردرغگوئی وحیله گری دیکتاتوران کرملین درحدودیک ملیون فامیل روسی وبالا اثر ازدست دادن جوانان شان درجنگ آنهم علیه یک دولت وملت همسایه بی آزارشان داغدارشدندکه برای مردم شوروی غیر قابل جبران است. بدان سبب تنفروانزجارشان را دربرابر رژیم کرملین با اعتراضات علنی وجدی درحین وصول طیاره های حامل اجسادوتحویلی به فامیل های شان بصورت یک عکس العمل عملی نشان دادند.

همچنین بشریت باوجدان جهان وملل مسلمان ومردم شامل جرگه ملل بیطرف با اطلاع ازحمله بدون انگیزه یک ابر قدرت شامل سازمان ملل متحدوتوسط قوای نظامی مجهز به عصری ترین سلاحهای نظامی شان برعلیه یک ملت ومملکت بیطرف شامل جرگه ملل متحدتنفروانزجارشان را با اعطای کمک های مادی ومعنوی وازطریق صدورفیصله نامه های سازمان ملل متحد، جرگه سران ممالک اسلامی وممالک غیرمنسلک ابرازنمودند.

تنفر مردم مسلمان افغانستان نیز از رژیم خون آشام کمونیزم شوروی با قیام عمومی وقاطبه مردم بر علیه رژیم دست نشانده وقوای متجاوز روسیه که در مدت چار سال بیش از یک ملیون جوانان خود را درین جنگ استعمارگرانه از دست داده‌اند که غیر قابل انکار است. ضرب المثل مشهور است که میگویند. پدرکشتی وتخم کین کاشتی پدرکشته را کی بود آشتی.

تنفر وانزجار ملل اروپائی تحت استعمار کرملین وخود ملت روسیه وملل شامل سرزمین های آسیای میانه وغیره ملل تحت سلطه روسیه که در راه تحمیل ایدئولوژی منحط کمونیزم ملیون ها نفر از جوانان خود را توسط رژیم خون آشام دست نشانده وبقوهٔ سلاح های روسی از دست داده‌اند ودر بدل این قربانی های عظیم به لقمه نان سیاه محتاج اند نیز بهمین منوال است.

لهذا با اوج گرفتن احساسات علنی وتنفریکه درین ملل به اثر داعیه افغانستان بوجود آمده مردم مذکور بر علیه چنین ایدئولوژی که همه چیز وحتی حیات شان را با قربانی ملیون ها نفر اعضای خانواده‌های شان گرفته ولی مواد غذائی کافی ووسایل لازمه انسانی را برایشان مهیا نتوانسته. جز شکست قطعی وناکامی ایدئولوژی کمونیزم نمیتوان تفسیر وتعبیر نمود. که تمام انسانهای آن مناطق بشمول مردم افغانستان تا نسلهای آینده این فجایع وکلای ناخوانده طبقه کارگر وزحمت کش را فراموش نخواهند کرد.

۲ـ از نگاه نظامی طوریکه قبلاً "تذکر دادیم، مردم شوروی از رژیم های دیکتاتوری وخودکامه حزب کمونیست برهبری کرملین آنقدر نفرت دارند که با وصفیکه در جنگ عمومی دوم تا اندازهٔ ذریعه دول غربی مجهز شده بودند با زهم قوای نظامی شوروی نسبت نفرتی که رژیم کمونیستی ومظالم که در

زما ن کمونیست سا زی جا معه‌بر ملل مذکورتحمیل نمـــوده بودندعوض ا ینکه‌به‌حفظ نا موس وطن شا ن درمقا بل بیگا نه دفا ع نما یندفرقه‌فرقه‌به‌قوا ی متجا وزبیگا نه‌تسلیـــم میشدندکه‌با ا لاخره‌دول غربی با با زکردن جبهه‌نورمـــاندی دکتا تورا ن کرملین را ا زسرنوشت تا ریخی شا ن نجا ت دا دنـــد.

ا ستعما ل سلاحها ی سا خت شوروی دربرا برحمله‌ا سرا ئیـــل مجهزبه‌سلاحها ی سا خت دول غربی‌درجنگ بین ا سرا ئیل وملل عرب بشمول مصر ،سوریه‌وا ردن که‌مجهزبه‌سلاحها ی روسی بودندمدت ۶ روزمقا ومت ودوا م‌ننمود .درا فغا نستـــا ن نیز مردم‌مسلما ن ا فغا نستا ن کوچک وضعیف با دست خا لـــی قوا ی مجهزرژیم‌دست نشا نده‌را که‌با سلاحها ی روسی مجهـــز بودنددرمدت دوسا ل ا زبین بردندوسلاحها ی روسی را ا زآنها بدست آوردند .ا ینک مدت دوسا ل ا ست‌تسلیحات‌نظا می‌روسیه که‌توسط بیش ا زیکصدوپنجا ه‌هزا رعسکرروسی موردا ستعما ل قرا رمیگیردبزا نودرآ مده‌وتقریبا"هشتا دفیصدخـــا ک ا فغا نستا ن را ا زچنگ شا ن با دست خا لی وپا ی برهنه‌خا رج نمودندوقوا ی نظا می شا ن را به‌نا کا می وشکست قطعی‌مواجه کرده‌ا ندوبیش ا زیکصدهزا رعسکرشا ن را با قتل ویا معیـــوب نمودن ا زصحنه‌جنگ خا رج نمودندوبه‌ا ین وسیله‌به‌جها نیا ن ثا بت نموده‌ا ندکه‌قهرما نی ا رتش سرخ ونا مشکست نا پذیری آ ن صرف روی تبلیغا ت وا سلحه‌ا مدا دی کمک ها ی دول غربی بودوا ین ا سلحه‌وصنا یع ا سلحه‌سا زی روسیه‌که‌سا ل ها وبـــه مصرف ملیا ردها دا لرثروت ملی روسیه‌وملل تحت ا ستعمـــا ر آ ن سا خته‌شده‌کا ربردنظا می ندا رد ،صنا یع‌ا سلحه‌سا زی‌روسیه نیزما نندتعلیما ت نظا می شوروی همدوش با مورا ل ا فـرا د

نظامی شوروی برای به‌قدرت ماندن رژیم‌های دیکتاتوری کمونیزم‌روسیه‌قابل اطمینان واتکاء نمیباشدطوریکه صنایع اسلحه‌سازی شوروی وتعلیمات نظامی شان کهنه وفرسوده‌شده‌روحیه‌مردم‌وعساکرشان هم‌که‌باتحکم‌شصت ساله رژیم‌کمونیستی فشرده‌گردیده‌ومشوقی دربرابرقربانی‌شان موجودنیست آن خواص شکست ناپذیری ساختگی راکه‌سیاست فریب‌ودسیسه‌کاری‌ودروغگوئی رژیم‌به‌آنها بخشیده‌بودنیز با بازشدن وافشای دسایس‌شان درین اواخرومخصوصاً" از زمان تهاجم‌نظامی برافغانستان از دست داده است .خواص طبعی بشراست‌که‌برای هدفی عملی راانجام‌میدهدعسکر رژیم‌منحط کمونیزم‌که‌نه‌سرمایه‌دارندونه‌خانه ،نه‌منافع مادی برایش متصوراست ونه‌م‌هدف معنوی پس مشوق آن برای جنگ که‌کشته‌میشودچیست ؟ به‌اینصورت عساکرشوروی درتحت رژیم‌کمونیستی فقط وفقط درطریق اهداف دیکتاتوران خودمی جنگیدند که‌آنهم‌فعلا"میدانند هرقدر یکه‌قدرت دیکتاتوران زیادترشودبرمظالم‌شان علیه‌مردم‌تحت نفوذشان زیادمیگرددوبرای آنها صرف همان لقمه‌نان بخورونمیراست وبس .لهذا عسکرشوروی تحت چنین نظام‌دیکتاتوری وکمونیستی قطعا" حاضرنیستند جانهای عزیزشان را برای هیچ قربان نمایند.چون پس ازجنگ عمومی دوم‌روسها درکدام‌جنگی اشتراک مستقیم نداشت تا وفاداری قوای نظامی اش محل امتحان قرار میگیرفت‌اگرمردم‌افغانستان به‌این قربانی تن می دهند مشوق مادی ومعنوی دارندواگردرملل آزادسرمایه‌داری عسکرشان جنگ میکندبخاطرمنافع‌مادی وحقوق بازنشستگی ومعاش‌خدمت واعتلای کشوری است‌که‌ازنعمات تولیدی آن

استفاده مینمایند ودرآن خودشان صاحب همه چیز وملکیت اند ،اما عسکر روس از حیث ملکیت شخصی ودارائی مادی منافع ندارند ومشوق معنوی که ارزش قربانی را داشته باشد نیز برایش دلخوش کننده نیست وهمه چیزمملکت از دولت واز آن دیکتاتوراست برای چه خواهند جنگید؟
به اینصورت مردم افغانستان بودند که آن ارتش سرخ شکست ناپذیررا موردامتحان قراردادند وماهیت اصلی آنرا به آزمایش گذاشتند. البته بعدازین همه ملل تحت استعمار رژیم کمونیست کرملین وملل دیگرکه فعلاً "نهضت آزادیخواهی برای خارج شدن اززیرسلطه رژیم های بی پایه کمونیست درآن شروع شده میدانندکه ارتش سرخ مانندپوست عظیم خرسی است که درآن کاه پرشده وبقدیده وقوی جلب نظرمیکندکه ازآن خطری احساس نمیگردد. همه این ملل جرئت یافته اندکه میتوانندازین پوست خرس پندیده که دربرابر ملت فقیر وتهی دست افغانستان برازنودرآمده است حقوق حقه یعنی آزادی وحق خود ارادیت مردمشان را بستانند.
۳- چون سیاست دیکتاتوران کرملین همیشه متکی بدروغگوئی ،دسیسه ،خدعه ،فریب ،عهدشکنی ،عدم پای بندی به تعهدات بین المللی وزورگوئی بوده هیچ وقت درمسایل ملی وبین المللی ازخودوفاداری نشان نداده اند ،لهذا قبلاً "همجهانیان ومخصوصاً" مردم افغانستان طوریکه درمرور واقعات درگذشته توضیح گردیدبراعمال واخلاق بین المللی شان اعتماد نمی نمودندولی پس ازاشغال نظامی افغانستان این سیاست بی بندوباری شان نزدملت افغان وجهانیان افشا تروورسواترگردیدکه درآینده نزدجهانیان ومردم افغانستان برای سالهای طولانی رنگی نخواهدداشت وکسی برآنها اعتماد نخواهندکرد.

چنانچه دروغگوئی وعدم پای بندی ووفاداری شان دربرابر مردم افغانستان درزمان امیرشیرعلی خان که شاه مذکوررا با وعده همکاری ومعاونت درمقابل تجاوزوحمله انگلیسها الی مزارشریف به عقب خودکشانیدند ولی موقع که انگلیسها با حمله شان افغانستان را اشغال نمودند هیچگونه کمکی برایش نکردند، روشن بود .
درزمان امان الله خان نیزبا تعهدات شان که درمقابل امان الله خان نموده بودند .ودرآن تعهدنموده بودندکه به آزادی مردم بخارا وخیوه نقصانی نرسانندووعده شده بودکه مناطق کشک ،پنجده ودرقدرا به افغانها اعاده خواهندکرد وعلاوتا" دوست مردم افغانستان دوست روسها ودشمن افغانستان دشمن روسها خواهدبودکه امان الله خان نسبت بهمین تعهدازحمایه انوربیک پاشا درمقابل آزادی بخارا وخیوه پای وفاداری اش را رعایه نمودولی روسها نه تنها خیوه وبخارا را اشغال نمودندبلکه ازاعاده مناطق یاد شده به افغانستان هم خودداری نمودند .درزمان انقلاب مردم افغانستان علیه امان الله خان نیزعدم وفاداریشان را به کمک برای اعاده قدرت به امان الله خان ایفاء نکردندوبعدا"هم با شکستاندن مواد عهدنامه که مبنی برعدم مداخله طرفین به اموردا خلی مملکتین بودبا ارسال قطعه عسکری بهمراهی غلام نبی خان چرخی (اگرروسها موضوع را یک مسله داخلی افغانها می شناختند)این عهدنامه را یکجانبه فسخ نمودند .
در زمان دولت ورژیم محمدنادرشاه ومحمدظاهرشاه نیز با وصف موجودیت معاهده عدم مداخله دراموریکدیگر با ارسال وصدورجواسیس شان که با دستگیری عده‌ًا زاین جواسیس ثابت است پای بندی شان را فسخ ویکجانبه

عمل نمودند ،درموقع حکومت محمدداود خان با ارائه دادن محمدداود خان را بدام استعماری شان گرفتار نمودند وبا وصف موجودیت معاهده عدم مداخله به امور یکدیگر ومعاهده دوستی اساساً دشمنی با تر ور دوست وهم عقیده شان یعنی خیبر توسط اعضای (کا ،ج ،ب) وبا یک کودتای کاملاً روسی وسیله سرنگونی دولت قانونی افغانستان را فراهم کردند وعامل خود را به قدرت رسانیدند.

بعداً هم با قتل دوست صمیمی (ترکی وامین) عملاً قدرت را در افغانستان با پیاده کردن قوای نظامی مجهزشان فراهم و موجب قتل عام مردم افغانستان ومهاجرت وآوارگی ۳۰ % جمعیت افغانستان را به خارج مملکت ویا در داخل افغانستان و وسلیهٔ ویرانی تمام آثار ووسائل زندگی مردم افغانستان گردیدند.

این همه توطئه ها ودسائیس بخاطر ونظر مردم مسلمان افغانستان بودکه بعداً با همه نیرنگ ها وفریبکاری های دیکتاتوران کرملین مبنی برعقب نشینی از مرکمونیست سازی، تعدیل مقرره اصلاحات ارضی ،احترام به علماء وروحانیون ،تعدیل رنگ بیرق ملی وتظاهر به اسلام وحتی به امرحقوق ملکیت وحمایه سرمایه داران ملی مردم مسلمان ومجاهد افغانستان فریب نخوردند وجهاد ومبارزه برحق شان را الی خروج بدون قیدوشرط روسها وازبین بردن تمام آثار روسیرزم وکمونیزم در افغانستان تعهد نمودند که با شدت مبارزه شان ادامه دهند باوصف تلفات انسانی بیشمار مردم افغانستان امروز قوای متجاوز نظامی روسها را بزانو در آوردند ،امید است با تجربه ودرس تاریخی ازین فریبکاری ها ودروغگوئی های دیکتاتوران کرملین مردم افغانستان دیگر به روسها اعتماد نکرده وسیاست دروغگوئی ودسیسه کاری شان را برای

همیشه به ناکامی مواجه گردانند.
ملل دیگر جهان هم از تجربه گذشته اعمال روسها در قسمت سیاست استعماری شان وعدم تطبیق تعهدنامه ها ومواقفت نامه های پوتسدام ویالتا در مورد تعین سرنوشت وتطبیق حق خودارادیت مردم وملل اروپائی ، عدم حمایه وپابندی روسها در حمایه ملل مصر وسوریه در برابر اسرائیل وبنام دوستی وتعهدات همکاری با استفاده بهره کشی از ملل ویتنام ، کوریا ، کیوبا ، اتیوپی ، نیکاراگوا ، یمن ، چکسلواکیه ، بلغاریه ، پولیند وآلمان شرقی ، چوشیدن خون ومادهٔ حیاتی ملل مذکور بصورت دوامدار وبلاانقطاع اعتماد شان را از روسها ومخصوصاً" دیکتاتوران کمونیست ورژیم کرملین قطع نموده اند که هیچ ملت ومملکتی در آینده فریب این سیاست های استعماری شان را نخواهد خورد ودر حال موجود نیز دیکتاتوران کرملین در جامعه جهانی کاملاً به انزوای مطلق قرار دارند. چنانچه از جمله تمام ممالک ودولت های شامل سازمان ملل متحد صرف همان اقمار اتحاد شوروی اند که از ادعیه اتحاد شوروی در کنفرانس های جهانی وسازمان های ملل متحد حمایه وجانبداری مینمایند وآنهم به نسبت که فعلاً" وروی اشتباهات رژیم های ودولتهای گذشته شان دربند وقید بهره کشی روسها گرفتار شده اند چنانچه دیدیم که در مورد قضیه افغانستان دولت های کمونیستی چون یوگوسلاویا ، البانیه وحتی جمهوریت مردم چین در سازمان ملل متحد عمل تجاوزکارانه اتحاد شوروی وسیاست اشغالگری روسها را در افغانستان تقبیح ومحکوم نمودند با الخاصه دولت کمونیستی بزرگ چین اعاده مناسبات عادی اش را با روسیه مربوط به اخراج عساکر شوروی از خاک

افغانستان دانست که این مسائل شکست سیاسی دولت شوروی را درساحه جهانی تائید مینماید.

۴ ـ شکست اقتصادی دولت ورژیم کرملین درافغانستان نیزروشن وثابت است ابرقدرت روسیه شوروی که در اول باپیاده نمودن قوای نظامی شان به خاک افغانستان تمام ضروریات قوای شان را ازاتحاد شوروی وارد مینمودند حتی غذا، لباس ولوازم حربی قوای شان را ذریعه قطارهای کمالاتی تاءمین مینمودند، کنون درتمام مناطق که قوای شوروی درآن متمرکز است، قوای نظامی شان اکثراً گرسنه وبدون وسائل ضروریه مانده با رسیدن به آبادی هاودوکانها مانندحیوانات گرسنه بدست اندازی ازدوکانها وخانه های مردم آنچه بدست شان میرسد میگیرند ومی خورندکدوباشد ویانان خشک، کچالو باشد یا دنجان خام، معاش مشاورین وجیب خرج عساکرخودرا پرداخته نمیتوانند، بهاثر تحمیل این مصارف بدوش اقتصاد افغانستان وازدیاد مصارف خود رژیم دست نشانده وکسرعوایددولت، روسیه مجبوراً درهرماه یکی دوطیاره بحمل بانک نوت های افغانی جدیدازروسیه کسرعوایدومصارف را تاءمین مینمایندکه به آن سبب ارزش پول افغانی دربین دوسال اخیردرحدودپنجاه فیصدپائین رفته مخصوصاً وقتی ارزش پول افغانی سیرنزولی خود را شروع نمودکه رژیم معاشات صاحب منصبان وافرادنظامی را به میزان پنجاه فیصدبلندبردنددرحالیکه عوایدملی باخارج شدن هشتاد فیصدخاک افغانستان ازکنترول رژیم ۳۰ % فیصدتنزیل نموده است. همه این کسرعوایدوبلندرفتن مصارف ازطریق نشربانکنوت جدیدتاءمین شده، دربازار داخلی ارزش پول افغانی بدان جهت فعلاً پنجاه فیصد

گمنا موسا ده وبیسوا دبودبذریعه عما ل بیگا نه به قدرت رسید
وبرا ی ۹ ما ه به قدرت با قی ما ند .ا ما ا ین سپا هی گمنـــا م
هم سه ما ه بعدا زبه قدرت رسیدنش صرف به ا شرگنا ه لفظـی ا ش
که درحین ا فتتا ح جشن ا ستقلا ل ا فغا نستا ن درمنطقـــــه
دهمزنگ کا بل ا یرا دنموده بودوا زآ ن یا دآ ورشده بودکه بعد
ا زین ما با یدبه فکرآ وردن دروا زه صندل ا زهندوا عـــــا ده
آ زا دی مردم مسلما ن بخا را وخیوه با شم .که آ ن هم به ا ثرهمین
گنا ه نا کرده موردتیردسا یس ا نگلیسها ودیکتا تورا ن کرملین
وا قع گردید .وشش ما ه بعدا زین گنا ه مربا نی شد .
درمدت سه سا ل سلطنت محمدنا درشا ه وهمچنا ن ۱۵ سا ل ا و ل
سلطنت محمدظا هرشا ه یعنی ا زسا ل ۱۳۰۷ ا لی سا ل ۱۳۲۴ که
قدرت بدست محمدنا درشا ه وبعدا "بدست محمدها شم خـــــا ن
صدرا عظم بودروسها جزتحکیم منا سبا ت وصدور جا سوسا نـــــش
که بذریعه آ نها به توسعه نفوذشا ن پردا ختندکدا م ا قـــــدا م
فوق ا لعا ده نتوا نستند .توا زن سیا ست دولـــت با جها ن غرب
وروسیه برقرا ربود .گرچه ا ین دوره برا ی مردم ا فغا نســتـا ن
ظا هرا "ودرسیا ست دا خلی یک دورهٔ ظلم ،ا ستبدا دوخونریزی
بحسا ب می آ مدبسا ا زفا میل ها ی ا فغا ن کا ملا "محوشدنــــد .
دستگا ه ضبط ا حوا لات رژیم برعلیه مردم مسلما ن بیدا دمیکرد
زندا ن ها وسیا ه چا ه ها ی ا رگ مملوا زا نسا نها ی بدون خـون
وگوشت بود .مگروحدت ا فغا نستا ن که درزما ن ا نقلاب علیــه
ا ما ن ا للـه خا ن وزما ن حبیب ا لـه خا ن کلکا نی وبعدا "درزمان
بقدرت رسیدن محمدنا درشا ه ا زهم پا شیده شده بود ،دوبـــا ره
تا مین گردید ،خطوط ا رتبا ط تیلفونی ،شا هرا ه وسا یـــل
پوستی وا منیت شهرها ودها ت وشا هرا ه ها تا ا ندا زهٔ تا میــن
ومستحکم گشت ،شبکه ها ی جا سوسی روسها وا نگلیسها تا حـدی

تنزیل کرده عواقب آن به انفلاسیون قطعی گواهی میدهد.
با فرار قوای کار زراعتی وخالی ماندن دهات وانهدام شبکه های آبیاری واکثر وسائل زراعتی وحیوانات زراعتی اراضی زراعتی از زرع باز ماند که باظهور کمبود مواد غذائی وغله روسها درا وائل ودرحالیکه خودبه کمبود غله مواجه وسالانه بیش از دوازده ملیون تن غله از خارج وارد میکند بیک پیمانه محدود از غله وارده را به افغانستان فرستادند ولی درسال اخیر روسها نتوانستند کمبود وضرورت غله افغانستان را رفع نمایند بدان سبب روزتا روز قیمت های مواد غذائی درافغانستان بلند رفته بسوی قحطی کامل کشانیده میشود.
اموال صادراتی افغانستان که اقلام عمده آنرا پخته، میوه پشم، پوست وقالین تشکیل مینمود به اثر کمبود قوای بشری وکار، از بین رفتن حیوانات ومواشی وانهدام شبکه های آبیاری پنجاه الی هفتاد فیصد تنزیل نمود که به اثر آن حصول اسعار وعواید ملی بهمان میزان کسر نموده قیمت وارزش اسعار حتی چارچند ارتقاء یافته که خود وسیله ورشکستگی اقتصاد افغانستان است واین عوامل با عوامل دیگری که خود روسها به آن مواجه اند ورشکستگی اقتصاد شوروی را بار آورده.
طورمثال دولت اتحاد شوروی با صنایع کهنه وغیر مولد ش که وسیله از دست دادن مارکیتهای فروش مواد استهلاکی بود وبا الاثر عدم مولدیت وحاصل دهی صنایع زراعتی خود محتاج ورود غله ومواد غذائی از خارج بود. درین سال های اخیر با براه انداختن کودتا ها رژیم های دست نشانده را دریکعده ملل فقیر به قدرت رسانیدند که برای به قدرت نگاهداشتن شان مانند افغانستان مجبور به تدارک وتهیه وسائل

ومهمات نظامی ومواد غذائی میباشندکه این مکلفیت روسها را علاوه ء اینکه به مشکلات ومقابله احساسات بین المللی مواجه ساخته الی زمانیکه رژیم های وابسته بپای خود ایستاده شوندمکلف برتهیه وتدارک مواد استهلاکی ومواد غذائی ووسائط نظامی مینماید .با اشغال افغانستان روسها باردیگری راکه درشرایط موجوده بزرگترین پرابلم را برای شان ایجادنموده بوجودآوردندکه کمرشان را خم نموده است به اینصورت هرگاه مصارف نظامی روسها را با پیاده کردن یکصدوپنجاه هزارنفرفی نفرپنجاه دالرروزانه محاسبه نمائیم روسها با این عمل شان مصارف اضافی دوساله پیاده نمودن قوای نظامی شان بالغ بربیش از پنجهزار ملیون دالررا متحمل شده اندکه این پنجهزارملیون دالر خودبارزبزرگی است بردوش اقتصادورشکسته اتحادشوروی علاوتاً" با ازبین رفتن حاصلات ومواد خام صادراتی افغانستان خودمشکلی است که فشارعمده اقتصادی را بالای اقتصاد رژیم وبا النتیجه بالای اقتصاد اتحادشوروی تحمیل کرده وتحمیل مینمایدکه با طولانی شدن جنگ های افغانستان تأمین کمبودی مواد غذائی وغله مصارف رژیم وقوای نظامی شوروی باردوش ملیون هاتن غله ومواد غذائی خواهدشدکه اتحادشوروی خوداز بازارهای بین المللی وارد مینمایند وقیمت اسعاری آنرا باردوش ماحصل مواد استهلاکی کس مخرودیمدی صنایع سنتی شان مینمایند .

با توضیح این ورشکستگی های اتحادشوروی درافغانستان عقیده بزاینست که روسها برای نجات شان ازین معرکه صرف دوراه درپیش دارندوبس .

اول : مسدودنمودن سرحدات افغانستان وکوبیدن

قوای مقاومت ملی برای استحکام به قدرت نگاه داشتن رژیم وابسته.

دوم: فراخواندن قوای نظامی شان از افغانستان ورهائی سرنوشت افغانستان به خود مردم افغانستان واعتراف به شکست شان مانند شکست امریکا در ویتنام.

اول: درصورتیکه روسها جهت تعمیم اهداف شان مبنی برادامهٔ تسلط شان باید مرزهای بین پاکستان وافغانستان، ایران وافغانستان، چین وافغانستان را مسدود نمایند. درشرایط کنونی تعمیل این امر نه به قدرت نظامی واقتصادی شوروی است ونه مانگاه سیاست داخلی وخارجی روسها مقدور است. زیرا دولت شوروی مجبور خواهد بود برای مسدود کردن بیش ازدوهزار میل مسافه سرحدات افغانستان با درنظرگرفتن به تحلیل رسیدن قوای داخلی رژیم تعداد قوای نظامی اش را پنج چند بلند ببرد که با تقویه قوای نظامی مصارف پولی روسیه نیز پنج چند مصارف فعلی آن که سالانه درحدود دوهزار وپنجصد ملیون دالر محاسبه شده بلند خواهد رفت. لهذا با بلند رفتن مصرف مذکور وتحمیل آن براقتصاد ورشکسته دولت شوروی خارج توان دولت شوروی است میدانیم که رهبران کرملین درزمان به قدرت رسیدن رژیم کمونیستی برهبری کرملین تمام عواید ملی وثروت شخصی را که آنوقت ملی ساخته بودند درخدمت تحکیم قدرت نظامی شان بمصرف رسانیدند درحالیکه تمام دستگاه های صنعتی وماشین های زراعتی شان همان دستگاه های کهنه وبه سیستم قدیمی است که مولدیت آن بحداقل میباشد. واین حقیقت است که روسها با وصف دردست داشتن زمین پهناور واستثمار نمودن عواید وموادخام صنعتی ملل تحت استعمار

شا ن نمیتوا نندموا دا ستهلاکی موردنیا زمردمخودرا تا مین
نما یندکه مردمشورو ی برا ی بدست آ وردن چندمترتکــــــه
وموا دغذا ئی وچندگرا مگوشت هفتهها بدروا زه مغا زهها صف
می بندندوقتیکه نوبت میگیرندموا دموردنیا زشا ن تمـا م
میشـــــــود .
بها ینصورت رژیم مسلط شده بر مردم شوروی ا زهمه بیشتربــه
مقا بل خوا سته مردم خودجهت برآ ورده شدن وتا ٔ مین زندگی
بهتروتهیه موا دا ستهلاکی موردنیا زمردم قرا رداً رد .علاوتا"
تا ٔ مین مصا رف نظا می قوا ی عظیم شا مل چا رملیون نفـــر
مستقردرمرزها ی چین وا روپا ومصا رف تسلیحا تی نظا مـــی
وا قتصا دی رژیم ها ی کمونیستی که درمما لک ا تیوپـــــی
ویتنا م ،کا مبوج ،کیوبا ،ونیکا را گوا وغیره که توسط روسها
به قدرت رسا نیده شده وحتی ا کثرا" هنوزا ستقــرا روا ستحکا م
نیا فته ا ندبرچنین ا قتصا دورشکسته تحمیل شده که دیگرتوا ن
قبول چنین مصا رف را ندا ردبرعلاوه برا ی رژیم دیکتـا توری
کرملین که فعلا"درمقـا بل ا عترا ضا ت مردم خودقـرا ردا رند
که درآ ن جوا نا ن فا میل ها ی شوروی درجنگ هـــــا ی
ا فغا نستا ن کشته شده ویا معیوب شده ا ند .با ا دا مه جنـــــگ
وتقویه قوا ی نظا می شا ن ا ین تلفا ت نیزپنج چندبلنـــــد
خوا هدرفت .مردم شوروی دیگرحا ضرنیستندفرزندا ن شا ن را
قربا نی توسعه طلبی دیکتا تورا ن کرملین نما یننددرحا لیکه
با ا لاخره معلوم نیست که با درنظرگرفتن شرا یط جغرا فیا ئی
ا فغانستان بتوانندمرزها ی ا فغا نستا ن را مسدودسا زندودرین
جنگ که بمقا بل مردم رزمنده ووطن دوست مسلما ن قـــرا ر
دا رندا حتما ل موفقیت شا ن خیلی کم ا ست .
برعلاوه روسها بمقا بل خوا سته ملل جها ن وا عترا ض مما لـــک

اسلامی قرار گرفته، منظور سیاسی که روسها را کاملاً "به انزوا قرار داده نیز قابل درک و توجه روسها است که ادامه جنگها او را بیشتر به انزوای سیاسی و اقتصادی قرار خواهد داد دوهم در صورت تقویه قوای نظامی شان باید قوای اضافی را از قوای مستقر در مرزهای چین و اروپا تأمین نمایند در آن صورت نیز امکان تجزیه امپراطوری روسیه خطر بیشتری را متوجه روسیه خواهد نمود.

نظر به این مشکلات و عدم امکان تحکیم قدرت با قوهٔ نظامی اضافی و به قدرت با قیماندن رژیم دست نشانده که حتی نیم فیصد هم از پشتیبانی مردم خود برخوردار نیست قبول این همه خطرات، مصارف و تلفات انسانی نیز برای روسها کار آسانی نبوده دور از عقل و خرد است.

دوم: در طریقی که روسها برای نجات خود و کشیدن قوای نظامی از این جبهه زار که روز تا روز در آن فرورفته خطرات بیشتری را به امنیت داخلی خود و قلمرو امپراطوری اش مواجه ساخته اینست که بدون قید و شرط با پرداخت غرامات و خسارات جنگی قوایش را از افغانستان خارج نماید و بگذارد مردم خودشان رژیم مورد پسند و اعتماد شان را اختیار نمایند.

برای دولت روسیه در شرایط و حالات موجوده و شرایط ناکامی و شکست در برابر مردم وطن دوست و خدا پرست افغانستان اگر در ظاهر و از نگاه سیاسی بسطح بین المللی و جهانی و از نگاه داخلی در برابر مردم شوروی و رژیم های کمونیستی زیر سلطه آن غیر قابل توجیه است. ولی دولت شوروی در مقابل نمیتواند با صرفه جوئی ملیاردها دالر مصارف جنگ بیهوده و با صرف قوه کار تولیدی قوای بکار انداخته شده در جنگ

فرسایشی وطویل المدت بنوسازی دستگاه های صنعتیشان
که پس از جنگ جهانی دوم دست نخورده باقی مانده بپردازند
امروز ویا فردا روسها با تولید اموال واجناس دیمندی
خود مارکیت های سنتی ومحدود فروش اموال استهلاکی
وصنعتی خودرا که فعلا" هم صرف بازارهای ملل تحت استعمار
شان قرار دارد ازدست می دهند درحالیکه خود روسها برای
تهیه مواد غذائی وغیره لوازم ضروری جامعه به ملیاردها
دالر اسعار خارجی نیاز دارد. این هم واضح است که روسیه
درمارکیت های بین المللی ابدا" درمقابل اموال
استهلاکی دیگر ممالک صنعتی رقابت کرده نمیتوانند ، در
حالیکه دستگاه تولیداتی روسیه که همین اکنون اجناس
غیرقابل استفاده را تولید مینماید نیز خود فرسوده واستهلاک
گردیده که غیر مولد وغیر اقتصادی است. این واحدهای غیرمولد
باید بدستگاه های عصری که دربرابر تقاضای مستهلکین
ومارکیت بین المللی رقابت کرده بتواند تعویض گردد .
تنها این دستگاههای تولید اجناس استهلاکی نیست که
بهمان سیستم سنتی وغیرمولد باقی مانده بلکه صنایع نظامی
وزراعتی شان نیز بهمان شکل وفرم قدیمی آن بصورت
غیرمولد وغیراقتصادی نامرغوب وغیرقابل پسند مارکیت
ومستهلکین است .که نمیتواند عطش مستهلکین داخلی
وخارجی را از نظر کمیت وکیفیت مرفوع نماید .طور مثال
روسها درین دستگاه ها با مصرف دهها تن آهن ومواد خام
تانکها وماشین های را می سازند که با همین مواد در مدت
کمتر وکار کمتر دیگر ممالک صنعتی نوع مشابه آن با کار
کمتر ومدت کمتر وبا طاقت زیاد وترومزیت فزون تر ،دربازار
های جهانی عرضه میکنند ،اگرتا حال اجناس ساخته شده آنان در
بازارهای بین المللی مورد عرضه بود اولا" صرف درمارکیت

ها ی ملل تحت استعمار وتقاضای اجباری وسیاسی باید محسوب گردد وثانیاً "هنوز عرضه تولیدات جهان صنعتی غرب نمیتوانستند ضرورت وعرضه تمام احتیاجات جهان را تکافو نماید ولی کنون صنایع غرب به پیمانه وسیع وبیش از اندازه تقاضا کالا تولید مینماید که در تجسس بازارهای جدیدا ند .

لهذا روسها با صرفه جوئی از مصارف جنگ وقوای انسانی میتوانند درامر نوسازی صنایع شوروی کمک بسزائی بنماید که تا حدی از اعتراضات مردم خود شوروی نسبت کمیت وکیفیت اجناس تولیدشده مورد نیاز شان کاسته گردد .وصفوف نیاز مندان کالا درمقابل مغازه ها مخصوصاً" مغازه های فروش مواد غذائی کوتاه تر ساخته شود .درغیر آن مردم شوروی که تا کنون تحت فشار قدرت نظامی ومراقبت اختناق آور عمال (کا ،ج ،ب)قدرت دم زدن نداشتند با آگاهی از سویه زندگی ملل آزاد جهان ،فرار وا نی اجناس استهلاکی وکالاو بی نیازی از مشکلات بدست آوردن غذا درمقابل آزادو عدم دسترسی خودشان برای بدست آوردن مایحتاج حداقل زنده گی دست به انقلابی خواهند زد نظیر انقلاب کبیر فرانسه که کاخ استبدادی وخود کامگی دیکتاتوران را با خاک وخون فروخواهند ریخت وملل زیر سلطه استعمار روسیه را با ایدئولوژی کمونیستی خودساخته شان برای همیشه از تحمیل زوروقدرت فرودخواهند آورد .

با زهم باید اذعان نمائیم که رژیم کمونیستی برهبر کرملین درامر فرار خوانی قوای نظامی شان از افغانستان نیز به مشکلاتی مواجه است .

ازیکطرف فرا خوانی قوای نظامی شان از افغانستان اعتراف به شکست نظامی وسیاسی است که برای ابرقدرتی چون دیکتاتوران کرملین موجب سرافگندگی وشرمساری

دربین ملل جها ن محسوب میگردد .که این عمل مساوی با خروج نظا میا ن امریکا ازویتنا م است دولت امریکا هم برای درگیری بیشترروسها درجنگ های افغانستا ن همین خواب را می بیندتا تلفات ومصارف روسها را درین جنگ ها به حدمصارف وتلفات امریکا درجنگ های ویتنا م برسانند وا قتصا دشوروی را به ورشکستگی قطعی مواجه گردانند . ودیکتاتوران کرملین را بزانودرآورده انتقا م جنگ های ویتنا م را که با کمک نظامی وا قتصا دروسیه وسیله اخراج نظا می امریکا گردیدا زروسیه بگیرند .

دوم اینکه روسها درشرایط که اکثرممالک فقیرجهان بابراه اندا ختن کودتا ی نظا می وبه قدرت رسا نیدن رژیم های وا بسته جنگ های دا خلی را برا ه اندا خته اندوهنوزرژیمهای وا بسته مستحکم نشده است ،هرگاه این دیکتا تورا ن با اعما ل ضدبشری وا نسا نی که دا رندد ست ازحمایه رژیم های وابسته بردا رندرژیم های وا بسته یکما ه هم درمقا بل مردم خودبقدرت ما نده نمیتوا نند .که درصورت عدم حمایه آ ن رژیمهای وا بسته درحال خروج قوای شا ن ورفع حما یه سقوط مینما یند .

ودرینصورت احزا ب کمونیستی وا حزا ب شا مل جرگه احزاب بوادرا عتما دشا ن را ازدیکتا تورا ن کرملین قطع مینما یند ومردم شامل جنگ با رژیم های وا بسته جرئت یا فته درمدت کوتا هی بنیا درژیم های کمونیستی را ازتهدا ب ویران وا یدئولوژی کمونیستی بی بنیا دتخیلی وتحمیل شده ذریعه قوهٔ تسلیحا تی روسیه را محو ونا بودمی سا زند .

بهرصورت عقیده برا ینست که روسها بنا ء برخوا ص ما ده پرستی ذا تی که دا رندوصرف به منا فع ما دی عقیده دا رندچون در اختیا رنمودن را ه اول ومحض به اندیشه احتما لی موفقیت

درجنگ ها ی درا زمدت وقبول مصا رف گزا ف ما لی وتلفا ت ا نسا نی سنگین که‌نتیجه‌آ نهم‌با لاخره‌نا کا می ا لی سرحد متلاشی شدن ا مپرا طوری بزرگ شوروی ا ست خودرا بیشتر ا زین درگیرجنگ ا فغا نستا ن نخوا هندکرد .درحا لیکه‌سیاست دول غربی مخصوصا"ا مریکا که‌فعلا"ا زمقا ومت موء ثرقوا ی مقا ومت ملی مردم‌ا فغا نستا ن کا ملا"مطمئن شده‌ا ندوحا ضر ا ندتا سرحدشکست قطعی ونها ئی قوا ی روسی وتحمیل مصا رف عظیم‌ما لی وا خذا نتقا م‌جنگ ها ی ویتنا م‌به‌حما یه‌ا زدا عیه ا فغا نستا ن ودا دن کمک ها ی موء ثرنظا می شا ن برا ی‌مردم مبا رزومجا هدا فغا نستا ن روسها زا درگیرجنگ دوا مدا ر درا فغا نستا ن بنما یند .بمفا دروسها ا ست تا ما نندا مریکا وبا ا عترا ف شرا فتمندا نه‌ا زشکست سیا سی ونظا می وبرحسب عا دت دیرینه‌شا ن به‌عدم‌پا ی بندی به‌تعهدا ت دربرا بررژیم‌ها ی وا بسته‌یکبا ردیگرب‌پذیرندوبا بها نه بشردوستی ،همسا یه‌گی نیک وجلوگیری ا زخون ریزی‌بیشتر وعدم‌مدا خله‌درا مورا فغا نستا ن پا ی خودرا ا زین جبه‌زا رکه هرآ ن بیشتردرآ ن فرومیرودخا رج سا زد .

ان الله یحب الذین یقاتلون

فی سبیله صفا کانهم

بنیان مرصوص

فصل هفتم

چه وقت وچطور میتوانیم با ضربه کوبنده غول استعمار وشکست خورده کمونیزم را نابود کنیم؟

این حقیقت است که غول استعمار کمونیزم روسیه طوریکه درفصول گذشته توضیح گردیده درراه اهداف استعماری اش از لحاظ نظامی، سیاسی واقتصادی درافغانستان کاملاً "شکست خورده است. ولی باید قبول نمائیم که این دیوخوش خط وخال زخمی هنوز زنده است. درگذشته دیدیم که درظرف بیش از یک قرن دولت های تزاری وبعداً" دولت های خون آشام کمونیزم قلمرواستعماری شان را به افغانستان وصل نمودند وبا چه نیرنگ ها، خدعه ها وفریبکاری ها توانستند مانند بوقلمون بهزار رنگ وصدها افسون تظاهرکنند ودربین ملل مسلمان ومنجمله درجامعه افغانستان نفوذ نمایند. شکی

کشف ودرمقابل آن مبارزه صورت گرفت که دستگیری
پیرکفن پوش وبینه نام باهمدستان شان که تعداد دشان
به دها نفرمیرسید نمونه از ین جاسوسان صادراتی استعماریون
شرق وغرب محسوب میشود .باز هم جاسوسان روسی که درزمان
بی ثباتی دولت های افغانستان وبه اشرسیاست استعماری
ودرازمدت روسها به افغانستان صادرشده بودند آنقدرزیاد
ودرجامعه نفوذ کرده بودندکه جزء خودمردم افغانستان
محسوب میگردیدند باگرفتاری چندنفرمحدودکه گرفتارشدند
جلوگیری ازدسایس شان شده نمیتوانست .
درزمان پس از جنگ جهانی دوم یعنی ۱۹۴۷م دولت انگلیس
تصمیم گرفت با اخذرای بین مسلمانها وهندوهای هندوستان
دودولت مستقل بوجود آورد یعنی به هندوها ومسلمانان
سرزمین هنداستقلال وآزادی بخشد که این امرتامین شد
ومنطقه صوبه سرحدرا که جزوسرزمین افغانستان بود ،دست
استعمار انگلیس قسمیکه سرزمین مها را جه نشین های نیم
قاره هندرا یکی پس ازدیگری مضمحل نموده سرزمین های
شان را اشغال نموده بود ،این منطقه سرزمین افغانستان
را هم ازپیکرافغانستان جداء نمودند . لازم بودوقتی که
حقوق هندوها وپنجابی ها وسندیها را انگلستان اعاده میکرد
حقوق افغانها را واپس برخود افغانها اعاده مینمود برعکس
انگلیسها منطقه صوبه سرحدرا نیزعوض اینکه به افغانستان
اعاده نمایند ویا به خودشان خودمختاری بدهند آن منطقه را
نیزضمیمه پنجاب جزوء دولت اسلامی پاکستان نمودند .
دولت وقت افغانستان وهم خودمردم صوبه سرحد در آن وقت
خاموش ماندند .ولی زمانیکه دودولت جمهوری هندوستان
وپاکستان تشکیل گردید برای اولین دفعه محمدظاهرشاه

نیست که ما نندگذشته این شیطان افسونگر هفت جان با زهم صدها چال وخدعه دیگر درچانته اش داشته باشدوبا بکار انداختن آنها با زهم از نظر سیاسی ونظامی بتواند ازسقوط نه تنها خودرا برهاندبلکه مدتی دیگرسلطه اش را برمردم افغانستان تحمیل وبراین ملت مسلمان فقیروپاک سرشت مظالم وخون ریزی بیشتری تحمیل نماید.

دربین موقع که این دیواستعماری کاملا "مغلوب وشکست خورده ولی نیمه جان است ،نبایدفرصت وموقع را از دست داده بگذاریم که با زیافتن قوای تازه ،تکاراندا ختن خدعه وافسون جدیددوباره بپای ایستاده شودوقربانی های ملت مسلمان افغان ،فداکاری ها وجانبازی های مردم مجاهد ما وخون اینقدرشهدای ماضایع وهدربرود .لهذا باخود داری ازغرور ،خودکامگی سلطه جویانه وبا توکل وطلب استعانت ازخداوندیکتا وبا هوشیاری کامل جهادانقلاب اسلامی ومبارزات خودرا بدون وقفه والی سرحدنابودی کامل جنایتکاران کمونیزم ادامه بدهیم ومتوجه باشیم تا باردیگر موردخدعه های دیونیمه جان قرارنگیریم .برای رسیدن به پیروزی کامل نکات ذیل قابل توجه است ؛

۱- هرگاه بغوروقت برگذشته جنگ افغان - شوروی نظر افگنیم تمام موفقیت های که تا امروزمردم مسلمان ما بدست آورده اندفقط وفقط با سلاح الله اکبر ،عشق ومحبت بوطن وبا سلاح ایمان وعقیده بخدای یکتا واسلام وحفظ وطن بوده وبس ،زیرا مردم افغانستان درظاهرنه سلاح نظامی عصری بدست داشتندونه قشون منظم وقدرت مالی وجمعیت بیشمار نه ازذخیره ومعلومات علمی عصری بهره مندبودندونه از حمایه وپشتیبانی جهانی برخوردار .پس باید اذعان کنم که جهادامروزی مردم ما برپایه عقیده اسلامی وایمان کامل

به خدا وندومژده بشا رت شها دت ا ستوا ربوده ا ست .
به ا ینصورت درپیمودن بقیه را ه جها دَما ن ا لی سرحدپیروزی ومحوا یدئولوژی کمونیزم وا لحا دا زهمین ا سلحه با رعا یه وتمسک به ا حکا م وا مرخدا وندو عقیده یکتا پرستی وحفظ نا موس وطن با شدکه درین با ره خدا وندکریم درآ یه مبا رکه ذیل چنین میفرما ید :.
" یا ا یها ا لذین آ منو ،هل ا دلکم علی ا لتجا رة تنجیکم من عذا ب ا لیم ،توء منو ن با ا لله ورسوله وتجا هدون فی سبیل ا لله با ا موا لکم وا نفسکم ذا لکم خیرلکم ا نکنتم تعلمون".
بلی جها دبا ما ل ونفس که تضمین کننده نفع دنیا وآ خرت میبا شدبهترین تجا رت ا ست که ما را دردنیا ا زعذا ب شکنجه، آ وا ره گی ومظا لم بیگا نه نگا ه دا ری می نما یدودرآ خرت هم جنت وسعا دت ا بدی نصیب میگردا ندبشرطیکه جها دما وا قعا" برا ی خدا وا ولتربرعلیه نفس وغروروخودکا مگی ما با شدبا یدبدا نیم که بزرگ ترین دشمن هما نا خودنفس ما ا ست ا گربآ ن ا ولترجها دننما ئیم وبفکرا ستفا ده ا زثروت وقدرت با شیم طبعا" ا ین دشمن که دردرون خودما ا ست سرکشی نموده با ا یجا دحرص وخودخوا هی وسیله نفا ق مسلمین دررا ه جها د شا ن میگرددوبا ضعیف شدن با زووقدرت ما ن دشمن خدا وملت ما قوی ما نده با عث نا کا می ما میگردد .وا ین جها دبا نفس ا ست که مطا بق آ یه کریمه : ا ذا جاء نصرا لله وا لفتح ورا ئیت ا لنا س یدخلون فی دین ا لله ا فوا جا" ،وسیله رضا مندی خدا وندشده با دا خل شدن مردم به دین ا سلام قوا ی جها دا سلامی تقویه میگردد .درا ثرجها دبا نفس ا ست که ما را برا ی جلب رضا ئیت خدا وندصیقل کرده درپنا ه حما یت وا ستعا نت حضرت ا حدیت قرا رمیدهد .
معلوم میشودکه جها دگذشته مردم مسلما ن ا فغا نستا ن هم خا ص

برای رضامندی خداوندبوده‌وباعبارت که با مرخداوند. ومطابق آیه‌کریمه ایاک نعبدوایاک نستعین (نموده اند رضائیت خداوندرا باعبارت خالص که به‌ذات اقدس الهی نموده اند،حاصل نموده ضرورمعاونت خداوند شامل حال شان گردیده ورنه با این جنگ ها براکجا فتح وظفرنصیب ما میگردید .درآینده هم اگرجهادما ن خالص برای جلب رضای خداوندباشدنه برای تحصیل مال وچوکی طبعاً" خداوندمعاون ما خواهدبود .

۲ ـ هرگاه درتاریخ بشریت وخاصتاً" درتاریخ صدر اسلام‌بدقت غورنمائیم‌دیده میشودکه درهمه‌جنگ ها وغزوات که‌صورت گرفته‌تا زمانیکه درصفوف لشکروحدت موجودبوده فتح وظفرواقعی را نصیب شده اندکه‌رضائیت حضرت احدیت دروحدت قشون حاصل میگرددچنانچه‌خداوندامرمیفرماید :

ان‌الله‌یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً"کانهم بنیان مرصوص .

بلي وقتیکه‌خداوندوست دارد جهادومقاتله‌را دررا ه خودباصف های آراسته‌ووا حدواضح است که‌درحصول رضائیت خداوندظفروکامیابی دنیا وآخرت نهفته است .هدف از آراسته بودن صفوف جهادی واضح است .لازم‌میگرددکه‌همه‌قوای جهادی تحت یک قوماندهٔ ورهبریت یکا را نداخته‌شودکه‌این امربدون ایجادوحدت درامورا سلام امکان پذیرنیست طوریکه‌درادای فریضه‌نماز به‌مسلمانها امراست که‌ازبین مسلمین بهترین خودرا برای امامت انتخاب نمایندد را مر جهادوامرحکومت اسلامی تعین رهبروامام شرط موفقیت اسلام است .

شکی نیست که‌قوماندانهای محترم‌جهاد دردا خل افغانستان تا حدممکن درایجادوحدت عملیات جهادکوشیده اندکه

بامساعی شان درین زمینه موفقیت های بدست آمده میباشد قربانی وتکالیف شان دررا هجهاد اسلامی شان موجب سپاس وقدردانی مردم افغانستان ورضائیت حضرت خداوند است .مخصوصا" مساعی وفداکاری های برادران قهرمان مجاهدما انجنیر مسعود ،تورن اسماعیل خان وبرادرصفی الله خان ،محمدنسیم آخندزاده ،قاری تاج محمدخان غزنی مولوی جلال الدین حقانی ،حاجی عبدالاحمدخان وخوشحال خان ازلوگر ،مولوی شفیع الله خان ومولوی صدیق الله خان ازکابل ومساعی برادرمجاهدذبیح الله خان ازبلخ وبرادر محمدآصف محسنی ازصفحات مرکزی دیگربرادران محترم مجاهدما که متاء سفانه نامهای شان مطابق عذرتذکرداده شده فراموش گردیده نزدهموطنان مسلمان ووبااحساس شان غیرقابل فراموشی است ودرتاریخ آینده وطن شان ثبت ونامشان جاودان خواهدبود .

وهمچنان فداکاری ها وزحمت کشی رهبران محترم تنظیم های جهادی ما مانندبرادران مجاهد ،استادبرهان الدین ربانی ،مجاهدفداکارمحمدنبی محمدی وفعالیت وخودگذری برادرمجاهدپروفیسورصبغت الله "مجددی" وفعالیت برادر انجنیرگلبدین خان حکمتیار ،زحمت کشی برادرمجاهد استادسیاف ،مجاهدمحترم محمدیونس خالص ومجاهدمحترم پیرسیداحمدگیلانی دررا هرهبری جهادگذشته افغانستان قابل فراموشی مردم حق شناس افغانستان نیست ،طوریکه خدمات خالصانه وزحمات شباروزی شان را ستایش مینمایند درطریق پیمودن بقیه راه جهاد اسلامی نیزمردم افغانستان بااحساس وحس حق شناسی که دارندنیزناظرفعالیت وخودگذری شان میباشند .

ولی طوریکه درهرا مری جنبه ها ی خوبِ عمل قا بل بررسی وستا یش ا ست .جنبه ها ی ضعیف وا شتبا ها ت آ ن کها زجا نب مردم وتا ریخ آ ینده تعقیب میگرددنیزقا بل ا صلاح ویا دآ وری ا ست تا با ا ستفا ده ا زآ ن دررا ه ا صلاح آ ن برا ی حصول موفقیت ا ستفا ده گردد .

نا گفته نمیگذا ریم که نا رسا ئی ها ی درا مرجها دا سلامی ما ا زسبب فقدا ن ا یجا ددرا مرآ را سته بودن صف قوا ی ا سلام ما نع عمده بوجودآ ورده هرگا ه دربین تنظیم ها ی جها دی ما دربین مدت ۴ سا ل وحدت عمل ،وحدت ما لی ونظا می ما درمقا بل ،دشمن نا بکا رملحدومحیل تا ٔ مین می بود ا ز یکطرف دشمن نمیتوا نست با تفرقه ا ندا زی درصفوف جها د وا نقلاب ا سلامی ما رخنه ا یجا دنموده قسمتی ا زقوا ی جها درا که با یدمتوجه قلب دشمن می بودنمیتوا نست علیه خودقوا ی جها دبکا را ندا زد ،ا ین خلای جها دی که درتنظیم صفوف جهاد بوجودآ مده درآ ینده نیزمیتوا ندوسیله ا ستفا ده دشمن مکا ر وفرصت طلب قرا ربگیردوخدا نخوا سته وفتح وپیروزی علنی وروشن ما را دشمن نیمه جا ن به نا کا می مبدل سا زد .

مثا ل برجسته ٔ آ ن درصدرا سلام ووا قعه غزوه ا حدا ست درهمین وا قعه میتوا ن ا ستفا ده دشمن را ا زشگا ف ا یجا دشده درصف جها دتجربه گرفت دیدیم که با یک ا شتبا ه کوچک سپا ه ا سلام چه تلفا ت نا گوا ری برقوا ی ا سلام تحمیل نمودندودشمن در کمین ا سلام چطورا زین قسم خلاها ی صف جها دا ستفا ده نموده فتح وظفرعلنی ا سلام را بریختن خون قوما ندا نا ن عا لی مرتبت ا سلام مبدل سا ختندوبرحضرت پیغمبرا سلام ا زسبب همچویک خلای کوچک صدمه جسمی وا ردنمودند .مگرچون در آ نوقت رهبریت مسلمین بدوش قوما ندا ن عا لی مرتبتی جون حضرت محمد (ص) بودکه با تدبیر ،معجزه وعلوهمت آ نجناب

مسلمین ازمحوشدن وشکست قطعی نجات یافتندوخداوند باایشان معاونت کرد.
درست است که درگذشته وظاهراً"بین رهبران ملحدرژیم برسرقدرت کابل وحدت نظروعمل موجودنبوده وبلکه چند دستگی ونفاق موجودبودولی فراموش نمیکنم‌که‌تمام قدرت نظامی سیاسی واقتصادی مملکت وقوماندهٔ جنگ بدست دشمن قوی وفریبکارشوروی است که‌قوای نظامی مجهزشان وسیاست خارجی ،امورمالی واجتماعی منظماً" ازیک دست ویک قوماندهٔ رهبری واداره میگردد.که میتوانندازهرخلای کوچک که‌درصفوف جهادی ماموجودباشدبدقت وبموقع استفاده کنند.مخصوصاً" خلای نظامی وسیاسی می‌توانددرعدم موفقیت انقلاب اسلامی مانهایت موءثرباشد.
لهذاشرایط زمان وحالات جنگ بماحکم‌میکندتاسازمانهای قوای نظامی ،سیاسی ومالی جهادخودراهرچه‌زودتردرداخل تنظیم‌های محترم‌ودرقوماندانی های نظامی جهاددرداخل افغانستان توحیدنمائیم.بابه‌وجودآوردن چنین وحدتی ازنگاه‌سیاست خارجی جهاداسلامی توسط یک سخن گوی ودربین ملل جهان وسازمان های بین المللی داعیه‌برحق جهاداسلامی خودرابه‌نحوموءثری معرفی نمائیم.درسیاست داخلی هم‌به‌نحوشایسته‌تری ازجلب وهمکاری وحمایه‌بدون ترددقاطبه‌مردم‌مسلمان افغانستان چه‌آنانیکه‌درداخل افغانستان زندگی مینمایندویاآنانیکه‌بحیث مهاجردر کمپ‌ها مستقردرایران وپاکستان بسرمیبرندومهاجرین که درارویا وامریکا ودیگرممالک جهان مهاجرشده‌طورموءثر استفاده‌خواهدشد.
درقسمت توحیدامورنظامی سپاه‌اسلام‌ازهمه‌بیشتردربسیج

جوانان خدا پرست صفوف جهادتقویه خواهدشدومجاهدین سپاه اسلام بدون تشویش وضیاع وقت درسنگرهای جهادیشان سلاح ،مرمی ،لباس ،غذا ومهمات موردنیاز شانرا عندالضرورت دریافت کرده تواننسته وبا استفاده از پلان های عملیاتی وتاکتیک های نظامی که از مرکزفرماندهی بدسترس شان گذاشته خواهدشدبرسنگرهای دشمن زبون وزخمی حمله خواهند کرد .که ازنگاه نظامی هم آهنگ ساختن عملیات های همزمان درامرموفقیت جهاداسلامی خیلی موءثراست .

با توحیدقدرت نظامی سپاه اسلام بدون تشویش ازتحریکات تولیدنفاق واستعمال قوه های جهادعلیه یکدیگرجلوگیری شده تمام قدرت نظامی صرف دریک جهت وآنهم درمقابل دشمن اسلام ودشمن ناموس وطن بکار گرفته خواهدشدواندیشه های مربوط به مخالفت های داخلی جبهات وحمله های ناگهانی علیه یکدیگرازبین خواهدرفت .دشمن کمترموفق خواهدشدازتولید نفاق دربین قدرت های نظامی مجاهدین استفاده کرده جاسوسان شان را دربین قوت های مختلف جهادتنظیم نماینده ومهمات جنگی به مناطق موردنیاز معطوف خواهدگردید .

درصورت وحدت نظامی امورصحی مجاهدین اسلام که درحین جنگ صدمه می بینندبا موجودیت نظم وسیله تلف شدن از سبب بعدمسافه وانتقال بمراکزاساسی صحی باقی نخواهد ماند .اندیشه مجاهدین ازناحیه اعاشه واباته اعضای فامیل شهدای راه اسلام با تاءمین هزینه زنده گی با تحقق معاش مستمری تقاعدرفع خواهدگردید .

توحید قدرت مالی جهادمی تواندازاسراف ومصرف بیلزوم مالی جهادجلوگیری نموده تمام هزینه جهاددرمسائل ضروری

به ا مرجها د مربوط تسلیحا ت ،مهما ت ،مسا ئل صحی ورفع احتیا جا ت قوا ی جها دی مصرف شودکه ا ز پریشا نی وتشویش مجا هدین را ه ا سلام کا سته وتشویق مسا عی شا ن وسیله ا د ا مه جها د گردد .

درقسمت دریا فت کمک ها ی ما لی ونظا می با توحید قوما ندا نی نظا می وا مورما لی وسیا سی ا زنگا ه کمیت وکیفیت به نفع جها د ا سلامی تحولی بوجودخوا هد آ مدوکمتر ا شتبا ها ت رخ خوا هد دا دودرقبا ل آ ن کمترتحت نفوذ سیا سی دست ها ی ا ستعما ردیگرقرا رخوا هیم گرفت .

با ا یجا دچنین وحدتی درمحا فل ،کنفرا نس ها ،مذا کرا ت وفیصله نا مه ها کمتردچا را شتبا ه ودودستگی وبروزا ختلافا ت نظرها ی سیا سی خوا هیم گردیدوکمتردچا رتنا قضا ت فکری وعملی خوا هیم شدکه ا زآ ن دشمن ا سلام درا نظا رجها نیا ن به نفع تبلیغا تی خودا ستفا ده نما یند .ودرپکه نمودن شعله آ تش نفا ق بین سا زما نها ی جها د ا ستفا ده وحربه بسا زند وبرعلیه خودما ا ستعما ل کنند .

ضرورنیست که برا ی بوجودآ وردن وحدت نظا می ما لی وسیا سی حکومت جلای وطن تشکیل گردد .چه ممکن ا ست با بوجودآ مدن حکومت جلای وطن ا زیکطرف ا ندیشه تجزیه ا فغا نستا ن عزیز بوجودآ یدوجا نب دیگربوا سطه تولیدبدگما نی ها وتبنگ نظری ها وسیله تولیدنفا ق وبی ا عتما دی که ا زطرف دشمنا ن مترصد وفریبکا را سلام بکا را نداخته میشودا مکا نا ت عملی را ا زنظرما مغشوش نما ید ،کا فی ا ست با توکل بخدا وعزم وتصمیم قا طع به ا مرجها دفی سبیل ا للـه ا مررهبری جها د را ا لی سرحدپیروزی کا مل بدوش شورا ی عا لی بنا م شورا ی عا لی ا نقلاب ا سلامی بگذا ریم وا زآ ن طریق ا مرجها د را ا دا مه بدهیم .والی فتح کا مل وخروج قوا ی شوروی ، ا ز

مملکت تمام امور را ذریعه رهبریت دستجمعی و با تشکل شورای عالی انقلاب اسلامی که طرز العمل آن قبلاً طرح گردد اداره و کنترول نمائیم.

۳ - شورای عالی انقلاب اسلامی ما ممکن است یکصدویک نفر (یا اضافه از آن) بهمین تناسب تشکیل گردد. درترکیب شورای عالی انقلاب اسلامی افغانستان می‌توانند تعداد هشتاد نفر عضو از جمله مجاهدین داخل جهاد کرم و قوماندان های محترم جهاد و اعضای محترم اداری داخل تنظیم های هشتگانه مستقر در ایران و پاکستان بشمول رهبران محترم تنظیم‌ها درنظرگرفته شود. و بیست و یکنفر دیگر شامل شخصیت های ملی، سیاسی و نظامی که از جمله مجاهدین داخل کمپ های مستقر در پاکستان و ایران و مهاجرین مستقر در اروپا و امریکا، هندوغیره ممالک اسلامی که انتخاب و دعوت خواهند شد تشکیل گردد، در جمله اعضای سیاسی، نظامی که در امور اداری مسلکی باشند تعین خواهد شد. مانند محمد ظاهرشاه پادشاه سابقه، داکتر محمد یوسف خان، عبدالرحمن پژواک داکتر روان فرهادی، داکتر صمد حامد، داکتر عبدالحکیم طبیبی، عبدالله ملکیار، شمس الدین مجروح، داکتر نصیر عزیزالله لودین، عبدالله یفتلی، غلام علی آئین، آقای سیرت، عبدالکریم حکیمی، رشتیا و امثال آنها و کسانیکه قوای جهاد به مشوره و همکاری شان ضرورت دارند. و در طریق ایجاد وحدت ملی وجهاد انقلاب اسلامی ما رول مهم داشته می‌توانند مخصوصاً اعلیحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه سابق می‌توانند رول عمده و نقش مهمی درطریق ایجاد وحدت ملی بدوش بگیرند. از جمله شخصیت های نظامی مانند عبدالکریم

مستغنی ،عبدالسلام‌ملکیار وعدالقهار ملکیار وچندنفر از دگروالان محترم‌که موجب تسلیمی قوای نظامی فرقه‌هرات فرقه‌حسین کوت و غندا سمار شده‌اند میتوانند درامرجهاد وتنظیم‌قوای نظامی جهاد نقشی به‌عهده‌بگیرند .البته از نگاه‌ هرافغان مسلمان باید مقدم‌برهمه‌امورموضوع افغانستان وخلاصی آن از اشغال نظامی روسیه‌وپاکسازی وطن از وجود ملحدین ووطن فروشانی باشدکه‌دست شان بخون هزاران نفر مردم‌مسلمان افغانستان آلوده‌است .البته‌زمانیکه دشمن به‌اثرقدرت جهاداسلامی از افغانستان خارج‌وحکومت اسلامی بوجودآمد .حکومت اسلامی درمسائل افغانستان هرکسی که‌دررژیم‌های گذشته‌ویادررژیم‌های ملحدان مقصر وگنهکارویاخائن دانسته‌شوندپس از تحقیق واثبات جرم به‌محاکمه‌انقلابی کشانیده‌خواهدشد .ولی درست نخواهد بوددردوره‌حکومت اسلامی قبل از اثبات جرم‌افغانی را از حقوق افغانیت واسلامیت محروم‌نموده‌ومرتکب همان گناهی شویم‌که‌رژیم‌ملحدکمونیستی مرتکب آن می شدند ومردم‌مسلمان راکه‌بارژیم‌های سابقه‌همکاری داشتند بدون محاکمه‌واثبات جرم‌محکوم‌به‌مرگ نمودندوبه‌اثر همین عمل خبیثانه‌آنها بودکه‌هزارهانفرانسانهای‌شریف شخصیت های ملی ،علماء وروحانیون مورداحترام‌مردم‌ما را فقط وفقط برای بازکردن راه‌کمونیست سازی جامعه‌افغانی به‌امررهبران کرملین ازبین بردند .اشتباه‌خواهدبودکه ما هم‌حقوق اسلام‌رارعایت نکرده‌چنان کنیم‌وازوجود واشتراک چنین شخصیت های‌مسلمان‌وطن دوست افغان استفاده‌ننمائیم‌ویاآنها درین موقع‌خطیردرامروحدت ملی اشتراک وهمکاری‌ننمایندویابنامهای مختلف آنهارا از

درموقع افتتاح پارلمان مملکت ازحق‌خودارادیت مردم صوبه‌سرحدنام‌بردکه‌این صدادرمحافل رسمی دولت جمهوری اسلامی پاکستان باسروصدای منفی مقابل گردید.دودولت جمهوری هندوستان واتحادشوروی که‌باتشکیل دولت جمهوری اسلامی پاکستان مخالف بودندبااستفاده‌ازین بیانیه‌شاه موقع یافته بحیث آله‌فشاروماده‌فسادوبرای اشتعال نائره جنگ بین دودولت مسلمان بعدا" استفاده‌ها نمودند.به این ترتیب دولت استعماری برطانیه‌طوریکه‌درزمان حکمیت مگماهون درتقسیم‌سرحدبین افغانستان وایران ماده‌فشاری رابذرنموده‌بودومنطقه‌سیستان بلوچستان راکه‌آب آن درافغانستان تهیه‌وتولیدمیگردیدبه‌ایران بخشیدندتابه‌اشرچنین تعین حدودمرزی مملکتین که‌عمدا" وبرای تحمیل مقاصداستعماری آینده‌شان بوجودآوردند ازآن استفاده‌نماینده‌وبرای تهیه‌وتوزیع آب آن بتوانند اختلافات اساسی رابین دوملت مسلمان وهمزبان آفریده باشند.درموضوع پارچه‌نمودن افغانهای ماوراء سرحدنیز همین عملیه‌بذرتخم‌نفاق رابرای اهداف استعماری شان عمدا" بوجودآوردندوبعدا"همدرزمان آزادی بخشیدن به ملت مسلمان پاکستان وبخشیدن منطقه‌صوبه‌سرحدبه‌پاکستان این آله‌فشاررابدست هندوها وروسها سپردندتابرای اهداف استعماری ونفاق افگنی ازآن استفاده‌نمایندودودولت مسلمان افغانستان وپاکستان رازمانیکه‌بخواهندمقابل هم‌قراردهند.

روسها برای پیشبردآهداف سیاسی واستعماری وتوسعه‌نفوذ شان جانب بحرهندودولت هندوستان گاندی جهت بی ثبات نمودن‌دولت‌نوبنیادجمهوری‌اسلامی‌پاکستان‌درکوشش وتلاش

حقوق تبعه افغانی محروم ساخته گناه بزرگ تاریخی را بدوش بگیریم و از موء شریعت شان در امر جهاد اسلامی چشم بپوشیم و از آنها استفاده ننمائیم .

ریاست شورای انقلابی و ریاست امور نظامی ، سیاسی و مالی شورای عالی انقلاب اسلامی و معاونیت های مقامات مذکور به رای اکثریت شورای انقلابی و برای مدت یکسال به اساس رائی گیری آزاد اعضای شورای انقلاب تثبیت خواهد گردید که در این شورا موجودیت و مشوره همه افغانهای کار دان ودانشمند ضروری است و هدایت قرآن کریم در این آیه مبارکه و شاورهم فی الامر نیز تامین گردیده برکت بزرگی در فعالیت جهادی نصیب ما خواهد شد . البته پس از خروج قوای بیگانه از مملکت اسلامی و بدست آمدن استقلال ملی همین شورای انقلاب اسلامی و ملی وظیفه حکومت موء قتی دوره انتقالی را الی زمانیکه قانون اساسی تدوین و از جانب لوی جرگه سنتی افغانستان تصویب میشود و مطابق قانون اساسی نماینده گان انتخابی مردم تثبیت و توسط آن به تشکیل حکومت ملی می انجامد بدوش خواهد داشت و پس از آن با آراء عامه مردم افغانستان و با اشتراک نماینده گان مردم حق خود ارادیت مردم افغانستان تامین خواهد شد .

هستند جوانان عالم ، داکتر و سیاست مداریکه مسلکی بوده در اروپا و امریکا هند و دیگر ممالک مهاجر شده اند و یا در کمپ های ایران و پاکستان بسر می برند که می توانند در راه جهاد اسلامی رول مهم بدوش بگیرند و هم هستند چنین اشخاص و شخصیت های ملی و سیاسی با دردیکه در مهاجرت بیکار ننشسته از یکطرف در امر جهاد ملی و اسلامی شان با تدارک کمک مالی و نقدی سهم عملی دارند و در قسمت معرفی داعیه

جهاد افغانستان درمحافل بین المللی ،رسمی واجتماعی
ملل جهان عملا" سهم موءثر گرفته اند وجانب دیگر با مزدکار
زحمتکشی شان عده ای از فامیل های افغان های مصدوم
ومجروح ویتیمان بی پدرومادر یکه اولیای شان را درجنگ
از دست داده اند ویا فامیل های که درکمپ های مهاجرین
بسرمی برند ویا با مجاهدین جهاد دگرم وآنهای که کوپون
(رشن)مواد غذائی را دریافت نتوانسته اند کمک مالی
وموءثری می نمایند ودست های شان را از تکدی بیگانه
ویا مزاحمت سازمان های تنظیم های مجاهدین کوتاه ساخته
اند ،که خدمات عملی شان درامر جهاد محسوس است .بالخاصه
مهاجرین اروپا وامریکا ء تا جائیکه دیده شده به ترتیب
مظاهرات وتنظیم امر تبلیغاتی ومعلومات مردم وملل محل
ومعرفی داعیه افغانستان خدمات ارزنده نموده اند .کنون
هم درصورت دعوت شورای عالی انقلابی وبوجود آمدن وحدت
ومتیقن شدن از موءثریت شان درامر جهاد می توانند درامور
فنی ومسلکی وطبی خدمات ارزنده تری را برای جهاد
افغانستان انجام بدهد ،درصورتکه این طریقه اداره از جانب
رهبران محترم تنظیم ها قابل تطبیق پنداشته شود .البته
ازبین اعضای شورای انقلابی اشخاص عالم ومسلکی وبرای
تشکیل محکمه انقلابی تعین خواهد شد .تا عمال کمونیزم
دشمن وجاسوسانیکه دستگیر میشوند از طریق محکمه انقلابی
تعین ومحاکمه خواهد شد ومطابق احکام قرآن عظیم الشان
مجازات گردند بنابه این صورت عدالت انقلابی تاءمین وقانون
الهی نافذ خواهد شد واشخاص بیگناه که دست شان بخون
مردم مسلمان آلوده نباشد به محض حزبی گفتن ویا همکاری
با دولت ورژیم کمونیستی بقتل رسانیده نخواهد شد که درآن

صورت عمل مسلمین با رژیم ملحد تفکیک خوا هد گردید .
شورا ی ا نقلابی جهت حقوق فا میل شهدا ی را ه ا ســــــلا م وسربا زا ن ا سلام وکسا نیکه در جنگ معیوب وزخمی میشوند .از طریق ربا ست ما لی تجویزی ا تخا ذ خوا هد شد که ســــزا وا ر وشا یسته ا عضا ی خانواده شهدا ن ا سلام با شد ،تا چنین ا شخا ص ا ز عمل سربا زی وقربا نی ا ش در دنیا هم لذت ببرند ووسیله تشویــق دیگرا ن گردد .
شورا ی ا نقلاب ا سلامی خلای تبلیغا ت جها دا سلامی را با گماشتن تعدا د لازم ا ز شخصیت ها ی با دردو نویسندگا ن وسیا ست مداران را برا ی ا جرا ی ا ین ا مر در نظر خوا هد گرفت وسیا ســــت تبلیغا ت جها دا سلامی ما را ا ز زیر سلطه سیا ست وتبلیغــــات بیگا نه گا ن خا رج خوا هد نمود .
با گما شته شدن چند نفر ا ز ا عضا ی شورا ی ا نقلاب ا سلامی برا ی رسیدگی به حا ل مها جرین وا قع کمپ وکسا نیکه قا در به بدست آوردن رشن نگردیده ومشکلات ا قتصا دی آنها را بحا ل بــدی قرا ر دا ده موء ظف ورسیده گی خوا هد نمود .با ید قبول نما ئیم که ا ولا" همین مها جرین ا ند که بحیث مجا هد قربا نی دا ده ا ند وسپا ه ا سلام را تقویه نموده ا ند ،با ا ز دست دا دن خا نه ووسا ئل حدا قل زندگی شا ن به صدا ی ا لله ا کبر ا نقلاب ا سلامی لبیک گفته ا ند ،کنون لازم ا ست ،با پیدا کردن کا ری که وسیلــــه ء تا ء مین زندگی شا ن شده بتوا ند ویا با توزیع رشن آنها ئــی که رشن ندا رند ا ز پریشا نی ومذیقه ا قتصا دی نجا ت دا ده شوند
باالاخره شورا ی ا نقلابی یک مشت قوی خوا هد بود که مــا را ا ز کشا نیدن تحت نفوذ وسیا ست ا ین ویا آن قدرت بیگا نــــه محفوظ خواهد ساخت سیا ست وا حد وقوی را تمثیل خوا هد کـــرد تا ا ستقلال کا ملا" ا ز ا د ملی ا فغا نستا ن را ا ز ا نحرا ف بدا من

این وآن محفوظ خواهد داشت .هرگاه از افتیدن درمسیر
سیاست یک ابرقدرت با دادن قربانی بیشمار وخسارات
هنگفت نجات یافته هویت ملی واسلامی ما را تواماً" محافظت
مینمائیم ،دردامن ودام نفوذ سیاسی دیگران نباید هویت
ملی واسلامی ما نابود ودردام دیگری قرار بگیریم که طبعاً"
فردا ملت ومردم ما باز با یک جنگ توفندهٔ دیگر گرفتار
میشود .چه ملت افغان با تجربه که تاریخ بما آموخته هیچگاه
حاکمیت ونفوذ سیاست بیگانه را قبول نکرده بهیچ صورت
هویت ملی شان را نمیخواهند با قبول کمک های انسانی
که حاصل کنند معاوضه نمایند .
تاریخ بما آموخته که ظاهریان ،صفاریان ،سامانیان با قبول
اسلام وبزرگترین تحفه ممکنه برای بشریت یعنی قرآن کریم
تحت نفوذ اعراب قرار نگرفتند وهویت ملی واستقلال
شانرا از یاد نبردند .رژیم پرقدرت ودولت نظامی گر روسیه
تزاری وبعداً" روسیه کمونیستی درمدت بیش از یکصد سال
نتوانست هویت ملی ارمنی ها ،ترکها وتاجیک ها وغیره
را از بین ببرند .ملل عرب با حفظ عقیدهٔ اسلامی هویت ملی
اردنی ،سعودی ،فلسطینی ،عراقی خودرا محافظت نموده
استقلال شانرا محفوظ داشتند همچنان ملل سلاو با حفظ
عقیدهٔ کمونیزم هویت ملی واستقلال ،یوگوسلاوی ،چکسلواکی
وغیره با وصف که چندین مرتبه از جانب رژیم های خون آشام
روسیه مورد تجاوز مسلحانه قرار گرفته محفوظ ماند .برای
افغانها هم رژیم دست نشاندهٔ دیکتاتوران کرملین صادر
نمودند که نتیجه آن جز براه افتیدن جوی های خون چیزی
دیگر نبود . بناءً" باید تمام مسلمانان جهان
وملل قدرتمند تصور ننمایند که افغانستان یک لاشه درحال

نزع است .وآنها می توانند دولت های دست نشانده صادراتی شان را بر ملت افغان تحمیل نمایند ،هم افغانها باید درس بگیرند و بکوشند از طریق خدمت به مردم مسلمان افغانستان وبدست آوردن رضائیت ومحبوبیت مردم به قدرت برسند وحکومت کنند ،نه به قدرت سلاح ونظامی گری،چه قدرتی که ذریعه سلاح بدست آید به قدرت سلاح از بین میرود ولی قدرتی پا بدار وبدار است که بر قلب مردم سا ینه افگند و از قلب مردم انرژی وقدرت بگیرد .

به این صورت شورای انقلابی ما را از چنین سیاست هائی که وسیله نفوذ بیگانه در امور داخلی افغانها گردد محفوظ داشته بسوی وحدت نظر وعمل که منافع ملی واسلامی ملت افغان ،سعادت وخوشبختی نسل آینده در آن مضمر باشد رهبری خواهد کرد .از کشانیده شدن بجانب سیاستی که منافع آن واین درعمق آن نهفته باشد ودرآینده با ز ملت مظلوم ورنجدیده ما را به جنگ های تباه کن استعماری دیگری مواجه گرداند بر کنار خواهد داشت .درنتیجه خدمت به مردم وحصول رضائیت ملت افغان هرقدرت غیروابسته که زمام امور افغانستان را بدست بگیرد حق خود را دیت ملت تأمین شده دولت دلخواه وخدمتگار مردم خواهد بود که وسیله فراهم آوری خوشبختی جامعه وآبادی افغانستان عزیز خواهد گردید .

با لاخره شورای انقلابی اسلامی ما را از دودستگی وچنددستگی ضد ونقیض در برابر جهانیان ودشمن قوی ما نجات داده وحدت سیاسی را بوجود خواهد آورد ودر صورت خروج وکشیده شدن قوای نظامی واشغالگر دیکتاتوران کرملین از بروز جنگ های داخلی برسر قدرت نظیر لبنان نجات خواهد داد

وفرصت خوا هیم‌یا فت تا با ترتیب قا نون ا سا سی وبوجود آمدن شورا ی ملی حقیقی حا کمیت ملی را تمثیل نما ید .
وملت ا فغا ن بتوا ندچندروزی زیرسا یه‌چنین دولت مردمی بزنده‌گی سعا دتمندا نه‌که آرزوی شا ن ا ست نفسی آ را مبکشند وبروضع‌نا بسا ما ن شا ن سروسا ما نی بدهند .تا ٴ سیس شورا ی ا نقلابی ا سلامی وتوحیدسیا ست خا رجی ملی وآزا دما جوا ب دندا ن شکنی خوا هدبودبرا ی بیگا نه‌گا ن که‌درسددتفرقه ا ندا زی بین تنظیم‌ها ی جها دی ما ا ندومیخوا هندما ننند ا هدا ف ا ستعما رگرا نه‌دیکتا تورا ن کرملین وبا بدست گرفتن جنا حها ی مختلف ا زسیا ست فردسا لاری شخصیت ها ی ملی وشا مل تنظیم‌ها ی جها دی ما ا ستفا ده‌نما یندوبا زهم‌رژیم ها ی دست‌نشا نده‌را تحویل مردم‌ما نما یندبا یدا زنتیجه خودکا مگی ها وفردسا لاری ها ی محمددا ودخا ن تجربه‌گرفته با شند .دیگرشورا ی ا نقلابی ورهبرا ن محترم‌جها دوشخصیت ها ی ملی ما هوشیا را نه‌عمل کرده موقع‌نخوا هنددا دکه‌گذشته با ردیگرتکرا رگردد .
چون عقیده‌دا ریم‌که‌رهبرا ن جها دی ما که‌همه‌ا شخا ص عا لم مسلما ن وشخصیت ها ی ملی میبا شندا موررهبری را مطا بق ا حکا م‌قرآ ن کریم‌رهنما ئی وتنظیم‌خوا هندفرمودکه‌چنین آ مده‌ا ست :
" ما لکم‌لاتقا تلون فی سبیل ا لله‌وا لمستضعفون منا لرجال وا لنسا ٴ وا لوا لدا ن ا لذین یقولون . ربنا ا خرجنا من هذا ا لقریته‌الظالم‌ملها وا جعل لنا من لدنک ولیا وا جعل لنا من لدنک نصیرا .ا لذین آ منویقا تلون فی‌سبیل ا لله وا لذین کفریقا تلون فی‌سبیل ا لطا غوت فقا تلوا ولیا ٴ ا لشیطا ن .ا ن کیدا لشیطن کا ن ضعیفا ".

رهبری تنظیمها جها درا برا ی رضا ی خدا ،درا ه خـــــدا وبرا ی رضا ی مستضعفین وهموطنا ن مسلما ن خودبدســـــت گیرندنه برا ی بدست آ وردن مطا ع ما دی وچوکی لهذا چـــون متوجه ا ندکه مطا بق ا مرخدا وندکیدشیطا ن وکسا نیکــــه در طریق ا ندوختن ثروت وچوکی می جنگندضعیف بوده هیچگـا ه مطا بق ا حکا مفوق کا میا ب شده نمیتوا نند ،گذشت وفدا کا ری شا ن که با شرکت درجها دگرم همیشه حیا ت خودرا بخطرا ندا خته ا ندثا بت ا ست با زهما ین آ ما ده گی را دا رندکه بدست آ وردن قدرت ظا هری را فدا ی رضا ء ودوستی خدا وندکه میفرما یـــد : کسا نیکه درصف ها ی آ را سته مقا تله مینما یندودوســـت دا رد دررا ه بوجودآ وردن چنا ن وحدتی که وسیله تشکیل صـــــف وا حدی درمقا بل دشمن قدرتمندملحدا زلحا ظ سیا سی،نظا می وما لی گرددصرف مسا عی نما یندوا زا یجا دوحدت کا مل ملت مسلما ن ا فغا نستا ن ومجا هدین دریک صف مشت کوبنــــده بردها ن حرص ا ستعما رگرا نه ملحدین بکوبندتا با ردیگــــر هیچ قدرت ملحدوکا فرنتوا ندبرحریمنا موس وطن ا سلامی ما وعقیده خدا پرستی مردمبتا زندوتجا وزنما یند .ویکبا ردیگر نا مآ ن قوما ندا ن ها ی ا سلامکه درصدرا سلامبدون خودخوا هـی وخودکا مگی وبدون خوا ستن نا ما میروخلیفه بیرق ا ســـلام را درآسیا ء ،ا فریقا ء وا روپا بـه ا هتزا زدرآ وردندما نــــند حضرت خا لدبن ولید ،ا بوعبیده بن جرا ح ،طا رق،زیدبن ثابت وا مثا ل آ نها را درتا ریخ وطن ما وتا ریخ جها ن ا سلامزنــده نما یـــــند .

درقرن ۱۹ بخا طردا ریمکه قوما ندا ن سپا ه ا سلامدریک صـــف وتحت یک قوما نده توا نستندقدرت ا ستعما ری ا نگلستـــا ن را درهمبشکنندوآ نها را ا زوطن ا سلامی خودخا رج بسا زنــــد

مگرملت مسلما ن لبنا ن که روی دسته بندی ها یخودخوا ها نه وخودکا مگی قرا ردا رند ،مدت بیش ا زبیست سا ل ا ست ذریعه ا ین چنډدستگی ها که وسیله نفوذ بیگا نه میبا شدهنوزدست وپا ی میزنندوبخون ملت ومردم خودغوطه ورا ندووطن شا ن بویرا نه مبدل گشته .خدا نکندا فغا نستا ن عزیزبا زدچا ر چنگا ل ا هریمن ا ستعما ردیگری گردیده متحمل تلفا ت وخسا را ت مزیدی گرددونا مسپا هیا ن ا مروزه مسلما ن وملی ما موردتردد نسل آ ینده ما ن قرا رگیرد .

۴ ـ طوریکه قبلا"توضیح گردیددشمن ملحدما نها یت فریبکا رومحیل ا ست مخصوصا" زما نیکه ا حسا س مینما ید ا ز طریق نبردمیدا ن موا جه به شکست گردیده ممکن ا ست ا زطریق دسیسه ها ی ا ستعما رگرا نه دست به توطئه چینی بزندوباتولید نفا ق بین قوا ی جها دا سلام بخوا هدآ ن موفقیتی را کما ز طریق قدرت نظا می وقتل عا م مردم مسلما ن وبیگنا ه ما ن بدست نیا ورده ا زطریق تفتین وتفرقه اندا زی دربین صفوف قوا ی جها دکما ئی نما ید .درحا لیکه مردم مسلما ن ما با قلب ها ی پا ک خودهنوزآ ما ده ا ست فریب دشمنا ن ا سلام را بخورند ،طوریکه ا طلاع دا ریم همین مردم مسلما ن ما بودند که عما ل کمونیزم ملحدبا پیشکش نمودن خدما ت لفظی وحما یه ا زکا رگرا ن زحمت کش ودهقا نا ن تا ا عما ق دهــا ت وقصبا ت نفوذ نمودند ،فرزندا ن ما را علیه خودما ا ستعما ل نمودند .وهمین ا کنو ن هم آ ثا روعلایم چنین توطئه ها یدشمن ملحدبنظرمیرسدبلکه علنا" مشا هده میگردد ،طورنمونه جنگ ها ی بین دسته ها ی مختلف ومتعلق به تنظیم ها ی جها دی ما درولایت میدا ن ،چغچرا ن ،غزنی وقندها ررا میتوا ن ا ز همین توطئه ها ی محیلانه دشمن غدا روبرا ی ا نحرا ف قــوا ی

جهادونا کامی قوای اسلامها محسوب نمود .
احساس میشودکه دشمن غدار اسلام وملت مسلمان ما عمال شان را دربین قوای جهادوسپاهیان اسلام جای داده اند .بسا دیده شده که قوای جهادشامل حاملین سلاح بمجردیکه از سرحد داخل مملکت شده اند دشمن نابکار اسلام توسط قوای مجهز شان درکمین گاه ها حاضربوده که اکثراً مجاهدین ما غافل گیرشده باالاشرحمله دشمن عده سپاهیان اسلام بشهادت رسانیده شده وسلاح شان هم بدست قوای نابکار ملحدافتیده است .
واقعاتی رخ داده که بهترین وموثرترین شخصیت های ملی وروحانی ما درخانه های شان بدست قوای دشمن گرفتارشده ویاخانه های شان تحت بمباردمان هوائی وزمینی دشمن قرارگرفته .بعداً معلوم شده که خانه همین شخصیت ذریعه عمال دشمن که ازطیاره ویا تانک محل وخانه را معرفی نموده مورد حمله واقع شده درحالیکه جاسوس مذکوردرجمله گروپ مجاهدین شامل بوده چندروزقبل درهمین قریه به حمل سلاح جهادبا مجاهدین اسلام شبی اقامت داشته .
دشمن ملحدتوانسته عده از هموطنان مسلمان ما را با خدعه تطمیع نمودن درمحل های ازمناطق مملکت با معاش ومزد ناچیزدرخدمت دشمن اسلام قرارداده وتوسط شان راه های تدارکاتی قوای اسلام را ذریعه شان مسدودنماینده ومردم خود ما را برعلیه مردم ووطن اسلامی ما بگمارند .
دشمن محیل وغدار ما توانسته با اعمال نفوذ وتطمیع نمودن عده هموطنان ما ،شخصیت های ملی ،قوماندان محترم وفداکار جهاد ،شخصیت های علمی وسیاسی وطن دوست وخداپرست ما را ازبین ببرندواین عمل شان را برای ایجاد

تفرقه ونفا ق بین تنظیم‌ها ی مختلف مجا هدین موردا ستفاده قرا ردهند.
عده‌ا زین جا سوسا ن خریدا ری شده‌دا خل سا زما ن جها د اسلامی وقوا ی مقا ومت ملی مخزن ها ی سلاح جها د را درکوه‌ها به‌دشمن فریبکا ر ومحیل رهنما ئی کرده‌وسیله‌ا ز بین بردن مهما ت نظا می که‌به‌هزا رها تکلیف بدست‌آورده‌شده وبا زحمت ها ی زیا دی به‌جبها ت جنگ رسا نیده‌شده‌ذریعه چنین عما ل دشمن که‌دردا خل قوا ی مقا ومت ما نفوذنموده اندا زبین رفته‌است.
به‌ا ینصورت وروی ملاحظه‌چنین وا قعا ت که‌توضیح گردید روشن میشودکه‌دشمن فریبکا رما هنوزمیتوا ندبا بکا ربردن خدعه‌ها ی محیلانه‌تخریبا ت بیشتری را دررا ه‌جها دا سلامی وملی ما برا ه‌ا ندا زدکه‌قسمت عمده‌قدرت مقا ومت ا نقلا ب اسلامی را با برا نگیختن تنظیم‌ها ی جها دی علیه‌یکدیگر ویک قوما ندا ن را علیه‌قوما ندا ن دیگرویک قوم‌را علیه قوم‌دیگرا زصف جها دوهدف ا صلی خا رج کرده‌با لاخره‌آنچه ا زموفقیت که‌درمیدا ن نبردوجنگ بدست آ وردیم‌ا زطریق فریبکا ری ودسا یس ا زدست ما خا رج نما ید .فتح وظفرعلنی وثا بت ما را خدا نخوا سته بنا کا می ومغلوبیت قا طع مبدل گردا نند ،تما م‌قربا نی ها وخون شهیدا ن ا سلام‌به‌ا ثرا یجا د چنین فتنه‌گری ها ی چنددستگی وخودکا مگی ها ضا یع‌وا زبین برود.
لهذا ا یجا ب میکندکه‌قوما ندا ن ها ی محترم‌سپا ه‌ا سلام ورهبرا ن محترم‌تنظیم‌ها ی جها دخودرا با کا میا بی ها ی بدست آ مده‌مغرورنسا زندوسرگنجشک نا گرفته‌به‌ا ختلافات دا خلی که‌وا ضحاً ا زطرف دشمن ملحدوفریبکا ردا من زده‌میشود

فتیدند .روسها برای بدست آوردن چنین موقعیتی از مدت ها ذریعه جاسوسان ش دربین دستگاه های سه دولت پاکستان ،افغانستان وهندوستان زمینه چینی نموده بودند درین وقت که دربیانیه شاه از حق خودارادیت مردم صوبه سرحد نامبرده شد ،درآمادنمودن ذهن بعضی از اعضای دولت منجمله سردار محمدداودخان که درآنوقت بحیث وزیر دفاع ایفای وظیفه مینمود وسردار محمدنعیم خان که بحیث سفیردرخارج کارمیکرد موضوع حق خودارادیت مردم صوبه سرحد که درارشغال دولت برطانیه از سرزمین ما دریعنی افغانستان جداء گردیده بوده مساعدوحق بجانب شناسانده وتزریق گردید ،که ذریعه عمال هندوکمک اتحادشوروی قابل تاءمین است .

همچنان دربین دسته ء از مردم افغانستان ذریعه عمال روسها وهنداحساسات غصب حقوق مردم افغان مقیم صوبه سرحد ذریعه انگلیسها ومجددا" ذریعه دولت جمهوری پاکستان تزریق گردیدوکم کم به آن دامن زدندتااینکه برسراین مسأله مشاجرات لفظی بین دودولت مسلمان افغانستان وپاکستان درگرفت وازآن تاریخ موضوع حق خودارادیت مردم صوبه سرحدبحیث شاخص سیاست خارجی دولت افغانستان قرارگرفت .روسهای فرصت طلب که درک کرده بودند ،دولت های افغانستان به این آسانی از خط مشی سیاست بیطرفی وحفظ توازن بین شرق وغرب دست بردارنمیشوندمتوصل به حربه حق خودارادیت مردم پشتونستان وتبلیغ مجهزشدن قوای نظامی دولت پاکستان باسلاحهای امریکائی شده وقتا" فوقتا" زنگ خطرازجانب دولت پاکستان رابگوش دولت های افغانستان وهندبصدادرمی آوردندتاافغانستان

ARIC
B
4·383
FAR
1377

نیفزایند، درین موقع‌حساس که‌دشمن بزا نودرآمده
با بوجودآوردن وحدت درصفوف انقلاب اسلامی خلای را که‌ممکن
است‌کامیابی روشن ما ذریعه‌آن به‌ناکامی منجرشود از
بین ببرندتا دشمن مملکت‌وهویت اسلامی و ملی ما نتوانند
با طرح چنین فریبکاری ها ازاستعمال قدرت، ایمان،
وعقیده‌پاک هموطنان ما برعلیه‌خودما وآزادی مملکت
وعقیده‌اسلامی ما استفاده‌نمایند.

ومن الله‌التوفیق

oooooooooooooooooooo
oooooooooooooo
ooooooo
ooo
o

و هند را به خوف انداخته برای اخذ کمک نظامی و اقتصادی بدامان خود بکشانند.

گرچه شاه محمود خان در دوره حکومت اش برای التیام زخمهای مردم افغانستان از شر ظلم و شکنجه رژیم محمد هاشم خان صدراعظم سابقه دست به اقداماتی زد. برای باز کردن راه بسوی دیموکراسی، انتخابات پارلمانی را براه انداخته موضوعات مربوط بسیاست داخلی و خارجی دولت را با پارلمان مملکت درمیان گذاشت، جرائد را آزاد نمود، با آزادی عقیده و بیان و حق تظاهرات راه را بسوی دیموکراسی باز نمود و بعضی کارهای مفید دیگری انجام داد. اما این آزادی اعطاء شده حقوق مردم که بالاخره ذریعه عمال روس و به تحریک بعضی جوانان ناآگاه مخصوصاً" قدرت طلبی بعضی افراد خاندان سلطنتی مانند محمد داود خان دامن زده شد تا که بشکل بی بند و باری عرض وجود نمود که (درزمان) این تحریکات موضوع پشتونستان و نیرومند شدن دولت پاکستان درمقابل افغانستان تبلیغ شده زیادتر از جانب دولت هند رقیب پاکستان شعله ور میگردید، بعضاً" با نشر خبرهای مطبوعاتی از تجاوز عمال پاکستان به سرحدات افغانستان با تجاوز تخریبکاران و عمال افغانستان به خاک پاکستان در رسانه های خبری، شوروی و هند و افغانستان عمداً" وخبر روز شده یومیه درجرائد منعکس می گردید.

وقتیکه به اثر فشار محمد داود خان و بعضی دیگر از اعضای خاندان سلطنتی و فشار عمال روس که وسیله براه انداختن تظاهرات خیابانی اطفال مکتب و جوانان که خواسته مردم افغانستان معرفی میگردید شاه محمود خان مجبوراً" درسال (۱۳۳۱) از چوکی صدارت عظمی مستعفی و محمد داود خان بحیث

صدراعظم مامور تشکیل کابینه گردید و کابینه اش را غرض اخذ رای اعتماد به پارلمان معرفی و رای اعتماد گرفت. مسئله حق خودارادیت مردم صوبه سرحد در راس سیاست خارجی آن قرار گرفت.

از شروع کار محمد داودخان که شخص مغرور، جاه طلب و خودخواه بود در دستگاه دولت فضای دیکتاتوری و فردسالاری حکمفرما گردید. تحت تاثیر عمال (کا، جی، بی) مانند حسن شرق و عده‌ای از همکاران اش باز هم محمد داودخان در بیانیه افتتاحیه اش، از آزادی پشتونستان یادآوری نموده اعاده آن را حق مردم افغانستان دانست و هم سفارت شوروی که برای اولین بار ورود سفیر جدید خود را جشن میگرفت در دعوتی که به افتخار سفیر جدید (دیکتیار) ترتیب نموده بود در آن نخستین بار، وزیر خارجه افغانستان سردار محمد نعیم خان و اکثر اعضای کابینه اشتراک نمودند، درین دعوت نیز سردار محمد نعیم خان بیشتر در دام افسون های رژیم کرملین گرفتار گردید.

در زمانیکه مداخله و توسعه نفوذ شوروی و هند در افغانستان هنوز جدی شده میرفت، آقای نکسن معاون ریاست جمهوری امریکا ضمن دیدارش از دیگر ممالک حوزه در ماه قوس ۱۳۳۲ وارد کابل گردید. با وصف وضع نابسامان دولت، فقر و بیچارگی مردم افغانستان و توسعه نفوذ روسیه، مردم افغانستان از مهمان خود استقبال شایانی کردند. آقای نکسن خود شاهد توسعه روزافزون نفوذ شوروی در ممالک حوزه و مخصوصاً در افغانستان بود و دانست که مردم افغانستان محتاج کمک اند و با شرایط موجوده بعید نیست که بدامان رژیم خون آشام کرملین سقوط کنند. مگر وقتی به امریکا

با زگشت درموردکمک ها ی ،تخنیکی وا قتصا دی شا ن قطعا یا دآ وری ننمودبلکه عوض ا ینکه ا فغا نستا ن را با ا عطا ی کمک ا قتصا دی وتخنیکی شا ن ا زلغزیدن بدا ما ن روسها نجا ت دهندبا وعده کمک نظا می وا قتصا دی ا مریکا به پاکستان وسیله توسعه دسا ئس روسها وآ تش ا ندیشه دولت ا فغا نستا ن دا من زدند .درحا لیکه ممکن بوددرا ثروسا طت بیغرضا نه دولت ا مریکا ٔ موضوع پشتونستا ن یعنی ما ده فسا دوآ له فشار روسها به آ سا نی حل شده ا حتیا جی به کمک نظا می طرفین وا ندیشه دولت هندا زنا حیه مسلح شدن پا کستا ن با قی نمی ما نند .

روسها ی فرصت طلب درتوطئه شا ن بدا من زدن درین قضیه فرصت ما هی گرفتن نمی یا فتند .

روسها به ا ثردا من زدن درمسلٔه پشتونستا ن وا ظها رآ ما دگی بکمک به ا فغا نستا ن موجب آ ن گردیدندکه دولت ا فغا نستا ن با مصرف ملیون ها ا فغا نی وتشکیل ریا ست مستقل قبا ئل وکمک به دهشت ا فکنا ن کمرا قتصا دنا هنجا رمملکت را خم نمودندوهم چندمرتبه با مشتعل سا ختن ا حسا سا ت مردم ا فغا نستا ن نزدیک بودجنگ خا نما نسوزی بین دوملت مسلما ن ا فغا نستا ن وپا کستا ن مشتعل گرددوحتی وسیله فرودآ وردن بیرق ها ی ملی پا کستا ن وا فغا نستا ن ا زفرا ز سفا رت ها ی مملکتین وحریق آ ن گردیدوا ین ا عما ل موجب بی ثبا تی رژیم ها ودول منطقه وبا زشدن را ه بسوی بحرهند وخلیج فا رس شنا خته می شد .

بهرصورت دولت ا فغا نستا ن با بستن چندقرا ردا دعا دی ما نندقرا ردا دپوستی ،ترا نزیتی وتجا رتی وغیره با روسیه شوروی را ه را برا ی ورودرسمی کا رمندا ن جا سوس روسی با ز

نمود .بعدا" با دعوت نمودن ازخروشچف وبولگانین که زعمای آنوقت اتحاد شوروی بودند ،بهترین چانس طلائی برای گسترانیدن دام استعماری روس ها بازگردید ،آنچه روسها آرزوداشتند میسرگردانید .

محمدداودخان جهت بدست آوردن کمک نظامی ازروسها وجلوگیری از اعتراضات فردای مردم افغانستان شاه را وادارنمودتا برای تقویه قوای مسلح افغانستان دربرابر خطرات ازناحیه مسلح شدن وقدرت نظامی پاکستان که آنهم به اثرتبلیغ ودسائس روسها وهندی ها اضافه از اندازه بزرگ جلوه داده می شدوباعث تشویش دولت افغانستان گردیده بود رای لویه جرگه را بدست آوردندکه این امربا افتتاح لوی جرگه درماه عقرب ۱۳۳۴ تاء مین گردید .دولت با دستپاک نمودن نماینددگان جرگه ملی وبنام مردم افغانستان اجازه یافت تا سلاح ومهمات موردنیاز مملکت را درشرایط موجوده ازهرکجا که لازم بدانند تهیه نمایند .

درین موقع بنا به دعوت قبلی وپیشبینی شده دولت وبرای اولین بارپای نجس رهبران کرملین یعنی خرشچف وبلگانین جهت دیدن ازکابل بازشد .مردم کابل با بازشدن راه رفت وآمدزعمای روس این آدمکشان ضدبشروکثیف بایادآوری ازفجایع روسها علیه مردم مسلمان بخارا وخیوه وفریبکاری شان درمقابل امیرشیرعلی خان وامیرامان اللهخان مخصوصا" پلان درازمدت کرملین دراه رسیدن به آبهای گرم بحرهندد چارتشویش گردیدند .

زعمای روس درین سفرشان برای جلب بیشتر دولت تعداد ۱۴ عراده بس شهری وبه اندازه یکصدبسترلوازم شفاخانه را برای شهریان کابل هدیه دادند ودهان دولت افغانستان

را با این تحفه زهرا ندود "ظاهرا" شیرین کردند .وضمنا "در اعلامیه مشترک یادآورشدند که دولت افغانستان از کریدت یکصد ملیون دالری اعطاء شده منجانب روسها مستفیض خواهد شد .
روسها با دادن قرضه یکصد ملیون دالری شان راه رفت وآمد رسمی جاسوسان شان را برای دائم وبنام متخصصین پروژه سازی ،معلمین نظامی درکانون های علمی ونظامی باز کرده هزاران نفرا زعمال واعضای (ک ، ج ،ب)را برای نفوذ درادارات دولتی ،قطعات اردوومؤسسات تعلیم وتربیه داخل افغانستان نمودند ،به این صورت دولت افغانستان به اشرما یوسیت ازکمک جهان سرمایه داری غرب وملل ثروتمند مسلمان ودرا شرمدا خله روسها درقسمت گزاف گوئی ومهم جلوه دادن تقویه قدرت نظامی پاکستان توسط سلاحهای امریکائی ودرحال تشویش وتخویف بدام خرس قطبی وخون آشام کمونیزم روس افتاد ،درین امر همدستی غرض آلودهندوستان ،غرور ،خودخواهی وفردسالاری محمدداودخان وماده فشار طرح کرده گی استعمار انگلیس درخصوص جدا کردن فا نه انفجار منطقه صوبه سرحداز پیکر افغانستان وبازبخشیدن آن به پنجابی ها دست بدست هم داده فاجعه امروز افغانستان را بوجودآورد .
به اثر استفاده افغانستان ازقرضه صدملیون دالری کریدت شوروی سروی پروژه سازی ۲۷ پروژه که اکثرآن مطابق پلان طرح شده روسها بودودیده شدکه بعدا" موردا ستعمال قوای نظامی شوروی قرارگرفت شروع شد .سیل کاروان آهن پاره وکهنه بنام سلاح نظامی دربنادرافغانی تحویل دادندکه واضحا" ازسلاح دیمدی وغیرقابل استفاده باقیمانده سلاحهای

زمان جنگ دوم جهانی زنگ زده که بوضوح رنگ شده گی معلوم می شد، وغیره لوازم که مواردا ستفاده آن را حتی خود روسهای متخصص نمیدانستند بوزن وحساب تن تحویل قطعات نظامی گردید. با طرح پروژه ها که تماما" به مقصد استفاده آینده قوای نظامی واشغال افغانستان پیشبینی شده بود، مصارف پول افغانی آنهم که شامل معاشات متخصصین شوروی وکارمندان افغانی که سربه ملیاردها افغانی می زد زهمین کریدت اعطاء شده بنام قرضه استهلاکی از قبیل موتر، بایسکل، صابون، گوگرد، پطرول، دیزل ساعت، موزه، لباس، حتی چپوکت، بستره وپخته را روسها تحویل دادند تا از فروش آن این ملیاردها افغانی مصارف داخلی پروژه ها تاءمین گردد. چون اکثرا ین اموال مارکت فروش نداشت، طوریکه درروسیه گدامهای دولت شوروی را سالها اشغال نموده بود، درافغانستان نیزگدامهای دوائرمملو از اجناس بیکاره غیرقابل استفاده گردید. منتها کمراقتصاد افغانستان که با اعطای این کمک ها خمیده بود خمیده ترگردید، تا مطابق پلان روسها امروابستگی کامل اقتصادی ونظامی وسیاسی دولت افغانستان بروسها تاءمین گردد.

اگرچه دول غربی مخصوصا" دولت امریکا بعدازین وابسته گی دولت افغانستان به کمک های روسیه وتوسعه نفوذشوروی به اندیشه افتیدندچنانچه رفت وآمدزعماء وهیئت های شان به افغانستان شروع گردید، ادارهٔ کمک های (آی، سی، ا) امریکاءفعال وتوسعه یافت با توسعه کمک های شان درساحات ساختمانی شاهراه سپین بولدک، کابل، بندکجکی، میدان هوائی قندهاروتوسعه بهره برداری ازپروژه هلمندوغیره

برویش مسدودنماید .جانب جنوب روسیه بحیرهٔ مدیترانه واقع بودکه بذریعهٔ آبنای باسفورس ودردانیل ازطریق بحیرهٔ سیاه میتوانست روسیه را به آن وصل نماید ،ازیک طرف دربحیره روم (مدیترانه)امپراطوری برطانیه میتوانست دروازهٔ خروج قوای بحری روسیه را برویش ببندد واز جانب دیگردروازه خروجی بحیرهٔ سیاه که معبر آن آبنای باسفورس و دردانیل بوددرتصرف ترکیه قرار داشت که قوای نظامی ترکیه با اتحاد برطانیه میتوانست مانع عبورومرورقوای بحری روسیه گردد .درشرق روسیه بحیرهٔ جاپان واقع بودکه قوای عظیم بحری جاپان سدراه عبورومرورآزادانه قوای بحری روسیه گردیده میتوانست .

لهذا مطابق وصیت نامه پطرکبیردولت روسیه تزاری وبعداً" دولت ها ورژیم کمونیستی اتحادشوروی بایدبرای دست یافتن به آبهای گرم بحرهندتلاش مینمودند .که مخصوصاً " چشم طمع رهبران کرملین به غنی نفتی خلیج فارس مزید برعلت گردید .

ازتاریخ مذکوراست که دوابرقدرت استعماری شرق وغرب (روسیه شوروی وبرطانیه)متوجه موقعیت استراتیژیکی افغانستان دررا هٔرسیدن به اهداف استعماری وسیاسی شان گردیدند ،مسئله شرق نتیجهٔ همین اهداف شرق وغرب است که امپراطوری روسیه برای کشودن دروازه های هندوامپراطوری برطانیه جهت حفظ سرحدات هندطلائی (Golden India)درکوشش وتلاش افتیدندکه غنی نفتی خلیج فارس هم حرص رهبران کرملین را نیزبیشتر تحریک نمود .

اهمیت این موقعیت افغانستان درراهٔرسیدن بسرزمین

کمک ها ی ا قتصا دی وتخنیکی شا ن را بـعدا" عرضه نمودنـد ولـی ا ین کمک ها بـه مقا یسه کمک ها ی شوروی ا ندک وغیـر محسوس بودوهمنا وقت صورت گرفت که تا آ ن زما ن دولـت تا گلو ن درقرضه ها ی شوروی فرورفته دربین عمـا لروس وپروژه ها ی نیمکا رهٔ شا ن محا صره شده بودکه برا ی یا فتـن را ه نجا ت ا زظرف روسها مسله پشتونستا ن بحیث آ لـه فشـا ر بـه صدا درآ ورده می شدوعما ل آ ن با تبا نی عما ل هندوستا ن هردوملت برا درومسلما ن را بـه پرتگا ه جنگ می کشا نیـدنـد ودولت هندبرا ی تا مین فشا ربا لای پا کستا ن وسیلـه تشویـق دولت ا فغا نستا ن را بدستورکرملین وبصورت حمله مستقیـم عملی می نمود .ویا تدا رک نظا می می دید .مگرروسها که خود آ ما دهٔ قشو ن کشی نبودندبعدا زا یجا دنا ئره جنگ وتشنـج که بوسیلـه آ ن دولت ا فغا نستا ن را کا ملا"بخودمتکی مینمود درلب پرتگا ه هردودولت ا فغا نستا ن وپا کستا ن را ا زعواقب جنگ نسبت مدا خلـه وکمک ها ی غرب وحملـه هندبرحضر میدا شته روسها توا مبا شروع ا مورسا ختما نی پروژه ها وپیشکش نمودن کمک ها ی نظا می دردا خل ا رودی ا فغا نستا ن دا خل شـده صدها نفرا فغا ن را برا ی تحصیل وفرا گرفتن ا ستعما ل سـلاح ها ی روسی ،ا مورا نجنیری ولـی دربا طن جهت مغزشوئـی برا ی رفتن بشوروی ا نتخا ب نمودندوا زجا نب دیگرذریعـه عما ل خودفروخته شا ن وبـا تما س با مردما فغا نستا ن مطا بـق بـه معمول خودشا ن مبرا کبرخیبر ،ببرک کا رمل ونورمحمـد تره کی ،را کها زجملـه ا نسا نها ی فا سد ،ما دی پرست وبی علاقه بوطن بودندودرعین زما ن دردستگا ه دولت وقوا ی نظا مـی ا فغا نستا ن شأ مل ویا بسته گی دا شتندا نتخا ب وتوسط آ نـها هسته حزب کمونیست را درا فغا نستا ن گذا شتندکه با نشرکـتب

وا وراق تبلیغاتی ووعده های دروغین ،قبول مصارف مالی حزب وتضمین حمایه شان توسط دولت شوروی درمقابل دولت های وقت افغانستان که با اعطای کمک های مالی ونظامی برتمام دستگاه های دولت مسلط شده بودند به تقویه حزب وتوسعه نفوذشان پرداختند .

حزب وابسته به اتحاد شوروی که درچنین مرحله از زمان تشکیل شده بود الی ختم دوره حکومت محمدداودخان که مدت (۹) سال را دربرگرفت با پخش ایدئولوژی کمونستی بنام حزب پرچم برهبری میراکبرخیبروروی کشی ببرک کارمل توانست درمکاتب شهرکابل نفوذنموده وبا ساده لوحی وغرور محمدداودخان اعضایش را دردستگاه دولت وحتی دربین قوای مسلح توانستند بمقاماتی برسانند وتقویه نمایند .

از جانب دیگر متعلمین لیسه های رحمان بابا وخوشحال خان که از جوانان پاک سرشت ولی بی خبرازماجرا های سیاسی بودند ودرعین زمان از فرزندان مردم فقیروبی بضاعت مناطق سرحدی تشکیل شده بودند ،درنتیجه تماس با نور محمدتره کی وآشنا شدن شان با مشروبات الکلی مجانی اعطاء شده از جانب سفارت شوروی وتشکیل پارتی های شبانه خوشگذرانی وعیاشی به کمک پولی سفارت شوروی فریب خورده بنام خدمت به طبقه فقیروعقب مانده مناطق سرحدی وقبایل ،دورنورمحمدتره کی جمع شده هسته حزب کمونیستی خلق را گذاشتند .ثابت است که مردم مسلمان افغانستان با بی خدائی والحاد آشتی ناپذیراست وحتی با تهدیدقتل هم با چنین عقیده توافق کرده نمیتوانند ولی آنچه بیشتر به تقویه نسبی حزب پرچم وخلق کمک نمود تبلیغات فریبکارانه ومزورانه ارگانهای نشراتی خلق وپرچم به

نفع مردم فقیر ومسلمان افغانستان وعدم برخورداری شان از معلومات درباره اساسات دین مبین اسلام وعدم برخورداری از نعمات شهری که مسوءلیت آن بدوش حکومت های برسرا قتدار وظالم وقت تبلیغ میگردید. گذاشته میشد از جانب دیگر روابط بسیار نزدیک وشخصی بعضی از اعضای حزب با شخص محمدداودخان نیز درتقویه حزب رول اساسی داشت که حتی اکثر مردم به این عقیده بودندکه خودحزب پرچم وخلق مربوط محمدداودخان است. بساء دیده شده که دربعضی موارد مشکلات بعضی از اعضای حزب پرچم وخلق توسط دولت رفع شده ومشکلات مهم سیاسی وقانونی اعضاء ووابستگان حزب بهواشرمداخله سفارت شوروی وفشار مقامات کرملین مرتفع گردیده. سازمان های ارتباط جمعی هم که سیاست دوستی اتحادشوروی را با شعارهای دوستی بی شائبه زیست با همی ملل دارای رژیم های مختلف سیاسی وهمسایگی نیک تبلیغ وهمکاری های اقتصادی ونظامی مملکتین را با گشودن فصل جدیدروابط ملل یادآوری می نمود واز قهرمانی های مردم مسلمان افغانستان درا عمار وطن شان استعدادونبوغ افغانهای زحمت کش برهبری خردمندانه دولت بریاست محمدداودخان را می ستوددرتوسعه نفوذ روسها موءثربود.

رادیوکابل وجرائدمملکت ما نیزیومیه خبرهای پرطمطراقی ازهمکاری وکمک های اقتصادی وتخنیکی شوروی وزحمتکشی متخصصین شوروی درراه شگوفائی وآبادانی مملکت بخورد مردم مسلمان افغانستان می دادندکه درپیشبرداهداف وتقویه نفوذروسها کمک شایانی نمود.

مردم مسلمان افغانستان که قبلاً" ازشنیدن نام روس ها

نسبت مسلک بی خدا ئی وا لحا دشا ن متنفربودند محصوصا با ا طلاع ا زکشتا رومظا لمشا ن دروقت ا شغا ل جمهوریت ها ی آ سیا ی میا نه که درنتیجه آ ن ملیون ها نفرا زمردم آ نجا یا به قتل رسیدویا به ا فغا نستا ن فرا رومها جرگردیدندا زرژیم کمونستی شوروی سخت نفرت دا شتند .با ا لخا صه آ نا نیکه ا زکشتا ردستجمعی وبی ا ما ن مردم محکوم خودروسیه توسط ا قلیت سلا ح بدست وکوچک حزب کمونست شوروی در را ه کمونست سا زی مردم روسیه وخفه نمودن نهضت ها ی آ زا دیخواه جوا مع شا مل قلمروا تحا دشوروی درزما ن زما مدا ری ستالین وبه قوه ٔ سلاحها ی بدست آ مده ا زجها ن غرب درحین جنگ عمومی دوم مطلع بودند ،هیچ ا فغا ن مسلما ن زا وجدا ن ا وا جا زه نمیدا دکه با چنین رژیم خون خوا روفا قدوجدا ن وعا طفه بشری روا بط نزدیکی دا شته با شد .

بهرصورت ا ین عوا مل تبلیغا تی با عث گردیدتا بمرورزمان مردم ا فغا نستا ن با روسها ی همکا روکمک دهنده ٔ شا ن که ظا هرا" بشردوست جلوه مینمودند ،عا دت گرفته آ نهمه تنفر قبلی را مربوط تبلیغا ت بی جا ی رقیبا ن جها ن غرب قبول نما یند .ورنه مردم مسلما ن ا فغا نستا ن درشروع منا سبا ت جدیدبا روسها حسا ب شا ن را با همه کمک ها ی کرملین وتمکین دولت ها ی وقت ا فغا نستا ن وحزب وا بسته به آ ن یکطرفه می نمودند .

دولت پس ا ز (۹)سا ل وبا ا ندیشه ا زمدا خله علنی روسها درمسا ئل دا خلی شروع نمودن به تخریبا ت علنی ذریعه عما ل ا جیروا بسته بروسها که با خودسری وغرورمحمددا ودخا ن صدرا عظم وقت شکل حا دی را بخودگرفته بوددرحا لیکه دیگر جریا نا ت ا سلامی وملی ذریعه محمددا ودخا ن کوبیده می شد ومختنق میگردید .ولی حزب وا بسته بروسها ذریعه محمددا ود

خان وتحت فشار رهبران کرملین حمایه وتوسعه می یافت که این عمل باعث تخریبات عمیق در امور دولت وجرئت یافتن عمال حزب خلق وپرچم میگردید متوجه شد که دیگر وضع مذکور غیرقابل تحمل است .

بالاخره این غفلت واغماض حکومت وقت باعث گردید که ذریعه عمال حزب وابسته در داخل قوای نظامی تخریبات علنی آغاز گردد .دولت درک نمود که اگر جلو این عناصر وابسته گرفته نشود اهداف دیرینه کرملین رفته رفته تحقق می یابد لهذا مقام سلطنت دست بکار شد وبا قبول استعفای محمدداود خان ،داکتر محمدیوسف خان را مامور تشکیل کابینه نمود دستور داد تا قانون اساسی جدید را تسوید نماید که در آن آزادی تشکل احزاب ،آزادی مطبوعات ودیگر آزادی های اجتماعی درنظر گرفته شود تا مبارزه احزاب در آن بصورت متوازن عملی شده بتواند که مانع یکجانبه در برابر توسعه حزب وابسته بروسها از بین برداشته شود .

با شروع این نهضت که در مملکت بوجود آمد یعنی حکومت از سلطنت جدا گردید و پس از مدت تقریباً سی سال ،حکومت توسط شخصیت های ملی تشکیل گردید که به خاندان سلطنتی ارتباط نداشت از یکطرف مردم نا راضی که محیط اجتماعی را مختنق دانسته قابل تنفس نمی دانستند وبا تحریکات وتبلیغات وسیع کمونیست ها دولت را درخفا تخریب میکردند که آینده آن غیرقابل کنترول تصور می شد با برملا شدن اهداف شان که علناً درجرائد مربوطه منعکس میگردید .بالمقابل اهداف جریانات اسلامی وملی دیگر مواجه شده بالوسیله شناسائی جریانات داخل مملکت روشن وعلنی میگردید ،وهم عمال احزاب وابسته به بیگانه خلق وپرچم

با ملاحظهٔ هدا ف ا رگا نها ی نشرا تی شا ن مخصوصا" درقصبا ت ودها ت ضدا سلامی وضدملی معرفی گردیدکه با عث جلوگیری ا زتوسعه آ ن دردها ت وولایا ت مملکت گردید .

پس ا زتشکیل لوی جرگه ۱۳۴۲ه وتصویب قا نون ا سا سی وقتی دا کتر محمدیوسف خا ن مجددا" ما مورتشکیل کا بینه گردید ا جیرا ن کرملین توسط عما ل شا ن درمکا تب وشورا ی ملی موضع گرفته با پشتیبا نی محمددا ودخا ن صدرا عظم سا بقه که نسبت ما موریت مجدددا کتر محمدیوسف خا ن وبعضی موا د قا نون ا سا سی عقده گرفته بوددرا ولین روزجلسه پا رلما ن که جهت ا خذرا ی ا عتما دبرکا بینه دا کتر محمدیوسف خا ن تشکیل جلسه دا دندا خلال گری نمودندکه منجربه قتل یکی دونفرا زتظا هرکنندگا ن گردید .مقا م سلطنت درآ ن شرا یط مجبورگردیدا ستعفی دا کتر محمدیوسف خا ن را قبول نما ید ومحمدها شم خا ن میوندوا ل را ما مورتشکیل کا بینه سا زد.

نا مبرده ا زجا نب محصلین وعا مه مردم ا فغا نستا ن ا ستقبا ل شدوا زپا رلما ن نیزتوا نست را ی ا عتما دبگیرد .

آ قا ی میوندوا ل قریب یک دوره پا رلما نی را با موفقیت ا یفا ی وظیفه نمودکه درا خیربوا سطه مریضی ها ی متوا تر وتا ٔ سیس حزب مترقی دیموکرا ت برهبری خودش آ نهم درزما ن حکومت وقدرتش ا زنظرها ا فتیدومجبوربه ا ستعفا ٔ گردید .

ا گرچه محمددا ودخا ن شخصیت ملی ،مسلما ن ووفا دا ربوطن وملت بودا ما چون نظربه قا نون ا سا سی که درآ ن ا عضا ی خا ندا ن سلطنتی ا زحکومت کردن محروم سا خته شده بودند وحکومت ا زسلطنت جدا ٔ گردیده بوددرمقا بل قا نون ا سا سی وحکومت ها ی وقت عقده دا شت .ا زجا نب دیگرشخص نها یت

مغرور ،خودخواه وجاه طلب بودکه درتمام دوره ده سال زمان حکومت های داکتر محمدیوسف خان ،میوندوال ،اعتمادی داکترظاهروموسی شفیق از پای ننشسته بصورت آله دردست کرملین وذریعه حزب وابسته برضدحکومت های وقت فعالیت مینمود .یعنی از سال ۱۳۴۲ که داکتر محمدیوسف بحیث رئیس حکومت موءقت مامورتشکیل کابینه گردیدالی سال (۱۳۵۲) که خودش با کودتای سفیدمحمدظاهرشاه پادشاه سابقه را که در ایطالیا مصروف معالجه بودخلع کرده رژیم جمهوری را اعلان نموده کشرتظاهرات خیابانی درکابل وولایات بدستور وهدایت او برا ه انداخته می شد .که از آن عناصروابسته کرملین استفاده مینمودندوهم عمال وابسته کرملین ذریعه محمدداودخان به مصرف مادی وکمک معنوی اش درپارلمان مملکت راه یافته ازطریق مکروفون پارلمان اهداف شان را علناً وطوررسمی اشاعه مینمودند .

محمدداودخان آنقدرتحت نفوذ یکجانبه شوروی قرارگرفته بودکه حتی درزمان حکومت اش یکی ازبهترین،پرکارترین وموفق ترین عضوکابینه اش را بنام شاه رهبران کرملین وبه تاشیدبرادرش محمدنعیم خان درماه سرطان ۱۳۳۶ بحیث قربانی اهداف کرملین انتخاب وروانه محبس نمودکه الی زمان کودتای کمونست ها درسال ۱۳۵۷ مدت بیست سال درزندان باقیماند .عبدالملک خان عبدالرحیم زی وزیر مالیه زمان حکومت محمدداودخان که تحصیل یافته ترکیه ودرشق لوازم عسکری تحصیلاتش را سپری نموده بوددرکابینه محمدداودخان بحیث وزیرمالیه ایفای وظیفه مینمود زجمله وفادارترین اعضای دولت به وطن ومقام سلطنت بود ،طوری طرف اعتماد دشخص محمدداودخان واقع شده بود

که حتی وزارت اقتصاد ملی وسرپرستی امورمالی شاه را نیز بدوش گرفته بود. درزمان وزارت موصوف امورمالی مملکت نظم گرفت پلان های پنجساله عمران مملکت وسیستم امور حسابی دولت از جمله ابتکارات عبدالملک خان است مگر متاءسفانه محمدداودخان بحیث آله دست کرملین و دسیسه که پس از برگشت او از سفر امریکا وبگناه اینکه توانسته بود توجه دولت امریکا را برای کمک اقتصادی وتخنیکی به افغانستان واشتراک شان را به سهمگیری درپلان پنجساله دوم ساختمانی افغانستان جلب کند. درحالیکه روسها نمیخواستند رقیبی درامور وابستگی کامل افغانستان عرض وجود نماید وظاهرا" او را بهاتهام خیانت ملی واشتراک درتوطئه کودتا ولی باطنا" با همدستی محمدنعیم خان آن دوست صمیمی که محمدداودخان خودش او را بواسطه فهم واهلیت وزحمت کشی آن به قدرت رسانیده بود بحیث اولین قربانی اهداف استعماری روسها قرارداده روانه محبس نمود طورخلاصه باید اعتراف کنیم که اگر از بین اشتباهات محمد داودخان که انسان جاه طلب مغروروخودخواه بود وبصورت یکجانبه خودرا روی همین غروروخودخواهی اش درآغوش دیواستعمار روحیله گرکرملین انداخت ومملکت ومردم افغانستان را به فاجعه امروزی کشانیده صرفنظرنمائیم محمدداودخان وفامیل او انسان های مسلمان، زحمت کش ووطن دوست واقعی بودند که نمیشود برآن نا مکافرکمونست وخائن ملی را گذاشت ودرزمان حکومت اش برای اعتلای مملکت ووطن وآبادانی کشورکارهای مفیدی نیز انجام داد که جرئت ودرشرایط وحالات زمان برای بوجود آورد نهضت زنان، نهضت عمران مملکت، بازسازی قوای مسلح

تمدید شبکه‌های برق، تیلفون، اعمار سرک ها و پل ها
در شرایط مذیقه مالی و اقتصادی مملکت اقدام به تجسس
ذخائر زیر زمینی که فعالیت ملی کاروسرمایه را از حالت
جمود آن به تحرک در آوردقابل تذکرو یادآوری است.
بهرصورت درهمین ده سال پس از استعفی محمد داود خان
یعنی زمان حکومت داکتر محمد یوسف خان، میوندوال، اعتمادی
وداکتر محمد ظاهر و موسی شفیق که هرکدام در مقابل خواسته
واعتراضات شدید نمایندگان پارلمان بشمول عناصر وابسته
به کرملین مواجه بودند، برای تحت فشار قرار دادن حکومت
های وقت وخواسته‌های بی حد نمایندگان ملت در ارگانهای
نشراتی خلق وپرچم وابسته بروسها با آب وتاب زیاد منعکس
وانتشار می یافت، درحالیکه قانون احزاب توشیح نشده بود
وارگانهای نشراتی دیگر جمعیت ها که عملا" متشکل وموجود
بودند از قبیل مساوات، گهیځ، سباح، اتحاد ملی، افغان ر
وغیره هیچ کدام نمیتوانستند به عمل غیرقانونی مبادرت
نمایند.

با همه این مشکلات درین مدت ده سال زمان بوجود آمدن
حکومت های نسبتا" ملی وقانونی، حکومت ها توانستند
بسوی دیموکراسی قدم‌های اساسی بردارند. در مملکت
مطبوعات آزاد شد، درپارلمان حکومت مردم قائیم وتقویه
گردید. نمایندگان انتخابی مردم صلاحیت قانونی خود را
بازیافتند، آزادی بیان بصورت بی بندوبارش در تظاهرات
خیابانی منعکس میگردید که بالاخره این آزادیها توسط عمال
روس در تبانی با حمایه محمد داود خان در مکاتب، دستگاهای
دولتی، دستگاه‌های صنعتی وتولیدی کشور بصورت غیرقابل
کنترول کشانیده شد. اکثر دوائر، موءسسات تولیدی ومکاتب

درحال فلج شدن قرار گرفت. اگرچه این آزادی ها تا اندازه حکومت های وقت را به تشویش انداخته بود ولی بهترین محک درراه شناسائی عناصر وابسته به بیگانه محسوب گردید. دراین دوره ده ساله حکومت های نسبتاً" قانونی وملی درراه آبادانی کشور قدم های مثبتی برداشته شد جهان سرمایه داری غرب هم که توسعه نفوذ روسها را درافغانستان مشاهده نمودند به اعطای کمک های شان پرداختند. ادارهٔ کمک های امریکا درکابل توسعه یافت، بعرضه کمک های انکشافی آغاز نمود درزمرهٔ کمک های مالی وتخنیکی امریکا میتوان ازتمویل ساختمانی بندکجکی، تمویل وبهره برداری ازپروژه هلمند را نام برد وهم زعمای دول غرب وسران ممالک اسلامی که متوجه نفوذ روزافزون شوروی درافغانستان گردیدند سفرهای به افغانستان نمودند وزمامداران افغانستان برای دیدار زمامداران شان دعوت نمودند وکمک های شان را عرضه کردند. اما ازیکطرف جاسوسان شوروی درتمام مشوءن مملکت نفوذ کرده بودند که اقدام آنها نا وقت بود وروسها که بنام پروژه های ساختمانی نیمکاره بصورت روزگذرانی وتحکیم موقعیت سیاسی شان اقدامات دولت ها را تماماً" کنترول می نمودند آن اعضای دولت که خلاف منافع شان اقدام میکردموردا تهام قرار می دادند وبهروسیله ممکن از بین می بردند. وجانب دیگر این کمک های جهان غرب وممالک اسلامی وبطرف جزئی ودرمقابل کمکه های اتحاد شوروی غیر محسوس جلوه مینمود، درحالیکه اتحاد شوروی کمک های نظامی واقتصادی شان را با تشکل حزب وابسته شروع نمودند ودرماسک خدمت به مردم فقیر وهمبستگی طبقه کارگر وزحمت کش جامعه کمک های شان را آغاز نموده با تبلیغات

هندوستان حتی از نظر ناپلیون دیکتاتور فرانسه پوشیده نبود که در رقابت جهانگیری اش با برطانیه بهترین راه را جهت تصرف هند برطانوی در راه وادی های افغانستان تشخیص نمود. چنانچه این موقعیت در عهدنامه (TESTE) که منجر به قشون کشی مشترک تزار روسیه و ناپلیون شامل تدارک شصت هزار نفر قوای مشترک فرانسه و روسیه گردید. مگر این اقدام مشترک با مرگ تزار و گرفتاری های اروپائی ناپلیون عقیم ماند و به نتیجه نرسید. بالخاصه با وصیت نامه پطر کبیر در راه دست یافتن به آبهای گرم بحر هند باعث گردید که دولت های تزاری روسیه بسوی این هدف قسمتی از سرزمین ملل آسیای میانه را اشغال وسرحدات جنوبی شان را جانب ایران و افغانستان تمدید نمایند. مگر بها پیش دستی امپراطوری استعمارگر برطانیه که منجر به اشغال افغانستان گردید و گرفتاری اروپائی روسیه تزاری پیشروی سریع جانب جنوب ملتوی گردید.

دولت استعماری برطانیه در نتیجهٔ رقابت با سیاست استعماری دولت تزاری روسیه دو دولت مسلمان افغانستان و ایران را از دو طرف تحت فشار قرار داده برای تثبیت ساحهٔ نفوذشان و با استفاده از سیاست تفرقه اندازی و تفتین و استفاده از خانه جنگی شاهان قاجاری ایران، رقابت و نفاق بین برادران سدوزائی و محمدزائی در افغانستان سیاست استعماری شان را محیلانه پیش بردند که باثر آن توانستند دو دولت مسلمان و قوی منطقه را بصورت آله در دست سیاست استعمارگرانه شان قرار دهند و افغانستان را مدت ۷۸ سال برطانیهٔ استعمارگر توانست در اشغال نظامی ویا در ساحه نفوذش با جنگ وگریز نگهدارد. تا بالاخره

وسیع بخورد مردم بیسواد جامعه میدادند.
که با تبلیغات وسیع و همه جانبه رسانه های خبری دولت افغانستان و شوروی به اضافه تبلیغات حزب مزدور که از جانب شوروی تمویل وحمایه میگردید و از جانب دیگر محمد داود خان هم که نظر به قانون اساسی جدید و محروم شدن از قدرت آینده عقده گرفته بود به این آتش دامن میزد تا خود وفامیلش را یکجا با مملکت و مردم مسلمان در آن خاکستر نماید.
بالاخره روسها که به روحیه قدرت طلبی محمد داود خان و عقده هایش ملتفت بودند او را بهترین وسیله در راه پیشبرد اهداف سیاسی شان دانسته، در قدم اول وسیله سرنگون رژیم شاهی قرار دادند تا ذریعه او پایه دولت و رژیم سلطنتی را که نزد مردم مسلمان افغانستان تا اندازه مقام مذهبی تلقین شده بود منهدم و یکقدم بسوی اهداف شان به جلو بردارند.
برای این مطلب روسها یکعده از صاحب منصبان عسکری جاه طلب وابسته به حزب خلق وپرچم وعده نا راضی فاسد رانده شده از دستگاه دولت که نسبت کبرسن از اردو خارج شده بودند ویا در اردو موقعیت ضعیف داشتند، پیدا کرده آنها را با محمد داود خان در تماس نمودند و طرح کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ را گذاشتند در حالیکه محمد داود خان مغرور وجاه طلب شاید احساس نمی نمود که درین طرح دست توطئه کرملین شامل است، خود وسیله وآله دست دشمنان وطن واسلام گردید. وهم باعث ازبین رفتن خود وفامیل اش شد ومملکت وملت افغانستان را هم به فجایع امروزی مبتلا نمود.
خلاصتاً متذکر باید شد که درین ده سال اخیر که بموجب قانون اساسی سال ۱۳۴۳ نسبتاً حکومت های ملی وقانونی بقدرت

رسیدند وحکومت از سلطنت جدا گردید درسلسله دیموکراسی کردن اداره مملکت توسط مردم کارهای مفیدی انجام گردید که منجمله شبکه های بزرگ آبرسانی ،تمدید شبکه های برق تمدید شبکه مخابرات به سیستم چینلی ،تکمیل قسمتی از شاهراه ها وسرک های فرعی با اسفالت ،تکمیل بندهای آبگردان ،تکمیل امور بهره برداری از پروژه هلمند توسعه پوهنتون ها وبوجود آوردن بیش از یکصد فابریکه تولیدی وصنعتی ،تاسیس وتکمیل صدها مکتب اساسی ودهاتی از آن جمله است ومخصوصاً" اعاده وتوازن سیاست بیطرفی وعنعنوی افغانستان بین بلاک شرق وغرب که در زمان حکومت محمدداودخان از بین رفته بودوکاملا" بروسها وابسته گردیده بودوآن جنایت کاران عصردرتمام شئون دولت رخنه نموده ویکه تازمیدان وبی رقیب درامورسیاسی اقتصادی ونظامی دولت قرارگرفته بودند ،درین دوره ده سال با بازکردن راه مناسبات با دول غرب وممالک اسلامی وبی طرف حریم وابستگی بروسها با پذیرائی از زعمای دیگر ممالک جهان وقبول کمک های اقتصادی وتخنیکی شان شکستانده شد .درین زمان بودکه درسال ۱۳۴۲ قرارداد فرهنگی بورس های تحصیلی بین سفیرامریکا ووزیر معارف افغانستان امضاء گردید .مکنامارا وزیردفاع امریکا ازکابل دیدن نمود ،ایوب خان رئیس جمهوری دولت اسلامی پاکستان درسال ۱۳۴۳ ازکابل دیدن کرده هانریش لوبکی رئیس جمهور جمهوریت آلمان فدرال درحوت ۱۳۴۵ وارد کابل شدوهریمن نماینده خاص رئیس جمهور ایالات متحده امریکا درکابل پذیرائی شد درماه ثور ۱۳۴۷ پومپیدو رئیس جمهور فرانسه وبعداً" درهمین سال رئیس

جمهوردولت ترکیه از کابل دیدار دوستانه بعمل آورد، درماه جوزای سال مذکوراعلیحضرت ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی درکابل مرکزتحقیقات اسلامی را تهداب گزاری نمود درماه مارچ ۱۹۷۳م بین موسی شفیق وصدراعظم ایران به موجب امضای موافقتنامه که بامضاء رسیدماده سرطانی وفساد که موجب آزردگی واختلاف قرارمیگرفت یعنی مسأله تقسیم آب هلمندحل وفصل گردیدودرنظربودتابه اثر میانجیگری ووساطت شاه ایران غده دیگرسرطانی میراث استعماری دولت برطانیه یعنی مسأله پالت صوبه سرحدنیز ازبین برداشته شود .بااهمنا سبات بادولت برادرومسلمان پاکستان ازحالت دشمنی که درزمان محمدداودخان وبه تحریک ودامن زدن دیکتاتوران کرملین رسیده بودبدوستی برادرانه وحالت عادی اعاده گردید .

درمقابل شاه ووزراء ای حکومت وزراء افغانستان دربین دوره ده سال به ممالک اسلامی ،ملل غیرمنسلک ودول غرب سفرهائی داشتندکه موجب جلب کمک های اقتصادی وتخنیکی گردید .به اثرجلب کمک ومساعدت های دول مذکورکه باعث سرازیرشدن ملیون ها دالربه مملکت ما گردید ،بسا ازپروژه های ساختمانی عرفانی وصنعتی تمویل گردید .تمدید شبکه مخابرات بمسیستم چینل بین کابل واکثرولایات موانع مخابراتی را رفع نمود ،دربین شهرها سیستم تیلفون اتوماتانکشاف نمود ،باسرمایه گذاری مشترک ترانسپورت هوائی بین المللی قائم گردیدباورودبس های لینی وشهری عصری فاصله شهرها کوتاه گردیدصدهابس لینی بکارافتید که درهرروزدها بس ازکابل بولایات افغانستان مسافرین را براحت کامل حمل ونقل مینمودبطورمثال فاصله بیش ازیکهزارکیلومتربین کابل وهرات درظرف دوازه ساعت

وبه کرا یه فی نفر دوصدا فغا نی مسا فرین کم بضا عــــت
ا فغا نستا ن را حمل ونقل مینمود .دها فا بریکه وموء سسات
ا نتفا عی بـه سرما یه مشترک سرما یه گذا را ن خا رجی وا فغا نی
بکا را ندا خته شد ،بـه ا ثرسرما یه گذا ری ها ی خصوصی دهـــا
موء سسه تولیدی شروع بکا رنمودند ،درا مورخا نه ســـا زی
وآ برسا نی پیشرفت ها ئی قا بل ملاحظه درکا بل ،هـــــرا ت
قندها ر ،مزا رشریف ،کندز ،ننگرها ر ،صورت گرفـــت ، آ ب
آ شا میدنی درشهرها بـه ا ندا زه ضرورت جمعیت شهرها تهیـــه
گردید .میدا ن ها ی هوا ئی ملکی درمزا رشریف ،کنـــدز
بدخشا ن ،تخا ر ،هرا ت ،پکتیا ،خوست ،چخچرا ن ،فـــرا ه
چخا نسور ،فا ریا ب ،با دغیس آ ما ده پروا زها ی هوا ئی شـــد
درا کثرولایا ت مرا کزصحی فعا ل گردید که دا کترا ن جـــوا ن
مصروف خدمت شدند .
با ا جا زه ء صدورکا ر ،جوا نا ن بیکا را فغا ن درمما لک مسلما ن
همسا یه ومما لک مسلما ن حوزه خلیج فا رس مصروف کـــا ر
گردیدند که با سرا زیرشدن ملیون ها دا لرحا صل مزدشـــا ن
دردها ت ا فغا نستا ن فعا لیت خا نه سا زی ،تهیه وسا ئـــل
زرا عتی عصری ،ا نکشا ف نمود وبا سرما یه سرا زیرشـــده ا ز
مما لک حوزه خلیج فا رس درمنا طق دشتی چون دشت دل آ را م
بکوا ، خوا جه ا لوا ن وپروا ن ولوگرسیستم آ بیا ری ذریعـــه
وا ترپمپ ،حفرکا ریزوغیره ا, مرزرا عتی سا ختن ا را ضـــی
لامزروع وبا ثروسرسبزسا ختن منا طق خشک وبی آ ب ا نکشا ف
نمـــود .
با جلب توریزم بین ا لمللی بوسیله تهه وتشویق وسا ئـــل
درمنا طق تور ستیکی ا فغا نستا ن سیل سیا حین خا رجـــی
وسعت یا فت که بعلاوه ا ینکه ا زطریق ریا ست گرځندوی سا لانه
ملیون ها دا لربه خزا نه دولت سرا زیرمینمود ا زمدرک خدمات

فروش اجناس تولیدی وطن پول هنگفتی به‌جیب هموطنان
ما می ریخت .
چون توزیع این همه‌کارها دور از بحث و هدف ماست که
هدف اصلی همانا روشنی انداختن به‌اعمال تجاوزکارانه
مظالم وخونخواری ،خدعه‌ها وفریبکاری دیکتاتوران کمونیست
اتحاد شوروی است ،ودورهٔ کار محمد داودخان که‌چطور خود
ومملکت را بدام این فریبکاران بی خدا گرفتار نمود وچطور
توازن سیاست بیطرفی عنعنوی افغانستان را به‌نفع
اهداف درازمدت روسها نقض نمود وبصورت یکجانبه دردام
این خرسان وحشی ودام استعمارگرانه‌شان گرفتار نمود .
اما شاه ودیگرمشاورین اش ملتفت گردیدند وبرای جلوگیری
ازخودسری محمد داودخان وجلوگیری از نقض بیطرفی
عنعنوی افغانستان با قبول استعفی آن ومامورنمودن
شخصیت های ملی خارج ازخاندان شاهی به‌تشکیل حکومت ها
قدم‌هائی بسوی دیموکراسی وحکومت مردمی وبرای جلوگیری
ازمداخلات مزید اتحاد شوروی بردا شته‌شد .درین دوره‌درراه
جلب کمک های ممالک اسلامی وجهان غرب توجه‌بعمل آمد که
درحفظ واعادهٔ سیاست بیطرفی افغانستان مثبت ومفید
بود ،هرگاه‌بهمین منوال امورمملکت جریان می یافت
ودوام میکرد ممکن درمدت کمتر از ده‌سال چهرهٔ افغانستان
کاملا" تغیر مینمود .مخصوصا" که‌دررأس حکومت های آینده
شخصیت های ملی وازخود مردم مانند ،داکتر محمد یوسف خان
میوندوال شهید وموسی شفیق شهید که‌هردونفر اخیرقربانی
اهداف اتحاد شوروی ومورد تیر نابخردانه محمد داودخان
قرارگرفتند قرار می داشت .روح شان شاد باد .
طوریکه‌درین دورهٔ ده‌سال حکومت های نسبتا" ملی وقانونی

کارهای مثبت ومفیدی انجام شد، اشتباهاتی نیزصورت گرفت. طورمثال شاه وحکومت وقت خرابکاری وفتنه انگیزی رهبران کرملین را ذریعه عمال شان مربوط حزب وابسته که به حمایه ومصرف (کا، ج، ب) فعالیت می نمودند مشاهده کردند وبوضوح مشاهده میگردیدکه حتی نمایندگان شان مانندکارمل، انا هیتا، نورمحمدنور، وامثال آن که به رهنمائی کرملین وحمایه محمدداودخان وخلاف خواسته مردم مسلمان افغانستان ازطریق انتخابات به پارلمان مملکت راه یافتند (چون به احترام قانون اساسی دولت حق مداخله را ظاهرا" به امرانتخابات نداشت) عوض اینکه درمقابل شان به احزاب وجمعیت های تشکل یافته که موجودومنسجم بودندوهم ازقدرت مردمی واسلامی برخوردار بودند. مانند جمعیت اسلامی، جمعیت سوسیال دیموکرات، جمعیت مربوط جریده انگار، جبهه ملی، اتحاد ملی وغیره اجازه فعالیت هم مانند ومبارزه بدهد، دولت تجویزنمودتا درتالارشورا کمونست ها را ذریعه یکعده علماء وروحانیون انفرادی وغیرمنسجم بکوبدتا موجب آزردگی روسها نگردیده باشد ومداخله دولت هم محسوس نگردد. لهذا به اشاره مصرف وحمایه دولت یکعده ٔ ازعلماء وروحانیون درپارلمان مملکت به موفقیت رسانیده شدند. حقاء علمای مذکوردرتالارشورای ملی ودرمقابل کمونست ها راه یافته بشورا مبارزه وجدال لفظی نمودندوحق اسلامیت را اداء نمودند. مگرچون علمای مذکور دراقلیت بودندوهم درمبارزات سیاسی نا آشنا بودند در حالیکه کمونیست ها شیطان، فریبکار وسازش کار که در مقابل دیگراعضای شورا درتظاهربوطن دوستی ومحبت به مردم بهتر ومنظم ترعمل مینمودندوهم مبارزه شان با سرسختی

ودوام مدت توام بود که مطابق پلان طرح شده قبلی با شوخ چشمی بی پروائی ،فریب ،حیله واتحاد اعضای داخل پارلمان و اعضای خارج پارلمان عملی می شدقادربودند اعضای پارلمان را بزور امکانات دسترس داشته، حیله ونیرنگ، تطمیع، متقاعدواغواء نمایند .وهمدرخیابان ها ،مکاتب ،دوائر وفابریکه ها عمال شان با همبستگی کامل با رهبران شان که درپارلمان موقعیت داشتندهم آهنگی وقدرت نمائی می نمودندوسازماندهی می شدندچندان مفیدواقع نگردید بلکه با تبلیغات وپروپاگندشان وحمایه اتحادشوروی دولت را متهم به مداخله درامورپارلمان وسبب اصلی تحریک علماء وروحانیون معرفی نمودند .

بازهم دولت اشتباه دیگری را مرتکب گردیدوقتی عده ٔزیادی ازعلماء وروحانیون جیدوخداپرست که غرض اظهارتنفرراز کمونیزم ودولت خون آشام کرملین درمسجدجامع پلخشتی متحصن گردیدندومدتی بیش ازچهل روزرا آنجاء ذریعه بلندگوی های که نصب کرده بودند ،مردم شهرکابل را ازدسائیس وخباثت وعقیده باطل کمونست ها برحذرمینمودند ودرمقابل شدت وتوسعه نفوذکمونیزم درمملکت وبین مردم مسلمان افغانستان ومخصوصا" مردم کابل وبرای دوری جستن ومحافظت جوانان ازشرالحادوکفربی خدائی کرملین وحزب وابسته به آن به مبارزه برحق وحفظ عقیده اسلامی دعوت مینمودند .درحالیکه جزقرآن پاک وکتب مقدس اسلامی سلاحی باخودنداشتند ،علاوه براینکه دولت به آنها اجازه تظاهر خیابانی نداده (درحالیکه اعضای حزب مزدورخلق وپرچم همیشه درتظاهرات خیابانی خودنمائی میکردندوکسب قدرت مینمودندوازحمایه روسها ومخمدداودخان برخوردار

بودندوازترس این دوقدرت ویا ازسبب نقض دیموکراسی کسی مانع تظاهرات وخودنمائی شان نمیگردیدوبه این سبب حزب وابسته یکه تازمیدان عمل باقی مانده بود) علما جیدومسلمان وروحانیون خداپرست مستحصن شده را درمسجد همنگذاشتند .آنها را دولت بتاریخ ۴ جوزای ۱۳۴۹ ذریعه پولیس ودراثنای شب ازمسجدکشیدوتوسط موترهای که قبلاً آماده شده بودبولایات شان اعزام نمودند ،بازهم اعضای حزب وابسته وارگان های نشراتی مربوط کمونست ها این اجتماع علماء وروحانیون را عمل دولت ومسبب تحریک شان حکومت را معرفی نمودند .

ازجانب دیگردرزمانیکه دولت توجه وهمکاری دول دوست وممالک سرمایه داری وآزادغرب را جهت کمک اقتصادی وتخنیکی شان معطوف مینموددولت افغانستان امرتخریب کلیسای عیسوی راکه ذریعه سفارت امریکا درمقابل سفارت جدیدشوروی ساخته بودوازآن دراجرای مراسم مذهبی شان استفاده می کردندصادرنمودکه این امردرزمان حکومت موسی شفیق وطورناگهانی اجراء وکلیسای مذکورمنهدم گردید ،بدان ملحوظ عمل متذکره موجب آزرده گی ممالک غربی وقدرت نمائی کمونست ها به سرکرده گی اتحادشوروی ودیکتاتوران کرملین محسوب گردید .

به اینصورت کارهای مثبت واشتباهاتی که دردوره ده ساله حکومت نسبتاً" مردمی وقانونی افغانستان انجام شده بود توضیح گردید .مخصوصاً" حکومت های که ذریعه داکترمحمد یوسف بانی دیموکراسی وتدوین کننده ٔ قانون اساسی بسویه پارلمان ملی رویکارآمده بودودوره ٔ کارمرحوم میوندوال شهید ،شخصیت بارزسیاسی وملی افغانستان

ودوره‌کا رمرحوم‌موسی شفیق شهیدآ ن سیا ست مدا رومبـــا رز ا سلامی وملـی یا دآ وری گردید .که‌دونفرا خیرا لـذکرنیـــــز قربا نی ا هدا ف ودسا ئیس قدرت‌نما ئی سوسیا ل ا مپریالیست شوروی گردیدقا بل یا دآ وری ا ست ،که‌خا طـرا ت‌شا ن همیشه نزدمردما فغا نستا ن وا فغا نها ی مسلـما ن وحق شنا س زنـــده وجا ویدخوا هدبود .

هرگا ه‌ما ننداین شخصیت ها ی ملـی ووطن دوست دررا س‌حکومت دوا م‌مینمودنوا قعا" خوشبختی وشکوفا ئی نصیب مــــــردم ا فغا نستا ن میگردید .

یا ایها الذین آمنو هل ادلکم علی التجارة
تنجیکم من عذاب الیم. آمنوبالله ورسوله
وتجاهدون فی سبیل الله باموالکم وانفسکم
ذالکم خیرلکم ان کنتم تعلمون.

فصل سوم

شروع فاجعه در افغانستان
به رهبری کرملین

مرحله اول بازی های سیاسی برهبری کرملین که با شروع حکومت ودولت محمدداودخان وشمولیت یکعده ازاعضای حزب خلق وپرچم به نفع ماسکو درکابینه جمهوری محمدداودخان صورت گرفت یکدوره سیاه استعماری دیکتاتوران کرملین محسوب شده ودرتاریخ معاصر مملکت مالکه تاریخی وننگ نسل آینده خواهدبود. طوریکه همه اطلاع داریم درشب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ بودکه محمدداودخان مغروروقدرت طلب نسبت عقده ٔ که دربرابر قانون اساسی ۱۳۴۳ افغانستان گرفته بودوهم چشمی ورقابت که درمقابل پسرعم خودسردار عبدالولی خان وپادشاه سابق داشت وحس خودخواهی وجاه طلبی اووی که درمدت ده سال دورازصحنه سیاست وقدرت قرار داده بودوارا قدم به قدم عقب روءسای حکومات بولایات افغانستان می کشانیدوبروی چنین عوامل حاضرگردید

ملت غیور افغانستان با جنگ وقربانی عظیمی ودرنتیجه سه جنگ درسال های (۱۸۴۱ ، ۱۸۷۹ ، ۱۹۱۹) توانست استقلالش را ازبرطانیه آن غول استعمار بدست آورد.
برطانیه با درگیرساختن افغانستان درجنگ های استعماری اش زمینه را برای توسعه جوئی غول استعماری دولت های تزاری وبعدرژیم های کمونیستی جهانخوار برهبری کرملین ولنین آن شیادزمان مساعدنمود ،تا بقیه سرزمین های حائل یعنی ملل مسلمان بخارا وخیوه رابزورسرنیزه اشغال نموده ومرزهایش را به سرحدات افغانستان وصل نماید.
درنتیجه این رقابت های جهانگیری دوابرقدرت استعماری علاوه براینکه افغانستان به اشرخانه جنگی برادران سدوزائی ومحمدزائی ورسانیدن تلفات وخسارات زیاد ناتوان وضعیف گردیده بود ،روسها با جداء کردن منطقه با اهمیت پنجده ،کشک و درقدوبرطانیه جهانخوار با جداء کردن منطقه عمده سرزمین اصلی افغانستان یعنی ایالت صوبه سرحد افغانستان راکه میتوانست سدعظیمی درمقابل دیوکمونیزم باشدضعیف ترساختند .مخصوصا" برطانیه با بدست گرفتن مردم برادروافغان ایالت صوبه سرحد همیشه جهت اشتعال نائره جنگ بین دو ملت افغان وهم بین مردم پنجاب وافغانهای صوبه سرحدازآن استفاده نمود .با زهم با ترک نمودن نیم قاره هندوتقسیم آن بین دودولت جمهوری اسلامی پاکستان وهند .برطانیه آن آله برنده را برای آتش افروزی بین دودولت مسلمان افغانستان وپاکستان بدست غول جهانخوار روسیال امپریالیزم اتحادشوروی وهندسپردکه ازتاریخ تشکیل دولت جمهوری پاکستان تاکنون بحیث آله فشار

تا بهمدستی وهمکاری رهبران وعمال حزب وابسته بروس ها طرح کودتاء را علیه شاه سابق وپسرعم خود بپذیرد ،درحالیکه شاه نسبت تداوی ومعالجه درایطالیا بسرمی برد وسردار عبدالولی ظاهراً بحیث قوماندان قوای مرکزودرحقیقت بحیث فرمانده کل قوای مسلح نظامی مملکت ایفای وظیفه می نمود بروی پلان طرح شده درکرملین علیه شاه دست به کودتازد درست ساعت پنج صبح روز ۲۶ سرطان کودتای خودرا با دستگیری جنرالان قوای مسلح ،صدراعظم وقت ووزرای کابینه به ثمررسانید .

درساعت ۶ صبح روزمذکوروپس ازبه ثمررسانیدن کودتا در بیانیهٔ که ازطریق رادیوکابل به اطلاع هموطنان رسانید درآن دوره کارده ساله زمان بیکاری اش را یکدوره آنارشی خودکامگی ،بی بندوباری وبی کفایتی تعریف نمود ، از تبدیلی رژیم شاهی مملکت برژیم جمهوری یادآوری ومژده داد وعده نمودکه درتمام ساحه های سیاسی ،اجتماعی واقتصادی مملکت به نفع مردم افغانستان تحول عظیمی را بمیان خواهدآوردودوره آینده را فصل جدیدی درروابط اجتماعی به نفع مردم خواهدگشود .دربین بیانیه اش کم شنوی شاه را دربارهٔ عدم اعتنای شاه به پیشنهادات ومکاتیب خود مقصروضع فلاکت بارجامعه ومملکت معرفی کرد .

محمدداودخان درکابینه که بعداً معرفی نمودخودش را بحیث رئیس جمهوروصدراعظم خوانده بشمول حسن شرق که بحیث معاون صدراعظم معرفی کردجمعاً شش نفردرکابینه اش از جمله اعضای حزب مزدورکرملین شامل ساخته معرفی نمود .

محمدداودخان تحت رهنمائی مشاورین روسی وعمال کمونست شامل کابینه تحت نام اصلاحات اداری وسازمانده‌ی

درا رتش جمهوری اکثرجنرال های تحصیل یافته بسویه
ارکان حرب را از کاربرکنار نموده صاحب منصبان کم رتبه
که بعضاً درخفا عضوحزب مزدورشوروی بودندبه قوماندانی
فرقه ها توظیف نمودکه موجب عدم رضائیت صاحب منصبان اردو
گردیدوبالنتیجه به تخریبکاری شروع نمودند. مخصوصاً
با شمول غلام حیدررسولی دگروال متقاعدبحیث وزیردفاع
درکابینه محمدداودخان باعث انزجار تمام قطعات اردوی
مسلح افغانستان گردید.
فیض محمدخان که قبل ازکودتای محمدداودخان یک ضابط
دون پایه بودودرکابینه محمدداودخان بحیث وزیرداخله
تعین شده بودتوانست عده زیادی ازمعلمین ووابستگان
خودرا ازوزارت معارف که وزیرآنهم ازاعضای حزب وابسته به
کرملین شمرده می شدودیگردوائرموافقه خواسته بولسوالیها
مقررنماید، دروزارت مخابرات که محتاط عضوحزب کمونست
وقبلاً یک ضابط عسکری بوداکثرمامورین عالیرتبه
با تجربه ومسلمان رایابرطرف نمودویادرچوکی های خورد
تحت اثرمامورین خوردرتبه که حزبی بودندبکارگماشت.
درراءس وزارت مالیه جوان پاک ومسلمان ولی بی تجربه
بی دانش، ماموربا چالانی پشتنی بانگ را با قدرت بیش
ازاندازه بحیث وزیرمالیه وبعداً بحیث معاون صدراعظم
نیزمقررنمودکه توسط اودرچوکی های ریاست ومدیریت های
عمومی وعمده ازجوانان بی تجربه وبی دانش درراس امور
قرارگرفتند، مامورین عالیرتبه با حفظ رتبه تحت اثرآنها
بکارگماشته شدند.
بدینصورت سرنوشت اشخاص تعلیمیافته، داکترها، وماستر
ها، که سالها تجربه کارداشتندوبرتبه های بلندی رسیده

بودندیا صاحب منصبان رشیدوتعلیم‌یافته‌بسویه‌ارکان حرب بدست اشخاص بی کفایت داده‌شدویا از کاربرکنار شدند .مغزهای متفکر ،عالم‌وشخصیت های ملی وسیاسی وطن دوست‌که‌اکثراً" پس‌از استعفی محمدداودخان ازچوکی صدارت جمع آوری وبکار گرفته‌شده‌بودنددوباره‌فرارنموده ویاخانه‌نشین گردیدند .

مشاورین روسی پس‌ازمعاینه‌دیپوهای نظامی (که‌باید از نظربیگانه‌گان محفوظ می بود)بررسی کردند ،قدرت ارتش افغانستان ،تشکیل ،تعدادنفرات وظرفیت قدرت قوای مسلح رامطالعه‌کرده‌نظریه‌دادندکه‌تمام‌ذخائرنظامی سابقه غیرقابل استفاده‌است .وازتعلیمات نظامی که‌بسویه غرب بودباید‌صرف‌نظرشود ،برای تجدیدقوای نظامی لیست مطولی ازسلاحهای کهنه‌باقی مانده‌ذخائرنظامی شوروی ترتیب نمودندوبرای استفاده‌ازسلاح های روسی ،ضرورت معلمین لازم‌را بالیست مطولی ازافرادنظامی که‌باید‌در اتحادشوروی تربیه‌نظامی به‌بینند (مغزشوئی شوند)ترتیب گـــردید .

درساحه‌مناسبات اجتماعی که‌ترتیب قانون اساسی وفراخواندن لوی جرگه‌وعده‌داده‌شده‌بودوهم‌توضیح گردیده بودکه‌درآن قانون احزاب نیزتدوین وعملی‌میشودبه‌آینده موکول گردید .ولی حزب خلق وپرچم‌که‌اعضای شان درکابینه شامل وفعال بودندبه‌حمایه‌روسهاآزادانه‌فعالیت مینمودند که‌ذریعه‌تبلیغات ،اتهامات وپروپاگندهای شان توانستند محمدداودخان راتحریک وعدهٔ زیادی ازشخصیت های ملی مسلمان ،عالم‌ووطن دوست‌راکه‌گمان میکردندمانع‌آینده اهداف روسها میگردند ،باقتل ،حبس وتروروا عدام‌ازسررراه

خوددورنمودند ،درین جمله بحیث قربانی دوم ،سوم ،چهارم وپنجم اهداف کرملین قرعه فال بنام برادرشهیدمنها چ الدین گهیخ برادرانجنیرحبیب الرحمن شهیدمرحوم محمدهاشم میوندوال شهید ،مرحوم خانمحمدخان شهید ،مرحوم زرغون شاه خان شهیدوجنرال عبدالرزاق خان وجنرال عبدالسلام خان وامثال آن ازاشخاص وطن دوست وملی دیگرا صابت نمودکه درآن مقامات کرملین اندازه نفوذخودرا دربین کابینه محمدداودخان به آزمایش گذاشته ضرب شکستی هم بجهان غرب نشان دادندتا هرکسی که مقابل سیاست ونفوذ شوروی درافغانستان مانع ایجادنموده سدراه شودبه چنین سرنوشتی مواجه خواهدشد ،میوندوال مرحوم که یکنفر سیاستمدار ،عالم ،افغان مسلمان با دردونطاق ماهرمحسوب میگردیدومیتوانست درجامعه سربرآورده ،با فهم وقوه بیان خودمردم را بدورخودجمع نماید خان محمدخان جنرال معاون وزارت دفاع که شخص وطن دوست با معلومات وباتجربه نظامی وجنرال سابقه دار ردومحسوب می شد ،زرغون شاه خان دگروال که یک افغان پاک ،صادق ، مسلمان وشجاع بود با اشتراک عبدالرزاق خان جنرال هوائی که سابقه دار اردوبودنددربین قوای هوائی وقطعات اردوازاحترام واعتماد خاصی برخورداربودندوجنرال عبدالسلام خان ملکیار که شخص زحمت کش ویک صاحب منصب لایق وسابقه دار اردوبودنظربه دسیسه عمال کرملین شامل کابینه بوسیله تحریک شخص رئیس جمهوروبنا مطرح وکشف پلان کودتا علیه محمدداودخان توسط فیض محمدخان وزیرداخله عضوحزب مزدورکرملین درماه میزان ۱۳۵۲ یعنی درسال اول کودتای محمدداودخان گرفتار وپس ازشکنجه وعذاب با اعترافات جعلی میوندوال مرحوم را درداخل محبس ذریعه اطهرقوماندان

گا ردوفیض محمدوزیردا خله بقتل رسا نیده وتبلیغ خودکشی نمودند .خا ن محمدخا ن وزرغون شا ه خا ن شهیدرا بنا م جعلی حکم محکمه نظا می ا عدا م ،عبدا لرزا ق خا ن وعبدا لسلام خا ن را به حبس ا بدو میعادی دا خل زندا ن فرسوده نمودند ومضمحل سا ختندکه به ا ینصورت ا عضا ی حزب مزدوروبرهبری کرملین محمددا ودخا ن را بحیث آ له همدست جنا یا ت دیکتا تورا ن کرملین قرا ردا دند .

بنا م ا صلاحا ت ا رضی وبرهنمونی کمونست ها ی شا مل کا بینه درقدم ا ول طرح ا صلاحا ت ا رضی را که نصا ب ملکیت را یکصد جریب قرا ردا ده بودند وما لیه آ ن بصورت مترقی وبرما زا د پنج جریب وضع شده بودکه پردا خت ما لیه مخصوصا" برا ی ملاکین عمده که درسا حه ا را ضی دشتی وزرع نوبتی درسه ویا چا رسا ل ا زسبب کمبود آ ب زرع میگردیدکمرشکن محسوب میگردید ،مخصوصا" درزما نیکه ا را ضی دولتی نسبت کم علاقگی مردم به زمین دا ری ،قسمت ها ی ا زا را ضی سمت شما ل بدون آ ب که ا کثرا" بصورت للمی زرع میگردیدویا ا را ضی مخروبه لوغزا روریگ زا رکه غیرقا بل زرع بودندا زطرف دولت ها ی وقت دربدل معا ش تقا عدبه صا حب منصبا ن عسکری وما مورین ملکی دا ده شده ویا بصورت بخششی ا زجا نب دولت به ا شخا ص ا عطا ء گردیده بودکه ما لکین جدیدبا ا ثرزحمت کشی وبا مصرف لک ها ا فغا نی آ نرا آ با دکرده آ نرا بصورت نوبتی زرع می نمود .فرضا" دریک پیکا ل چنین ا را ضی طورنوبتی دریکصد جریب ودریک گوشه ا زین پیکا ل درسا ل گندم زرع مینمود که برا ی آ ن ما لک زمین ترا کتور ،دهقا ن ووسا ئل دیگر زرا عتی را آ ما ده نموده بودندکه ا زحا صل زرع سا لانه یکصد جریب آ ن مصا رف یک فا میل را پس ا زوضع مصا رف زرا عتی

تکا فونموده میتوا نست ،فرضا" ا گرما لیه‌کل زمین را بصورت
مترقی وا زما زا دِ پنج جریب می پردا خت یعنی ما لیـــه
مترقی ۳۹۵ جریب شا مل یک پیکا ل (ا را ضی سمت شمـــا ل
بصورت پیکا ل که‌معا دل ۴۰۰جریب میبا شدمحا سبه میشود)را
می پردا خت بعلاوه‌حا صل بدست آ مده‌با یدمقدا ری پول‌دیگری
ا زجیب خودپردا خت مینمود ،درحا لیکه‌درده‌سا ل ا خیردولت
ها ی قبل ا زرژیم‌جمهوری محمددا ودخا ن برا ی آ با دی‌ومزروع
سا ختن ا را ضی با ئردردشت ها ی دل آ را م ،بکوا ه ،دشت خواجه
ا لوا ن مردم‌را تشویق می نمودندکه‌هرقدرزمینی که‌میتوا نند
آ با دنما یندکه‌با ا ین تشویق دولت بسا ء ا شخا ص که‌توا نا ئی
ما دی دا شتندبا فروش‌خا نه ،ا ثا ثیه ،قرض وربح ویا شـــل
زرا عتی وآ با دنمودن زمین ا زقبیل ترا کتور ،وا ترپمـــپ
بولدوزر ،جنرا توربرقی تهیه‌نموده‌قسمت عمده‌ا را ضی با ئر
دشت ها ی سوزا ن منا طق مذکورقا بل زرع گردیده‌دراینوقت
تا زه‌به‌حا صل آ مده‌بود .با ا ین تصمیم‌دولت ووضع‌ما لیـــه
مترقی وملاحظه‌عدم‌توا نا ئی ا دا ی ما لیه‌مترقی ما لکیـــن
زمین ها ی عمده‌ما یوس شده‌دست ا زفعا لیت کشیدندوا را ضی
آ با دشده‌را دربدل ما لیه‌بدولت رها نمودند .چون دولت توان
بهره‌بردا ری راا ز ا را ضی مذکورندا شت ،ا را ضی آ با دشـــده
که‌با عث سرسبزی منطقه‌وتغیرآ ب وهوا ی قسمت ها ی ا زمملکت
شده‌بودوا پس بدشت ها ی بی حا صل ولوخ زا رتبدیل‌گردید .
محمددا ودخا ن برهنما ئی عما ل روس وبه‌سیستم‌روسی شـروع
نمودتا موا دا ستهلاکی را ذریعه‌دولت تهیه‌کرده‌درمغا زه‌ها ی
دولتی ذریعهٔ‌ما مورین بفروش برسا نند ،مغا زه‌ها ی بنمونـوی
راا عما ر ،ا تحا دیه‌ها وکوپـرا تیف ها را بشکل کلخوزوسلخوز
ولی تخت نا م‌کوپرا تیف وا تحا دیه‌کها سا س پروژه‌هـــمـــا ی

دولتی ساختن اقتصاد روسیه بود شروع نمود.
این کارها را دولت تحت رهنمائی مشاورین روسی وبرای وابستگی کامل اقتصاد افغانستان بروسیه تحت آزمایش گذاشت تا با ازبین بردن اراضی زراعتی که نسبت تطبیق مالیه مترقی ازجانب مالکین بدولت واگذار می گردید ودولت هم توان زرع آنرا نسبت عدم موجودیت وسائط زراعتی عصری ومدرک مالی نداشت کمبود مواد غذائی بوجود آمده مملکت ازحیث مواد غذائی کاملاً بروسها متکی شود وروسها مواد غذائی که بنام کمک به افغانستان وارد، مینمایند توسط مغازه های اعمار شده از طریق کوپون صرف به آن عده مردم که با روسها همکاری نمایند و ذریعهٔ دولت توزیع کرده باشند وتمام مردم افغانستان دست نیاز شانرا بدامان روسها دراز نمایند. وهم درآینده که روسها پلان اشغال افغانستان را عملی می سازد اساس اشتراکیت را پیش از پیش توسط محمد داود خان وتحت نام او وپس از مداخله مستقیم شان تطبیق کرده باشند.
به اینصورت محمد داود خان درتمام مدت سه سال اول ریاست جمهوری اش قدم به قدم تحت رهنمائی ودیکتی که کرملین به ارتباط اعضای حزب مزدورشامل کابینه بوی تلقین مینمودند عملی می نمود تا هدف های کمونیست سازی جامعه افغانی تحت نام او ودرافغانستان تحقق پذیرد گویا او ذریعه روسها کاملاً مغزشوئی شده باشد که ازخود فکر وارا ده نداشته ویا نتوانسته ابراز نماید حتی گارد محافظ ارگ نیز توسط اعضای حزب مزدور وتحت نظر اظهر قرار داشت.
در اواخر سال ۱۳۵۵[۴] بود که محمد داود خان بخود آمد و متوجه گردید که روسها عملاً تمام مشئون مملکت را ذریعه عمال شان

بدست گرفته اند وخودش توسط عمال و وابسته به کرملین محصور شده است .شاید این الهام توسط دوستان وشخصیتهای ملی وباوصف کمشنوی ذاتی محمدداودخان بوی تزریق شده باشد لهذا به فکر افتید تا خود و مملکت را از دام روسها برهاند وروی همین تغیرعقیده .برادرش سردار محمدنعیم خان را بحیث نماینده خاص به امریکا واروپا فرستاد که نامبرده در ماه سرطان ۱۳۵۵ از رئیس جمهور امریکا ورئیس جمهور فرانسه دیدار نمود وبا آنها مذاکره کرد .متعاقب آن باز هم گاندی صدراعظم اغواگر هند به تب وتلاش افتید وشاید با تفاهم با روسها وبمنافع روسها وارد کابل شد .درماه اسد ۱۳۵۵ هانری کسینجر وزیرخارجه امریکا از کابل دیدن نمود ودرهمین ماه اسد محمدداودخان غرض اشتراک درجلسه سران ممالک غیرمنسلک عازم سریلانکا گردید باسران ممالک اسلامی وممالک غیرمنسلک ودوست ملاقات ومذاکره نمود واز آنجا مستقیما" سفری به پاکستان نمود با بوتو مذاکره کرد درماه حمل ۱۳۵۶ محمدداودخان سفری به مسکو نمود ،طوریکه افواه گردید درهمین سفرمسکو بود که برژنیف درقسمت روابط آینده افغانستان با دیگردول جهان اظهار رشک وتردید نموده که ازجانب محمدداودخان اظهارات برژنیف مداخله علنی درامور افغانستان شناخته شده ومناسبات او را علنا" با روسها غیرعادی ساخته است .

درماه سنبله ۱۳۵۶ محمدنعیم خان سفری به ایران نمود که کمک دولت ایران را درساختمان افغانستان وعده گرفت .

درماه سنبله ۱۳۵۶ کمک های شامل نوزده ملیون دالری امریکا بین خرم وزیرپلان افغانستان وسفیرامریکا به امضاء رسید امضای همین موافقتنامه بود که علی احمد خرم فرمان

قتل خودرا ذریعه (کا ،ج،ب)ا مضاء نمود.
همچنان درماه سنبله همان سال عبدالعظیم خان پسرکاکای محمدداودخان که بحیث آتشه' نظامی افغانستان درمسکو بسرمی برددرآنجا بشکل مرموزی بقتل رسیدکه عامل آن عمال (کا ،ج،ب) شناخته شد،این هردوقربانی به منزله اخطاری بودبرای محمدداودخان تا هوشدارباشدکه ازخط مشی کرملین مانندمصرسرنتابدوالی آینده او نیزچنان خواهد بود.
درسلسله تب وتلاش های خودمحمدداودخان برای کشیدن اش ازحلقه محاصره عمال روس درماه میزان ۱۳۵۶ از جنرال ضیاءالحق رئیس جمهوری جمهوریت اسلامی پاکستان درکابل پذیرائی نمودوهم درهمین سال رئیس جمهوری جمهوریت مجارستان ازکابل دیدن کرد.این دیدارها ودیدارهای محمدداودخان ازمملکت های آزاد واسلامی وغیرمنسلک ودیدارهای محمدنعیم خان ازبعضی ممالک ودیدارسران ممالک آزاد از افغانستان محمدداودخان راازعواقب سیاست موجوده او ونقض سیاست بیطرفی اش وحرکت یکجانبه بسوی آغوش روسها برحضرساخت.بالخاصه روسها واعضای حزب شامل کابینه با صحنه آرائی درگردهم آوری اعضای لوی جرگه محمدداودخان وبه تصویب رسانیدن قانون اساسی خود ساخته اش که بتاریخ ۲۹ دلو ۱۳۵۵ به تصویب رسانیدودرآن از سیستم یک حزبه نام برده شده بودبی اعتماد ومشکوک شده بودندودراکثرموارد اعضای حزب مزدوربا وی علناً" مقابله می نمودندکه محمدداودخان رازیادترازکرملین واعضای حزب وابسته دورساخت.وقتی که در ۲۵ سرطان ۱۳۵۶ قانون حزب محمدداودخان نشرونافذگردیدعکس العمل اعضای

بردولت های پاکستان وافغانستان از جانب اتحاد شوروی ودولت همدست آن یعنی جمهوری هندوستان گاندی مورد استفاده قرار میگیرد. اخیراً بوسیله همین آله وبهانه مسلح شدن دولت برادرومسلمان پاکستان ذریعه کمک های نظامی واقتصادی دولت امریکا، تبلیغات وتخویفات کاذب جانب دیکتاتوران کرملین ورژیم گاندی براه انداخته شد رهبران کرملین اولاً سلاحهای کهنه نظامی شان را بالای دولت های افغانستان وهند به قیمت کمرشکنی تحمیل نمودوبعداً بنام کمک های اقتصادی وتخنیکی اش هزاران نفرجاسوسان (ک، ج، ب)را واردافغانستان نمودند متعاقباً بیش ازیکصدوپنجاه هزارنفرقوای مجهزبسلاح های عصری را برای اشغال دائمی افغانستان وارد خاک افغانستان کردند. تابعدازقتل عام مردم افغانستان این سرزمین عقاب ها را به ویرانه تبدیل کرده راه پیشروی اش را جانب بحرهندوخلیج فارس باز نماینـد.

دولت هندوستان گاندی نیزمانند دولت برطانیه سابقه هنوزخواب است فکرمیکندکه دیکتاتوران کرملین پاس دوستی وهمکاری را نگاه خواهدداشت وپس از اشغال افغانستان وپاکستان بسرزمین هندوستان مداخله نخواهدکردوازنتیجه دوستی روسها با دولت افغانستان ودیگرسرزمین های تحت استعمارروسیه پندوعبرت نگرفته است با شدتا دیده شود.

بهرصورت اقدام روسیه جهانخوار برای رسیدن به هدف اصلی مدنی نسبت به اشغال افغانستان توسط برطانیه وبعداً با درگیری درجنگ جهانی اول ۱۹۱۴ وجنگ جهانی دوم ۱۹۴۰

دراکثرا ین سفرها یش مخصوصا" مذا کره با ا نورسا دا ت رئیس جمهور مصروجنرا ل ضیاء ا لحق رئیس جمهورجمهوری ا سلامی پا کستا ن نسبت خدعه وحتی ا زپلان طرح کودتا ی روسها علیه دولت خودآ گا ه شد .لهذا رهبرا ن کرملین ذریعه ا عضا ی حزب مزدوردردورا ن سه سا ل جمهوری محمددا ودخا ن ا و را بحیث آ له در دست سیا ست ا هدا ف کرملین قرا ردا دند ،بسا ا شخا ص ملی وبا معلوما ت وشخصیت ها ی سیا سی افغا نستا ن را ذریعه ا ودررا ه تحقق ا هدا ف روسها ا زبین بردند .

محمددا ودخا ن درجلسه جرگه نا منها دکه بتا ریخ ۲۹ دلو ۱۳۵۵ قا نون ا سا سی دولت جمهوری خودرا ذریعه آ ن به تصویب رسا نید ،درمعرفی کا بینه که ا عضا ی حزب وا بسته تا آ نوقت روزشما ری مینمودندوفکر میکردندکه با زهم ممکن ا ست در کا بینه جدیدچوکی بیشتری بدست آ ورند..دیدندکه یکنفرهم ا زا عضا ی حزب مزدوردرکا بینه جا ی دا ده نشده ،ا زمحمد دا ودخا ن ما یوس وشروع به تخریبکا ری ،وتبلیغ نمودند مخصوصا" تخریبا ت شا ن با ا نفا ذ قا نون ا حزا ب که در آ ن صرف ا زیک حزب نا مبرده شده ودیگرا حزا ب غیرقا نونی وا نمودکرده شده بودزیا دترشدت گرفت ، گویا با ا نفا ذ قا نون ا حزا ب آ ب سردی روی دست ا عضا ی حزب که هنوزا مید وا ربه همکا ری محمددا ودخا ن بودندونسبت به عدم آ ما دگی شا ن برا ی بدست آ وردن قدرت سیا سی قا درنبودندریخته شد ا زطرف دیگرمنورین وصا حب منصبا ن عا لیرتبه ا ردوکه فکر میکردندبا تغیرجهت سیا سی دولت درکا بینه جدید محمددا ود خا ن شخصیت ها ی عا لم منوروشخصیت ها ی ملی شا مل سا خته خوا هدشدتا ا زبی سروسا ما نی ا وضا ع که مملکت دوچا ر آ ن گردیده بودومظا لم ونا عا قبت ا ندیشی خوردضا بطا ن

یعنی ضابط سالاری مملکت وملت نجات یا بددیدندکه در کابینه جدیدبا زهم همان خوردضابط سالاری حکمفرما است خوردضابطان بی تجربه وبدون شخصیت ،فاقدعلم ودانش برسرقدرت اندوبرسرنوشت مملکت وملت شعبده بازی میشود آنها هم فوق العاده ازدولت مایوس گردیده دوری جستند .
مقامات کرملین فکرمیکردندالی زمانیکه حزب وابسته قادرمیشودمستقیماً" قدرت را بدست گرفته وساحه نفوذشان را ازلحاظ کمیت وکیفیت درهمه اطراف افغانستان بحد لازم انکشاف دهند ازمحمددا ودخان کاربگیرند .با درنظر گرفتن محتوای قانون اساسی وقانون احزاب ومخصوصاً " ترکیب کابینه محمدداودخان که درآن حتی یکنفرهم از اعضای حزب وابسته شرکت داده نشده اعتماد شان را از محمدداودخان کاملاً"صلب نمودندبا هم عقیده نداشتندکه به این زودی وسیله سرنگونی اورا الی زمانیکه از جانب حزب وابسته بـــرای بقدرت رسانیدن شان مطمئن نشوندفراهم نماید .ولی محمدداودخان با سفرهای که اخیراً" به ممالک اسلامی نمود ومخصوصاً" قادرگردیدکه از ممالک جهان آزاد واسلامی کمک های مالی واقتصادی دریافت نماید ومیتوانددررا ه اعمار افغانستان جهت تمویل پلان پنجساله دوم خودرا ازفشار دسایس وتوطئه های کرملین بی نیاز سازد ومعتقدشدندکه محمدداودخان نیزمیخواهدمانندهدوره حکومت اش ومانند دولت مصرخودرا ازساحه نفوذ روسیه نجات بخشد .روسهـا می دانستندکه تا امروزبواسطه همین کمک ها بودکه دولت افغانستان را بدام استعماری واستثماری شان کشیده ومحصورنموده بودندوهم روسها ملتفت بودندکه دولت افغانستان اختلافات خودرا برسرمسله آب هلمندبا ایران حل کرده وطوری این مسله بدوستی طرفین انجامیده که کنون

بوساطت شاه ایران می توانند با دولت مسلمان پاکستان اختلافاتش را برسر مسلهٔ ایالت صوبه سرحد یعنی (آله فشار استعماری)نیز رفع نماید که در آینده چانس استفاده از آن برایشان میسر نیست .ممکن است وعده کمک های عربستان سعودی ،ایران ،کویت ودیگر ممالک اسلامی افغانستان را مانند مصر از ساحه نفوذ شان خارج گردانند واز جانب دیگر روسها با استفاده از روحیه مردم وآزرده گی شان از محمد داود خان به نسبت ترکیب کابینه که در آن با زهم شمولیت همان خوردضابطان باعث دوری جستن منورین وشخصیتهای ملی از همکاری با محمدداود خان او را تنها درمقابل یکعده مشکلات ونارسائی های اداری ،سیاسی واقتصادی ونظامی قرار داده که تواند آن انسجام آن توسط شخصیت های بی تجربه وبی دانش منفورجامعه ممکن نیست .

وعلاوتا" سفرهای اخیر محمدداود خان زیادترسوء ظن رهبران کرملین را تشدیدنمودوشاید محمدداود خان هم درضمن سفرش به مصروپاکستان از طرح پلان کودتا علیه خود متیقین شده باشد که به این ملحوظ وپس از بازگشت سفرهایش درنظرداشت هرچه زودتربوابستگی یکجانبه بروسها خاتمه بدهد وسیاست عنعنوی بیطرفی افغانستان را مجددا" احیاء نماید .

چون روسها که اهداف شان را با تقویه حزب وابسته درهمه شئون دولت وبا اغفال غرور وخودخواهی وعقده های شخص وفامیلی محمدداود خان تا حدممکن پیشبرده بودند ،کنون درشرایط که ناخواسته بمیان آمده بود وفکرکردندکه بعدازین وروی بی اعتمادی که بوجودآمده نمیتوانندد رپیشبرد اهداف شان از محمدداود خان استفاده کنند وباوصف که هنوز حزب وابسته از نگاه کمیت وکیفیت به آن حد نرسیده بودکه قدرت

سیاسی را بدوش بگیرد صرف روی مجبوریت وقبل از وقت پلان طرح کودتای ۷ ثور را ذریعه مشاورین روسی در اردوی نظامی افغانستان علیه جمهوری محمدداودخان طرح وتطبیق نمودند که با به ثمر رسانیدن کودتا درروز ۸ ثور ۱۳۵۷ این مرتبه خود محمدداودخان با عده از اعضای فامیل او ومحمد نعیم خان وفامیلش ودونفر از وزرای فداکارش وعده از افراد وصاحب منصبان گارد جمهوری وقطعات میدان هوائی با قوماندان هوائی ومدافع هوائی وعده بی شماراز قوای مسلح فرقه ریشخور وفرقه ننگرهار با وزیر دفاع بی کفایت او درهمان شروع روز اول کودتا قربانی اهداف استعماری بسوی دستیافتن به آبهای گرم بحر هند وتصاحب ذخائر غنی نفت خلیج فارس گردیدند .

برای بوجود آوردن بهانه وانگیزهٔ کودتا درطرح پلان روسها قربانی دیگری از اعضای حزب وابسته درنظر گرفته شده بود .میراکبرخیبر که خود یک عضو برجسته حزب بود ذریعه اعضای (کا ،ج ،ب) درروز روشن ترور شدتا قتل اورا وسیله برانگیختن احساسات اعضای حزب ومردم افغانستان وا غفال جهانیان برای بحق جلوه دادن عمل کودتا توسط حزب وانمود کرده باشند .به اینصورت روسها بایک تیر سه نشانه را هدف قرار دادند ،یک جانب وسیله برانگیختن احساسات اعضای حزب شدند که بدون آن اعضای حزب جرئت نمی کرد با قدرت رژیم پنجاه ساله مقابله نماید .دوم مشروع جلوه دادن عمل کودتا توسط حزب وعلیه رژیم تروریست .سوم از بین بردن میراکبرخیبر که با وصف موجودیت او بحیث مسؤل بخش نظامی حزب ونفوذش دربین حزب روسها نمیتوانستند نوکران سرسپرده چون تره کی وکارمل را به قدرت برسانند .

ا زآ نجا که روسها ما دی پرست ا ند درنزدشا ن دوستی
پا سدا ری ،ترحم وعا طفه ا صلا" وجودندا ردا نسا نها بحیث
آ له ویا عصا ء ها ی ا ندکه توسط آ ن خودرا تقویه می نما یند
وقتی صحت شدند ومطمئن گردیدندکه دیگربه عصا ء ضرورت
نیست وا حتیا ج رفع شده ویا عصا ء شکسته دیگربدردنمیخورد
با یدسوختا نده شودتا نا ن دیگرا ن را ذریعه حرا رت آن بپذند
چنا نچه آ ینده خوا هیم دیدروسها ی ما دی پرست میرا کبرخیبر
را که خودبا همین عقیده ما دی پرستی آ را سته بودندکه پیرو
معتقدبه ما ده بودومحمددا ودخا ن که ا گرحزبی نبوددرا شر
ا غفا ل وغرورش تا زما نیکه برا ی ا هدا ف کرملین خدمت
وکا رمیکردوبه منزله عصا ی دست روسها بودندا زآ نها کار
گرفتندوقتی ضرورت رفع شدویا شکستندوبیکا ره شدندبا ید
میسوختندوا زبین میرفتندتا نا ن دیگرا ن ذریعه شا ن پخته
می شد ،لهذا میرا کبرخیبرومحمددا ودخا ن را برای پیشبرد
ا هدا ف شا ن طوری سوختا ندندکه بعدا" تره کی آ ن نا بغه
خودسا خته روسها وا مین آ ن سا تورجلادخا نه خودرا سوختا ندند
تا نا ن کا رمل را ذریعه آ ن بپذند .

بلی ا ین ا ست رسم ،عقیده وعمل روسها وکمونست ها ،سردا ر
محمددا ودخا ن را رهبرکبیر ،میرا کبررا ستا دورهبرگفتند
تا زما نیکه ا زآ نها کا رگرفته می شدکا رگرفتندوبعدا ز
سوختا ندن شا ن غدا رگفتندوخا ئن شدند ،تره کی را نا بغه
وا مین را شا گردوفا دا روسرقوما ندا ن ا علی ا نقلاب شور
گفتند ،وقتی کا رگرفته نمی شدیکی را با با لشت خفه نمودند
وآ ن دیگری را پس ا زمسموم کردن دربسترخوا بش ذریعه
جنرا ل روسی که بهمین هدف بکا بل آ مده بود ،ذریعه تفنگچه
تی تی محکوم به مرگ نمودندونوکرا مپریا لیست خطا ب

کردند .اینست نزدروسها وملحدین نتیجه‌دوستی وخدمت گذاری .

پس ازترورمیراکبرخیبرودرروزتشیع‌جنازه‌اش که‌اعضای (کا ،ج،ب) واعضای سفارت شوروی طور وضوح دربین تشیع کنندگان دیده‌می شدندوتشیع‌کنندگان درحدودده‌هزارنفر تخمین می شد ،روسهای اعضای سفارت ،اعضای حزب را تحریک مینمودندکه‌ترورخیبرعمل وکاردولت است در حالیکه‌ثابت بوددولت مرتکب آن نشده‌بود ،هرگاه‌دولت میخواست دست به‌چنان عملی بزندمی توانست بدون سروصدا اورا ازراه‌برباد ویا درشب ازخانه‌اش کشیده‌محونماید بدون‌اینکه‌کسی ملتفت شود .بلکه‌دولت پس ازتصویب قانون اساسی وتحکیم‌قدرتش وبدون انگیزه‌ومزاحمت احتیاجی به‌شوراندن وتحریک اعضای حزب مزدورنداشت .

به‌اثرتحریک روسها که‌شایدکارمل هم‌ازین توطئه‌وپلان روسها مطلع بوده‌باشد ،کارمل درحین مراسم‌تدفین‌جنازه خیبردربیانیه‌اش قسم‌یادکردکه‌انتقام‌خون خیبررا خواهد گرفت وصریحاً" مسبب قتل اورا عمال دولت معرفی نمود .

بلاثراین تهدیدونشان دادن زوردرملای عام‌کارمل ،دولت ورا علامیه‌که‌شب بعدازرادیوکابل پخش نموداعلام داشت که‌یکعده‌خائنین بوطن که‌خیال براندازی وحشت واغتشاش را داشتندگرفتارکرده‌شده‌اندباقی ماندهٔ‌اشخاص مظنون نیزتحت تعقیب اند ،پس ازگرفتارشدن محاکمه ومجازات خواهندشد .

ازجانب‌دیگر روسها که‌موقع راازدست رفته‌می دیدند مجبوراً" وزودترازوقت تعین شده‌دست به‌طرح پلان کودتا شده‌وتسریع‌عملی کردن آن‌را بدوش مشاورین روسی مستقر

درقطعات قوای زرهی گذاشتند وتاریخ عمل نمودن آنرا
روز ۷ ثور ۱۳۵۷؟ که شب جمعه بود برای اجرای کودتا تعیین
وتثبیت نمودند. مطابق پلان طرح شده اعضای حزب مزدور
صبح روز مذکور باید جهت مظاهره سهم میگرفتند و از جانب
عمال روس برای جلوگیری تخریب کاری مظاهره چیان
که همان اعضای حزب بودند باید به دولت موضوع مهم
وخطرناک جلوه داده می شد تا اجازهٔ خروج تانکهای زرهی
برای جلوگیری از خطر مظاهره از وزیر دفاع حاصل می شد.
همان بود که با براه افتیدن مظاهره چیان که تعداد شان هم
محدود وبدون سلاح بودند ذریعه عمال حزب از غلام حیدر رسولی
اجازه مرخروج تانک ها از قشله قوای زرهدار حاصل گردید
درحالیکه درمظاهرات خیابانی گذشته به اشتراک دها هزار
نفر محصل و اشخاص عادی صرف عده محدود پولیس بدون سلاح
کفایت می نمود، اینکه وزیر دفاع چطور اجازه داد که مقابل
مظاهره چیان محدود بدون سلاح تانکهای زرهی را وارد معرکه
نماید سوال قابل فهم بود مگر وزیر دفاع بی مغز داودخان
آنرا درک ننمود وخود را هم درنتیجه نافهمی اش و در آتش که
افروخت آتش زد.
بهرصورت ساعت ده بجه روز پنجشنبه ۷ ثور با وصول تانکها
بشهر کابل وبه مقصد حفظ امنیت شهر وجلوگیری از خطرات
وخرابکاری مظاهره چیان دفعتا" دراطراف ارگ جمهوری
ومقر رئیس جمهور موضع گرفته بالای ارگ شروع به آتش باری
نمودند. طوریکه شاهدان عینی اظهار نمودند اکثر سرنشینان
تانکها که شامل سی عراده انتخاب شده ومطابق پلان روسها
از تانکهای مربوط به اعضای حزب وتعداد دیگر به سرنشینی
مشاورین روسی اشتراک داشتند. با شروع آتش باری قوای

مهاجم‌قوای دفاعی گاردجمهوری نیزکه‌با اسلحه‌دافع‌تانک مجهزبودندبه‌مقابله‌پرداختندکه‌درنتیجه‌چندعراده‌تانک باسرنشینانش درپیشروی اردوقوای گاردجمهوری محترق گردیده‌وسوختندقریب بودکه‌بااثرمقاومت دلاورانه‌قوای گاردجمهوری ودرحوالی ظهرباتمام‌شدن مرمی های شان عقب‌نشینی نمایندوکودتای روسی به‌ناکامی مطلق منجر گردد .معلوم‌شدکه‌بااحساس ناظرین روسی ازشکست قوای مهاجم‌وناکامی کودتاودراثرمخابره‌باتاشکنددفعتاً" دوفروندطیاره‌روسی بالای اردوجمهوری نمایان گردید که‌ذریعه‌بمبارد‌مان آنهاچون قوای گاردجهوری مجهزبسلاح دافع هوائی نبود ،افرادقطعه‌گاردجمهوری تلفات سنگینی برداشت باهم‌مدت دیگری مقاومت جدی نمودندامادراثر قلت افرادشان وکمبودمرمی مقاومت شان ضعیف گردید .از جانب دیگروقتی که‌باضعیف شدن قوای مقاومت اردوبه‌اثر بمباردطیاره‌های خارجی قوای مهاجم‌جرئت یافتندوبارسیدن عدهٔ دیگرتانک ومرمی روحیه‌شان قوی شدبه‌حملات خودشدت بخشیدندوطیاره‌های مهاجم‌هم‌که‌درین وقت ازبمبارد‌مان اردوفراغت یافته‌بودبالای قوماندانی قوای هوائی ومدافع هوائی شروع به‌آتش باری کردندکه‌دراثرآن قوماندان هوائی ومدافع هوائی باعدهٔ ازمنسوبین قوای هوائی حاضربقتل رسیدند .اسلم‌وطنجاروعبدالقادرواعضای حزب وابسته‌کهازمنسوبین اردوی نظامی افغانستان و در صحنه‌جنگ حاضربودندتوسط تانکهای جدیدیکه‌بعدا "ازقشله خارج‌نموده‌بودندخودرابمیدان هوائی ومرکزرادیوکابل رسانیدندوهردونفرمذکورقدرت رابدست گرفتندکه‌ازمیدان هوائی‌بسرنشینی‌پیلوتان حزبی توانستندچندطیاره‌افغانی

را بهپروازدرآوردهوجای نشین طیارههای خارجی سازند. وراديوافغانستان رافعال ساختهازدستگاههای فرستنده آن مارشهای نظامی وخبرهای مربوط کودتاوازبین رفتن محمدداودخان وفامیلش راپخش وبهاطلاع مردموجهانیان برسانند. درحالیکه هنوزخودمحمدداودخان الی ساعت ۶ صبح روز ۸ ثورزندهوازارگ جمهوری دفاع مینمود.

بایدتوضیح نمائیمکه غلامحیدررسولی وزیردفاع کهدرارگ جمهوری ودرجلسهعادی کابینهٔحین شروع آتشباری بارگ اشتراک داشتهوحاضربود. باشروع آتشباری براگ برای رسانیدن کمک بهقوای مقاومت ارگ ازارگ خارجشدهبود قراریکهبعداً"معلوم گردیدنامبردهاولاً"بهقشلهفرقهقرغه رفتهبهقوای مذکورامرحرکت بجانب ارگ جمهوری راصادر نمودهبودمگرقوای فرقهقرغهنسبت نفرتی کهازوزیردفاع داشتندامرواورابا ظهارتنفراطاعت نکردند. بعداً بهمین منظورروانهفرقهریشخورگردیدوبرای مدافعهارگ جمهوری ودولتافرادوقوای کهحاضربودند بغرض رسانیدن کمک از قشلهخارج گردیدندوقتی کهدرعرض راهقوای مذکوربحصه دهمزنگ رسیدندزیرآتش طیارههای کهازمیدان هوائی به پروازدرآمدهبودندقرارگرفتهوتانکهای اضافی مواصلت نمودهازقشلهقوای زرهداراوشان راموردحملهقراردادکه پس ازجنگ ومقابلهشدیدمجبوربهعقب نشینی گردیدند وواپس بهریشخورعودت نمودند.

بهاینصورت ازجانب هردوفرقهکمکی بهقوای مقاومت ارگ رسیدهنتوانست. غلامحیدررسولی وزیردفاع ویاور وموتروانش درحصهچارآسیاب نسبت نفرتی کهقوای نظامی ازاوداشتندبهقتل رسیدوقربانی اهداف روسها شد.

کابینه محمد داودخان که در ارگ جمهوری تشکیل جلسه نموده بودند وبعد از شروع آتش باری تانکها، محمد داودخان به اعضای کابینه اش اجازه داد تا از ارگ خارج شوند وخود را برای سلامت ماندن تسلیم قوای مهاجم نمایند که از جمله دونفر از اعضای وفادار کابینه اوکه وفاداری شان را به رئیس جمهور نشان دادند تا آخرین رمق با اعضای فامیل برادر وپسرانش از ارگ جمهوری دفاع نمودند تمام روز ۷ثور مدافعه کردند. آن دونفر اعضای کابینه اش شامل عبدالاله خان وزیر مالیه ومعاون صدارت عظمی وعبدالقدیرخان وزیر داخله اش در راه رهبرخود با فداکاری خود را قربان نمودند. بعد از ظهر به اثر آتشباری شدید قوای مهاجم وتمام شدن مرمی ذخیره ارگ یک یک از اعضای فامیل وچندنفر از افراد قوای مقاومت ارگ باقی مانده بودند وبس. با هم به اسرار قوای مهاجم ووعده های که برایش داده می شد الی ۶ صبح روز ۸ ثور دست از مقاومت نکشید تا اینکه یکی از صاحب منصبان مهاجم وقوای کمونست با ویران کردن دیوار ارگ ذریعه تانک داخل مقررئیس جمهور شده او را که تنها با عده اطفال وچندنفرزن زنده باقی مانده بودند دعوت به تسلیم شدن نمود. محمد داودخان برای تسلیم شدن او را دعوت کرد که از تانک خارج شود درین فرصت آخرین مرمی که برایش باقیمانده بود بالای صاحب منصب کمونست فیر نمود که او را مجروح ساخت وبعداً" به اثر رگبار مسلسل تانک نشینان خودش هم سوراخ گردیده جام شهادت نوشید.

به اینصورت تومار غرور وخودخواهی وجاه طلبی محمد داود خان به اثر نفاق فامیلی مانند اسلافش به اثر دسائس ودسیسه رژیم بی خدای کمونیزم کرملین با جمهوری آن یکجا برچیده شد ومردم مسلمان افغانستان یک بار دیگر دراثر

که در آن دولت شوروی در حدود بیست ملیون نفر تلفات
انسانی را متحمل گردید و از نگاه اقتصادی صدمه فراوان
دیده فرسوده شده بود ملتوی گردید و با فرستادن جاسوسان
خود مانند بینه نام، پیر کفن پوش موسیو عبدالرحمن
وشش نفر زن که از طرف لنین بنام کنیزو در سفر اخیر امان الله
خان پادشاه اسبق برایش هدیه داده شده بود که بعداً هر کدام
شان با اشخاصی مربوط به حکومت های وقت افغانستان
ازدواج نمودند در ارتباط با سفارت شوروی اسرار دولت
را به اختیار سفارت میگذاشتند میتوان نام برد چنانچه نفر
اول و دوم بعداً باساس آلات مخابره آخر و اسناد دستگیر
شد ولی بعداً معلوم گردید که تحت فشار دولت شوروی ظاهراً
از مملکت اخراج شدند. مانند این جاسوسان صدها نفر را
برای نقشه برداری و آگاه شدن از ارتباط دولت افغانستان
با دول خارجی و برای انداختن توطئه شورش و بی ثبات
ساختن دولت ما به افغانستان اعزام نمودند.
بعد از جنگ جهانی دوم برطانیه با در نظر گرفتن نهضت آزادی
خواهی مردم نیم قاره هند بهتر دانست بنام آزادی در هند
دو دولت جمهوری اسلامی پاکستان و هند را بوجود آورد تا
از یکطرف از مقابله با نهضت آزادیخواهان هندوستان رهائی
یابد و بگذارد مردم آن سرزمین وطن شان را در مقابل حملات
بیگانه خود محافظت نمایند. ولی از جانب دیگر ملل مذکور
را در حلقه کامنولت گرد دولت برطانیه نگهداشته با از رهای
مواد استهلاکی بیش از پنجصد ملیون جمعیت آنجا را جهت
فروش مواد ساخته شده در دستگاه های صنعتی برطانیه محفوظ
داردو از مواد خام آن سرزمین وسیع جهت بکار انداختن
چرخ های عظیم صنایع خویش استفاده نماید. یعنی نوع

فردسا لاری وخودکا مگی محمددا ودخا ن وا هدا ف درا زمـــد ت استعما ری کرملین بحا لت ویرا نه وما تمزده به آ تش آن سوخت وثا بت گردیدکه هرزما ن که درا فغا نستا ن حس خودخوا هــــی وخودکا مگی ونفا ق بوجودآ مده ،دشمنا ن ا سلام ومملکت ومردم ما به حدا علی ا زآ ن ا ستفا ده توا نسته ا ند .

قوا ی مسلط شده برا رگ جمهوری پس ا زا ینکه جمعا" درحـــدود بیش ا زسی نفرا عضا ی فا میل محمددا ودخا ن وبرا درش محمد نعیم خا ن را قتل عا م کرده بشها دت رسا نیدندپس ا زتسلیـــم شدن ا رگ جمهوری یکتعدا دزنا ن وا طفا ل خوردسا ل شیـــری را که ا زمعرکه جا ن بسلامت برده بودندبرخلاف تمـــــل مآ دا. ب ا نسا نی وعا طفه بشری وعنعنه ا فغا نی آ ن ا نسها نهــــــا ی بی گنا ه ومعصوم را ا زخا نه ها ی محمددا ودخا ن ومحمدنعیم خان ودیگرا عضا ی فا میل بشمول فرزندا ن پسرا ن محمددا ودخا ن ومحمدنعیم خا ن جمع کرده به زندا ن پلچرخی نقـــــل دا د ه تحویل جلادا ن روسی نمودندکه شرف ونـنگ ا فغا نی وا سلامـــی ونا مو سی ا ین عمل کمونست ها را برا ئ ا بدنفرین ولعنت می نما یدوننگ تا ریخ برا ی نسل آ ینده ما خوا هدبود .

الذین آمنووهاجرووجاهدوفی سبیل الله
باموالکم وانفسکم درجة" عندالله
واولئک هم الفائزون .

فصل چهارم .

قصابان کرملین توسط ساتورناامین با مردم افغانستان چه میکنند ؟

روزسوم کودتای کمونست ها برهبری ومطابق پلان طرح شده درکرملین یعنی شب ۱۱ثور۱۳۵۷ازطریق رادیو افغانستان اعضای شورای انقلابی وکابینه اعلان گردید . تمام مردم مسلمان افغانستان وبالخاصه صاحب منصبان. قطعات نظامی که قبلا"صدای عبدالقادررووطنجاررا ازطریق رادیوشنیده وفکرمیکردندکه این کودتا ازجانب قوای نظامی است وهم اطلاع داشتندکه رهبران حزب وابسته قبلا"ازجانب دولت محمدداودخان محبوس شده اند درحیرت افتیدند ،زیرا. دربست های اعضای کابینه واعضای شورای انقلابی به استثنآ چندنفرمحدودکه آنهم مربوط اعضای حزب واشخاص نظامی بودندباقی تماما" اعضای کابینه وشورای انقلاب شامل مامورین واشخاص ملکی واعضای شناخته شده حزب کمونست شامل بودندکه خبردستگیری وحبس شان را چندشب قبل از

طریق را دیوشنیده بودند .

درکابینه مذکوردرمقام ریاست شورای انقلابی صدرهیئت رئیسه ،منشی عمومی وصدارت عظمی نورمحمدتره کی تعین ومعرفی شده بود ،درمقامات معاونیت پست های مذکوربېرک کارمل معرفی گردیده بود ،درمقامات وزارت ومعاونیتهای وزارت ها طورمساویانه از اعضای حزب پرچم وخلق منسوب گردیده بودند که درهیچ مقامی ازمردم مسلمان وشخصیت های ملی وسرشناس توظیف نگردیده بود .

ازین کودتا ومعرفی ترکیب کابینه مردم مسلمان افغانستان وباوصف آزرده گی ازخودسری وخودکامگی رژیم سابق مایوس شدندومملکت را بکام سوسیال امپریالیزم کمونیزم روسیه فرورفته شمردند .لهذا با افسوس وتاءثرعکس العمل نشان دادند .بعضاً که قدری خوشبین بودندکمونست های شامل کابینه را هم افغان دانسته عقیده داشتندکه اگررژیم ودولت سیستم کمونیستی را درمملکت پیاده نماید ممکن است ،ولی چون افغان هستندوافغانستان ناموس شان است ناموس خودرا هیچ افغانی به بیگانه تسلیم نمی نماید ممالک غربی ،ملل غیرمنسلک وممالک اسلامی باوصف که دست روس ها را درعقب پرده بوضوح مشاهده وذریعه اعضای کوردیپلوماتیک واقمارمصنوعی شان عمل به ثمررسانیده شدن کودتا را ذریعه تانکهای زرهی وسرنشینی افرادروسی بچشم دیده ودخالت طیاره های روسی را که ازتاشکندبه پرواز درآورده شده بودند عکس برداری وتعقیب نموده بودندچنانچه بعداً معلوم گردیدکه ترورآدلف دف سفیرامریکا ،صرف بهمین سبب که ازجریان عمل کودتا عکس برداری کرده واسناد مهمی بدست داردذریعه عمال (کا ،ج ،ب)درروزروشن وچندی بعدازکودتا درهوتل کابل به قتل رسانیده شدتا عمل کودتا

توسط مدا خله مستقیم روسها ا فشا ء نگردد .مما لک مذکـــــور
بشمول ا مریکا رژیم کمونیستی مذکورا که توسط کودتا ی روسی
به قدرت رسا نیده شده بود بدون عکس ا لعمل وبشکل خیلـــــی
بی تفا وتی برسمیت شنا ختندوا مرکودتا را موضوع دا خلـــی
مملکت شمردنددرحا لیکه نزدهمه جها نیا ن ثا بت بودکه کودتا
توسط مدا خله خا رجی بثمررسا نیده شده ا ست .
زیا دترخبرنگا را ن خا رجی وا عضا ی کوردیپلوما تیک به چشم
سردیده بودندکه آ قا ی پوزا نف سفیرشوروی درحدودسا عـــت
۶ بعدا زظهردرعما رت ستد یوها ی را دیوا فغا نستا ن حا ضـر
بوده که ذریعه قوا ی مها جم برا رگ ا عضا ی حزب مزدورکـــــه
محبوس بودندا زتوقیف ولایت کا بل آ زا دوبمرکزرا دیـــــو
ا فغا نستا ن ا نتقا ل یا فتندودرآ نجا آ قا ی پوزا نف سفیـــــر
شوروی ا زآ نها ا ستقبا ل نموده پیا م تبریکیه موفقیت کودتــا
را ا زجا نب برژنیف ودیگررهبرا ن شوروی برا ی شا ن ا بلا غ
نموده وا زجا نب رهبرا ن شوروی هدا یت ودستورا ت لا زمـــه
مخصوص را به رهبرا ن حزب مزدورتسلیم نموده ا ست .که ا یـــن
عمل برژنیف وپوزا نف خودنشا ن دهنده ا ینست که عمل کودتا
توسط مشا ورین وطیا ره ها ی روسی وبا تطبیق پلان طرح شـده
درمسکووبه ا مرورهنما ئی کرملین عملی گردیده بود ،دخا لت
مستقیم کرملین درا مرکودتا ا نکا رنا پذیرا ست .ملــــــــت
ا فغا نستا ن بحیث عضوجا معه ملل حق خودرا دربرا برا ین عمل
ملل جها ن وسا زما ن ملل متحدمبنی برا عترا ض قا نونـــی اش
برا ی همیشه محفوظ میدا رد .
رژیم به قدرت رسا نیده شده درظرف چندروزتما م پوست هـــا ی
حسا س ملکی ونظا می را بین ا عضا ی حزب که درآ ن جمله ا کثر
ا شخا ص بیسوا دوکسبه کا رعا دی شا مل بودندتقسیم نمودنــد ،
مگردرتقسیم چوکی ها توا زن بین هردوجنا ح خلق وپرچـــــم

رعایت شده بود، مثلا" اگر وزیر خلقی بود معاونش از پرچمی‌ها تعیین گردیده بود و هرگاه جنرال از خلقی ها بود پست رئیس ارکان به پرچمی ها داده شده بود، ولی چون درجمله اعضای حزب اکثرا" اشخاص بیسواد و غیر مسلکی بودند صرف روی حزبی بودن از حیث کمبود اشخاص مسلکی، یکنفر حزبی میتوانست یک کارگر یکه در قسمت آهنگری ورکشاپ ایفای وظیفه نموده بود و اصلا" بیسواد بود در پست معاون وزیر و یا پست ریاست موءظف گردد و یک خورد ضابط حزبی بحیث جنرال و یا قوماندان غند توظیف گردد و تمام افراد غند و صاحب منصبان غیرحزبی را که طرف اعتماد نبودند حتی بسویه جنرال و دگروال برطرف و یا محبوس نموده کنترول واداره نماید و اخذ وظیفه کند. درچوکی های دوائر ملکی نیز بسویه کارگر عادی و کسبه بار زادرریاست ها گماشته شدند که سرنوشت اشخاص تعلیمیافته بسویه داکتر، لیسانس و ماستر مجبور بودند تحت اشر آنها کار کنند و هدایت آنها را عملی نمایند یا ترک وظیفه کنند و یا روانه زندان شوند. امر رئیس بیسواد مطاع و قابل اجراء بود و لو بنظر داکتر مسلکی غیر قابل اجراء شناخته می شد و لی رئیس که حتی سواد نداشت در اجرای امر ش امضاء نمی نمود و لو کسی ما خذه اش نمیکرد.

به این صورت دست اکثر مامورین کار فهم سابقه دار از کار کشیده و یا روانه محبس نمودند و یا فرار دادند. خلاصه کلیه عرصه های فعالیت رژیم در چند روز از فلج گردید که مشاورین روسی در همه دستگاه های دولت به مداخله مستقیم دست انداختند درهر وزارت یکنفر روس بحیث سرمشاور و دونفر مشاور در پهلوی وزیر جای گرفتند. درپهلوی رئیس مشاور روسی علیحده اخذ موقع نمود و در پهلوی هر مدیر عمومی مشاوری توظیف گردید. از سرمشاوریت روسی درموارد مری هدایت داده می شد تا بمقام وزارت پیشنهادی درفلان موضوع نوشته شود این امر وسیله مشاور روسی ریاست به مشاور

مدیریت عمومی شفاهی ابلاغ میگردید، مدیرعمومی مطابق هدایت مشاورروسی اش پیشنهادرا ترتیب کرده به مشاور تسلیم مینمود، مشاورروسی آنرا به مشاورریاست ومشاور ریاست پیشنهادرا به سرمشاوریت تسلیم میکردوسرمشاور پیشنهادرا زمانیکه وقت می داشت گرفته به وزیررژیم امرش را دیکته می نمودوزیرمطابق دستورمشاورا حکام نوشته امضاء میکردواین هدایت بهمین سلسله واپس به مدیرعمومی مربوطه میرسید. بلی اینطوربودکاردوائرملکی، ازین جریان میشوداجراآت دوائرنظامی وقطعات عسکری وپولیس رژیم را خودقیاس نمودکه بچه منوال درجریان می افتیدوچه مدتی رااحتواء میکردتاکه مشاورین روسی حاضرمی بودند ودراطراف هرموضوع چقدرتوضیحات میدادندوافاده فروشی مینمودندوهم میشودفهمیدکه دراداره مملکت اعضای حزبی رژیم وخودحزبی هاتاکدام اندازه وابسته روسها بودندوچه صلاحیتی داشتند، درامورادارهٔ مملکت ازجانب روسهان برایشان جزموترسواری موءقتی ونوکری موءقتی بیگانگان چه اختیاری باقیمانده بودوضع تصدی های دولتی، بانکهای مرکزوولایات افغانستان ازین هم بدتربود.

ازتوضیحات فوق وضع حاکمیت روسها رامخصوصا "درشروع استقراررژیم درمملکت قیاس کرده میتوانیم که روس سالاری درتمام مشئون مملکت جای گرفته بودونشان دهندهٔ این حقیقت شمرده می شدکه اصلا"کودتا رامشاورین روسی مستقر درقطعات نظامی ومطابق پلان طرح شده درکرملین شروع نمودندوتوسط بمباردمان هوائی ذریعهٔ طیاره های بمپرواز درآورده شده اند. زتا شکندبه ثمررسانیدندکه اعضای حزب وابسته را روس ها پس ازختم کردن قدرت مقاومت ارگ جمهوری ازکنج

وکنا رشهر ومحبس جمع آوری کرده زیرنا مآنها قدرت را بدست خودگرفتندکه اعضا ی حزب درا مورا دا ری ،سیا سی ونظا مــی فقط بحیث آله همدست مشا ورین روسی که حکمفرما یا ن ا صلی بودندمی چرخیدند .

ا عضا ی حزب تحت چنین شرا یط وسهمی که درا موردولــت برا یشا ن دا ده شده بودنا خشنودبودند .ا گروزیرپرچمی خا نه لوکس وموترآ خرین سیستم را بها جا زه وحصول رضا ئیت مشا ور فرما یش دا ده بودمعا ون خلقی عین فرما یش را صا درمینمود ا طا ق کا رش با یدبعین ترتیب وشرا یط بهترمی با یدمزین میگردید .ا گروزیری ا زخلقی ها چا نس بدست آ وردن منــز ل خوبی میسرگردیده بودکه ا زمنا زل میرا ثی یکی ا زا عضــا ی خاندان شاهی بودوزیرپرچمی نیزتمام توجهٔ خودرا معطوف می نمود که درگوشه وکنا رشهرخا نه بهتری ا زآ ن بیا بدفرقی نمیکــرد که خا نه ا زکدا م تا جرویا سرما یه دا را ست ویا دولت بهرا ســم ورسمی ،تهدیدوتخویف با یدآ ن خا نه برا یش تخلیه میگردید ظرف وفرش آ ن با یدبهترا زوزیرخلقی تهیه می شدحق هــم دا شتند ،زیرا ا زطرف مشا ورین شوروی وروس سا لاری دیگــر کدا م صلاحیت وکا ری برا ی شا ن جزء ا مضاء ا وا مرومکا تیــب دا ده نه می شد .لهذا دروضع مذکورروسها هم ا وشا ن را تشویــق وتا ئیدمیکردندتا با درگیرسا ختن آ نها به مسا ئل عیا شـــی وتجمل پرستی وا یجا دا ختلاف بین خلقی ها وپرچمی هــــا با خرا ب شدن هرچه بیشتروضع ا قتصا دی وتشتت ا مور ا دا ری وا منیتی وا بسته گی شا ن بروس ها بیشترا حساس شده میرفــت وهردوطرف درمسا ئل ا دا ری وا قتصا دی مملکت هم ما نندا مور نظا می وسیا سی درمرا جعه بروسها متوصل شده زمینـــه ورو د بیشترکا رمندا ن روسی را فرا هم می نمود ا ین عمل روسهـــا

هرچه بیشتر آنها را با مردم افغانستان درتماس قرار میداد تا درمسائل ملی واجتماعی بهتروارد شده خلای کارشکنی اعضای حزب باقی نمی ماند وهم هرظلم ونارضایتی که بین مردم ایجاد شود مقصر آن اعضای حزب بوده آنها طرف تنفر افغانها قرار داشته باشند ،علاوه ازوابسته گی که در امور داخلی وپراگنده گی که ایجاد میشود وخرابی وضع اقتصاد وامنیت باعث ایجاد حس تنفر مردم از حزب بوده بناءً وبا ایجاد حس تنفر مردم از رژیم وحزب آنها را همیشه متکی به روسها باقی میگذارد .

توسعه اختلاف ذات البینی جناح های خلق وپرچم نیز موقع آنرا میسر می نمود که روسها بتوانندتا زمان اشغال مستقیم افغانستان بحیث روی کش وطور نوبتی از آنها استفاده نمایندتا هرگاه یک جناح اهداف کرملین را طورشاید وباید پیشبرده نتوانند از جناح رقیب که در دست شان محکوم ومحاصره است استفاده کنند ومعضله انحراف محمدداود خان وانورسادات تکرار نگردد .روسها با اعضای حزب به قدرت رسانیده شده درامور داری مملکت تحت چنین پلان عمل می نمایند .

چون هرانسان وطن دوست وباوجدان نمیتواند سرنوشت مادر وطن وملت را درتحت چنین شرایطی بدست بیگانه وآنهم رژیم که خلاف عقیده ،کلتور ،لسان وعنعنات ملی شان است به بیند ودم نزند ،درحالیکه چنین انسانهای کثیف وملحد بیخدا طوریکه توضیح گردید در تمام مسائل سیاسی اقتصادی ونظامی وطن ومردم شان لعبه بازی نموده ومردم اصیل را بحیث نوکر ومزدور قرار داده از آنها جهت پیشبرد اهداف سیاسی واستعماری شان استفاده نمایند وخاموش باقی بمانند .

لهذا ازهمان اوائل کودتا وبا احساس چنین حقارت ها مخصوصاً صاحب منصبان نظامی وپولیس، روشنفکران ومطلعین امورسیاست شوروی متیقن شدندکه کودتای انجام شده یک کودتای روسی بوده که توسط پلان ترتیب شده درمسکو بروکشی حزب مزدورخلق وپرچم به ثمررسانیده شده است.
اعضای حزب خلق وپرچم نیزبحیث آله های هستندکه قسم روی کش علی العجاله به مثابه رژیم محمدداود خان داخل صحنه ساخته شده اند، درحقیقت سرنوشت مملکت بدست روسها است، لهذا بزتفکرگذشته شان که باشورشنیدن صدای عبدالقادر وطنجار کودتای مذکوررا یک کودتای ملی ونظامی فکر میکردند اظهار تأسف نموده منفعل بودندکه چطوردربرابر وطن وظیفه شانرا که سربازی بودفراموش کردند و ادا نتوانستند. به این صورت جهت سرنگونی رژیم وختم کردن قدرت روسها دربین قطعات نظامی احساس همبستگی ووحدت بوجودآمد واکتشاف نمودتا پلان های را جهت تعمیل این امر تطبیق نمایند. چنانچه بین قطعات نظامی پکتیا، غزنی وفرقه ریشخور، بین صاحب منصبان غیرحزبی فرقه قندهار غزنی وقرغه بین اعضای فرقه، هرات، قندهار وفراه، بین منسوبین غیرحزبی فرقه ننگرهار، قطعه بالاحصار ومکتب حربیه پلان های کودتا علیه رژیم وابسته وروسها با اشتراک روشنفکران وشخصیت های ملی، علماء وروحانیون کابل وولایات طرح گردیدکه متأسفانه درچندمرتبه درمراحل مختلف حتی بعضاً درروزعملی شدن پلان کودتا توسط اعضای (کا، جی، بی) کشف وبه قتل بیرحمانه صاحب منصبان وشخصیت های وابسته ومربوط به پلان منجرگردیدکه ازجمله دها پلان طرح شده یکی هم به ثمرنرسید. علت آن واضح است

وآن عبارت است ازجای گرفتن عمال (ک،ج،ب)درزمان ریاست جمهوری محمدداودخان وحتی درزمان حکومت او بنام معلم، متخصص ومشاور که بعداً"ذریعهٔ آنها عدهٔ از اعضای حزب نیزبرای این امرتربیه شدندوبدون شناسائی دردوائروبین قطعات نظامی فعالیت مینمودند، چنانچه وقتی درکدام قطعهٔ نظامی ذریعهٔ صاحب منصبان غیرحزبی پلان کودتا طرح میگردیدهمان روزذریعهٔ عمال (ک،ج،ب) کشف شده ازشروع الی روزعملی شدن آن توسط روسها تعقیب میگردیدودرمرحلهٔ حساس با دستگیری افراد آن در مرکزوولایات همزمان عمل کودتا راخنثی وعقیم می نمودند که بااینصورت درمدت سه چارماه اول کودتای کمونستی بیش ازده فقره کشف وافراد شامل کودتا که همیشه شامل شخصیت های ملی، روشنفکران، علماء وروحانیون وافراد منسوب به اردوی نظامی بسویهٔ جنرال، ارکان حرب وداکتر بودندگرفتار ودرزندان پلچرخی تسلیم قصابان کرملین گردیدوجوقه جوقه هزاران نفردرپولیگون پلچرخی زنده وذریعهٔ بولدوزرزیرخاک دفن شده بشهادت رسانیده شدند. خداوندروح شان راشادوجهادشان رامقرون قبول بگرداند این پلان های طرح شده ظاهراً" روسها راموقع داد که عمل تصفیه وپاکسازی افغانستان راجانب روسی ساختن وکمونست سازی جامعه درپیشروی اهداف استعماری شان بسوی بحرهندوخلیج فارس تسریع نماید.
اگرچه درزمان حکومت محمدداودخان حزب وابسته به اتحاد شوروی تحت یک نام ومتحدانه فعالیت مینمودندمگربعداً" وروی اختلافات عمیقی که بین خیبر، تره کی وکارمل بروز نمود، کارمل ازآن انشعاب نموده نام حزبش را پرچم معرفی

دیگرا ستثما را قتصا دی را برآنها تحمیل نمود .
بدا ینصورت وبا اعلان آزادی دولت های هندوستان وجمهوری اسلامی پاکستان ازجانب برطانیه درسال ۱۹۴۷م ورفع درگیری های احتمالی ملل آزادی خواه سرزمین هندوستان ورفع خطرتجاوزآنی اتحادشوروی ،ربرطانیه توانست قوای نظامی پرمصرف خودرا ازسرزمین هندوستان فراخواند .ولی قدرت نظامی وسیاسی آنجا را بدست نمایندگان سرسپرده خویش سپردتا مردم آن سرزمین را همیشه بسوی اهداف ومنافع انگلستان رهبری نمایند .
درین وقت ودرتقسیم میراث استعمارزی اش سرزمین صوبه سرحدرا بدون اینکه بصاحب اصلی آن یعنی دولت افغانستان تسلیم نمایدویا بصورت جداگانه ونظربه تفاوت کلتوروعنعنات قومی شان که با پنجابی ها تفاوت کلی داشت بحیث یک مملکت جداگانه آزادی می بخشیدالحاق آنرا با دولت جمهوری پاکستان تجویزنمودکه دولت های وقت افغانستان هم درآنوقت ودرحین تقسیم نیم قارهٔ هند درآن موردو یا حق خودرا دیت این ایالت خاموش ماندند .
همین مسأله درآینده بحیث آله فشار ازجانب روسیه شوروی وهندوستان گاندی درمقابله کردن سیاست تفرقه اندازی و اشتعال نائره جنگ بین دو دولت مسلمان افغانستان وپاکستان مورداستفاده قرارگرفت .
برطانیه با فراموشی ازقصد اهداف دراز مدت ودیرینه اتحادشوروی قدم فراترگذاشته قوای نظامی اش را با قوای بحری ازخلیج فارس نیزخارج نمود .
با تشویق آمریکا که ازجنگ فرسایشی درویتنام متلفات انسانی وخسارات اقتصادی فراوان دیده بودوازخضور

نمودکه‌الی سال اخیررژیم‌جمهوری محمددا ودخان هـــردو حزب بصورت جدا گانه‌فعالیت مینمودندومخالفت عمیــق ایدئولوژی وسیاسی بین شان موجودبود،حتی این اختلاف شان پایه‌عمیق ایدئولوژی داشت گمان نمی رفت کــه سازش‌کرده‌بتوانند،امازمانیکه‌روسها متوجه‌شدندکـــه محمددا ودخان میخواهدمانندمصروزمان حکومت اش بـــا استفاده‌ازکمک های ممالک اسلامی وجهان آزاد مملکــت رااززیریوغ نفوذیکجانبه‌روسها برهاندوتمام‌مساعـــی کرملین راکه‌درمدت بیش ازبیست وسه‌سال جهت بـــدام انداختن آن بکاربرده‌بودناکام‌سازدبرهردوجناح خلـــق وپرچم‌فشار آوردوظاهرا" آنها را حاضربه‌همکاری نمودتابرای براندازی کودتا علیه‌رژیم‌محمددا ودخان آنها را مـــورد استفاده‌قرار بدهد .
پس ازبثمررسیدن کودتا ودرمدت کمترازیکماه‌مقامـــات کرملین وعمال (کا ،ج ،ب)آن اختلاف دیرینه‌را دامن زدند وبوسیله‌چوکی ،موتر،وخانه‌وغیره‌آنها را بمقابل همدیگـــر استعمال نمودندتابتوانندازهردوجناح طورنوبتی وبـــه نفع کرملین استفاده‌کنندوهرگاه‌یک جناح که‌برسرقـــدرت است بخواهدمانندمحمددا ودخان خودراازساحه‌نفوذشـــان خارج نمایدویامطابق پلان وسیاست روسها عمل نکننـــد ودرخدمتگزاری تعلل وسهل انگاری نماید .آنراازقدرت فرودآورده‌جناح دیگررابخدمت بگمارد وموردا ستفاده‌قرار دهد ،به‌این ترتیب وروی چنین سیاستی‌وبالاثرتازه‌نمودن اختلافات گذشته‌وبوجودآوردن استفاده ازموتر،چوکـــی وخانه‌همکاری شان ناممکن جلوه‌داده‌شدوبناء" روسهـــا فیصله‌نمودندکه‌نوبت اول حکومت کردن به‌جناح خلـــق

تفویض گردد واعضای رهبری جناح پرچم بحیث نمایندگان سیاسی توظیف شوند با قی اعضای پرچم با رژیم در امور اداری دولت همکاری نمایند در حالیکه تمام امور داخلی وخارجی عملا" ذریعه مشاورین روسی ونمایندگی های سیاسی روسیه اداره ورهبری میگردید. ورهبران هردو جناح ازخود کدام صلاحیت وقدرتی نداشتند جزموترسواری، تجمل پرستی وعیاشی که از جانب مشاورین روسی برای شان روا داری و منظور می شد تا مصروف باشند.

اما این تجویز روسها نیز دوام ننمود در ظرف مدت کوتاهی وپس از دور شدن رهبران جناح پرچم از مملکت توسط رژیم برسرقدرت عوض پرچمی ها خارج از مملکت از اعضای جناح خلقی مقرر شده ورهبران جناح پرچم را بمرکز خواستند ولی پرچمی ها از آمدن به کابل خودداری نمودند، لهذا خلقی‌های برسرقدرت آنها را به اتهام دزدی ازدارائی سفارت ها متهم واز کار بر کنار ننموده وعده محاکمه وتطبیق جزای قانونی شان را اعلان نمودند. از جانب دیگر عده از پرچمی های که در کابل بودند با ملاحظه توهین وبرطرفی رهبران شان عقده گرفته شروع به تخریبات وتبلیغات نمودند ودست برد ودست اندازی را به دارائی عامه آغاز نمودند که به این صورت جناح خلقی برسرقدرت وحکومت عده زیادی از آنها را درهمان پولیگون پلچرخی که قبلا" برای مردم مسلمان وخدا پرست افغانستان سازمان دهی کرده بودند خودشان ذریعه دوستان روسی وبرادران همکیش وهم عقیده شان بدست جلادان کرملین به قتل رسانیده شدند وعده هم از کار وظیفه برکنار گردیدند. بگفته کارمل وبعضی حزبی های بیش از یکهزار نفر از اعضای وابسته به حزب پرچم محبوس

گردیده بودکه تعدا دزیا دی ا زآ نها به قتل رسیدوعده دیگر پس ا زعذا ب وشکنجه ا لی زما ن بدقدرت رسیدن کا رمل وعفوعمومی ا ودرآ نجا با قی ما نده بودندکه سلطا ن علی کشتمند ،دوست وصدرا عظم کا رمل ورفیع ا زجمله محبوسین مذکورا ست .

به ا ینصورت وبنا ء به قدرت طلبی وبیگا نه پرستی دوجناح خلق وپرچم سا تورا مین ذریعه عما ل (ک ،ج ،ب)وبرا ی دومین مرتبه علیه ا عضا ی حزب ملحدووا بسته بکرملین وتوسط دوستا ن شا ن بکا را ندا خته شد .

طوریکه توضیح گردیدا ختلافا ت شدیدبین جنا ح خلق وپرچم ا زا وا ئل تشکل ا حزا ب مذکورموجودبودکه با سپردن قدرت به جنا ح خلق ودورشدن رهبرا ن پرچم ا ختلافا ت شا ن جدی شده رفت که توسط حا دثا ت بعدی ا ین ا ختلافا ت بدشمنی گرا ئیدکه ا عتما دشا ن را برعلیه یکدیگرنا ممکن سا خت ا زین رهگذررژیم برسرقدرت تما م ا عضا ی پرچم را که برسرکا ر بودندیا ا زکا ربرکنا رنمودندویا با ا خذتعهدوتضمین بصورت آ زما یشی در پست ها ی غیرفعا ل موء ظف کردند .رهبرا ن کرملین با بدست دا شتن کنترول تما م امورا فغا نستا ن ومسلط بودن برجا معه وثروت ملی ا فغا نستا ن دیگرا حتیاجی برکمیت ا عضا ی حزب ندا شتندبلکه با برا ه ا ندا ختن ا ختلاف بیشتروا یجا دتنفربین جنا ح خلق وپرچم وا بستگی کا مل دولت ورژیم ا فغا نستا ن بروسها که جنا ح خلق وپرچم را به خدمتگذا ری بیشترتشویق می نمودمی ا ندیشیدندوبس .

تا درزیرنا م آ ن ها ا صرپا کسا زی جا معه ا زعنا صرمخا لف وطن دوست وملی ذریعه آ نها تسریع نما یند .مخصوصا " لازم بودتا نزدمردم ا فغا نستا ن ومردم آ زا دجها ن ا مرمدا خله

علنی روسها درا موردا خلی ا فغا نستا ن موردسوا ل وا عتراض قرا رنگیردوهمجا معها فغا نی ا زعنا صرمخا لف پا ک وآ ما د ه پذیرش ا یدئولوژی کمونیزم گرددوبعدا" درمرا حل نها ئی وپلان ها ی بعدی برا ی رسیدن بهآب ها ی گرم بحرهندوخلیج فا رس یک قدم نزدیک گردیده مردم جها ن را درمقا بل کـــا ر ا نجا م شده قرا ربدهند .

روی این هدف با بدست گرفتن رهبرا ن برطرف شده جنا ح پرچم ودورسا ختن شا ن ا زدسترس رژیم برسرقدرت دیکتا تـــورا ن کرملین عما ل (کا ،ج،ب)وا عضا ی رژیم خلقی را برجا ن،مـا ل ونا موس مردم ا فغا نستا ن وبرهنما ئی مشا ورین روسی مسلـط سا ختند ،بنا م پا کسا زی درا مورنظا می وپولیس آ ن ا فـــرا د وطن دوست با وجدا ن ومسلما ن که روسها تشخیص نمودند ،بـــا رژیم وروسها کنا رآ مده نمیتوا نندبنا م توطئه گر ،ا خلال گـــر خا ئن ،نوکرا مپریا لیزم ،وا بسته به رژیم غدا را زقطعـــا ت نظا می وپولیس وبا زا رویا ا زخا نه ها ی شا ن جمع کـــــرده گروپ گروپ وپس ا زشکنجـــــه طا قت فرسا درغذا ب خا نـه ا کسا ء که زیرنظا رت عما ل (کا ،ج،ب)فعا لیت مینمودندبـــه پلچرخی فرستا ده شده ودرآ نجا ا کثراً بدون تحقیق ومحا کمـه وبدون تلف کردن وقت درپـولیگون پلچرخی به دم سا تـــور ا مین جلاد سپرده می شدند .

همچنا ن بنا م پا کسا زی دوا ئردولتی گروپ گروپ ا نســـا ن ها ی شریف ،عا لم بسویه دا کتر ،ا نجنیروما مورین عا لیرتبه که سا لها تجربه کا رومعلوما ت دا شتندوروسها فکرمیکـردنـد که با رژیم همکا ری کرده نمی توا نندبنا م توطئه گر ،ا خلالگـر جا سوس ا مپریا لیزم وخا ئن ا زهرطرف جمع کرده درشکنجه گا ه ا کسا ء با کشیدن نا خون وشوک برقی وغیره ا نوا ع عـذا ب ها

بدترا زکوره‌های آدم‌سوزی هتلروآلمان نازی اوشان را به‌قتل رسانیده‌سربه‌نیست کردند.
چندی بعدوبرای اینکه‌درمحابس جائی برای فلک زده‌های آینده‌باقی نمانده‌بودوهم‌بفکراینکه‌برای دزدان نو به‌قدرت رسیده‌معلمین ورزیده‌وباتجربه‌دست وپای نمایند هزاران نفرازدزدان، آدمکشان وقطاع الطریقی حرفوی راکه‌سالهادرمحابس میعاد حبس قانونی شان را سپری مینمودندوهرکدام‌بجرم‌چندین فقره‌قتل،سرقت وقطاع الطریقی به‌مدت‌های سی سال ویاحبس ابدمحکوم بودند،دوسیه‌های شان راحریق وبااخذتعهدهمکاری با دولت وتعهدحزبی آنهاراازمحابس رهاوبه‌فعالیت وهمکاری با رژیم‌متعهدساختند.چنانچه‌اطلاع‌دادیم‌که‌دریکروز و در نزدیک منارده‌مزنگ ودرمحضرعام‌دوسیه‌بیش ازسیزده‌هزار نفرازین آدمکشان راحریق نموده‌باحزب ودولت همکار ساختندتاعوض شان جای برای انسانهای شریف ومسلمان وطن دوست وعالم‌جامعه‌خالی کرده‌باشند.بناء" بیجای نبودکه‌نام‌حزب خلق وپرچم‌راحزب دزدان ،قاتلان وقطاع‌الطریقان گذاشتند.طوریکه‌درآینده خواهیم‌دید اعضای حزب وروسهاذریعه‌این دزدان وقاتلان راه‌ها را گرفته‌واموال مردم‌راغارت وخودشان رابنام‌اشرار به‌قتل میرسانیدند.واکثرا" دراثنای روزویاشب ذریعه‌این‌دزدان خانه‌هاودوکان‌های مردم‌مسلمان راغارت می نمودند.
به‌نام‌اصلاحات اجتماعی جلادان مذکورراذرولسوالی‌ها قریه‌وقصبات بجان ومال مردم‌مسلط نموده‌وذریعه‌همین دزدان بنا' متلاشی اکثراشخاص باعزت،شریف وباناموس راازخانه‌هاکشیده‌برای ایجادرعب ووحشت آنهارابنام خائن،فیودال،ومخالف رژیم‌موردلت وکوب قرارداده‌بعدا

درمحبس پلچرخی ازبین می بردند.
لهذا روس ها به اینصورت توسط عمال رژیم وعمال (کا،ج ب) درمرحله اول، دوم وسوم پاکسازی درظرف سه چار رماه اول به ثمررسیدن کودتای روسی با ازبین بردن عدهٔ زیادی ازشخصیت های ملی وشریف وعالم مملک ازیکطرف خودراازجانب مخالفت وبه تحرک درآوردن قیام ملی شخصیت های ملی وطن دوست وخدا پرست که گمان میکردند ممکن است با تطبیق پلان کمونست سازی جامعه به مخالفت برخیزند ومردم مسلمان افغانستان دراطراف شان جمع شوندخودرا مطمئن ساختند وازطرف دیگر اذهان مردم را متوجه بی عاطفه گی اعمال ضدبشر رژیم سفاک وجابرخلقی که دروقت قدرت شان مرتکب آن شده اند معرفی نمایندتا دروقت ضرورت وبرطرف کردن شان مسؤلیت این همه قتل ها را با ردوش آنها ساخته ازآن برای جلوگیری ازمراجعه آینده ورجوع شان به ملت استفاده نمایند درحالیکه همه می دانندکه درمحابس، دستگاه اکساء وجلادخانه پلچرخی قصابان روسی وعمال (کا،ج،ب)باساتورامین همه امورا بدست دارند، کابینه و رهبران عالیرتبه رژیم بدون اجازه ودستورکرملین ومشاورین روسی حتی آب خورده نمیتوانند. شواهدی موجوداست که رهبران حزب همین اکنون بدون اجازهٔ محافظین روسی ارگ جمهوری با پدر واعضای فامیل شان بدون حضوراشخاص موءظف خلوت کرده نمی توانند. لهذا بنا مرژیم وبدستورکرملین هزاران نفر ازعلمای متدین وروحانیون مورداحترام واعتماد مردم ما مورین ملکی عالیرتبه ونظامیان مورداعتماد، ووطن دوست به امرچنین جنایات رهبران ودیکتاتوران کرملین قربانی شدندتا راه جانب کمونست سازی جامعه تسریع ومیسر گردد.

از آن جمله بودند خاندان حضرات مجددی قلعه جواد کابل وحضرات مجددی ولایت هرات که مورد احترام واعتماد واعتقاد مردم مسلمان افغانستان بودند که با تمام اعضای فامیل شان و آنانیکه در جامعه افغانی در آینده سربرآورده می توانستند بشهادت رسانیده شدند وقربانی این اهداف روسها گردیدند تا راه جانب کمونست سازی جامعه افغانی پاک گردد خداوند روح شان را شادوقرین رحمت خویش گرداند. نامشان همیشه زیب صفحات تاریخ آینده وطن خواهد بود.

تنفر مردم مسلمان افغانستان از رژیم دست نشانده وعمال روس با قربانی کردن یکعده از روحانیون جید و علمای گرامی مردم افغانستان که مورد احترام همه بودند، مخصوصاً "حضرات محترم مجددی و اعضای فامیل های شان به اوج خود رسید و این تنفروانزجار وقتی به طغیان آمد که در ماه دسمبر ۱۹۷۸ م رهبران رژیم به مسکو احضار شدند و در پای دیوار کرملین برابر قبر لنین کمرخم نموده و موافقه نامه جدیدی که روسها را اجازه میداد تا درصورت ضرورت به افغانستان قوای نظامی اش را پیاده نماید امضاء کردند واین خبر مدتی پس از مراجعت رهبران رژیم بسمع مردم مسلمان ووطن دوست افغانستان رسید.

رژیم برای ایجاد تنفر از رژیم های سابقه وجلب مردم افغانستان به خود شان طرح فریبکارانه دیگری ریختند که چند روز بعد از کودتا دروازه های ارگ شاهی را پس از غارت نمودن اموال واساسیه آن باز نمودند تا مردم افغانستان از زندگی مجلل خاندان سلطنتی دیدن نمایند و چندی بعد اموال مربوط خاندان شاهی را برخلاف تمام آداب انسانی وعنعنه افغانی واسلامی از خانه های مربوطین

مقا مسلطنت ورژیم گذشته با اموال داخل ارگ شاهی و ... حتی لباس های زنانه و مردانه مربوطین خاندان را جمع کرده در چمن حضوری و منطقه نمایشگاه بین المللی به نمایش گذاشتند، بعقیده عمال رژیم و روسها با زکر دن دروازه های ارگ بروی مردم و بصورت موقت مردم را به آنها متمائل خواهد ساخت و مردم به این فکر که سالها مقر مقام سلطنت از نظر اوشان پوشیده بوده و کنون آن باغ وسیع و چند عمارت داخل ارگ که بهر صورت از خانه های مردم مجلل تر ظاهر میشود، مردم بیشتر از رژیم سابقه متنفر و به آن ها گرویده خواهد ساخت عقیده شان از ترتیب نمایشگاه تا شیه و اموال و البسه خاندان شاهی نیز بزرگ جلوه دادن مصارف و تجمل رژیم های سابقه بود. مردم افغانستان که گمان میکردند تمام ثروت ملی برای تجمل و عیاشی فامیل شاهی و رژیم های سابقه و ساختمان های داخل ارگ بمصرف رسیده فقر و بدبختی خودرا از اسراف خرچی و تجمل پرستی رژیم های گذشته خواهد دانست ومخصوصاً توسط رسانه های خبری شرق وغرب که با تبلیغات کمونست ها و مخالفین داخلی تائید میگردید فکر خواهند کرد که تمام ثروت ملی در ساختمانها و تجمل پرستی ارگ و خاندان شاهی بمصرف رسیده افواه بود که حتی تشناب ها و آشپزخانه ارگ از طلا و سنگ های قیمتی تزئین شده خواهد بود و هم مردم فکر میکردند که تمام ظروف و سامانیکه توسط اعضای خاندان شاهی مورد استعمال قرار میگیرد از طلا، و احجار کریمه ذی قیمت است مخصوصاً اینکه ارگ شاهی مدت دو قرن یعنی از زمان تیمورشاه ابدالی مرکز سلاطین افغانی بوده و از زمان سلطنت امیر عبدالرحمن خان که جنگ های استعماری انگلستان خاتمه یافت حتی در زمان

انقلاب حبیب الله خان کلکانی اموال داخل ارگ دست نخورده باقی مانده درحالیکه درین مدت رهبران افغانی وسران جهان ازمما لک یکدیگربازدیدنموده اندوطوریکه معمول است رهبران دول درحین بازدیدها تحائف گران بهائی ازپیداوارمما لک شان راتبادله مینما یندکه ازاثر این تحائف وتهیه زیورات ولوازم تجملی مربوط خاندان شاهی وداخل ارگ ،ارگ شاهی بحیث یک موزیم بزرگ آثار هنری ،صنعتی جواهرات وزیورات شاهان افغانستان باشد واین موزیم ازحیث آثارعطیقه بینظیروقابل دیدن خواهد بودوهدف رژیم ازبازگذاشتن دروازه های ارگ بروی مردم وترتیب نما یشگاه ازاموال خاندان شاهی این بودتا نشان داده باشندکه رژیم زحمت کشان اندکه مردم را خلاف رژیم های قبلی اجازه میدهدکه ازدربارهای سلاطین گذشته وتجمل شان دیدن نما یندوبرای مردم افغان آینده این حق موجودخواهدبودکه همیشه درینجا بازعمای خودببینند وبرخلاف گذشته دروازه عدالت وداد خواهی بروی مردم درد رسیده بازخواهدبودوروی همین تظاهرنام ارگ شاهی رابه خانه خلق تبدیل نمودند .

هدف ازبه نما یش گذاشتن اموال خاندان شاهی این بود تا مردم افغانستان نسبت کثرت اموال برگزاف خرچی وتجمل خاندان شاهی نفرین نما یندومعتقدشوندکه رژیمهای گذشته برای مردم کارنکرده اندبلکه دارائی وثروت ملی که بنام مالیه ازمردم میگرفتند ،بمصرف تهیه اینقدرمال وسامان تجملی منازل شان میرسیدوکسی به غم سیرکردن شکم های گرسنه مردم نبود .

ولی زمانیکه مردم ازداخل ارگ ،باغ ،چمن وساختمانهای

آن دیدن نمودند جز بزرگی احاطه وساخه باغ وچمن وساختمان
های عادی که طبعاً" برای رهبران یک ملت وجهت پذیرائی
مهمانهای داخلی وخارجی ،عمله ومستخدمین وکارمندان
اداری ضروری محسوب می شد چیز فوق العاده در آن دیده نشد
نه از تشناب های یاقوت ولاجورد خبری بود ونه هم از آشپزخانه
طلائی وجواهرنشان .

درحین بازدید از نمایشگاه اموال خاندان شاهی که مردم
گمان میکردند تمام اموال شامل زیورات ،آثار عتیقه
وقیمت بها بحیث یک موزیم قیمت بها مشاهده خواهند کرد .
چون نظر به عنعنات افغانی وانسانی گرفتن اموال شخصی
فامیل ها مخصوصاً" به نمایش گذاشتن سامان ولباس زنانه
یک عمل دور از شئون انسانی وحقوق عامه واخلاق اجتماعی
حتی خارج چوکات انسانی وقوانین ملی وبین المللی
محسوب شد که به آن نسبت مردم افغانستان مرتبین رژیم
وعاملین آنرا نفرین ولعنت کردند وثانیاً" در نمایشگاه
که تمام اموال آنجا برخلاف انتظار مردم شامل دهها سیت
میزوچوکی ومیز نانخوری ،سیت های چینی عادی نانخوری
وچای خوری عادی حتی ظروف نانخوری وچایخوری شیشهء
ونا شکن ،صدها تخته پرده دروازه وکلکین ،صدها سیت قاشق
وپنجه عادی ،دها تخته قالین وگلیم ،دها قاب ،زین ،قیزه
اسپ وامثال آن بنظر رسید که هر بیننده از دیدن آنها
متاءثر شده وعلیه رژیم بدگفتند ونفرین نمودند چه برای
مردم ثابت بود که خاندان شاهی اقلاً" شامل بیست فامیل
ویا اضافه بودند هرگاه هرفامیل از لوازم مذکور یک سیت
را مورد استفاده قرار میدادند اشیه منازل خاندان شاهی
باید خیلی بیشتر ازین می بود .

نظا می خا رج ا زا مریکا بمقا بل مخا لفت وخوا سته مردم خود
قرا ردا شت ،با ا خرا ج قوا ی نظا می برطا نیه ووا بستگی
نفتی جها ن غرب مجبور بود با کمک نظا می وتخنیکی برا ی
شا ه ا یرا ن خلای نظا می برطا نیه را درخلیج فا رس توسط شا ه
ا یرا ن پرنما ید .
لهذا شا ه ا یرا ن را بحیث ژا ندارم منطقه قبول وآ ن مملکت
را نه تنها ا زلحا ظ نظا می وتخنیکی تقویه کردند بلکه ا ز
لحا ظ ا قتصا دی وسیا سی درمنطقه بی رقیب سا ختند که ا مید
وا ری وا طمینا ن شا ن درپا سدا ری ا زمنا فع نفتی خلیج
فا رس توسط ا یرا ن، ا مریکا ء ومتحدین غربی ا ش را مدتی
بیش ا زبیست سا ل ا زا هدا ف ومقا صدروسها ا غفا ل نمود .
باالخا صه جها ن غرب که با بدست دا شتن ا نحصا ری ویکجا نبه
قدرت ا تمی ا مریکا ء را بحیث یک ا برقدرت بی رقیب
تضمین مینمود ،هیچ ا ندیشه نسبت به رقا بت روسها را بسر
نمی پرورا نیدند ،بلکه پس ا زشکست آ لما ن نا زی درجنگ
جها نی دوم ومحوکردن قدرت نظا می رقیب ا روپا ئی
برطا نیه مست غرورفتح بودندوروسیه هم با تظا هربدوستی
وهمزیستی، دول غرب را ا غفا ل نموده خودرا چنا ن مسلح
نمودندکه حتی درجنگ های ویتنا م آ نکشوررا بحیث یک دولت کوچک
وبا سرا زیرنمودن سلا حها ی عصری طوری تقویه نمودندکه
ا مریکا ی بزرگ وقوی پس ا زچندسا ل درگیری وجنگ باتحمیل
تلفا ت سنگین ا نسا نی وخسا را ت عظیم ما لی وا قتصا دی
نا کا م وسرا فگنده ء قوا یش را ا زویتنا م خا رج نمود .وبحیث
یک ا برقدرت ورقیب مسلح با قدرت ا تمی، ا نحصا ر
ا تمی ا مریکا ء را شکستا ندودرپهلوی ا مریکا ،کیوبا ئی
کمونست را بمقا بل ا مریکا ء وبحیث یک قدرت نظا می رقیب

چون درنمایشگاه مذکور از آثار عتیقه تحائف سلاطین ، زیورآ وجواهرات آثار هنری وغیره سامان قیمت بها بنظر نرسید بعقیده اکثر مردم حدس زده شدکه این موزیم سلطنتی که بحیث ثروت با ارزش ملی محسوب میگردید حتماً" درین مدت درحدود دوقرن آثار گران بهائی را تشکیل میداد باید ذریعه این خرسان وحشی ومهاجمین برا رگ ویا ازجانب این خائنین بوطن به یغما برده شده باشدکه از نظر مردم از همه جنایات مزدوران کرملین بزرگتر وغیرقابل اغماض وجبران ناپذیرخواهد بود .

طوریکه توضیح گردید رژیم دروازه های ارگ را برای یک هفته بروی مردم باز نمودند تا تظاهر به رژیم مردمی گرده باشند وروی همین هدف همنام ارگ را به خانه خلق تبدیل کردند ، اما چند روز بعد که ساختمان نهای ارگ ترمیم شده ترکی درآنجا مستقر گردیدند نه تنها دروازه ای ارگ را بروی مردم مسدود نمودند بلکه سرک مقابل دروازه ارگ که به میدان هوائی منتهی میگردید بروی رفت وآمد مردم وعراده جات مسدود ساختند ، حتی سرک مقابل صدارت عظمی وسرک مقابل وزارت داخله را مسدود کردند ، دروازه وزارت خانه ها وصدارت عظمی که قبلاً "بروی همه مردم باز بود بعد از آن هیچ کس وزیر صدراعظم وحتی روءسای دوائر را دیده نمیتوانست درحالیکه دررژیم سابقه با اطلاع قبلی وگرفتن وقت شاه را هرکس ملاقات کرده مشکلات خودرا باوی درمیان میگذاشت واکثراً" شاه وصدراعظمان گذشته بدون محافظ درخیابانها گردش مینمودند واز مشکلات مردم خودرا مطلع میساختند درصورت که از رژیم کمونستی برسرقدرت حتی وزیران وروءسای رژیم راکسی دیده نمیتوانست ، لهذا مردم برچنین رژیم مردمی

تف ولعنت کردندومیگفتندکه این وطن فروشان چه میگفتند وچه کردند .
دررژیم‌های گذشته فرضاء" ده‌نفراز اعضای فامیل ازخانه‌ها وزنده‌گی مجللی برخوردار بودند ورئیس دولت وصدراعظم ازچند موترقیمت بها آنهم درمواقع رسمی ومهمانان خارجی استفاده می کردندمردم‌دیدندکه‌صدها نفراز اعضای حزب ودهها نفرازمشاورین روسی درخانه‌های مجلل ترازارگ شاهی مستقرشدندوصدها نفرازین خدمتگزاران کارگر وزحمت‌کش ازقیمتی ترین موترهای کمپنی های ممالک صنعتی غرب ومجهزبه‌تمام لوازم عصری برخوردارشدند ، مشاورین روسی که‌دروطن شان شخصیت های بزرگ سیاسی ازموترهای جیب روسی استفاده‌نمیتوانستنددرمملکت ما از پربها ترین موترها به‌قیمت هزاران دالراستفاده می‌نمایند لهذا مردم‌افغانستان برتجمل پرستی این رژیم مردمی وآن خدمتگاران پرولتاریا نفرین کردندوبررژیم‌های سابقه‌شکروسپاس گفتند .
به‌اینصورت هدف روسها ومزدوران شان ازترتیب نمایشگاه وبازکردن دروازه‌ارگ بروی مردم‌عوض اینکه‌به‌جلب وهمکاری مودم‌کمک نماید‌برعکس باعث تنفرودوری مردم ازرژیم‌ملحدگردید .وروی تمام‌بدی های رژیم‌سابقه‌راشست وحتی کسانیکه‌معلومات داشتندنسبت بغارت برده‌شدن مقداری طلائیکه‌ذخیره‌وپشتوانه‌بانکنوت بودودرخزانهٔ‌ارگ ازآن‌محافظت میگردیدچارتشویش شدندمیگفتندخداکندذخیره مذکورنیزمانندديگراموال مربوط خاندان شاهی توسط این جنایتکاران وحامیان روسی شان بسرقت نرفته‌باشد.
مردمیکه‌به‌انتظار خوب شدن اوضاع بودندپس ازمراجعت

ترکی دردسمبر ۱۹۷۸ از سفر مسکو ونشر خبر امضای موافقتنامه که برای روسها اجازه میداد تا عندالضرورت مستقیماً قوای نظامی اش را به افغانستان پیاده نماید بیشتر ماءیوس شدند درماه دلو ۱۳۵۷ عمال (کا ،ج ،ب) به لباس ترافیک کابل موتر سفیر امریکاء را کو در خط سیرش از چاررا هی صدارت عظمی عبور مینمود متوقف نمودند وپس از جابجای شدن در موتر سفیر به راننده امر دادند تا طرف هوتل کابل حرکت نماید در مقابل هوتل کابل موتر را متوقف ساخته در روز روشن وتقریباً ساعت های قریب ظهر آقای آدلف دبس سفیر امریکا را در داخل هوتل بردند ودر داخل هوتل وپس از تلاشی وبدست آوردن عکس واسناد مهم که جریانات کودتای ۷ ثور روسی را برملا مینمود ونشان میداد که کودتای هفت ثور توسط حمله مشاورین روسی وطیاره های به پرواز در آورده شده از تاشکند انجام شده ویک کودتای روسی بود ،سفیر مذکور را درحالیکه اعضای سفارت امیریکا وسفارت روسیه نیز حاضر بودند واز طرف اعضای سفارت امریکا اسرار میگردید که قوای محاصره کننده هوتل کابل برمها جمین حمله وفیر ننمایند ولی بشکل صحنه سازی کودکانه سفیر امریکا را برای جلو گیری از اشاعه ربوده شدن اسناد مذکور به قتل رسانیدند .واین عمل عناصر (کا ،ج ،ب) را عمل افغانهای مخالف امریکا نشان دادند .

رهبران رژیم پس از مراجعت از مسکو مطابق هدایت کوملین درطریق کمونیست سازی جامعه افغانی به شدت وجدیت شروع نمودند ،درفابریکه ها ،دوائر دولتی وموءسسات تولیدی سازمان های اولیه حزبی را تشکیل نمودند مخصوصاً سازمانها حزبی زنان ،بنام خدمت به مردم بیسواد افغانستان در مرکز وولسوالی ها ،دهات وقصبات به گشودن کورس های سواد آموزی

زنان اقدام نمودند. اکثر زنان را بزور برای حاضر شدن بکورس جلب مینمودند در حالیکه در حدود بیش از ۸۰٪ فیصد مردان افغانستان بی سواد بودند ولی اعضای حزب و رژیم صرف جهت شکستاندن حریم ناموسی مردم مسلمان و از بین بردن غرور عنعنوی شان مرتکب چنین اعمال می شدند.
در روزهای به اصطلاح متینگ که در پارک ها تشکیل میدادند مامورین، کارگران را بزور حاضر مینمودند تا شعارها وبیانیه های یکنواخت وبی محتوای شان را که در راس آن شعار، کور، کالی، دودی، بود وبا تفسیرا زشعارها میخواستند مردم را امیدوار به آینده خوبتری بسازند وبخود جلب نمایند درمحضر عام دختران وزنان را برقص وآوازخوانی ودرپارتی های شبانه بشراب خواری ومعاشقه تشویق می نمودند تا مردم را از تعصب در مسائل دینی وعنعنه افغانی وملی شان جدا ودور نمایند. با مشاهده هرچه بیشتر فجایع وتوهین درمقابل دین، مذهب، اخلاق اجتماعی وسنن ملی خود مردم افغانستان تحمل نتوانسته کم کم رستاخیز نهضت مقاومت دربرابر رژیم شروع شد. بدینصورت که در ماه جوزا مردم مسلمان نورستان درسه سرطان مردم مسلمان چنداول ودر ۹ حوت ۱۳۵۷ مردم مسلمان پنجشیر در ۲۱ حوت مردم فراه ودر ۲۴ حوت ۱۳۵۷ مردم مسلمان وخدا پرست هرات در ماه ثور ۱۳۵۸ مردم ولایت غورات طور علنی دست به مخالفت علیه رژیم بی خدای کمونیستی زدند بدینصورت وبا صدای الله اکبر وجهاد اسلامی علیه ملحدین از هرگوشه وکنار مملکت مردم مسلمان افغانستان بلند شد که صدای این نهضت ورستاخیز فضای افغانستان را به هیجان ولرزه درآورد، دربن وقت بود که مردم افغانستان متیقن شدند که رژیم به قدرت رسانیده شده رژیم کفر والحاد است ومیخواهد هدفهای ماندروسیه درافغانستان نیز اشتراکیت

زن،زروزمین را برخلاف عقاید مذهبی وملی تمام مردم متدین ومسلمان تحمیل نمایند .لهذا به مخالفت علنی علیه رژیم شروع نمودند .چون تمام مردم افغانستان خلع سلاح بودند واعضای حزب وادارهٔ جاسوسی اکسا به محض مشاهده وشنیدن ازمخالفت شفاهی اشخاص اوشان را گرفتار مینمودند کافی بود که برای تحقیق به اداره اکساء فرستاده شوند،درآنجا بود که تحت شکنجه وانواع مظالم بسویه تیل داغ شوک برقی ونا خون کشیدن وغیره ذریعه اعضای (کا،ج، ب) محکوم به اعدام می شدند وبه پولیگون پلچرخی زنده زیرخاک می گردیدند .
رژیم به اینهم اکتفاء نمی کرد ،برای شکستاندن غرورمردم مسلمان وبا اطلاع ازفامیل های افغان که درخانه دختر داشتندفوراً دخترفامیل راا حضاروبیکی ازاعضای حزب ویا شخص دیگری که با رژیم همکاری میکردبدون موافقه دختروولدین شان بزنی میدادندونام آن را نکاح میگذاشتند طورمثال :درولسوالی اندخوی ولسوالی ملحدآندخوی درهریکروزدرحدود هفتاددختررا جبراً ازخانه ها کشیده وبه اشخاصیکه لازم دیدبه اصطلاح نکاح نمود .
وقتی مردم مسلمان دیدندکه عمال مربوط حزب وآنانیکه زمانی بردست وپای دهقانان وکارگران بوسه می زدند واشک تمساح میریختند همان اشخاص امروزکه بقدرت رسیده اندبرجان ،مال ،ناموس وعقاید مذهبی وملی شان کوتاهی نمی نمایند ،عده ٔ به کوه ها پناه بردندوعده هم با فامیل های شان به ممالک همجوارمسلمان ایران وپاکستان مهاجرت نمودند .کسانیکه به کوه ها پناه برده بودندشبانه ازمخفیگاه های خودبرآمده برای بدست آوردن اسلحه برمراکزولسوالی ها وخاروندی حمله نموده وبا به قتل رسانیدن افرادومربوطین

رژیم واخذ سلاح شان خودرا مجهز مینمودند، اشخاص که به ممالک همسایه مهاجر شده بودند پس از اجابه نمودن فامیل واولاد خود، خودرا با سلاحهای کم قیمت مجهز نموده واپس به افغانستان مراجعت نموده با دیگر برادران شان درا مرجهاد ملی واسلامی یکجا می شدند وگروپ جهادی تشکیل می دادند. گروپ های جهادی اولیه بصورت نیمه سازمان یافته به ولسوالی ها، سازمانهای حزبی څارندوی ومراکز تجمع عمال رژیم دستبرزده بر تشکیل وکمیت وکیفیت گروپ های جهادی شان می افزودند. که دولت وزژیم از ین حملات بی امان مجاهدین ونهضت مخالفت مردم که روزتا روز قوت میگرفت به اندیشه افتادند وبرای ایجاد وحشت ورعب برشدت مظالم شان بالای اهالی بیگناه افزودند، چنانچه طورنمونه نور محمد تره کی دریکی از میتینگ های حزبی خطاب به اعضای حزب نموده گفت: شما کنون قدرت را بدست آورده اید، مانند اینست که موترجدید خریداری نموده ایدوسرک ها قیرشده، تیل هم فراوان است. شما بحیث معلم افسر، انجنیر ودا کترحزب میباشید، بهرطرف که میل دارید قسم خود مختار موتررا بدوانید، هرمانع که مقابل شما عرض وجود کند موانع را با قتل، تخریب وآتش از سرراه رسیدن به جامعه سوسیالیستی از بین بردارید.
درین بیانیه وتشویق رهبرکمونست های رژیم عملا" اعضای حزب را بروشنی اهداف دستورکمرملین بسوی خون ریزی. قتل عام، عدم پابندی به اخلاق وعنعنات مردم درراه کمونست سازی جامعه وبصورت خودمختار رهنمائی میکرد.
مردم مسلمان افغانستان که درولسوالی ها، قریه جات سروکار شان با چنین اشخاص خونخوار وگرگان خودمختار

بوددرا کثر ولسوالی ها ، مجبور به قیام عمومی گردیدند . ولی را دیوکابل ودیگر را دیوها ی بلوک شرق هر شب ا زخدمات رژیم به نفع کارگران وزحمت کشان یاد کرده و ۹۰٪ فیصد مردم افغانستان را طرفدار رژیم تعریف مینمود .

طور مثال ولسوال ملحد پشتون زرغون ولایت هرات درحالیکه ۸۰٪ مردان آن ولسوالی بیسواد بودند ، برای خوشگذرانی وتبلیغ رژیم زنان گردونواحی ولسوالی را درکورس های سواد آموزی نامنویس کرد . درحالیکه خودش باعمال حزب مربوط ولسوالی بیسواد بودند ، مردم مسلمان وشریف آنجا اظهار نمودندکه اکثرما دهقان هستیم ، اگر زنان ما بکورس بروند مراقبت اولاد ما را چه کسی بعهده خواهد گرفت ونان ما را چه کسی تهیه خواهد کرد ، روی این بحث بین محصلان موظف ومردم محل گفتگو شد ، درنتیجه دست اندازی محصلان مردم محل اوشان را لت وکوب نموده خلع سلاح نمودند . ضابط امنیه ولسوالی خنودبا یکتعداد افراد دش برای دستگیری عاملین واعاده سلاح به محل واقعه رفت درنتیجه سخت گوئی وتشدد ضابط امنیه مردم او وافرادش را نیز خلع سلاح کردند . مخابره تیلفونی ولسوال موجب گردیدکه نزدقوماندان نظامی ولایت هرات مردم محل یاغی شناخته شوندبا اعزام یک غند قوای مسلح ومجهزبا تانک وتوپ مقابله گردد . اما مردم محل با اطلاع ازاعزام قوای مسلح وذریعه سلاح های بدست آمده پیش از اینکه قوای نظامی به محل برسدبر ولسوالی حمله کرده با قیماندہ سلاح ها ومهمات ولسوالی راغنیمت کرده افرادجوان محل با عاملین واقعه بکوه ها پناه بردند وکسانیکه توان رفتن کوه را نداشتندبا زنان و اطفال شان دراثر بمباردمان توپ وتانک یا زیرآوار خانه ها

مدفون شدندویا به‌قریه‌ها ی همجوا رمها جرگردیدندکه‌با اطلاع ا زوا قعه‌ولسوا لی مذکورا ها لی دیگرولسوا لی هـلـی هرا ت نیزا کثربا برا درا ن پشتون زرغونی شا ن ثا ٔ سی جستندودرا مرگروپ ها ی جها دی وبا حرکت بجا نب قیا م عمومی همرا ه شدند .درا کثرولسوا لی ها ی ولایت هرا ت مخصوصاً" ولسوا لی ا نجیل ،گذره ،زندجا ن وغوریا ن گروپهای جها دی تشکیل وبرعلیه‌سا زما نها ی رژیم‌به‌حملات شا ن شروع نمودند .

طوریکه‌همه‌میدا نند که‌حمله‌گروپ ها ی جها دی درولسوا لی غوریا ن ولایت هرا ت توسط رسا نه‌ها ی خبری ا یرا ن نشر گردید .ا ما وقتی خبرنگا ری درمصا حبه‌مطبوعا تی ا زتره‌کی سوا ل نمودتره‌کی ا ظها رنمودکه‌همه‌مردم‌ا فغا نستا ن طرفدار رژیم‌محبوب شا ن ا ندهیچ گونه‌مخا لفتی با رژیم‌موجودنیست وقتی خبرنگا را زا وپرسید که‌ا گرهمه‌مردم‌طرفدا ررژیم‌ا ند حمله‌که‌با لای ولسوللی غوریا ن بعمل آ مدودررسا نه‌ها ی خبری ا یرا ن به‌نشررسید ،ذریعه‌چه‌کسا نی صورت گرفته‌ترکی ا ظها رنموده‌که‌چندنفرا یرا نی با لای ولسوا لی غوریا ن چپا ول نمودند وقتی قوا ی امنیتی ما مدا خله‌نمودندآ نها فرا رنمودند ویا قلع وقمع شدند .خبرنگا ردیگری پرسید که‌پس حمله‌که‌درو لایت فا ریا ب با لای قوا ی رژیم‌صورت‌گرفته عمل چه‌کسا نی میبا شد ،ترکی طورمضحکی جوا ب دا دکه‌هما ن ا یرا نی ها فرستا ده‌شده‌ا زجا نب رژیم‌مرتجع‌ا یرا ن بودند که‌بعدا ا زمدا خله‌قوا ی ا منیتی هرا ت ا زآ نجا گریخته‌بولایت فا ریا ب حمله‌ورشدند .که‌درآ نجا با شرفعا لیت قوا ی ا منیتی بیدا رما شرکوب شدند .

به‌ا ینصورت رژیم‌ورهبرا ن آ ن تا مدتی ا زموجودیت مخا لفت

مردم وبوجودآمدن قوای مقاومت مردم افغانستان علیه رژیم واعلان جهاد ملی واسلامی شان انکار مینمودندوهمه مردم را طرفدار رژیم تعریف میکردند ولی حقیقت این بودکه از روز اول کودتای روسی مخالفت مردم علیه رژیم موجود بودکه این مخالفت ها بعداً با مشاهده اعمال ضدبشری اسلامی وعنعنوی وروس سالاری رژیم ومقابله درمقابل دین وعقاید مذهبی مردم مسلمان روزبروز کسب قدرت وقوت نمود اگردرماههای شور، جوزا وسرطان این مخالفت های مردم غیر محسوس بودمردم هنوز کاملاً متیقن نبودندکه رژیم ملحد دست نشاندهٔ روسها است هرقدروابستگی رژیم بروسها آشکارا شده میرفت طغیان احساسات ملی واسلامی مردم افغانستان برعلیه رژیم مسلط ساخته شده برجان ، مال وناموس وطن شکل قیام عمومی را بخود میگرفت واین رستاخیزجهاد انقلاب اسلامی در تمام ولسوالی ها وولایات وکابل روزبروزرساتر، علنی وآشکارا میگردید. رژیم ودولت دست نشانده وحامیان روسی شان اظهار می نمودندکه یکعده فیوداlان که درافغانستان منافع شان بخطرافتیده از افغانستان فرار نموده گاه گاهی وبصورت دزدانه از پناهگاه های شان برآمده به قریه ها حمله می کنندو آرامش وزندگی صلح آمیزشان را برهم می زنندکه با مداخله قوای امنیتی بیدا روا پس به مغاره ها پناه میبرند ویا نزددولت های مرتجع پاکستان وایران میروند واز آنجا سلاح گرفته مجهزساخته میشوندوحمایه میگردند.

این قسم تبلیغات مسخره گه علناً دروغگوئی رهبران کرملین ورژیم را آشکارا می نمودعوض اینکه براعتبار شان بیفزاید بربی ثباتی وناتوانی شان می افزودکه اهالی افغانستان به آن ملتفت شده برشدت عملیات خودمی افزودندوبا بدست

آوردن سلاحهای موءثرتر از قوای نظامی رژیم که از جانب روسها بلاانقطاع برای قوای نظامی رژیم تحویل داده می‌شد خودرا مجهزتر وسازمان دهی نظامی می نمودند که دراثر جهاد روز بروز موءثر شده میرفت. از یکطرف به اثر شدت جهاد اسلامی و از جانب دیگر با برداشت از خلاف گوئی رژیم و رهبران کرملین اکثر افراد نظامی رژیم شامل قطعات نظامی و امنیتی ورلشنای جنگ، قوای نظامی رژیم را ترک کرده در اثنای شب ویا روز به قوای مقاومت وجهادمی پیوستند وجانب دیگر مردم مسلمان که از اهداف روسها ورژیم دست نشانده مطلع میگردند اکثر جوانان خودرا برای پیوستن به قوای جهاد میفرستادند. هرقدر که قوای جهادی تقویه میگردید بهمان اندازه از قدرت قوای رژیم کاسته می شد وضعیف تر میگردید.

به این صورت در ۲۴ حوت ۱۳۵۷ه وقتی قشله عسکری فرقه هرات بهمکاری صاحب منصبان مسلمان فرقه مذکور تسلیم مجاهدین گردید در حدود بیش از سیزده هزار میل سلاح خفیفه بدست مجاهدین اسلام رسید. همچنان مقدار زیادی سلاح در اثر فتح شدن قشله های عسکری، حسین کوت، فاریاب، کندهار ارگون، فراه، چخانسور، نهرین بدست قوای مقاومت ومجاهدین اسلام رسید که با بدست آوردن این سلاحهای عمده مجاهدین اسلام توانستند موءقتاً" خودرا تا اندازه تقویه نمایند. علاوتاً" هر ولسوالی از ولسوالی های افغانستان چندین مرتبه بدست قوای مجاهدین فتح گردید که از بدست آمدن سلاحهای غنیمت گرفته شده مجهزتر شدند. اما چون مجاهدین راه اسلام سلاح دافع تانک وطیاره نداشتند ولسوالی های فتح شده را نمی توانستند محافظت نمایند

بوجود آورد.
جهان غرب با مشاهدهٔ عینی و علنی مقاصد و اهداف سیاسی و ایدئولوژی اتحاد شوروی در خواب عمیقی فرورفته بود و صرف منافع نفتی خلیج فارس اوشان را بخود مشغول داشت و بس، ایران را هم جهت حفظ منافع نفتی شان تقویه کردند که با همه تنهائی توان ایستادگی در مقابل سیل کمونیزم نداشت. بدیگر ملل منطقه از قبیل پاکستان افغانستان، عراق که با نهایت فقر مادی و تخنیکی، بیکاری و بیماری اقتصادی و سیاسی دست و گریبان بودند نه تنها نمی اندیشیدند بلکه با ایجاد تفرقه، خانه جنگی و به تجزیه گرفتار کرده بر فقر و بیچارگی شان بیشتر دامن زدند طور مثال قیام حبیب الله خان کلکانی، ملای لنگ، آشوب منگل، جاجی، صافی، هزاره، شینوار، و مردم زمینداور قبل و بعد از جنگ عمومی دوم و بوجود آوردن اختلافات سرحدی بین دو ملت مسلمان افغانستان و پاکستان به اثر تقسیم نیم قارهٔ هند و بخشیدن حق خودارادیت مردم ایالت صوبه سرحد به دولت جمهوری پاکستان و تقسیم منطقه بلوچ نشین سیستان بین ایران و افغانستان در زمان حکمیت و داوری انگلستان که بعداً در قسمت آب منطقهٔ مذکور وسیله تحریک بین دو ملت همکیش و مسلمان ایران و افغانستان قرار دادند و همیشه نقطه عطفی در مناسبات بین المللی ملل برادر و هم ملل این منطقه خواهد بود و نیز میتوان از همین قماش توطئه های صادراتی ابرقدرت های شرق و غرب محسوب نمود.
طوریکه دیدیم در زمان حکومت سردار محمد داودخان از سال ۱۳۳۲ الی ۱۳۴۱ و بعداً در زمان رژیم جمهوری او از سال

مطالعه این رساله قرار دهد.
از آنجائیکه در توضیح مطالب ارائه شده هدف و شاخص اساسی را همانا برملا ساختن نیات شوم استعماری ابر قدرت ها و مخصوصا" ابرقدرت شوروی و اینکه چگونه توانستند با بکار برد حیله ها و نیرنگ های شیادانه در جهت توسل به اهداف ننگین استعماری شان مظالم بزرگ و فاجعهٔ بی نظیر تاریخ معاصر بشریت را برملت ستمدیده و بلاکشیده ما تحمیل نمایند، تشکیل میداد، از ارائه توضیحات و ارزیابی های عمیق ووسیع دراستقامت های فرعی وضمنی با اندیشهٔ اینکه مبادا هدف اصلی تحت الشعاع قرار گیرد عمدا" جلوگیری بعمل آمده است. متوقع است خوانندگان گرانقدر در روشنی افق نظر وسیع شان لطف نموده و با اغماض از توجه به نارسائی ها و کمبودهای یادشده بر نویسنده منت گزارند یکبار دیگر تاکید و تصریح مینمایم که در ارائه مطالب وتوضیح گزارشات سعی بعمل آمده تا از انحراف و جانب داری های عمدی جلوگیری شده و حقایق منعکس گردد.
امید است در صورت وصول اطمینان از علاقمندی هموطنان عزیز وقایع و حوادث بعدی در اثر تشویق علاقمندان متعاقبا" و در جلد دوم تقدیم گردد.
همچنان در صورت کسب اطلاع از خوانندگان محترم اشتباهات عمدهٔ که درین جلد اگر قابل اصلاح پنداشته شود در نشر بعدی رعایت و اصلاح گردد.

(ومن الله التوفیق)

"حبیب الله "فاروقی"

پشاور - پاکستان

سال ۱۳۶۶ هجری مطابق ۱۹۸۷ میلادی

خرس در چنگال عقاب



سیا نگرشمه‌ای از حوادث تاریخی و سیاسی
افغانستان.

خرس در چنگال عقاب

اهداء به ملت مسلمان، قهرمان ومجاهد افغانستان.

"فاروقی"

خرس در چنگال عقاب

بیانگرشمهء ازحوادث تاریخی وسیاسی افغانستان.

نام کتاب : خرس درجنگال عقاب

مؤلف : حبیب الله " فاروقی "
تاریخ چاپ اول :سنبله ۱۳۶۶
چاپ دوم :اول حوت ۱۳۶۷
تعداد : ۱۰۰۰ جلد.
ناشر : مؤلف

پیش گفتار

خواننده گرامی ،هموطن عزیز !

قدر مسلم است که سرنوشت ملت های مستضعف وفقیر بخصوص مللی که کشورها یشان از نظر شرایط سوق الجیشی وجغرافیائی ویا نسبت داشتن منابع وامکانات دست ناخورده مادی طرف توجه قرار داشته ،پیوسته ودرطول تاریخ دستخوش آرزوهای شوم وهدف تیردسایس قدرتمندان وستمگران بوده است .

به شهادت تاریخ کشورما افغانستان عزیز بارها وبه مراتب تحت فشار رسم اسپان وحرض وآزجهان کشایان وخون آشامان ادوار مختلفه تاریخی قرارگرفته وبا تحمل قربانی های بیشمار وبه اتکای عقاید اسلامی وضد استعماری ملت سلحشورش توانسته است با شکستاندن یوغ اسارت استیلاگران ،قهرمانانه خودرا نجات داده ،قدسیت آزادی وآزادمنشی میراث پدران خودرا با غروروسرفرازی محفوظ وافتخاراتش را ثبت صفحات زرین تاریخ بشریت نماید .

کنون یک بار دیگر این کشورمجاهدپروروآزاده در برابر آزمون بزرگ تاریخی قرارگرفته واین بار ابرقدرت شوروی این دشمن استیلاگربا برخ کشیدن نقاب های دوستی ،همکاری ،این ویا آن سعی نمود ،با استفاده ازحیله ونیرنگ های استعماری مولودقرن بیستم اگربتواند

با بکاربردتاکتیک های شیادانه وپیشکش نمودندانه های بمثابه دام اسارت ودرتبانی با نیرنگ های تکرارشده تاریخی دررا ه رسیدن به اهداف درازمدت استعماری اش این کشورآزاده رازیریوغ ننگین اسارت خودخوردنماید. فرزندان قهرمان آن پدران بلاکشیده وغازیان تاریخ این بارنیزمصمم اندباپرداخت بهای سنگین وتعقیب راه نیاکان قهرمان شان باردیگربا ریختن خون های پاکشان میهن عزیزخودها راگلگون نموده وخاک مقدس ومیراث نیاکان شانرا ازلوث کثیف این دشمن خبیث ونابکارکه درجهت تهدیدکلیه مقدسات ما بمراتب سفاک تر، درنده تر، وخطرناکتر ازاستادان استعمارگرشان اند. پاک سازند.

با توجه به حساسیت لحظات تاریخی وبه امیداینکه خواهم توانست اقلاً گوشهء ازاهداف درازمدت واستعماری دیکتاتوران کرملین راکه درزمان زمامداری تزاران روسیه وسیله تشکیل امپراطوری روسیه گردیده وبعداً با قدرت گرفتن دیواستعمارکرملین نشینان کمونیزم که ازطریق براه انداختن جنایات، فجایع وقتل عام وتحت نام تحمیل ایدئولوژی منحط مارکسیزم- لنینیزم مظالم وحشیانه تراز دیکتاتوران جنگیزی وددمنشان تزاری رابرملت روسیه روا داشته وبپیوست آن با بکاربردفریبکاری های شیادانه وافسون های رنگارنگ درپی غارت واستیلاء کشورها وملل فقیرجهان برآمده اند، تاحدممکن وبرمبنای واقعیت های عینی وچشمدیدبرملاء ساخته وحداقل دینم را اگرمقدورشود دربرابرما دروطن انجام دهم.

انعکاس اهداف درازمدت کرملین نشینان کمونیزم که آراسته با سیاست های جدیداستعماری (نیوکلونیالیزم)

سرنوشت ملت مظلوم وقهرمان کشور محبوب ما افغانستان عزیز را هدف تیر دسائیس نابخردانه وتجاوز وحشیانه خود قرار داده اند در محراق توجه رساله کوچک حاضر تجلی نموده است .

در اشاعه محتویات این نوشته سعی بعمل آمده تا حوادث تاریخی وتذکرات لازم فارغ از تاثیر احساسات عقیدتی نویسنده ، متکی بر واقعیت ها وبا استفاده از ماخذ عام مهم مانند اخبار ، جراید ونشریه های رسمی مطبوعات ، آثار یکعده از نویسندگان ومورخین شهیر کشور وچشم دیدهای همگانی مردم از حوادث وقایع نویسی گردیده ومورد تحلیل وارزیابی قرار گیرد . البته نسبت کثرت ماخذ از توضیح واشاره آنها در پاورقی ها انصراف بعمل آمده است .

امید مطالعه گذارشات وتحلیل این نوشته که دربرگیر اجمالی اکثریت حوادث ، رویدادها وطرح های استعماری توام با توضیح سوابق تاریخی بوده وخاصتاً ترسیم اکثر زوایای تهاجم ابرقدرت شوروی را الی سال دوم بقدرت رسانیدن ببرک کارمل آن شاه شجاع ثانی تاریخ معاصر کشور ما (۱۹۸۱ میلادی مطابق ۱۳۶۰ هجری) را منعکس میسازد ، عطش خوانندگان گرانقدر را تا حدودی مرتفع نماید .

نسبت معاذیر ضعف قدرت نویسنده گی وضعف حافظه شاید نارسائی هائی در قسمت تفصیل موضوعات ، انسجام مطالب عدم تذکار فعالیت همه قوماندانهای قوای محترم جهاد ومسوءلین محترم تنظیم های جهادی وفراموشی نام عده از شخصیت های مهم که درپیشبرد امر جهاد انقلاب اسلامی ما سهم ارزشمندی داشته اند بنظر برسد . وهم ممکن است محدودیت توانائی علمی در ارائه معلومات تاریخی ، تحلیل اوضاع وتوضیح مطالب سوالاتی را نزد هموطنان دانشمند ما در جریان